

تاریخ صنایع ایران

دکتر ج. کربنی بیمن

ترجمه مبداء ذرفی





تاریخ صنایع ایران

تألیف

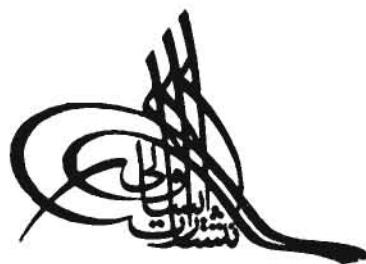
دکتر ج. کریستی ویلسن



ترجمه

۱۳۴۰

عبدالله فریار



آثار فرهنگی

تعابد انگاه تهران زیده بهیدان انقلاب مقدمه زیرین بازارچه کتاب تحقیق ۶۶۱۰۳

فهرست مدلر جات

صفحه

فصل اول	مقدّمه	
۱		
۱۵	» دوم	صنایع ماقبل تاریخ ایران
۴۲	» سوم	صنایع دیگر عهد قدیم
۵۷	» چهارم	صنایع امپراطوری قدیم ایران یا دوره هخامنشی
۸۳	» پنجم	دوره پارتها یا اشکانیان
۱۰۲	» ششم	صنایع دوره ساسانی
۱۲۶	» هفتم	بعد از استیلاء عرب
۱۴۲	» هشتم	عصر سلجوقیان
۱۶۴	» نهم	عصر مغول و تیموریان
۱۸۸	» دهم	عصر صفوی
۲۱۰	» یازدهم	انحطاط صنعت در دوره قاجاریه
۲۲۰	» دوازدهم	خانمه
۲۲۶		صورت کتابها
۲۳۱		فهرست آثار تاریخی ایران

فصل اول

مقدمه

یکی از بزرگترین خدمات ایران تمدن دنیا از راه صنعت بوده است. تاریخ صنعت افتخار آمیز این کشور از ادوار پیش از تاریخ آغاز گشته و پس از هزاران سال بما رسیده است که شاید قالی و قالیچه بهترین نمونه آن صنعت باشد. در طی فصول این کتاب سعی میشود خدمات بزرگ این مملکت و جلوه عظیم صنعتی آنرا بنظر خوانندگان برساند. بر هر ایرانی تربیت یافته واجب است همانطوریکه به کشور خود علاقمند و مفتخر است، صنعت مرزو و بوم خود نیز مباراکه از این راه بعالمند بشریت و تحکیم بنیان تمدن امروزه دنیا شده پی برد. مقصود از تألیف این کتاب که دور نمائی مختصر از تاریخ با عظمت صنایع ایران میباشد اینست که نوباوگان این سر زمین را بقدرت صنعتی نژاد خود و رموز آن آگاه نموده و آنانرا تشویق و ترغیب کند که ذوق صنعتی را که در نهاد شان جایگزین میباشد بکار انداخته خدمات گذشتگان خود را در نظر آورند و از آنان پند گیرند. در مقدمه چنین کتابی قبل از هر چیز باید معنی لفظ صنعت را دانست و آنرا تشریح و توصیف نمود. تعریف صنعت آسان نیست زیرا این لفظ شامل معانی بسیار میباشد و راجع بآن کتابها نوشته شده است. بعلاوه مفهوم صنعت چیز محسوسی نیست که بتوان بواسطه محسوسات آنرا تعریف کرد. با اینوصفت سعی میکنیم بطور اختصار چند معنی صنعت را ذیلاً شرح دهیم.

۱- تعریف صنعت

صنعت بطوریکه در این کتاب از آن صحبت میشود تنها باشیائی اطلاق میگردد

که با دست بشر ساخته شده باشد. البته بزرگترین و عالیترین صانع خداوند تبارک و تعالی است و بشر هیچ وقت موفق نشده و نخواهد شد بزیبائی درختی پوشیده از برف و یا جمال منظره غروب آفتاب چیزی بوجود آورد. بنا براین مقصود ما از صنعت چیزی است که در مخلیه صنعتگر ترسیم پذیرفته، سپس بواسطه هنر و مهارت او بصورت شیی در آمد و باشد. پس باید در نظر داشت که قشنگی و زیبائی طبیعت در توصیف ها وارد نیست. برای صنعت سه تعریف مختصر میتوان کرد:

۱ - صنعت عبارتست از بکار بردن مهارت و سلیقه در جلوه زیبائی و جمال بواسطه تقليد یا ابتکار.

۲ - صنعت عبارت از وسائلیست که بشر بدان عقائد خود را راجع به کمال بیان میکند.

۳ - صنعت عبارت است از نگاهداری و خبط زیبائیها که خمیر آدمی آنرا در یافته است.

صنعت چنانکه از تعاریف فوق مستفاد میشود دو صورت دارد؛ یکی باطنی و ذهنی، و دیگری عدلی. مرحله نخستین عبارتست از پیدایش تصورات و احساسات در خود صنعتگر که وی باید اول در عالم تصور و مخلیه خود صنعتی را دریابد، بعد عملانمونه خیالی خود را توسط اجسامی که در دسترس او است بصورت شیی واقعی در خارج مجسم سازد. در اینکار باید بدانگونه هنر و مهارت ورزد که مصنوعش مظاهر تخیلات او بوده و در عین حال زیبا و باشکوه باشد تا یعنده از دیدن آن لذت برد و احساسات او متاثر و حس جمالش تحریک گردد.

برای اینکه شیی دارای خواص صنعتی و از بداعی بشمار آید باید زیبا و باشکوه بوده و در ساختن آن سبک و سلیقه بکار رفته باشد.

سبک عبارتست از خصائص انفرادی کارهای یک یا چند صنعتگر. این عده را میتوان در یک طراز جای داد و کارهای آنان را از سایرین تشخیص کرد. همچنانکه در

اصطلاح ادب، نویسنده‌گان دارای اسلوب خاص و مشترک را مکتب مخصوص خوانند، در صنعت نیز مکتب مخصوص را توسط سبک از سایر مکتبها امتیاز میدهند.

سلیقه عبارتست از شناختن و تشخیص خوبی و بدی در صنعت و حسن انتخاب و درک و احساس برتری و خوبی صنعتی. گذشته از تولید صنعت که بدلت صنعتگران انجام می‌آید، بموضع مهم دیگری نیز باید توجه داشت و آن عبارتست از قوه درک و تقدیر صنعت، و هر شخص تربیت شده متمدن برای درک احساسات عالیه زندگی باید آنرا در خود ایجاد کرده بپروراند. ما همه نمیتوانیم صنعتگر توانا باشیم و شاید آن استعداد و هنر در ما نباشد که شیء صنعتی بوجود آوریم ولی برای همه ما ممکن است که حس "تقدیر صنعت را در خود پرورده و سلیقه برای تشخیص خوبی و بدی بیاییم تا از شاهکارهای صنعت محظوظ شویم.

در اروپا و امریکا بین صنایع مستظرفه و صنایع عملی فرق نهاده میشود. صنایع مسئله‌ظرفه یعنی صنایعی که پیدایش آنها فقط برای ایجاد و تنها بمنظور ارائه زیبائی و جمال باشد نه استفاده مادی. مراد از صنایع ظرفه رفع احتیاجات روزانه و عمومی نیست، بلکه برای عشق بزیبائی و جمال و ایجاد چیزهاییست که انسان از دیدن آن خوشوقت شده حظ و لذت روحی برد. ما میل داریم مردم این کشور را بدان تشویق و ترغیب کنیم که صنعت را بخودی خود و برای خاطر صنعت دوست بدارند.

همانطور که عشق بحقیقت و خوبی وجود دارد باید عشق بزیبائی و جمال را نیز بوجود آورد و صنعت را از جنبه صنعتی آن پرساند. در این کتاب صنایع ظرفه را مورد توجه قرار خواهیم داد. معماری، تزئین، تذهیب، نقاشی و مجسمه سازی از صنایع ظرفه بشمار می‌آیند.

صنایع عملی عبارت از ساختن اشیائی است که نه تنها دارای زیبائی و جمال میباشند بلکه بیشتر استفاده مادی از آنها میشود. نوq و سلیقه صنعت همیشه در میان ایرانیان وجود داشته و جزء زندگانی روزانه آنان بوده است. پس اغلب صنایع ایران جنبه

عملی داشته و از صنایع عملی بشمار می‌آیند. از این رو میتوان گفت در زبان و ادبیات ایران صنایع مستظرفه و صنایع عملی را تفاوتی نیست.

۲ - روابط و تماس صنعتی ایران با مملک دیگر

تا چندی پیش علما و متبحرین را عقیده بر این بود که قسمت عمده صنایع اولیه ایران از تمدن مملک جلگه بین النهرين اخذ و کسب گردیده است ولی اکتشافات سالهای اخیر عقیده فوق را نقض کرده و تصور قوی میروود که تمدن از فلات ایران رو بمغرب و جلگه بین النهرين قدم نهاده باشد. در اینجا نامناسب نیست که آیه دوم باب یازدهم سفر پیدایش توره را نقل کنیم: « و واقع شد که چون از مشرق کوچ میکردند همواری ای در زمین شنوار یافتند و در آنجا سکنی گرفتند. » مشرق عراق البته ایران است و این آیه عقیده جدید علمارا که تمدن از فلات ایران بجلگه عراق رفته و ایران قدیمترین مهد تمدن دنیا بوده، تقویت و تأیید مینماید.

پروفسور لنارد وولی (C. Leonard Woolley) که یکی از معروفترین باستان شناسان عراق میباشد در کتاب خود « اور کلمه » صفحه سی میگوید: « سومریها عقیده داشتند که قبل از آنکه بجلگه عراق بیایند خود دارای تمدن و از فلاحت و ساختمان و تغییر شکل فلزات و خط بهره‌مند بوده و این اطلاعات را با خود بعراق آورده‌اند. »

محقق است که در قرون سابق رابطه صنعتی بین ایران و ممالک همجوار مستقر بوده و حتی ایران تماس صنعتی با مصر و یونان از طرف مغرب و با چین از طرف مشرق داشته است. رابطه ایران و چین قبل از زمان کورش کبیر شروع شده و قرنها وجود داشته و آثار آن در صنایع مملکتین مشهود است. حمله و تسخیر مصر توسط سلاطین هخامنشی و همچنین سالهای بعد توسط ساسانیان آثار صنعتی ایران را آنگونه بر جای نهاده که در قسمت کاشی کاری هنوز باقی است. در زمان هخامنشی صنعتگران مصری نیز با ایران آمدند و نفوذ صنعتی آنان در شوش و تخت جمشید کاملاً هویدا است. تأثیر نفوذ صنایع آشور نیز در همین زمان در ایران مشاهده میشود.

در باب نفوذ صنایع ایران و یونان تحقیقات زیاد شده و این مسئله هنوز مورد بحث اهل فن میباشد. شکی نیست که ستونهای عظیم نخت جمشید قبل از ساختمانهای کلاسیک یونان از قبیل «پارتنون» ساخته شده ولی از نوشهای کتبیه داریوش معلوم میشود که کارگران یونانی در ساختن طالارهای بزرگ شوش شرکت داشته و از هنر و استادی آنان استفاده میشده است. پس از غلبه اسکندر کبیر بر ایران نفوذ صنعتی یونان رو بفروزی رفته و در زمان اشکانیان، که زبان رسمی دربار یونانی بود، استمرار داشت.

در عهد اشکانیان ایران رابطه صنعتی با امپراطوری روم داشته و ساسانیان این بیوندرا نگستند، بلکه پس از انقراض امپراطوری روم در مغرب، ایران رابطه صنعتی خود را با جانشین آن یعنی امپراطوری روم شرقی در قسطنطینیه دوام داد.

سبک منسوجات ایران در تمام ممالک شرقی مدیرانه مورد توجه و تقلید بوده است. سبک ساختن ظروف سفالین مغرب ایران که گبری نامیده میشد در بیزانسیوم و پس از آن در خود ایطالیا مورد توجه قرار گرفته تقلید میگردیده است.

پس از فتح اعراب و تشکیل ممالک اسلامی تمدن و صنایع ایران بر اعراب بدی فائق آمد و نفوذ صنعتی ایران بزودی در تمام ممالک مفتوحه انتشار یافت. معماری ایران در سراسر بلاد اسلامی تقلید میشود و صنعتگران ایرانی تا دورترین نقطه ممالک متصرفه اسلام یعنی اسپانیول رفته اقامت گزیدند.

کتابهای اروپا در قرون وسطی از حیث شکل از کتب ایران تقلید میشند. تمدن، ادبیات و صنایع خلف‌ای عباسی در قرن نهم میلادی تابع نفوذ و تأثیر تمدن مزبور بوده و عظمت و جلال خلافت بنی عباس رهین سعی و اهتمام ایرانیان و بدست نویسنگان و هنرمندان ایرانی نژاد شهرت یافت.

راسل استرجیس (Russell Sturgis) در کتاب تاریخ معماری خود جلد ۲ صفحه ۵۸ مینویسته که معماری ایران باندازه معماری روم بارو پای قرون وسطی خدمت کرده است. اصل و مبداء پیدایش گنبد و طاق هلالی در معماری هنوز روشن و معلوم نگشته ولی محقق است که ایران نه تنها این شکل بلکه بسیاری از نکات دیگر معماری را بارو پا

برده و اروپائیان از آن نمونه گرفته‌اند. ترکان صنعت و تمدن خود را از ایرانیان اقتباس کرده و در تمام دوره تاریخ خود تحت نفوذ صنعتی ایران باقی ماندند. اروپا بایران از حیث صنایع و ام بسیار دارد. صحافان ایتالیائی از روی کتب ایرانی کرمیکرده از آنها تقلید مینموده‌اند. تصور می‌رود که عده‌ای از فلز کاران تبریز ۵۰۰ سال قبل دکانی در شهر ونیس داشتند. می‌گویند چالز دوم (۱۶۶۰-۱۶۸۵) پادشاه انگلستان را بقدرتی از اسلوب لباس ایران خوش آمد بود که تا مدتی لباس رسمی در بار انگلیس از لباس ایرانیان تقلید می‌شد. در زمان مغول نفوذ صنعتی چین در ایران رو بازدید رفت ولی بزودی مقهور و مغلوب صنعت ایران گردید.

در زمان صفویه مینیاتور و نقاشی ایران باعی درجه ترقی خود رسید. صنایع ایران در این زمان بدربار سلاطین مغولی نژاد هند راه یافته و در آنجا ترقیات شایان کرد. وقتی انقلابات مغول و خونریزی در ایران زیاد شد صنعتگران و پیش وران ایرانی بدربار مغول هند پناه برده در آنجا مشغول کار شدند. تماس و رابطه صنعتی ایران با ممالک دیگر تازه‌مان حاضر ادامه دارد.

از این گزارش مختصر راجع به تماس و رابطه صنعتی ایران با مملک دیگر چنین بر می‌آید که ایران بسیاری از نکات صنعتی را از ممالک دیگر کسب کرده ولی بطور مسلم صنایعی که بملل دیگر جهان ارزانی داشته از آن بسی بیشتر است. در ظرف اینمدت و خلال تمام تغییرات و حوادث و تماس و روابط با دیگران صنعت ایران از خود سبکی مخصوص داشته و از آن انحراف نپذیرفته است. درست است که ایران مانند سایر ملل از دیگران تقلید کرده ولی آنچه گرفته باندازه‌ای با صنایع خود وفق داده که جزء تجزیه ناپذیر صنایع ایران گردیده است. این نکته باعث افتخار ایران است که در قسمت صنعت نیز مانند قسمتهای دیگر هیچگاه مغلوب اراده و نفوذ دیگران نشده بلکه آنچه گرفته چنان آنرا هم آهنگ خود کرده که ملیت و اصیلت اولیه آنرا از میان برده و ایرانی ساخته است. در خاتمه این مبحث باید یادآوری کرد که صنعتگران ایرانی همیشه خود را

قابل و لائق نشان داده و آنچه از دیگران گرفته بصورت صنایع ملی خود در آورده و در شبهه تقلید و اقتباس سرآمد اقران بوده اند و اصول زیبائی را هیچوقت از دست نداده و در تمام آثار خود آنرا آشکار ساخته اند.

۳ - جمع آوری مطالب راجع بصنایع ایران

صنعت ایران بقدرتی مهم و عظیم است که تا کنون فنا پذیرفته و روز بروز برترقی و جلوه آن افزوده میشود. قسمت زیادی از اطلاعات راجع بصنایع ایران در سالهای اخیر کشف شده و بدست ما رسیده است. سابقاً اشیاء و نمونه‌های صنعتی در نقاط مختلفه این کشور یافت میشد و از اینرو میدانستند که ایران باید دارای تاریخ صنعتی بزرگی باشد ولی کشف حقائق و ترتیب آنها از روی مدارک علمی موضوعی تازه و جدید است. با اینحال در بعضی فستمها هنوز اطلاعات مأباندازه کافی نیست و مسائل زیادی در دست است که تا به حال توفيق حل آنرا نیافته ایم. بنا بر این برای اهل این کشور فرصتی مناسب موجود است که نخست بعظمت و ترقی صنعت خود پی برده از آن پس تبع و تحقیق کرده اطلاعات جدیدی در این رشته بدست آورند. جای تأسف است که تا حال کسی از اهال ذوق متوجه این قسمت نبوده و آنرا مورد مطالعه قرار نداده است و حکمیت مصنوعات ایران بدست دلالان تجارت بوده است که جز استفاده مادی منظوری نداشته اند.

مطالب و حقائق زیادی که امروز بر ما مجھول است وقتی روشن خواهد شد که عموم یا عده زیادی از مردم این سر زمین بتاریخ صنعت گذشته این کشور علاقه یافته‌اند در آن مطالعه و تحقیق علمی گنند. موزه دولتی در تهران وقتی یکی از بزرگترین گنجینه‌های دنیا خواهد شد که ایرانیات اشیاء و نفائس صنعتی خود را از نظر تجارتی و مادی فنگرند و آنها را تکه های کوچکی بدانند که وقتی بر روی هم گذارده بهم پیوندند پرده با عظمتی از تاریخ صنعت و تمدن قدیم ایران پدیدار گردد.

اشیاء صنعتی قدیمی که در نقاط مختلفه ایران پیدا میشود البته از نظر صنعت گرانبه است و نکات مهمی از آنها کشف میگردد، ولی تاریخ صنایع ایران تنها بو سیله

تحقیقات علمی دانشمندان باستان شناس و حفاریهای آنان بدست خواهد آمد. اشیاء بسیاری توسط رستائیان و برزگران و اشخاص بیعلاقه بحفاری بدست آمده و حقائق زیادی راجع به تاریخ صنایع ایران از میان رفته بعلت آنکه این اشخاص از روی اصول و قواعد علمی بحفاری نپرداخته اند و منظور آنان فقط استفاده مادی بوده است. باستان شناسان تپه ای در یکجا و قصر یا معبدی در جای دیگر کشف کرده کشفیات خود را جمعاً مورد مطالعه دقیق قرار داده از روی آنها یک صفحه از تاریخ حقیقی صنعت و تمدن ایران را بما مینمایند. امروز مطالب زیادی از تمام نقاط این کشور و از تمام اقطار عالم جمع آوری شده و میشود. این مطالب را باید با دقت تمام مانند حل یک معما پیش هم نهاد تا استفاده کافی از آنها برده شده رموز و مجھولاتی بر ما آشکار گردد.

تاریخ صنایع ایران را میتوان بکاشی کاری بزرگی تشییه نمود که قسمتهاي مختلف آن پراکنده و در زمین پنهان گردیده است و باید تمام این قسمتها پیدا شده پیش هم گذارد شود تا نقشه کاملی از تاریخ صنعت ایران بدست آید. البته روزی تمام این قسمتهاي پراکنده کشف خواهد شد و تصویر بزرگی از خدمت یک ملت بعالی تمدن آشکار خواهد گردید.

۴ - طول تاریخ صنعتی ایران و وسعت آن

حفاریهای اخیر نشان میدهد که ایران بایستی دارای صنعتی قدیمیتر از آن مصر و بابل باشد. نقاطی که در شوش، تخت جمشید و دامغان حفاری شده تاریخ صنعتی ایران را تا شش هزار سال قبل میرساند و ظروف سفالینی که بدست آمده نشان میدهد که باید قرنها بطول انجامیده باشد تا این درجه پیشافت حاصل شده باشد. اکنون باید دید تمدنی از این قدیمتر بوده یا نه. از شباهت تامی که کشفیات و اشیاء نقاط مختلفه ایران و اطراف آن بهم دارند چنین معلوم میشود که مرکز تمدن صفحات اطراف در فلات ایران بوده است. مدارک و علاماتی در دست است که این مرکز را در آذربایجان نشان میدهد. در اطراف دریاچه رضاییه تپه های پیدا شده است که متعلق بعصر حجر میباشد. در این حدود



بشقاب کنده کاری سفالی از اوائل عصر اسلامی



تصویر حکایت خر چنگ و ماهی‌خوار و ماهی
(متعلق به دولت شاهنشاهی ایران)



چنگ شتران کار بهزاد در سن هفتاد
(متعلق به دولت شاهنشاهی ایران)

هنوز حفاریهای علمی نشده و اگر کاوش‌های علمی در این منطقه بشود ممکن است، تهدیت ابتدائی تر و قدیمتر از آنچه بر باستان شناسان در نقاط ایران مشهود گشته بdst آید، با مدارکی که در دست است تاریخ صنایع ایران از شش الی هفت هزار سال قبل آغاز می‌شود؛ این تاریخ ترقی و تکامل بشر را از دوره بربریت تا هر حمله تمدن مینمایاند.

شاید تصور شود که کتابی باین کوچکی گنجابش آرا ندارد که تاریخ صنعت هفت هزار ساله این مملکت را شرح دهد. البته گنجانیدن آن در این کتاب سی دشوار است ولی اگر بتوانیم بدینوسیله ایرانیا بیان را بعظمه و اهمیت این موضوع یعنی صنایع ایران آگاه ساخته و آنها را تشویق و علاوه‌نمود بناموس صنعتی خود کنیم، مغلوب خود را از نوشتمن بافقه ایم.

تاریخ صنایع ایران گذشته از قدمت زمان در هر عصر، گوناگون و دارای فضمهای بسیار هیباشد زیرا که از کوچکترین مورهای سنگی آغاز و به کتیبه‌های عظیم در دامنه کوه‌ها ختم می‌شود و شامل میناتورهای کوچک که باندازه یک تمپر پست بیش نیستند تا قصرهای با شکوهی که پس از هزاران سال هنوز مورد حیرت و تعجب عالمیان هیباشد. میگردد.

باید مجدداً باد آور شویم که در این کتاب نمیتوانیم از جزئیات تاریخ صنایع ایران سخن برانیم ولی امیدواریم که کلیات موضوع را بنظر خوانندگان رسانده و آنرا بعضی صنعتی نژاد خود متوجه سازیم تا بدان مباحثات و افتخار کنند.

۵ - خصائص صنایع ایران

صنایع ایران دارای خصائص مخصوصی است که در تمام ادوار تاریخی نمایان و در هر عصر که بخواهیم در آن باب نظر کنیم بدان برخورده آثارش را هویتا هینگریم. یکی از خصائص آن رنگ آمیزی و هم آهنگی است. این خاصیت از زمان بسیار قدیم و از بدرو صنایع ایران دیده می‌شد. نمونه‌های آن در کاخهای با شکوه پادشاهان

هخامنشی، در کتبیه‌ها و حجت‌گاهی‌ای عظیم آنان که بر نگهای مختالف ریخت داده شده. در دیوارهاییکه با کاشیهای شفاف و در داخل اطاوهاییکه با پرده‌ها و قالیهای قیمتی مزین شده، مشهود می‌گردد.

از همان زمان صنعتگران ایران با رشادت و تهوری که برای هیچ صنعتگر میسر نبود بر نگ آمیزی عجیب، و ترکیب رنگهای مختلف مبادرت کرده اند رنگهای پرده‌ها و قالیها با رنگهاییکه روی شیشه در کلیساها بزرگ اروپا بکار رفته رقابت و برآبری می‌کنند. گوئی که کوههای گران سنگ و لخت این کشور و صحاری و کویرهای خشک آن بقیاس با باغهای مصفا و پرگل و ریاحین در دلهای این مردم عشق و علاقه برای رنگهای روشن و درخشان ایجاد کرده و رنگ آمیزی آنانرا در جمله شاهکارهای صنعتی دنیا قرار داده است.

یکی دیگر از خصائص صنعتی ایران که از دیر باز وجود داشته عشق و علاقه بصورت آرائی حیوانات می‌باشد. صنعتگران ایران در کمال مهارت و برآزندگی از عهدۀ تجسم حیوانات برآمده اند. این علاقه و مهارت را از قدیم الایام تا عصر مفرغ (برانز) لرستان و حتی در نقشه قالیهای عصر حاضر میتوان یافت. بر عکس بشکل و هیکل انسان، آنطور که در صنایع یونان مورد توجه بوده، در صنایع ایران توجهی نشده است.

دیگر از خصائص صنعتگران ایران اینست که به نقشه بیشتر اهمیت میداده اند تا تجسم حقیقی اشیاء. چنانکه در طبیعت دیده می‌شود. به گل و گیاه و درخت و حیوانات از زمان قدیم سبک مخصوص داده سایرین از آن پیروی کردند تا زمانیکه برای ساختن هر چیز نمونه‌ای متعین گشت. کم کم این نقشه‌ها درهم و پیچاییچ گردید. در طی قرون و اعصار صنایع ایران این کمال مطلوب را پیروی کرده و در همه احوال فکر راهنمای چشم بوده و در ساختن اشیاء و تولید آن فکر بکار رفته است و بدین جهت صنعت ایران دارای وضوح و روشنی مخصوص است و صنعتگران همواره از ساختن چیزهایی که واضح و معین نبوده اجتناب کرده اند.

چیزیکه صنایع ایران را مشخص می‌سازد همانا سادگی و آرایش بسیار

میباشد. گرچه صنایع ایران از روی اصول و سبک معلومی بوده، اما از راه خویش باز نگشته بدرین معنی که در کلیه مصنوعات ایران، بهر طرز و سبک اسلوبی خاص و متمایز دیده میشود و همین وحدت سبک صنایع ایران را بدرجۀ عالی رسانیده است. ضبر و خوصله‌ای که از خصائص نژادی ایرانیان است، در صنایع آنان بخوبی مشهود و هویدا است، واگر جز این بود ممکن نبود، زیرا صنایع مانند بافت‌گی باست، بافتن قالی و قالیچه، منبت‌کاریهای اعلاو میناتورهای دقیق محتاج بصر و دقی است که از عهده همه کس ساخته نیست.

بالاخره میتوان گفت که صنعت ایران بواسطه قدرتی که در ترکیب ورنگ آمیزی آن بکار رفته مشخص شده است. در طرح 'صنایع ایران راهنمای تمام عالم' بوده و تمایل صنعتگران باین بوده است که تمام اشیاء را از روی اصول و سبک مخصوصی جلوه دهند. بعضی از شاهکارهای ایران نمونه کاملی است از شکیبائی و دقت ایرانیان. این خصائص و بسیاری دیگر که ارائه و تعریف آن مشکل میباشد صنایع ایران را یکی از بزرگترین خدمات بشر بزیبائی و جلوه صنایع دنیا کرده است.

۶ - تقسیم بندی صنایع ایران و طرز مطالعه در آن

صنایع ایران در این کتاب بصورت تاریخ بیان گردیده است و سعی شده ترقی و نمو صنعت از روی گذارش زمان نشان داده شود، شاهکارها و کارهای برجسته هر عصر و سلسله بطریق ذیل مورد توجه قرار خواهد گرفت.

الف - سفال سازی و ظروف سفالین

این قسمت از زمان دیرین یعنی پیش از تاریخ شروع میشود. بدون شک کارگران ایرانی را در ترقی و تکامل اولیه این صنعت سهم بزرگی است. ظروف سفالین و شیشه سازی و کارهای گلیه عهد صفویه با صنایع چین که اول مملکت دنیا در سفال سازی است برابر میکند.

ب - معهادی

آغاز این صنعت از زمانی است که بشر نخستین گوخر و گلبه گلی ساخت و تازمان شاهنشاهان هخامنشی که قصور و کاخهای بلند و با شکوه ساختند ادامه مییابد؛ قصرهای کورش و داریوش و سلاطین بعد مهارت و استادی ایرانیان را در این فن میرساند و نمونه‌های جدیدی بدینیا داده است. ساختمان همیج و مناره به متوسط کارگران ایرانی بکمال رسیده در تمام علم اسلام انتشار یافت و بساختمانهای ساجقوقیان و مغول و صفویه خاتمه پذیرفت. امروز سبکی جدید که ترکیبی از معماری قدیم وجودید همیباشد در ایران معمول و متداول است. تحت عنوان سایر صنایع مربوطه آن مانند تزئین، گچیج بری، منبت کاری، آجرکاری و مخصوصاً کاشی کاری که در ایران بهمنهای درجهٔ ترقی رسیده، هزار مطالعه قرار میگیرد.

ج - هجدهم سازی و سناک تراشی

دامنه این قسمت وسیع است. از حفاریهای ماقبل تاریخ اشکانی نمونه‌های بدبست آمده که برای مردم تازه مقمدن بسیار مهم و عالی شمرده میشود. نهاد ساختمانهای تخت جمشید، کمیته داریوش کبیر در بیستون و حتی مهرهای کوچک زمانهای مختلف شامل این قسمت همیباشد. از جمله حجاریهای مشهور آنهاست که توسط سلاطین ساسانی روی تخته سنگهای بزرگ نقش گشته است. پادشاهان ساسانی میل مفرطی پیشکار داشته اند.

د - فلز کاری و کارهای چوبی و چرمی

کارگران ایرانی از آنگاه که بشر فلز را کشف کرد بساختن اسلحه و صور و اشکال فلزی پرداخته اند. اشیاء مفرغی که در لرستان پیدا شده بهترین نمونه این صنعت است که با خرین درجهٔ ترقی خود رسیده. فلزات قیمتی از قبیل طلا و نقره را نیز مانند سایر

فلزات با نوع اشکال در آورده اند و هنوز بعضی از شهرهای ایران در ساختن ظروف نقره و برنج معروف میباشند. هنبت کاری و چرم سازی نیز در بعضی زمانها مهتم بوده و در صنایع ایران باید مقامی معلوم داشته باشند.

۵- منسوجات

اگر پارچه در حفاریهای ماقبل تاریخ دیده شده است. در زمان ساسایان پارچه بافی بدین ترقی نمود که مصنوعات کارخانه های ایران در اروپا خردیار داشت و در همان سلاطین آن عصر اروپا پیدا شده است. از اینرو معلوم میشود که پارچه های ایران در خارجه مورد توجه بوده است. منسوجات ایران چندین قرن سرآمد و بی نظیر بوده و پارچه های پشمین و ابریشمین که با تارهای زر و سیم سرشته میشد لبئس سلاطین را تشکیل میداد.

و - نقاشی

اگرچه صنعت نقاشی ضمن تزیین دیوار و تصویر کتب نشو و نما کرده، معذلك ایران در این فن نیز سبکی مخصوص بدنیا داده است. نقاشی تابع قیود خاصی بوده است ولی بعضی از ارباب صنایع موضوعهای مختلف و شعب جداگانه آنرا ترقی داده و در تمام ادوار و مراحل در ایران توابع زیادی در این فن بظهور رسیده. در اروپا فن نقاشی بواسطه ارتقا آن با مذهب ترقیات شایان گرد. در ایران با اینکه تکس این قضیه در کار بوده باز هم ایرانیان بزیانی بواسطه منع مذهب از میان فنون و نقاشی با ترقی خود ادامه داد، مخصوصاً در قسم مینا کاری تراشان ایران بحثه ایران شده و میناتورهای ایران از گنجینه ها را خزانی پر قیمت جهان بشمار میرود. نقاشی در قرن پانزدهم میلادی، یعنی قبل از صفویه و در زمان سلطنت سلاطین اولیه این سلسله بی نهایت ترقی یافته و در این عصر استادان بزرگ ظهر گشتند. اخیراً نقاشی مزروع توجه شده و علاقه زیادی با این فن ابراز میشود.

ز - تحریر - کتب - تذهیب

بعلل و دلائلی چاپ در ایران دیر معمول شد و این عمل بگندی پیش رفت . غالب کتب نفیسه این مملکت با دست نوشته شده است و بهمین جهت صنعت کتابت باعی درجه ترقی رسید . خط عربی با نوع و اقسام مختلف نوشته میشود و در نوشن آن میتوان مهارت زیادی بکار برد . بعضی از خطوط را بقدرت نقاشی و میناتورهای نفیس قیمت میگذارند و صنعت کتابت که از خدمات بزرگ صنعتگران ایران است ، شامل ساختن کاغذ ، تذهیب و صحافی میشود . در تذهیب کتب مخصوصاً در تهیه سراوح آنها مهارت و ذوق عالی بکار برده شده است . اگر چه چاپ از اوایم تریت و نمویک ملت است نوشن کتب با دست و استفساخ آن کاری بس دشوار است ولی خط و تذهیب کتب همیشه از صنایع ظریفه ایران وده و خواهد بود .

ح - فرش - قالی - قالیچه

جای تعجب است که ایران در هر زمان و هر عصر در یکی از رشته های صنایع علمی راهنمای دنیا بوده است . در عصر حاضر شاید کسی منکر قدرت صنعتی ایرانیان در ساختن و پرداختن قالی و قالیچه نباشد . بعضی از نمونه های این صنعت هائند قالی مسجد اربیل که حالیه در موزه « دیکتریا والبرت » لندن میباشد ، برای آن نمیتوان قیمتی تصور کرد . در قصور سلطنتی و مکانهای عمومی و در خانه اشخاص با ذوق و معرفت قالیهای نفیس ایران دیده میشود و نمونه های بهتر آنرا برای تهیه صندلی و پشتی و تزیین دیوار بکار میبرند . در تهیه مواد و بافتون ورنگ آمیزی کارگران ایرانی پیشوا و پیشقدم دنیا بوده اند . در عصر حاضر این صنعت بواسطه استعمال رنگهای مصنوعی و تقلید از نقشه های خارجی وارد تهدید واقع گردیده است و ایران باید صنعت قالی و قالیچه را وارد دقت قرار داده مقام و مرتبه آنرا در عالم نگاهدارد .

فصل دوم

صنایع ماقبل تاریخ ایران

قبل از شروع عصر تاریخ مردمی در فلات ایران زندگی میکردند که نژاد و زبان آنان بر ما معلوم محقق است که ساکنیت اولیه این سرزمین در اوخر عصر حجر و اوائل عصر مفرغ دارای صنعت بوده و صنعتگران ماهری در بین آنان ظاهر گردیده است . بنابراین قبل از پیدایش و اختراع خط ایران دارای تاریخ طولانی در پیشرفت صنعت میباشد .

۱ - طبقه بنده اعصار ماقبل تاریخ

در مناطق دیگر جهان اعصار مختلفه مانند عصر حجر قدیم و عصر حجر جدید و بعد عصر مفرغ پشت سرهم و به ترتیب منظمی ظاهر میگردد . اما در ایران این ترتیب کاملاً واضح و روشن نیست . از عصر حجر قدیم در این منطقه اطلاع زیادی در دست نمیباشد ولی تحقیقات علمی که تا کنون صورت گرفته اینرا ثابت میکنند که تمدن در عصری که اطلاع از آن دردست نیست ، پیشرفت داشته و بدون شک حفریات دیگر این مسئله را روشن خواهد ساخت .

اسلحة مسی و زینت آلات در بقایای اعصار ماقبل تاریخ ایران خیلی زیاد بدهست آمده زیرا که فلز اول مرتبه در این قسمت دنیا کشف گردیده است . تیر و کمان و اسلحه و ابزار سنگی بمقدار زیاد در طبقات بعد بدست میاید . در پیه ماقبل تاریخی که در تخت جمشید حفاری شده از ری از فلز دیده نمیشود . دکتر ارنست هرتسفلد (۱) این تمدن را « نئولیتیک » یا عصر حجر صیقلی شده مینامند . در حفریات دیگر ظروف سفالینی

بدست آده است که نظیر ظروف سفالین طبقاتی است که فلز در آن مورد استعمال بوده است. هموز مسائل زیادی راجع به طبقه بنده عصر حجر، مس و مفرغ لا ینحل مانده است که باید پس از تحقیقات حل و روشن گردد.

بطور کلی در ایران مانند سایر نقاط اعصار مختلفه را میتوان بطریق ذیل مشخص نمود: (۱) عصر حجر، یعنی دوره قبل از اکتشاف فاز؛ (۲) عصر مس هنی زمانی که مس بدون اختلاط با فلز دیگری استعمال میشد و ادوات سنگی نیز معمول بوده است؛ و (۳) عصر مفرغ، یعنی زمانیکه فلز دیگری را با مس برای محکم نمودن آن مخلوط مینموده اند.

۲ - حفریات و کاوشهای

اطلاع و معرفت ما راجع بصنعت و تمدن ما قبل تاریخ ایران در اثر جدیت و رحمات باستان شناسان و کاوش‌های آنان است. برای درک این موضوع باید قبل از هرچیز اتالیح کاوشهای حفریات مهندسی که این اطلاعات را فراهم آورده از نظر بگذرانیم.

اولین اکتشافات بزرگ در خصوص صنعت ایران ما قبل تاریخ از حفریات شوش که آنرا شوش و سوزان نیز مینامند بدست آمده. مدت چندین سال اصل و منشاء این صنعت معلوم نبود زیرا بحفاریهای بین‌النهرین از حیث شbahتی که بدان داشت نسبت داده میشد و در عین حال تفاوت فاحشی بین این دو صنعت مشهود بود. تا زمانی فرضیه چنین بود که این تمدن ناجیه ای بوده است وطبق این فرضیه مطالب بسیاری لاینحل ماند.

در سالهای اخیر درنتیجهٔ حفاریهای دیگری که درمناطق مختلف ایران بعمل آمد این مسئله هیرهن گشت که تمدن و صنایع شوش فقط جزئی از تمدن بسیطی بوده که در تمام فلات ایران و نواحی و اطراف آن بسط داشته است. بتای این لازم است حفاریهای شوش و آخرین کاوش‌های باستان شناسان را که منبع معرفت و اطلاع ما در خصوص ایران ماقبل تاریخ و صنایع آنست مطالعه کنیم.

الف. حفریات شوش

شوش یکی از بlad عیلام و بعد ها یکی از پایتحتاهای شاهنشاهان هخامنشی بوده است. خرابه تمدنی گذشته در چهار تپه مهم بدست آمده است. تپه اول که شهر حقیقی و قلعه بر کری بوده سی و هشت متر ارتفاع دارد. تپه دوم در طرف مشرق واقع و مکانی است که قصر داریوش اول در آنجا بوده است (راجح باینم موضوع در فصلهای بعد بحث خواهد شد). تپه سوم که در طرف جنوب واقع شده خرابه های شهر بزرگ عیلامی داشان میدهد و تپه چهارم خانه های معمولی بوده است.

در سال ۱۸۹۱ هیئت فرانسوی تحت ریاست ج. دومرگان (۱) حفریات شوش را شروع کرد. آثار و بقایای اعصار ماقبل تاریخ از زیر خاک بروان آمده و قبرستانی از تمدن خیلی اولیه در آنکان پیدا شد که تقریباً شامل دو هزار قبر بود. بعد ثابت شد که اغلب از اجساد دفن نانوی بوده است بدین معنی که بدن را در عرض هوا قرار میدادند و پس از آنکه گوشت آن را از این میشد در قبرستان دفن میکردند. بدین طریق در اعصار ماقبل تاریخ برسم و عادتی مواجه میشویم که بعد ها دو مذهب زرتشت در باره رفتار با اموات از آن تقلید و اقتباس شده است.

معمولاً باستان شناسان هر طبقه را که کشف میکنند به نمره های رومی نمره گذاری مینمایند مانند I، II وغیره. تفحیفات و مطالعات دقیق علمی اغلب تقسیمات جزء دیگری را ایجاد میکنند و این تقسیمات جزء را بوسیله حرف متمایز میگردانند. مثلاً پائین ترین طبقه تمدنی که در شوش پیدا شده بنام ذیل نامیده میشود:

شوش I این طبقه نماینده اولین تمدنی است که در این محل کشف گردیده در تاریخ آنرا میتوان در اوائل عصر میانیان نمود زیرا ادوات مسی در این محل بدست آمده است.

مردم این زمان به برگری و زراعت اشتغال داشته غله و الیاف بعمل میاورند و این الیاف را با مهارت تمام بافته بصورت پارچه در میاورند. شکار در

زندگی این مردم از مشاغل مهم و حیاتی بوده و بدون شک باهی نمودن بعضی از حیوانات موفق شده بودند. اسلحه عمومی این زمان فلاخن بوده ولی تیر و کمان نیز مورد استعمال داشته است. سر تیرها را از سنگ چخماق صیقلی شده می‌ساخته‌اند. چخماق‌هاییکه دارای سر سنگی بوده استعمال می‌شده و تبرهای خود را از سنگ تیز شده نیز تهیه می‌نموده‌اند. ولی تبر مسی نیز هم‌مول بوده است. در قبور آن‌مان اسکنه، سوزن سوراخ دار، و آئینه مسی نیز کشف گردیده است.

شاید بزرگترین عملیات ایرانیان این عصر سفال سازی بوده است. در این قسمت یک سبک و همارت صنعتی دیده می‌شود که می‌بایست قرنها بطول انجامید تا بدین پایه رسیده باشد. این سفال زرد رنگ است و روی آن بر رنگ سیاه نقاشی شده است. قبل از آنکه سفال را در کوره بگذارند نقشه را روی آن دسم می‌کرده‌اند.

۱ ممولاً سفال را بسه قسم می‌توان تقسیم کرد: (۱) آبخوری که کف آن صاف آست، (۲) کاسه یا قدر، (۳) دیگ. مورد استعمال این اشیاء بطور کلی بقرار ذیل است: بخوری برای نوشیدن، کاسه یا قدر برای غذا خوردن، و دیگ جهت پختن و نگاهداری غذا. این سه قسم عمده هر یک بانواع و اقسام مختلف ساخته می‌شده، بعضی از دیگهای دارای لوله می‌باشند که برای ریختن مایعات بکار برده می‌شده است. هیچیک از این ظروف دارای دسته نیستند ولی بعضی از آنها دارای سوراخی می‌باشد که ریسمان را می‌توان از آن گذراند.

قسمت جالب توجه در ساختمان کاسه و دیگهای سفالی عبارت از کعب آنهاست که برای استقرار آنها تعییه شده است. این قسمت لازمه نمو و ترقی زیادی در صنعت سفال می‌باشد. تزیین و نقاشی آنها بشکل اشکال هندسی است و تصویر حیوانات و پرندگان نیز دیده می‌شود. در همیان این تصاویر شکل حیوانات از قبیل گاونر، بزکوهی، سگ، هار، لاک پشت، برنده ای با گردن طویل، عقابی با بالهای گشوده و بندرت اشکال انسان نیز دیده می‌شود. این تصاویر بسبک مخصوصی کشیده شده و نشان میدهد که صنعتگر در زندگانی حیوانات دقیق کرده و راجع بشکل و عادت حیوانات اطلاعات عمیق داشته است، این تصاویر نماینده سلیقه و ذوق صنعتگر می‌باشد. غالباً یک خط معنی زیادی در بر دارد و با یک قلم زندگی

شکل و حرکت حیوانی نشان داده شده است. بسیاری از اشکال هندسی همین تصاویرند که بمرور زمان در نتیجه نمو و ترقی بدین شکل در آمده اند.

گ. ڪنٽنو (۱) در فصلی که تحت عنوان «صفعت سفال اولیه» در کتاب بزرگ «صنایع ایران» دارد عقیده مند است که اشکال هندسی که در روی سفال مشاهده میشود هر یک معنی مخصوصی دارد. مثلاً خطوط متوازی منكسر که در دائره یا مستطیلی میحاطند و یا اینکه در چیزی محاط نبوده و ساده باشند مقداری آب را مینمایند مثلثی که در درون آن شکل شطرنج رسم شده باشد نماینده کوه میباشد. سطحی که خطوط مایل روی آن رسم شده باشد نشانه زمین زراعتی است. بنابراین مشاهده میشود که این اشکال نوعی از خطوط تصویری است، بنا براین قبل از آنکه خط حقیقی پیدا شده باشد اشکال و نقوش روی سفال را میتوان کتب اولیه ایران دانست.

مجسمه گلی که متعلق بطبقه اول میباشد شاید ربة النوع طبیعت را نشان میدهد گچه ساختمان و شکل آن جالب توجه نیست و تعیین زمان آن مشکل میباشد. علامات واشکالی که روی سفال دیده میشود مانند صلیب، سواستیکا واشکال مختلف مثلث وغیره، ممکن است با مذهب و خدايان آن عصر مربوط و یا نماینده طلس و جادوی آزمان باشد. اشکال و نقوش حیوانات و طیور که در روی سفال دیده میشود همکن است نتیجه نفوذ صنعت سبد بافی باشد زیر این اشکال شباهت زیادی بتصاویر حیوانات و طیور روی اشیائیکه با ترکه درخت و ساقه غلات بافته میشده دارد. از جمله آلات زینت و آرایشی که از طبقه شوش I قسمت الف بdst آمده است گردن بندیست که از گوش ماہی و سنگهای مختلف ساخته شده و انگشت هائیست که از گوش ماہی درست شده است. مهری که بنتظر میرسد تعلق باینزمان داشته باشد نیز کشف گردیده است. این مهر بشکل نیم کره ایست که وسط آن دارای سوراخی میباشد و بهرهای عصر بعد شباهت دارد و شاید از قدیمترین مهرهای است که بdst آمده است.

شوش I ب بیشتر اشیائیکه در تحت این عنوان قرار گرفته در خود شوش

بدست نیامده است بلکه متعلق به کانهای تزدیک شوش مانند «وسیان»، جعفر آباد و غیره میباشد. کرچه سابقاً عقیده بعضی بر این بود که سفال اینزمان دنباله همان سفالهای شوش الـ بوده و ترقی و تکامل خود را سیر کرده است ولی حفريات اخیر نشان میدهد که این سفالها متعلق به زمانی زودتر و قدیم‌تر از عصر شوش^I الـ میباشد. ظروف قرمزنگ شفافی که در تزدیکی شوش بدست آمده جزء سفال این عصر و تحت عنوان فوق قرار داده شده است ولی این ظرف ممکن است نفوذ سفال خارجی را در ایران نشان دهد.

شوش I ج و ۵ این دو طبقه را گاهی روزخ بین تمدن قدیم شوش^I و شوش^{II} که بعد شریع خواهد گشت میدانند. کلدانها و ظروفی که از این زمان بدست آمده دارای نوعی رنگ صیقلی شده قرمز است و اولین نمونه سفال سازی با چرخ میباشد. ایجاد چرخ قدم همی در صنعت سفال سازی بوده است و قوئه تولید آنرا بیشتر کرده است. کوزه های این عصر دارای دسته هستند و ظروف لوله دار مانند قوری وغیره معمول گشته است دیگهای اینزمان بدون نقشه و رنگ میباشد و تزیین سفال در اینزمان مترونک شده است. در اینزمان تبر و بیلجه مسی ساخته میشده در حالیکه همین ادوات را از سنگ نیز میساخته اند. مسگر در این عصر بادگرفته است که برای تبر جای دسته بسازد و این قدم همی که در اینراه برداشته است. مهرهاییکه تعلق با این زمان دارد فراوان است و بشکل تکمه مسطوح میباشد که در وسط یاد رروی دسته کوچک آنها سوراخی تعییه گردیده و غالباً آنها از سنگ ساخته شده است. آلات و ادوات استخوانی بیزا این عصر کشف و در روی بعضی از آنها اشکالی نقش گردیده. از جمله تصویر مردی است که برآسب یا الاغی سوار و شاید قدیم‌ترین «درک سواری در دنیا باشد».

عصر شوش^I قدمت «ج» بدون وقفه بزمان «د» منتهی «میگردد. سفالهای اینزمان تمام با چرخ ساخته شده و ظروفی بشکل حیوانات از «ره» رخیزد بدست آمده است. آلات و ادوات فلزی در این عصر خیلی زیاد و اشکال سفال شبیه باشکال ادوات فلزی است. بعضی از ادوات قدیم مانند سنگ چیخماق و داس سنگی هنوز استعمال میشده. مهرهای استواهای شکل و مهرهاییکه بشکل حیوانات ساخته شده اند گردیده میشود.

تاریخ این عصر یعنی طبقات شوش I هنوز تحقیق معین نگشته و مورد بحث است، ولی سفال نقاشی شده زمان اوایله که در بین النهرین کشف گردیده مدت زمانی قبل از شروع تاریخ یعنی سه هزار سال قبل از میلاد مسیح از بین میرود. بنابراین طبقات اوایله شوش قدیمتر از این زمان میباشد و از شبهاهت و قرائنه که بین سفال این عصر در ایران و سفال سایر نقاط دیده میشود تاریخ طبقات شوش I را باستان شناسان هزار تا دو هزار سال قبل از تاریخ فوق الذکر قرار میدهند.

شوش II بعد از سفال ساده طبقه های شوش I «ج» و «د» که بنظر میرسد تحت نفوذ سفال جاگه بین النهرین واقع شده باشد سبک جدیدی در سفال رنگ شده طبقه شوش II ظاهر میگردد. این شیوه جدید شباهت زیادی به نقاشی و تزیینات شوش I دارد و از حفاظه ای که بعمل آمده و بعداً شرح داده خواهد شد این شباهت کاملاً واضح و آشکار میگردد.

سفال این عصر تمام با چرخ ساخته میشده ولی از حیث ظرافت و کار پست تر از سفال طبقه شوش I الف، که چندین قرن قبل از آن ساخته میشده، میباشد. رنگ زرد عنوز پکار میرفته و گاهی این رنگ در بر اثر آتش کوره بر نگ فرمز مبدل میگردد. تزیین و نقاشی این سفالها مانند سفالهای قبل بر نگ سیاه است و گاهی هم رنگ سرخ دیده میشود.

سفالهای مهم این عصر عبارتند از کوزه های بزرگ، دیگهای دور، و تنگهای کوتاه گردن که بعضی از آنها دارای اوله میباشد. تزیین و نقاشی سفال این عصر با زمان گذشته فرق دارد. اشکال هندسی این عصر عبارتست از خطوط موجی، دایره، مثلث و خطوط متوازی که خطوط عمودی دیگری روی آنها نقش گردیده و موضوعهایی که از طبیعت گرفته بهتر از عصر پیش نموده شده است. در بین تصاویر موضوعهای ذیسل قابل ملاحظه است. تصویر عقابی با بالهای گشوده که صید خود را بچنگال گرفته، صفحهای طیور دریائی، بز و حشی و سایر حیوانات کوهی، تصاویر گاو که بعضی از آنها مانند گاوهای هندوستان کوهی دارند و تصاویر ماهی.

ادوات و اسلحه مسی این عصر شباهت زیادی با ادوات و اسلحه همان عصر در

بین النهرين دارد. تبرها و تیشه هائیکه در موقع ساختن سوراخی برای دسته در آن تعییه نموده و با بزرگدازدن قسمتی از آن دسته را محاکم کرده اند بدست آمده. بعلاوه سر تیرهای مسی هم پیدا شده است.

کوزه بزرگی در این طبقه کشف گردیده که حاوی مقدار زیادی اسلحه و ادوات دیگر بوده است. ظروف و مهرهای فلزی در میان این ادوات دیده شده و سنجاقهای مسی که سریعی از آنها مهرههای از سنگ لاجورد میباشد کشف گردیده است. مهرهای اینزمان مسطح واسطوانه ای شکلند و از حیث شباهت زیادی به مهرهای طبقه شوش یا ک «د» دارند ولی اشکال انسان و حیوانات در حال جنگ نیز دیده میشود.

از شباهت و تزدیکی اشیاء اینزمان با اشیائیکه در بین النهرين بدست آمده است تاریخ عصر شوش II را میتوان از سه هزار تا دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح دانست. در اینموقع تمدن شوش II از بین النهرين عقت افتاده است در صورتیکه در طبقات اولیه مشاهده میشود که تمدن شوش جلوتر از همالک مذکور بوده است. اسمی گزارشها و کتبی که راجع بحفریات شوش و سایر اماکنی که در این فصل نامبرده شده در آخر کتاب ذکر خواهد شد.

ب - تپه ها قبل تاریخ در فردیکی تخت جمشید

در دشتی که دو کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید واقع گردیده تپه ایست مانند سایر تپه‌ها و از حیث شکل دارای همان شکل معمولی است که در غالب نقاط ایران دیده میشود. هیئت اکتشافیه مؤسسهٔ شرقی دانشگاه شیکاگو که در تخت جمشید تخت ریاست دکتر ارنست هرتسفلد کارمیکرند در این تپه خندقی برای امتحان حفر و چندین طبقه که در زمان ما قبل تاریخ مسکون بوده یافتند.

دکتر الکساندر لنگر دورف (۱) که قسمت عمده کارهای ما قبل تاریخ را بعهده گرفته بود، در پائینترین طبقه علائم و نشانی از کلبه یا دیوار گلی ندیده ولی در بعضی جاهای زمین برخلاف معمول سخت و سیاه بنظر

می‌آمد. وی معتقد است این زمینها جایگاه چادرهاییست که مدت مديدة در آنها بر پا بوده است. در طبقه بعد خانه‌های کوتاه دیده می‌شود که دارای دیوارهای کلی هستند و درهای بسیار کوچکی دارند که ارتفاع آنها از یک متر کمتر و برای دخول بدان خانه‌ها شیخ شخص مجبور بوده است خود را خم نماید. تمام اطاقهای خانه‌ها بهم راه دارند. دکتر هرتسفلد این رشتہ اطاقها را بکنندوی زبور عمل تشبیه می‌کند. در بین این خانه‌ها پیوسته راه و معبر باریکی دیده می‌شود که محل عبور اهالی قریه بوده است. یک کوره نان پزی در این محل کشف و زمین اطراف آن سخت و صاف شده است. کوره‌های سفال سازی نیز از زیر خاک بیرون آمده است. از این کوره‌ها چنین نتیجه گرفته می‌شود که ساختن سفال و تزیین آن کاری تخصصی نبوده است و مردم بسیاری در این قسمت کار می‌کرده اند. سفالهایی در کوره بدست آمده که در حال پختن بوده در اثر ترک قربه نا تمام مانده است. چنین بنظر میرسد که ساکنین آبادی این طبقه در نتیجه طوفان یا تهاجم و یا جهات دیگری مجبور برگردان خود شده و آنچه داشته اند بهمان صورت باقی گذارده فرار اختیار کرده اند. استخوان گوسفند و حشی و یا بز کوهی در دیگهایی که طبخ می‌نمودند پیدا شده و در تزدیک آنها کارد و چاقوی سنگی نیز دیده می‌شود.

سفالهای معمولی اینزمان عبارت است از ایوانهاییکه بشکل مخروط معکوس می‌باشد و اندیق‌های مدور و سبوهای بزرگ. کلیه سفال اینزمان، بغيراز اشیائیکه برای پخت و پز استعمال می‌نموده اند، تزیین و نقاشی می‌شده است و ظریفترین آنها تقریباً بنازکی ظروف چینی امروزه بوده است و بهترین دلیل ترقی صنعت سفال در آن‌مان می‌باشد. بمناسبت طرافت و نازکی این قسم سفالرا بنام «سفال پوست تخم مرغی» می‌خوانند. نقشهای آنها دارای طرح هندسی است و این نوع تزیین خاکی از استادی و مهارت صنعتگران آن عصر می‌باشد.

مجسمه‌های کوچکی از حیوانات و طیور مانند گربه، سگ، خرس، گوسفند، اردک و غاز در اینزمان از گل ساخته می‌شده و با وجود کوچکی بهولت از یکدیگر

تشخیص داده میشوند و مهارتی در ساختن آنها بکار رفته که برای مردمان آن عصر خیلی زیاد بوده است. این مهارت صنعتی و استادی در ریختن و ساختن مجسمه بطور یقین از ترقی تدریجی این صنعت حکایت میکند. مجسمه یا بتهای گلی کوچک دیگر که در ساختن آنها کمتر مهارت بکار رفته بیدا شده است و شاید این قبیل مجسمه را از روی اسلوب و نقشه معین میساخته اند و صنعتگر را فرصتی نبوده است که ذوق صنعتی خود را در ساختن آنها بهمنصه ظاهور سازد. این مجسمه ها دارای سر پهن عثلی شکل میباشد و در بعضی از آنها بدن و دست و پا خوب ساخته شده است و برخی دیگر بر عکس در قسمت سفلي بدن بيشتر دقت شده است. غير از مجسمه هاي فوق الذكر ادوات دیگری که برای حاضر کردن پوست و غیره بکار میرفته از گل میساخته اند.

نکته عجیب و قابل ملاحظه اینست که در میان این اقوام اسلحه نهاد جمی کمتر بیدا شده است و بنظر میابد که اینها اقوامی صالح دوست و بی آزار بوده اند. فلاخن که برای شکار بکار میرفته بدهت آمده ولی تیر و کمان و سر نیزه هیچ دیده نشده است.

طبقه سوم و چهارم خیلی شبیه بطبقه دوم میباشد ولی آثار آن هائند طبقه دوم کاملاً واضح نیست و شاید تاریخ آن تقریباً همان زمان باشد. نثار باشکه هیچ فائز در این دو طبقه بیدا نشده دکتر هرتسفلد تاریخ این تمدن را در آخر عصر حجر صیقلی شدید میداند ولی آن شباهتی که سفال حفریات این محل با سفال مناطق دیگر که در آن مس وجود بوده دارد بعضی عقیده دارند که تمدن این تپه در اوایل عصر مس بوده است. اگر چه در این منطقه مس بدهت نیامده اما در بعضی از نقاط ایران در همین زمان مس استعمال میشده است. اغلب از مطلعین تاریخ این تمدن را بین پنجهزار الى چهارهزار سال قبل از میلاد میدانند.

ج - تپه گیان نزدیک نهاد

ج. کنتنو^(۱) و ر. گیرشمان^(۲) رئوسی هیئت اکتشافیه فرانسوی بودند که تپه ای را نزدیک نهاد حفر کردند. بوسیله این اکتشافات ثابت شد که تمام سبک و اسلوبهای مختلفه شوش در نقاطی از ایران که کمتر تحت نفوذ سو مر، یعنی جنوب بین النهرين بوده، عملی مداوم

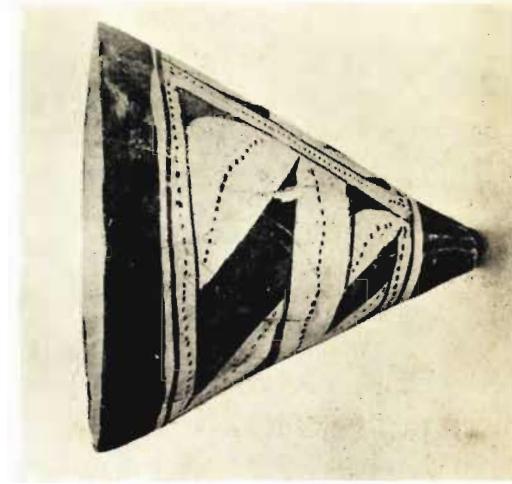
ظرف سفالی رنگی بسیار نازک و ظریف از نیمه نزدیک تخت جمشید . عصر حجر در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد (چهل هزار کتیر هشتاد)



ظرف سفالی رنگی از نیمه حصار نزدیک دامغان
(عصر ما قبل تاریخ)



ظرف سفالی از نیمه سیالانک نزدیک کاشان
(اواخر عصر ما قبل تاریخ)





دکتر اریک اشمید و جمیعت زیاد کارگر در حفریات تپه حصار از دیک دامغان



ظروف سفالی قهوه‌ای و سیاه از دامغان
(در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد)

بوده است. سفالهای شبیه سفال شوش یک الف و یک ب و شوش II در یک نقطه از تپه گیان پیدا شده است.

پائینترین طبقه، روی سطح طبیعی، بعمق نه متر بوده است. چنین عمقی دلیل بر سکونت طولانی در این ناحیه میباشد. با وجود این ضخامت قبوری پیدا نشده است. سفالهای این ناحیه بسبک سفال شوش یک الف و یک ب میباشد. در قسمت سفالی این طبقه اثری از فاز دیده نمیشود. در قسمتی که تقریباً هفت متر بالای سطح طبیعی زمین است سفالهای پیدا شده که از حیث تزیین و نقاشی شبیه سفال شوش یک الف میباشد ولی ضخیم و بی سلیقه ساخته شده است. در این سطح تبرهای مسی بدست آمده است که شبیه به تبرهای پائینترین طبقه شوش میباشد.

در طبقه فوق این طبقه ضخیم که در بالا بدان اشاره شد سفالهای کشف گردید که شبیه سفال شوش II میباشد. در اینجا نیر اشکال طیور دریائی و عقاب باللهای گشوده دیده میشود. نقشهای شاههای شکل هم دیده شده است. نکته قابل توجه اینست که این نقشهای در اصل عبارت بوده است از یک ردیف اشکال پرندگان که در اثر مرور زمان این شکل را بخود گرفته است. این سفالها برنگ سیاه نقاشی شده و گاهی برنگ قهوهای نیز دیده میشود. سفال مخصوص این طبقه عبارتست از کوزه های بزرگ مانند کوزه های شوش II در طبقه بعد سبك جدیدی در سفال دیده میشود و آن عبارتست از گلدانهای سه پایه قرمز رنگ که با خطوط موازی و رنگ سیاه تزیین شده است. و نیز آبخورهای دیده میشود که دارای کعب مسطح و بشکل گلدانهای امروزه میباشند. این ظروف با خطوط نیم دائرة متوازی برنگ سیاه زینت یافته اند.

در طبقه بعد نقش پرندگان مجدداً ظاهر میگردد و سفال این زمان از گل زرد رنگ بسیار خوب ساخته شده و اشیاء مختلف از آن ساخته اند. از همه مهمتر دیگهای کروی شکل میباشد که با اشکال هندسی تزیین شده و درین این اشکال تصویر پرندگانی شبیه بخروس دیده میشود.

در طبقه بالاتر باز سفال اشکال جدیدتری بخود میگیرد. انبیقهای متعدد در این طبقه دیده میشود که بعضی دارای دسته میباشند و نیز گلدانهای لگنی شکل بدست آمده که بعضی از آنها با خطوط متساوی نقاشی شده ولی غالب آنها ساده و بی آرایش میباشند.

در طبقه بعد سفالی پیدا شده که با گل قرمز قهوه ای رنگ ساخته شده و سفالهای دیگری نیز دیده میشود که بر رنگ زرد میباشند. در این طبقه خنجرهایی بدست آمده که اسم سلطان زمان در روی آنها حک شده است. این خنجرها را هنماخی خوبی است برای تعیین تاریخ این طبقه و تاریخ طبقات پائینتر. وقتی علماء فن سفال تپه گیان را با سفال سائر نقاط و طبقات مقایسه و مطابقه نمایند تاریخ و زمان این تمدن های مختلف کشف خواهد شد. از روی اسمی سلاطینی که در روی اشیاء نوشته شده تاریخ طبقه مذکور را بین هزار و سیصد تا هزار و صد قبل از میلاد میتوان قرار داد. از روی این تاریخ بخوبی معلوم میشود که تاریخ پائینترین طبقه که بضمانت نه متر میباشد بزمانهای خیلی قدیم منتهی میگردد.

در بالاترین طبقه سفالهایی بدست آمده که تصاویری روی آنها نقش شده است.

این تصاویر را کارگر در حالیکه چرخ مشغول چرخیدن بوده نقش میکرده است. سفالهای دیگری از این زمان دیده میشود که بر رنگ قرمز ساخته و نقاشی شده است.

حفاری تپه گیان از برای ضخامت طبقات اولیه که تازمان عصر حجر صیقلی شده منتهی میشود، مشهور میباشد. سفالهای این محل مسائل زیادی را راجع بشوش I الف و ب و شوش II حل نموده است. تاریخ طبقه فوقانی این ناحیه هزار سال قبل از میلاد تعیین شده است.

نام کتابهاییکه شامل گزارش حفريات اين تپه است در آخر کتاب ذکر خواهد شد.

۵ - تپه سیالک نزدیک کاشان

ر. گیرشمان گه در حفريات نهاوند شرکت داشته حفريات قابل توجهی نیز در نه کيلومتری جنوب کاشان در محلی موسوم به تپه سیالک نموده است. در این محل یك تپه بزرگ و دو تپه کوچک را حفر کرده تجسس نمود.

در طبقهٔ پائین تپهٔ بزرگی که بنام I الف اسم گذاری شده سفالهای بدنست آمده که با دست ساخته شده است. این سفالها با اشکال هندسی نقاشی شده و نیز مجسمه حیوانات مانند گریه، بزکوهی، پرندگان و مجسمه انسان که معمولاً در طبقات اولیه دیده میشود، کشف گردیده است.

در طبقهٔ I ب و I ج این تپه سفال چرخی پیدا میشود و شکل حیوانات در آن زشت و بی تناسب میگردد. باید در نظر داشت که سفال طبقهٔ I الف تپهٔ سیالک با سفال I ب تپهٔ حصار که بعداً شرح داده خواهد شد قابل مقایسه است. طبقات I ب و I ج تپهٔ سیالک شبیه طبقهٔ II تپهٔ حصار میباشد. بدین طریق شباخت سفال و اشیاء نقاط مختلفه ایران رامیتوان تعیین نمود و تمدن ویا تمدنی تزدیک و شبیه آنرا میتوان در نواحی وسیع و مختلف تشخیص داده پیدا نمود.

بنظر میاید که طبقهٔ II تپهٔ سیالک با طبقات زیرین آن رابطه‌ای نداشته باشد زیرا در این طبقه سفال شکل دیگری بخود میگیرد و سفالهای خاکستری و قرمز و رنگارنگ نیز پیدا میشود. ظروف مهم این عصر عبارتست از ظروف سه پایه ای و لوله دار. اکتشاف مهمی که در این طبقه شده عبارتست از الواحی که در روی آنها چیزهایی نوشته شده است و آنرا عیلام اصلی (۱) میخوانند. شاید این نمونه قدیمترین خط حقیقی باشد که در ایران مرکزی بدنست آمده است. بوسیله الواح مزبور تاریخ این طبقه را عالم مذکور در حدود دو هزار و هفتصد الی دو هزار و هشتصد سال قبل از میلاد تعیین نموده. سفال این طبقه رامیتوان با سفال طبقات متوسط شوش قابل مقایسه دانست.

در طبقهٔ III سفال خاکستری رنگ بدنست آمده است و نیز اشیاء دیگری پیدا شده که با اشیاء تپهٔ کوچکتری موسوم به نکروپولیس ب (۲) قابل مقایسه و شبیه است این قسمت ذیلاً شرح داده خواهد شد.

دو تپهٔ کوچکی که در آنها حفریات شده بنام نکروپولیس الف و نکروپولیس ب اسم گذاری شده است. سفالهای تپهٔ اول اغلب خاکستری رنگ و بدون نقش و نگار میباشد

و نیز ظروف پایه دار قرمز رنگ و فنجانهای دسته دار پیدا شده است. این سفالها شبا هست بسفالهای ولايت قپدوقيه (۱) که قسمتی از آسيای صغیر است، دارد. تاريخ آن بيش از یکهزار سال قبل از ميلاد مي باشد. اشیائی شبیه بدینها در نواحی قفقاز بدست آمده که تاريخ آن در حدود اوخر عصر مفرغ و اوائل عصر آهن مي باشد.

تمدنی که در نکروپوليس ب مشاهده شده است شبیه تمدن لرستان مي باشد، ولی فلز کاری آن بخوبی و ترقی کارهای فلزی لرستان مي باشد. اين تمدن قرابتي با تمدن عصر حجر قفقاز و نيز شبا هتی به کشفیات نواحی دانوب، تسالی و گورديان (در اناطولی آسيای صغیر) دارد. تاريخ اين تمدن را در حدود يازده الى دوازده قرن قبل از ميلاد ميدانند.

در تپه نکروپوليس ب سفالی پیدا شده که با اشكال هندسى بطرز غريبی آرایش شده است و ديك و کوزه لوله دار بدست آمده که دارای اين قسم نقاشی مي باشد. ظروف دیگر دارای اشكال عجیب اسب و گاو مي باشد. يك قسم ظرف خاکستری رنگ و نيز سفال قرمز رنگ و ظروف ساده بدون نقاشی هم پیدا شده است.

بعضی از سفالهای تپه سیالک از بهترین و قشنگترین نمونه سفال سازی مي باشد که تا کنون در ايران بدست آمده است. تپه بزرگ با عصار اولیه منتهی ميشود و در تپه های کوچک تمدن تا اوائل عصر آهن ميرسد. شايد مهمترین اكتشافات اين قسم کشف الواح عیلام اصلی مي باشد که معين ميسازد افلا ييش از دو هزار سال قبل از ميلاد خط در ايران مرکزی وجود داشته است.

ه - تورنک تپه نزدیك استرآباد

دكتروف. ر. وولسین (۲) و خانمش تپه ای در نزدیکی استرآباد حفر گردند و در آنجا سفالهایی بر رنگ خاکستری و سیاه بدست آمد و روی آن خطوطی نقش شده که با برق خود سفال متباین مي باشد. سفالها را باشكال مختلف از قبيل کوزه، تنگ گردن باريک

و غیره ساخته اند. قابل توجه‌تر از همه ظروف بشقابی شکل است که در روی پایه بلندی قرار دارد.

در این محل مجسمه‌های کلی نیز بدست آمده و آن ربة النوع برخنه است که طبیعت را نشان میدهد و در روی آن خطوطی رسم شده که شاید علامت لباس آن باشد. این مجسمه‌ها با زینت آلات از قبیل گوشواره، گردن بند و شاید دست بند زینت میشده است. این ربة النوع به اشکال و انواع مختلف نشان داده شده است و بطور کلی میتوان آنرا در ایران با اناهیت ربة النوع حاصلخیزی و فراوانی یکی دانست.

در طبقه عمیقتری که برای امتحان حفر شد قطعه سفالی کرم رنگ بدست آمد که با رنگ سیاه روی آن نقاشی شده بود. این ثابت میکند که اگر تمام تپه را حفاری کنند سفال رنگ شده زمانهای قبل نیز ممکن است بدست آید.

و - تپه حصادر نزدیک دامغان

دکتر اریک اشمید (۱) رئیس هیئت اکتشافیه که از طرف موزه دانشگاه و موزه صنعتی پنسیلوانیا مأموریت داشت، در اطراف دامغان شروع بحفاری کرد و امیدوار بود که هکاتوم پیلوس (۲) یعنی شهر صد دروازه پایتخت اشکانیان را کشف کند. خرابه و آثار این شهر بدست نیامد، ولی هیئت مذبور موفق بکشف تمدن مهم‌ها قبل تاریخی در تپه بزرگی در سه کیلومتری دامغان گردید.

با دقت و توجه کاملی که لازمه بهترین اکتشافات علمی میباشد، این ناحیه را بچندین مریع که ضلع هر یک صدمتر بود قسمت کردند و هر یک از آن قسمتها را بربعهای کوچکتر بصلع ده متر تقسیم نمودند و حتی در کتاب گزارش خود هر یک از این قسمتها را هم به ده مریع یکمتری قسمت نموده اند تا مکان حقیقی اشیاء مکشوفه را بسهولت بنمایند. این عمل با صحیحترین و دقیقترین آلات و ادوات انجام یافت و نیز عمق هر شیئی مکشوفه را با کمال دقت با سانتیمتر اندازه گرفتند. برای اینکه بتوان

اکتشاف را بطبقات کل و جزء تقسیم نمود، اینگونه دقت لازم و واجب است.

حصار I الف بقایای اطاوهاییکه دیوار آن از کاه و گل ساخته شده درطبقات

مختلفه کشf وسفال وادوات گوناگون و جالب توجهی در مقابر بدست آمده است. کشف اسکلت این مردم بسیار مهم است و اطلاعاتیکه از مطالعه اسکلت این قوم حاصل شده قرار است در آئیه منتشر گردد. در این محل هزار و شصت و سی و هفت قبر باز گردید.

تمدن پائینترین طبقه را بوسیله سفالهای دست ساز که با اشکال هندسی برنگ سیاه روی زمینه قرمز نقاشی شده مشخص میگردانند. سفال این طبقه معرف تکامل صنعت در زمان پیش میباشد. سفال معمولی این طبقه عبارتست از کوزه های دور که کعب آنها لبه دار میباشد. کوزه های بزرگ باشکال هندسی نیز بدست آمده است.

وجود آسیای دستی علامت آاست که این مردم از زراعت و فلاحت بی بهره نبوده اند. مجسمه های گلی که بنظر میرسد بشکل حیوانات اهلی ساخته شده باشد بدست آمده ولی مطالعه دقیق علمی از روی استخوان حیوانات این مسئله را روشنتر خواهد نمود. مردم این محل با مس آشناei داشته اند، ولی گویا این فلزبرای آنها کمیاب بوده است.

حصار I ب رنگ سفال این طبقه بعوض قرمز، قهوه ای روشن یا کرم میباشد.

اشکال حیوانات مانند بزرگی، پرندهگان و انسان بوضعهای مختلف بدست میاید. سفال سازان این عصر استعمال چرخ را آموخته بودند. یکی از نمونه های اینزمان کاسه ظریفی است و دارای پایه ای که کعب آن دور میباشد.

حصار I ج این طبقه یکی از برجسته ترین دوره تمدن اوایله را نشان میدهد.

نقشه مخصوص و مشخص ایندوره شکل بزرگی است. اشکال هندسی نیز وجود دارد و اینها هر دو بمنتهی درجه ترقی خود رسیده اند. مقید شدن شکل حیوانات و پرندهگان را میتوان از طبقات I ب و نیز در قسمت اول طبقه I تعقیب نمود. این مطالعه جالب توجه است زیرا این اشکال بتدریج شکل اولیه خود را از دست داده بشکل اشکال هندسی در میانند، اسلوب پردازی بیشتر در نتیجه فکرو خیال نقاش بوده است نه بواسطه ترقی و مرور زمان،

زیرا مراحل مختلف تکامل آن تمام در یک طبقه بسته است. مهرهای تکمهای شکل بسیار است. مهرهای از مواد مختلف ساخته و جهت زینت بکار میبرده اند. مقدمات لعاب دادن سفال در این زمان فرا هم شده است.

ظروف و آلات مسی که در ادوار مختلف حصار I پیدا شده خالص نبوده یعنی همانطوری که در طبیعت بسته آمده بکار برده شده و نمیتوان آنها را در دردیف مفرغ قرار داد. سنjac مسی با سر دور، خنجر، دست بند و قطعات کوچک که شاید در سر تیر میگذاشته اند کشف گردیده است. درفش استخوانی، هاون سنگی و سنک جهت صیقل زدن و تیز کردن پیدا شده است. عجب آنکه در این طبقه سلاح و ادوات سنگی زیادی پیدا نشده است.

آخر دوره حصار I ج مصادف میشود با مهاجرت مردمی که شاید از جلگه ترکمان بطرف شمال میرفته اند. این تمدن جدید توسط سفال ساده خاکستری رنگ که شامل رنگهای خاکستری روشن و تاریک و حتی سیاه میشود، مشخص میگردد. شرح آنرا در دوره بعد ذکر خواهیم نمود.

حصار II الف این طبقه دوره تحولی را نشان میدهد. ظروف خاکستری و سیاه پیدا میشود و نیز اشیائی مانند ظروف طبقه I ج در مقابله بسته آمده است. روی این ظروف رنگ شده یک ردیف اشکال غزال بلند گردن نقاشی شده است. این تصاویر بتدریج صورت اولیه خود را از دست داده بشکل اشکال هندسی منظم درمیآید که ابدآ شباهتی بحیوان اصلی ندارد از جمله خصائص ظروف خاکستری این دوره پایه آنها میباشد.

حصار II ب در این طبقه باختن ظروف خاکستری ادامه داده اند، ولی سفال رنگ شده بسته نمیاید و اگر پیدا شود دارای نقاشی خیلی ساده است. سفال مهاجمینی که در این دوره آمده اند جای سفال بومی را گرفته است چون فلز زیاد شده و ادوات مسی بتدریج زیاد میگردد. از خصائص این طبقه سنjacهاییست که سر آنها پیچ دارد. ساختن گرز مسی در این دوره ظاهر میگردد و در ادوار دیگر نیز ادامه میابد.

حصار III الف این طبقه دوره بزرخی بین طبقات II و III است زیرا حدود

آن کاملاً روش نمیباشد و چون سفال هر دو طبقه در آن پیدا شده طبقه جداگانه نامیده شده است.

حصار III ب این طبقه با اشکال سنگ و ظریف خاکستری و سیاه رنگ

مشخص میشود. فوجاهای رنگی ساده با زمینه گندم گون، زرد یا نارنجی و آلات زینت با طرحهای ساده ظاهر میگردد. میل و سلیقه ایرانیان برای زینت در این طبقه مشهود و هویا است. ظروف صیقلی شده خاکستری نیز در این طبقه پیدا میشود.

آلات و ادوات مسی در این زمان رو بفروزنی است ولی هنوز مس همان فلز طبیعی است و با چیز دیگری مخلوط نیست. عصائی در این دوره دیده میشود و علامت آنست که مردم این عصر دارای عقائد مذهبی بوده و آنرا در مراسم معمول آن زمان بکار میبرده‌اند. در این طبقه برای اولین بار سر تیرهای که از سنگ ساخته شده دیده میشود.

چنانکه ذکر شد در طبقات قبل فقط قطعات مسی کوچک پیدا میشدو مطمئن نیستیم که آنها را برای سر تیر استعمال میکرده‌اند. اما در اینکه اینها سر تیرهای سنگی هستند شکی نیست و تعجب در این است در عصری که فلز معمول بوده اشیاء عصر حجر صیقلی شده برای اولین دفعه بدست میآید.

در این طبقه هیئت اکتشافیه واقعه اسف انگیزی را که هزاران سال قبل بوقوع پیوسته گفت نمودند، یعنی بنائی پیدا شد که طعمه حریق واقع گشته و ساکنین آن نیز تلف شده بودند. از آثار آن چنین بر می‌آید که این ساختمان مورد حمله مهاجمین قرار میگیرد و آنها پس از آنکه از تصرف آن مأیوس میگردند نیمسوزب داخل آن پرتاب نموده آتش میزند. استخوان مدافعين در پای پلکانی که به پشت بام میرفته پیدا شده است. اگر چه این حریق بمرگ ساکنین آن خاتمه یافته ولی خود بنا را از غارت مهاجمین محفوظ و اشیاء و ادوات نفیسی در اطاوهای آن باقی مانده و بدست ما رسیده است.

هزاران اشیاء کوچک که برای زینت بکار میرفته در اینجا پیدا شده است. مهره

و تسبیح عقیق در این طبقه پیدا شده که در طبقات قبل دیده نشده است. زینت آلات طلا و نیز فنجان از این فلز هایی بودست آمده است. خنجری که دارای دسته نقره میباشد و علامت نخی در آن دیده میشود بودست آمده است. برای بستن دسته خنجر پارچه نیز استعمال میشده است. اثر پارچه پس از سوختن در روی دسته دیده میشود.

مدافعینی که در آتش جان داده اند خنجر همراه داشته و خدنگهای سنگی زیاد در میان آنان پیدا شده است. از روی مدارک و اشیائی که بودست آمده است کلیه واقعه اسفناک و حمله مهاجمین را میتوان تشریح نمود. موضوع جالب توجه دیگر آنست که در یکی از اطاقهای این عمارت توده های گندم نیم سوخته پیدا شده است و این نشان میدهد که در قسمت فلاحت این مردم ترقیاتی کرده بوده اند. از آب و هوای این ناحیه میتوان حدس زد که آبیاری در بین این مردم معمول بوده است.

دو مهر استوانه ای شکل نیز در این طبقه پیدا شده است که یکی از آنها دارای نقش گاوی و دیگری نشان عربابه میباشد. اشیاء زیادی از این قبیل در نقاط مختلفه پیدا شده است که دال بر تجارت و تبادل اجناس و افکار در بین این مردم است.

حصار III ج در این طبقه سنگ مرمر سفید برای اولین بار ظاهر میگردد و

مجسمه های زیادی از حیوانات اهلی از نقره، مرمر یا گل ساخته شده است. مجسمه انسان بشکل زنی که دامن گشادی پوشیده از مس، مرمر و گل پیدا میشود و بنظر میآید که این قبیل مجسمه در مذهب آنان انتشار زیادی داشته و مورد عبادت بوده است. اشیاء نظیر آن در نقاط مختلفه دیگر نیز پیدا شده است.

عصائی که در مراسم مذهبی بکار میرفته و نماینده فامیل بوده پیدا شده و زنی را نشان میدهد که بچه ای را بلند نموده و تقدیم مردی مینماید. عصای دیگر زارعی که گاوی را به گاو آهن بسته نشان میدهد. این علامت فلاحت و زراعت است و شاید برای برکت دادن و تقدیر آنها یکه بدین شغل شریف همت گماشته اند استعمال میشده است. این اشیاء بطور کلی نشان میدهد که مذهب مقام شامخی در زندگانی این مردم داشته است.

مقبره‌ای نیز کشف شده که مقدار زیادی اشیاء مذهبی در آنجا بdst آمده و دکتر اشمید آنرا مقبره‌یکی از رؤسای مذهبی میداند.

مقبره‌مهمو جالب توجه‌دیگری پیدا شده است که متعلق بدختر کوچکی میباشد و از قرار معلوم از فامیل یکی از نجبا بوده است، زیرا جواهرات و آلات زینت بسیار با او دفن شده است. از یکطرف اشیائی است که این دختر در زمان کودکی داشته و استعمال میکرده و از طرف دیگر ظروف بزرگ و اسبابهایست ممکن بوده در بزرگی استفاده کند، از این قضیه چنین نتیجه گرفته اند که این مردم بزندگانی پس از مرگ معتقد و انتظار داشته اند که او در عالم دیگر بعد بلوغ برسد.

مهره و تسبیح کهربا برای اولین دفعه در این طبقه دیده میشود و نشان میدهد که روابط تجاری با مناطق دور دست زیاد شده است. مهرهاییکه برای مدار بکار میرفته پیدا شده و تصویر حیوانات روی آنها نقش گردیده است. مس در این زمان زیاد گردیده و ظروف بزرگ از آن ساخته شده است. فنجانهای سربی دیده میشود و ظروف نقره فراوان گردیده. تاجی از نقره که با تصاویر حیوانات منقوش میباشد روی سر اسکلتی پیدا شده و حلقه های طلا و نقره روی نیزه های این زمان دیده میشود ولی سر تیر سنگی از بین نرفته و متداول بوده است. چنگال و ملاقه که برای طبخی بکار میرفته و چنگالهای بزرگی بطول یکمتر که شاید در جنگ استعمال میشده بdst آمده است.

رویه مرفته مردم این عصر از حیث تمدن و زندگانی پیش بوده اند. در فلز کاری مهارت زیادی داشته و از زراعت و فلاحت بی بهره نبوده اند، حیوانات اهلی نگاه میداشتند و در مذهب بالتبه ترقی کرده بوده اند.

دکتر اشمید تاریخ طبقه III را در حدود دو هزار تاسه هزار سال قبل از میلاد میداند تاریخ زمانی که طبقه I تمام شده و نژاد جدیدی باین منطقه آمده و سفال خاکستری رنگ با خود آورده اند در حدود سه هزارو پانصد سال قبل از میلاد میباشد. پس معلوم میشود که قسمتهای طبقه I پیش از این تاریخ و طبقات II و III بعد از آن بوده است. اگر چه تاریخی

که بتمند و کشیفات ماقبل تاریخ داده میشود فرضی و تقریبی است و غالباً حدس زده شده است، ولی بتدریج حقائق و مدارک زیادی جمع گردیده است که مارا امیدوار و قادر میسازد که در آتیه تاریخ صحیح و دقیقی بتمند اولیه و طبقات اکتشافی بدھیم.

ز - چشمۀ علمی نزدیک ری

تحت نظر هیئت موزۀ دانشگاه و موزۀ صنعتی پنسیلوانیا، که حفریات دامغان را بعهده داشتند، حفریاتی در ری نزدیک طهران بعمل آمده است.

در طبقات ماقبل تاریخ این ناحیه طبقه‌ای شبیه بطبقه ۱ الف تیه حصار بدست آمده است. رنگ معمولی سفال این طبقه سیاه و نقاشی آن باشکال هندسی است. در قسمت پائین این طبقه سفال سیاهی بدست آمده که با اسباب مخصوصی ساخته و صیقلی شده است و سفال پست تری پیدا شده که گل آن با گیاهی مانند کاه مخلوط میباشد.

پس از این طبقه با طبقه مختصر دیگری مواجه میشویم که شبیه بطبقه ۱ ب دامغان میباشد. رنگ سفال آن گندم گون یا خاکستری است و نقاشی آن بر نگ قهوه‌ای میباشد. نقوش این ظروف شامل نخلهای کوچک، گل و برگهای متقطع، زوايا و خطوط منحنی میباشد. اشکال حیوانات این منطقه قدری با اشکال حیوانات در حفریات دامغان فرق دارد، ولی دارای ارزش صنعتی بوده و در ساختن آنها مهارت زیادی بکاررفته است. سفالی که دارای نقاشی ۱ ب دامغان میباشد وزمینه اش قرمز و مانند سفال طبقه ۱ الف دامغان است بدست آمده که بنظر علماء علم حفاری غریب و خارج از معمول میباشد. تکه های سفال که شبیه ظروف سامرہ درین النهرين میباشند نیز بدست آمده است. اینها دارای زمینه روش و نقشه هایی است که آنها را نقش راه آهنی مینامند و آن عبارت از خطوطی است که در روی آنها بفواصل معین خطوطی نقش شده و شبیه بعلامت راه آهن در روی نقشه میباشد. طرح نربانی نیز معمول بوده است که مانند سفال سامرہ میباشد.

ج - لرستان

دکتر اشميد و همراهانش بتوسط طیاره از لرستان نقشه برداری کردند تا

بهترین تپه‌هارا برای حفریات بدان وسیله تعیین کنند. پس از آن او از طرف مؤسسه امریکائی برای صنایع و آثار قدیمیه ایران همز (۱) رئیس هیئت اعزامی گردیده و به حفریات شروع نمود. در اینجا سفالی پیدا شده است که دارای زمینه روشن و اشکال بزرگ و غزال و طرحهای هندسی میباشد. در طبقه بعد دیگهای بسته آمده است که دور تا دور آن خطوط متوازی منقوش است و در جای دیگر دیگهای پیدا شده است که دارای سه پایه بوده و با اشکال هندسی منقوش است. شاید مهمترین ظروفی که کشف گردیده دیگهای مدور خاکستری رنگ میباشد که خطوط موج دار دور آن نقش گردیده و نیز شکل شیری که در طرفین لوله آن بطور برجسته ساخته شده است. تاریخ این دیگ در گزارش‌هایی که تاکنون منتشر شده معین نگردیده است و این دیگ با تمام سفال ما قبل تاریخ که در صفحات قبل شرح دادیم فرق دارد.

از کشفیات دیگر این هیئت مجسمه‌های انسان است که بطور مضحكی از سفال ساخته شده و نیز مجسمه‌غزالی است که سر آن بطرف پهلو خمیده است و این اشیاء از زمان بعد میباشد و بعض تاریخی تعلق دارد.

ط - تپه‌های ما قبل تاریخ در آذربایجان

در اطراف اردبیل و دریاچه رضائیه هنوز اکتشافات و حفریاتی از روی اصول علمی نشده است. چیزهایی که کشف گردیده عبارتست از سفال رنگ شده که در تپه‌های رضائیه پیدا شده است. این سفال دارای اشکال هندسی میباشد که در روی زمینه قرمز با رنگ سیاه نقش شده است و نیز یک ردیف پرنده در روی زمینه نخودی رنگ بارنگ قهوه‌ای نقش گردیده است. سفال دیگری بسته آمده که بر رنگ سیاه و قرمز نقاشی شده و اشکال پرندگان را مجسم میسازد و شبیه سفالیست که در طبقات اولیه آشور و آناتولی پیدا شده است. اشکال دیگری بر رنگ قهوه‌ای و سیاه شبیه سفال دامغان کشف گردیده ولی دارای شکل مخصوص و مشخص بخود هستند. سفال قهوه‌ای رنگ جلا داده که خطوطی روی آن

منقوش میباشد نیز بدست آمده است. از این نوع سفال و نیز سفالهای ساده و رنگارنگ دیگرها لوله دار و ظروف دیگر باشكال مختلف پیدا میشود.

در ناحیه سلدوز حفریاتی از نقطه نظر تجاری بعمل آمد و در نتیجه سفالهای پایه دار که دارای تریبیتات واشکالی میباشد که در سائر نواحی ایران دیده نشده بدست آمده است. اینها را در قبرستان یکی از تپه ها کشف کردند ولی چون حفریات از روی اصول علمی نبوده و طبقه بندی و مطالعات علمی در باره آن نهان شده است، حقائق تاریخی زیادی نمیتوان از آنها بدست آورد.

از روی اشیائی که تا کنون بدست آمده نمیتوان پیش بینی کرد که اگر حفریاتی از روی اصول علمی در آذربایجان بشود نکات ذیل کشف خواهد شد:

۱ - دوره های تمدنی قدیمتر از تمدن اولین طبقاتی که در سائر نقاط ایران کشف شده است.

۲ - مبدأ احتمالی تمدن اولیه که از مناطق کوهستانی این نقطه بجلگه سومر و آشور در عراق انتشار یافته است.

۳ - فلز کاری و کارهای سنگی زمان قدیم روشن و واضح خواهد گشت و مدار کی بدست خواهد آمد که تکامل تدریجی صنعت را که تا کنون مجهول مانده تعیین خواهد نمود.

۴ - بوسیله حفریات یک عدد تپه هایی که بنام تپه خاکستر نامیده میشود بیوستگی اعصار مختلف از عصر حجر تا زمان تاریخ برقرار خواهد گشت. زیرا این ناحیه برای تمدن اولیه و نیز تمدن زمان مدى معروف میباشد. امید است که سعی و کوشش حقیقی برای تکمیل معلومات حالیه ما راجع بزمان ما قبل تاریخ بعمل آمده و در مناطق جالب توجه آذربایجان که تا کنون توجهی با نشده حفریات و کاوش هایی بعمل آید.

۳ - سفال ما قبل تاریخ

چنانکه از مطالعه صفحات گذشته معلوم میگردد در حفريات نواحی مختلفه ایران سفال را از همه مهمتر شمرده و بآن بیشتر اهمیت داده اند. علت این دقت برای آنست که زندگانی و خصائص صنعتی و اخلاق مردمان اولیه از روی سفال بهتر از اشیاء دیگر معلوم میگردد. شباهت و زمان تمدن‌های مختلفه از روی سفال ظاهر میشود و با مطالعه دقیق بیوستگی تمدن را میتوان تا حدی از روی نوع سفال و ظروف سفالینی که میساخته‌اند معلوم و معین گردانید.

استادی و مهارت مردمان اولیه در صنایع و فنون زمان خود تعجب آور است. نمو طرح و نقشه از اشکال هندسی بیک سلسله اشکال حیوانات و بعد انحطاط و برگشت آن باشکال هندسی دارای دوره مخصوصی بنظر میرسد و این مسئله موضوع مناسبی است برای مطالعه و تحقیق در سفال ما قبل تاریخ ایران.

۴ -- مهرهای ما قبل تاریخ

در زمان‌های اولیه قبل از اختراع خط، مهر در ایران معمول بوده و آنرا برای بستن کوزه و سایر ظروف و اختصاص اشیاء یا اسبابی بصاحبش استعمال مینمودند. مهرهای اولیه مخروطی شکل بودند. قاعدة مخروط مسطوح بوده و در رأس آن سوراخ برای رد کردن ریسمان تعبیه میشده است. مهرهای گبیدی شکل نیز پیدا میشود که آنها هم سوراخ برای ریسمان دارند. مهرهای فشاری در این موقع زیاد پیداشده و غالباً بشكل دکمه‌ای هستند که سوراخی در وسط آن است و یا اینکه دسته کوچکی دارد که جهت ریسمان سوراخ شده است. نقوش اولیه مهرها فقط علامت یا نقشی بوده که صاحب آنرا مشخص مینموده ولی بعد اشکال حیوانات و شکل ساده انسان در روی آنها حک میشده. تصاویر حیوان یا حشرات غالباً دارای معانی نجومی و هیئتی میباشند. مبدأ علائم منطقه البروج را که امروزه در تمام عالم

مشهور و منتشر است شاید بتوان تا اندازه‌ای درنتیجه مطالعه آسمان و افسانه‌های ایران قدیم دانست.

جنس مهرها در ابتدا از گل رس بوده ولی بعد‌ها سنک جای آنرا گرفته و آنها را معمولاً از سنک می‌ساخته‌اند. مس نیز برای ساختن مهر استعمال می‌شده ولی توانسته است جای سنک را بگیرد و تا زمانهای بعد تنها چیزی که در مهر سازی استعمال می‌شده، سنک بوده است. غالباً أحجار کریمه کم قیمت را حک کرده و برای مهریکار می‌برده‌اند. اشیاء دیگری برای ساختن مهریکار میرفته که اهمیت زیادی حاصل نکرده است. امید و اریم که نقش مهرها و معانی آنها را مفصل‌آ در فصول آتی شرح دهیم زیرا اگر چه شروع آنها از زمان ما قبل تاریخ است، در این دوره از هم تکمیک نشده است.

۵ - مجسمه‌ها

یکی از نکات شایان توجهی که در تمام حفریات مذکور بدست آمده مجسمه‌های کوچکی است که از گل، استخوان، قیر، سنگ، مس و حتی از طلا و نقره ساخته شده است. این مجسمه‌ها غالباً حیوانات را مجسم نموده و بعضی از نمونه‌های آن که از استخوان و قیر ساخته شده فوق العاده عالی است و منتهای مهارت و استادی را در صنعت مجسمه‌سازی نشان داده و با بهترین شاهکارهای مجسمه سازان دنیا قابل مقایسه است. قدرت و جمالی در ساختن این مجسمه‌ها بسکار رفته که از مردمی که در اعصار ماقبل تاریخ میزیسته اند حیرت آور است. شاید این مجسمه‌ها برای طلس استعمال می‌شده و با مذهب آن زمان مربوط بوده است.

بسیاری از مجسمه‌ها هیکل زنی را نشان میدهد که گاهی عریان و هنگامی با لباس و جواهر می‌باشد. راجع به هویت و مقام این زن در بین علماء و محققین اختلاف است. ولی عقیده عمومی بر آنست که این مجسمه ربة النوع طبیعت می‌باشد که در آن زمان پرستش آن در ایران و ممالک اطراف معمول بوده است، در ادبیات بعد اسم این ربة النوع

ناهیت یا ناهید ذکر شده است. این اسم را میتوان برای ربة النوع بطور عموم استعمال کرد ولی نام و وظیفه اش بلاشک در زمان و مکان مختلف تغییر میکرده است. مطالب و نکات زیادی از مطالعه دقیق این مجسمه ها بدست میاید که این کتاب را گنجایش بحث بیشتری در این موضوع نیست.

٦ - خاتمه

در خاتمه این فصل میتوان گفت که سه مرحله ابتدائی که معمولاً در تمدن های اولیه دیده میشود عبارتست از: ۱ - شروع به فلاحت و زراعت؛ ۲ - اکتشاف و استعمال فلزات؛ و ۳ - تشکیل خانواده، دهات و شهرها.

محلی که بشر اولیه شروع بزراعات و کشت گندم و جو نموده بطور تحقیق معلوم نیست، ولی بالاخره ممکن است ثابت شود که این نقطه در ایران یا اقلاد را اینطرف دنیا بوده است. استعمال فلز نیز در ایران بزمانهای خیلی قدیم منتهی میشود. خانه و آثار زندگی اجتماعی که بدست آمده تعلق به چهار الی پنج هزار سال قبل از میلاد دارد. اما مردمان آن زمان باین درجه تمدن نمیتوانستند برسند مگر آنکه مدارج اولیه آنرا طی نموده باشند. بنابرین دلائل موجود است بر اینکه این تمدن خیلی قدیمتر بوده و مراحل تکاملی داشته که در زندگانی بدوي آنرا نمیتوان یافت.

در کتاب مهم «صنایع ایران» سر آرتز کیت (۱) و دکتر ارنست هرتسفلد متفقاً مقاله ای راجع به «ایران، سرزمین و مرکز ما قبل تاریخ» واژ روی بعضی مدارک مطلبی را مورد بحث قرار میدهند که از اکتشافات ثابت میشود که فلاحت و تمدن بعد از آن در فلات ایران شروع شده است. اگر چه این نویسندها از بزرگترین علماء این علم میباشند ولی برای اثبات حقیقی این مدعای هنوز مدارک صحیحی در دست نیست و باید منتظر اکتشاف و حفریات دیگری بود. نویسندها فوق الذکر معتقدند که محل اکتشاف فلز را میتوان در نواحی شمال غرب ایران یا در ارمنستان دانست، ولی در این قسمت نیز معلومات

ما محدود است و مدار کی در دست نیست که این عقیده را ثابت کند.

گرچه قسمت‌های بزرگ ترقی اولیه صنعت و تمدن باید کشف شود، ولی امطالعه صفحات قبل معلوم می‌گردد که تا چهار هزار سال قبل از میلاد صنعت و تمدن مدارج مهمی را طی کرده بوده است. کارهای سنگی و فلزی و مخصوصاً سفال‌سازی که در نتیجه حفریات بدست آمده و ملاحظه نمودیم، علامت ترقی و اتحاط ادوار گذشته می‌باشد. البته در نتیجه ادامه حفریات تدریجاً پرده از روی ازمنه قدیمه برداشته خواهد شد و بسیاری چیزها که با اطلاعات فعلی ماقبل تاریخ خوانده می‌شود، کم‌کم شکلی بخود خواهد گرفت و تاریخ محسوب خواهد گشت.

نقشهای روی سفال ماقبل تاریخ



برندگان دریانی



تبر انداز، اسب و سک

فصل سوم

صنایع دیگر عهد قدیم

در اکتشافات و حفریاتیکه در فصل گذشته شرح دادیم بظهور واکنشاف فلز در عصر ماقبل تاریخ ایران اشاره نمودیم . برحسب اتفاق سنگهایکه دارای مس بودند در مجاورت آتش قرار گرفته و انسان ماقبل تاریخ تکه های براق فلز را که در اثر ذوب از سنگ جدا شده بود ، مشاهده کرد و بعد فهمید که این فلز را میتوان کویید و با شکال مختلف در آورد و نیز متوجه شد که آن در بسیاری از جهات برای ساختن اسلحه و ادوات بمراتب بهتر از سنگ است . مس برای آلات زینت بکار رفته و همچنین لوازم جادو و طلس م که انسان ماقبل تاریخ بدان اعتقاد داشته و بدانوسیله خود را از ارواح خبیشه محافظت مینمود از آن میساخت . اشیائی هم که در رسوم مذهبی بکار میرفت از مس ساخته میشد . صنعت فلزکاری از ساختن این قبیل اشیاء شروع گردید . اولین فلزی که بمقدار زیاد استعمال میشده مس بوده است و بعد سرب ، نقره و طلا ظاهر گردید و مورد استعمال قرار گرفته . بالاخره مس را با روی یا فلز دیگر مخلوط کرده آنرا سخت و محکم نموده اند و بدین ترتیب مفرغ بوجود آمد و این فلز واسطه بروز استعداد صنعتی گردید که ذیلا بشرح آن خواهیم پرداخت .

۱ - کارهای مسی و مفرغی

اشیاء شایان دقت زیادی از مس که در فصل قبل بشرح آن پرداختیم درنتیجه حفریات علمی بدست آمده است . اشیاء مختلف مفرغی تثیثک در ایران پیدا میشد ، ولی در چند سال اخیر کارهای صنعتی حیرت آوری از مفرغ در نواحی لرستان کشف گردیده

است. این اشیاء بمقدار زیاد و با نوع و اشکال مختلف میباشد و نیز اشیاء دیگری که در سایر نقاط ایران پیدا شده است با آنها اضافه میگردد. این کشفیات گواه و شاهد خویست بر اینکه صنعتگران ایرانی در عصر مفرغ بمقام عالی رسیده بوده‌اند. استعداد صنعتی و مهارت کار آنان بحدی بوده که صنعتگران سایر نقاط دنیا در آن عصر بهیچوجه نمیتوانسته‌اند با آنها رقابت و برابری کنند. در صفحات بعد کشفیات مفرغ لورستان و نقاط دیگر را مورد دقت و مطالعه دقیق قرار خواهیم داد.

الف - ناحیه اردبیل

اشیاء مسی و مفرغی مخصوصاً اسلحه بوسیله دهانیهای اطراف اردبیل بدست آمده است. این ناحیه در غرب دریای خزر و نزدیک سرحد روسیه میباشد. غالب این اشیاء ساده‌تر از مفرغهای لورستان میباشد و شاید از حیث قدمت زمان بر آنها برتری داشته باشد. از نوع تبری که در لرستان پیدا شده و تاریخ آنرا باستان شناسان قریب سه هزار سال قبل از میلاد معین کرده‌اند، در ناحیه اردبیل نیز بدست آمده است. شمشیرهای مسی، که بعضی از آنها متجاوز از یک‌مترا طول دارند نیز پیدا شده است. بعضی از این شمشیرها دارای دسته‌های سنگینی هستند. خنجرهای مختلف، تبر و سرنیزه، حلقه برای گرفتن زه‌کمان و نیز قسمت بالاویانین تیردان مسی در این ناحیه بدست آمده است. تقریباً هر اسلحه‌ای که در این ناحیه کشف گردیده با صلطلاح آنرا «کشه» میباشد، یعنی در موقعیکه صاحب‌ش را دفن کرده‌اند آنرا شکسته و پهلویش گذارده‌اند. این عمل و رسم در بین اغلب از طوائف اولیه در نقاط مختلف مرسوم بوده است.

جواهر درین مفرغهای این ناحیه کمتر دیده میشود، ولی گوتواره و گردن بند دیده شده است. در ساختن اغلب این اشیاء مهارت و استادی بکار رفته، ولی نقشهای ظریف و اشکال حیوانات که در مفرغهای لورستان خواهیم دید در اینجا دیده نمیشود. اشیاء مفرغی اردبیل را میتوان از حیث زمان بسه طبقه قسمت نمود:

۱ - سبک خیلی ساده اولیه عبارت از خنجرهای کوچک و سرنیزه مسی

میباشد که ظرافت زیادی در ساختن آنها بکار رفته است. ۲ - سبک متوسط که شامل شمشیرهای دراز و خنجرهای مختلف است و در ساختن تیغه و دسته و اتصال آنها مهارت بیشتری بکار رفته است. ۳ - در طبقه سوم فلز مخلوط در صنایع بکار رفته و میتوان آنرا مفرغ نامید. نمونه کارهای این فلز عبارتست از شمشیرهای کوتاه که طرف برندۀ آن کمی منحنی است و نیز سر تیرهای که در ساختن آنها مهارت زیاد بکار رفته است.

ب - مفرغهای لرستان

چندین سال قبل اشیائی از مفرغ در مقابر لرستان و مخصوصاً در نواحی هرسین پیدا شد. و قیکه اهالی محل و دهانیها متوجه شدند که میتوانند آنها را باقیمت گزاف بفروش رسانند، قبرهای زیادی را کنده اشیاء آنها را بیرون آورده‌اند. این اشیاء در ایران و اروپا و امریکا به مقدار زیاد خرید و فروشن شد.

مردم لرستان در عصر مفرغ میباشد سواران خوبی بوده باشند، زیرا بین اشیاء کشف شده قسمت عمده عبارت از حلقة دهنۀ اسب، تزیین عربه و لوازم زین اسب میباشد. بعضی از اینها دارای نقشه‌هایی است که حیوانات را بخوبی مجسم میسازد و با اصول صنعتی نوینی جلوه‌داده شده. تمام اینها مهارت و قوّه ابتکار صنعتگر را نشان میدهد. آلات زینت شخصی زیادی مانند گوشواره، گردن‌بند، انگشت‌تر، دست‌بند وغیره نیز بدست آمده است. گلداهای بزرگ و پایه‌های مفرغی که نه تنها قشنگی طرح دارند، بلکه مهارت و استادی صنعتی در ساختن و تزیین آنها بکار رفته یافت میشود. حتی آلات و ادوات و اشیاء خانه نیز با اشکال پرندگان، حیوانات و نقشه‌های دیگر زینت یافته است.

اشکالی که عقیده داشتند ارواح خبیثه را بر طرف ساخته بخت و اقبال می‌آورد زیاد و بازو بند و طلس فراوان بوده است. در روی بسیاری از این اشیاء شکل عجیبی دیده میشود که شباهت بانسان دارد، ولی به سبکهای گوناگون و گاهی دارای سر و شاخهای بزرگ است و گاهی طوری طویل مجسم شده که مشکل است شباهت آنرا بانسان تشخیص داد. در بعضی مواقع صورت این موجود غریب در روی یک مفرغ چندین مرتبه تکرار شده

است. وقتی مفرغهای لرستان کشف شد عده زیادی عقیده داشتند که این شکل تصویر غربت یا دیو است، ولی در اکثر این تصاویر چون غلبه او را بر مار و حیوانات دیگر مشاهده نمودند، باین نتیجه رسیدند که بدون شک آن تصویر پهلوان بزرگ موهومی است که بر قوای بد بنفع بشر غلبه یافته است. بعضی از علماء این پهلوان را گیل گامش [انکیدو] (۱) مینامند، زیرا اشکال پهلوانی باین اسم و شکل در شمال و جنوب بین النهرين پیدا شده است، ولی میتوان این شکل را که روی مفرغهای لرستان دیده میشود، تصویر کیومرث پهلوان و پادشاه داستانی ایران قدیم دانست.

تصاویری از کیومرث یافت میشود که در هر دو طرف او عصائی است و مارهایی که بر آنها غلبه یافته روی عصاهای دیده میشوند. اشکال خروس و حیوانات دیگر بسبکهای مختلف روی آن رسم شده است. در وسط این تصویر سوراخی است که سنجاق طویلی از آن میگذرد. این سنجاق دارای صفحه ایست که بجای سر سنجاق استعمال میشده و تصویر را بپایه مفرغی که شبیه بیطری است متصل میکند.

یکی از خصائص مهم این صنعت مفرغ، ساختن اشکال حیوانات است. در بین این اشکال از همه مهمتر و معمولتر شکل بز کوهی، گاو نر، حیوان موهومی شبیه به شیر بالدار، که بعضی آنرا عنقا (۲) گفته اند، مار، خروس، سائر پرندگان، اسب، و انسان در حال طبیعی وغیر آن.

تصور میرود که غالب تصاویری که در روی مفرغ نقش شده راجع به هیئت و دارای معانی نجومی است. بین علماء در این مبحث هنوز توافق نظر حاصل نگشته است و معانی این علامات و حیوانات بخوبی آشکار نیست، ولی مفهوم بعضی از آنها کاملاً واضح است؛ مثلاً بز کوهی را حیوان خورشید مینامند و علامتی که شبیه ستاره چند پریا گلی که دارای برگهای بسیار باشد و در روی تصویر بز کوهی دیده شده است، علامت خورشید میباشد. حیوانات در حال جنگ و نزاع قسمتهای مختلفه سال شمسی را نشان میدهند، مخصوصاً

خورشید که بر سر ما و تاریکی زمستان غلبه یافته است. مجموعه ستارگان و محل مختلف آنها در ایام و فصول سال در این تصاویر توسط اشکال حیوانات، مار و حشرات وغیره ظاهر میگردد. برای اینکه این مسئله بخوبی واضح و روشن گردد و معانی حیوانات و علامات مختلفه و رابطه آنها با افسانه های قدیم ایران معلوم شود، و نیز برای اینکه میزان معلومات مردمانی که هزاران سال قبل زندگی میگرده اند راجع بعلم هیئت آشکار گردد، مطالعه و تحقیق دقیق لازم است. بدون شک صنایع این زمان تحت تأثیر علم نجوم، عقائد مذهبی، افسانه و روایات ملی و نژادی که قرنها بطول انجامیده، واقع گردیده و در آن دخالت کلی داشته است. تبرهای مفرغی با نوع و اشکال مختلف پیدا شده است. بعضی فوق العاده ساده و بمنظور استفاده معمولی و برخی از آنها بر عکس با بهترین سلیقه صنعتی تزیین یافته است. نظر این تبرها در بقایای عصر مفرغ در جزائر مدیترانه بدست آمده است. سبک دیگری نیز یافت میشود که دارای دولبه بوده و بشکل هلال است. معلوم نیست بعضی از این تبرها را چگونه بکار میبرده اند، زیرا که استعمال آنها چه در جنگ و چه در قطع اشجار بعید و مشکل بنظر میرسد. شاید آنها را در مراسم مذهبی بکار میبرندند، ولی در تیغه اغلب آنها علامت کار زیاد دیده میشود. در موزه دولتی تهران تبری است که تزیین سوراخ دسته آن سرپرندۀ منقوش است و در روی تیغه اش تصویری از انسان که ماهی بزرگی بدست گرفته نقش شده است. تصور میرود که مقصود از این، نشان دادن هوا بوسیله پرنده و زمین بوسیله انسان و آب بوسیله ماهی باشد. از این نوع کارها و صنایع چنین بر میآید که ابتکار صنعتگران اولیه را حدی نبوده است. بعضی از کارهای آنها فاقد ظرافت است و ارزش صنعتی زیادی ندارد، ولی بعضی دیگر باعلی درجه صنعت رسیده و از شاهکارهای صنعتی بشمار میروند. از نظر قضاوت صنعتی یکی از عالیترین و بهترین آلات زینت که در لرستان بدست آمده، عبارتست از صفحه مفرغی که رویش کمرنگ چرمی بوده است. این شیئی عجالتا در موزه لور پاریس است. دوم مجلس شکار بطور برجسته در روی این صفحه مفرغی نمایش داده شده است و هر مجلس حاوی دو قسم است. قسمت اول صیاد برای نشان میدهد

که ملبس بلباس کوتاه شکاری است و گرازی را که با سه سک در جنگ است هدف قرار داده است . در قسمت دوم همین مجلس گراز نشان داده شده است که دو تیر اوزا از پا در آورده و صیاد بطرف او پیش میرود که آخرین ضربت را برای کشتن آن بکار برد . مجلس دیگر که روی آن صفحه منقوش گشته ، صیادیست که به گوزنی تیر میاندازد و در روی همین صفحه حیوانات دیگر مانند خرگوش ، روباه ، آهو و شیر نیز نقش شده است . در قسمت دوم این مجلس گوزن زخمی شده و صیاد برای کشتن آن با نیزه جلو میرود و شیر فقط تماشچی است و شاید امیدوار است که گوزن را از چنگ صیاد برباید .

سنیجاقهای متعدد باندازه‌های مختلف درین مفرغهای لرستان بدست آمده است . مواد استعمال آنها نیز مختلف بوده است . بعضی برای وصل کردن لباس وزینت و برخی جهت اداء مراسم مذهبی و نیز بعضی در یراق و افسار و لوازم عربابه بکار میرفته است . حلقه‌های بزرگ مفرغ که یکطرف آن باز است پیدا شده و شالب آنها سنگینتر از آنند که برای زینت بکار برده شوند و شاید در معاملات آن‌مان بکار میرفته و نوعی از پول قدیم است . میدانیم که سکیتیان در قرن چهاردهم قبل از میلاد چنین حلقه‌هایی بمصر آوردند و آنها را بدون شک بجای پول و سکه که تا آن‌زمان اختراع نشده بود بکار میبردند .

فنچان و آبخورهای متعدد پیدا شده است که میل و علاقه صنعتگران لرستان را برای زینت و نقاشی نشان میدهد . اشکال حیوانات در روی اشیاء مفرغی دیگر منقوش و مناظر شکار وغیره نیز نشان داده شده است . اشکال دیگر عبارتست از درخت مقدس ، ابوالهولهای که دارای سر انسان هستند ، ربة النوع حاصلخیزی و تصویر انسان در حالات مختلف که کامی با حیوانات و علامات آسمانی نشان داده شده است ، زینت آلات واسلحة وغیره که شمارش و تذکار آنها در این مختصر نکنجد ، در بین مفرغهای لرستان بدست آمده است . مجموعه موزه دولتی تهران را باید با دقت دید تا بارزش حقیقی صنایع مفرغی لرستان پی برد .

در خصوص صنایع لرستان باید بخاطر داشت که چند ققره حجاری مختصر نیز در لرستان پیدا شده است و درین آنها خرسی است که بقدرتی قشنگ مجسم گردیده که

گوئی زنده است و پرنده ایست که با دقیقی تمام حجاری شده و نیز یک ماهی که دقت و استادی کارگر را نشان میدهد.

شاید مهمترین و ماهرانه ترین قسمت کار و صنعت این فلز کاران مهارت عجیبی باشد که آنها در نقش کردن اشکال حیوانات بکار برده اند و میتوان گفت این کارگران در کارهای مفرغی استاد بوده و مهارت بسیاری داشته‌اند. حس ابتکار و قوّه اختراع آنان خوبی زیاد بوده است و عشق و علاقهٔ غریبی بزینت داشته‌اند.

خوبی‌بختانه برای تعیین تاریخ مفرغهای لرستان باشکالی بر نمیخوریم، زیرا روی بعضی از آنها بخط میخی نوشته شده است و راهنمای خوبیست برای تعیین تاریخ تقریبی این اشیاء. محقق است که این مفرغهای گوناگون بادوار و قرون مختلفه تعلق داشته و شاید نمایندهٔ تمدن‌های متعددی است که قرنها با یکدیگر فرق داشته و رو به مرغه بیش از دو هزار سال را شامل می‌شود. تاریخ اشیاء اولیه را در حدود سه هزار سال قبل از میلاد تعیین نموده اند. (۱)

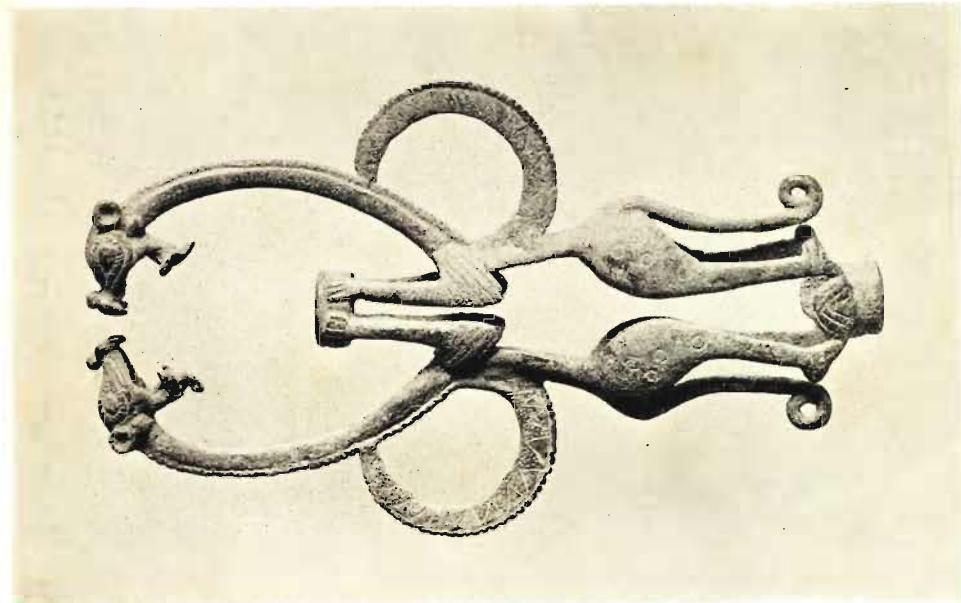
اسامی پادشاهان بابل که قدری بیش از هزار سال قبل از میلاد سلطنت میکردند روی خنجرهایی که بدست آمده حک شده است. این خنجرها را پادشاهان ممالک بین النهرین بربازاییکه از مناطق کوهستانی لرستان آمده بودند، برای پاداش خدمات مهم و تقديری بآنها داده اند.

زمان و تاریخ مفرغهای دیگر بدون شک بعد از اوائل حصر آهن می‌باشد، زیرا اسلحه‌هایی پیدا شده که دارای دستهٔ مفرغی و تیغهٔ آهنی است. از نتیجهٔ تحقیقات علمی چنین بر می‌آید که تاریخ آخرین مفرغهای کشف شده در حدود قرن پنجم یا ششم قبل از میلاد است.

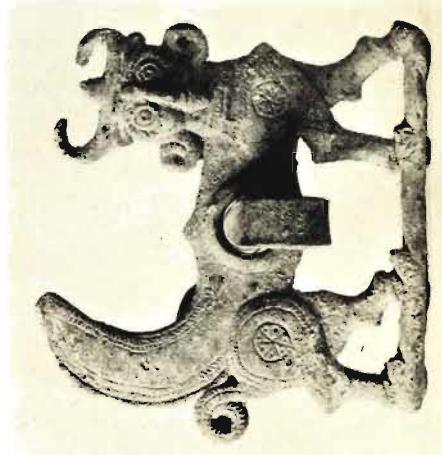
۱ - مقالهٔ پروفسور آرتور پوپ (Prof. Arthur Pope) تحت عنوان

«مفرغهای لرستان» از نشریات مؤسسه امریکائی صنایع و تجارت ایران، دسامبر ۱۹۳۴.

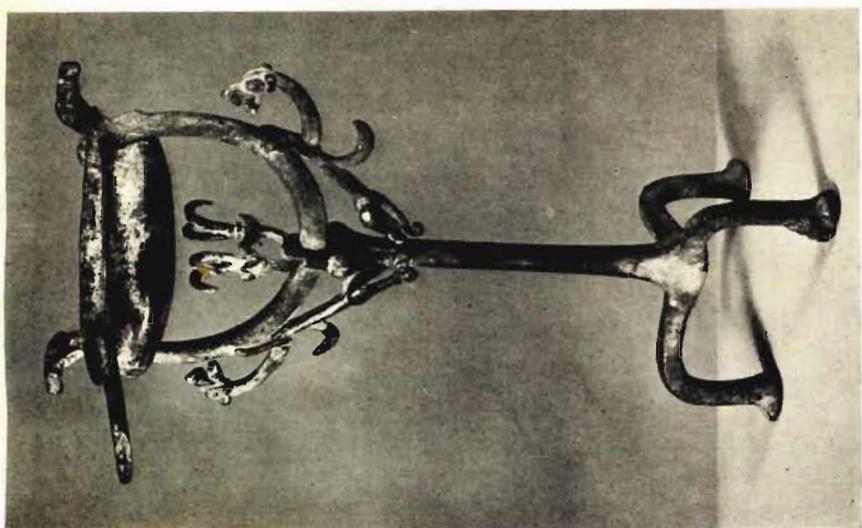
یک جفت شیر بالدار مفرغی از ارستان



دو سر ابجام مفرغی افسار اسب از ارستان
(در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد)



پایه و چراغ مفرغی از لرستان که دارای
شیرهای بالدار و سر های بزرگوار است



کلدان مفرغی از لرستان (اوآخر عصر مفرغ)
دو بزرگوار که دسته آنرا تشکیل میدهند درکمال زیبائی است



ج- مفرغهای آذربایجان غربی

در ناحیه سلیمان در جنوب غربی دریاچه رضائیه هیئت‌های اکتشافی که بمنظور استفاده تجاری بحفریات مشغول بودند، اشیاء متعدد مفرغی بدست آوردند که بعضی از آنها نسبت و شباختی بمفرغهای لرستان دارد و از جمله حلقه‌های سنگین مفرغی است که شاید برای پول بکار برده می‌شدند و نیز دهنده، دست بند، گوشواره و غیره است. در این مکان طلس و بازو بندهای که در روی آن تصویر گاوی نقش شده بدست آمده است و نیز کله گاو نز بزرگی از مفرغ در تپه‌های شمال ناحیه سلیمان نزدیک دریاچه رضائیه از زیر خاک بیرون آمده است.

اشیاء مفرغی که در نواحی ما کو در شمال غربی آذربایجان بدست آمده از جهاتی شبیه مفرغهای اردبیل است، ولی شباخت زیادتری بمفرغهای لرستان دارد. خنجرها از فلز یک تکه ساخته شده و سر آنها را بر گردانده و جا برای دسته چوبی یافزی گذاشته‌اند. در این محل سنجاق، دهنده، زنجیر و مجسمه زنی که دامن گشادی پوشیده بدست آمده است. اشیائی مانند مجسمه ای که در حفریات دامغان پیدا شده بدست آمده و چنین مینماید که آن در مراسم مذهبی قدیم ایران مرسوم بوده است. گوشواره، گردن بند، دست بند، و آلات معمولی دیگر در نواحی ما کو کشف گردیده است. مجسمه‌های کوچک مذهبی نظیر آنچه در قسمت «ب» این فصل مذکور شد پیدا شده است، شباخت زیاد مفرغهای این ناحیه که بین آذربایجان و قفقاز می‌باشد با مفرغهای لرستان شایان دقت و ملاحظه است.

جای ناسف است که اغلب این اشیاء مفرغی بوسیله حفاری علمی بدست نیامده و بهمین جهت حقائق زیادی راجع بتاریخ ترقی و تکامل صنعت از بین رفته و بدست نخواهد آمد. امیدواریم که مناطق دیگری مانند لرستان که دارای خزانه زیاد باشد بوسیله علمی باستان‌شناس و با وسائل و اصول علمی حفر شود. چنین حفریاتی

حقائق زیادی راجع به تمدن عصر مس و مفرغ ایران ظاهر خواهد ساخت که اکنون بر ما مجهول است.

د - نسبت صنعت قدیم بجدید

چنانکه در فصل قبل راجع به نقشهای روی سفال بحث شد اشکال و زینت آلات سفالی که بدست صنعتگران ایران قبل از تاریخ نقاشی شده است استعداد عجیب آنها را در اتخاذ سبک و تصویر حیوانات و سایر چیزها نشان میدهد. این استادی در ساختن اشیاء مفرغی که ملاحظه کردیم ادامه داشته و تکمیل شده است. در سالهای اخیر سبکی در صنعت ظاهر گشته که آنرا «سبک نوین» مینامند و مقصود از آن اینست که اشیاء را بغير از شکل طبیعی خود نشان داده مجسم سازند. چیزی که صنعتگران زمان ما موفق باهم آن نشده اند صنعتگران ما قبل از تاریخ ایران بطريق حیرت آوری از عهده برآمده و آنرا بنحو آکمل انجام داده اند. بنابراین بنظر میآید که مجسم ساختن اشیاء باروح صنعتی چیزی تازه و جدید نیست. چیزی که صنعتگران این صنعت نوین برای بسلست آورون آن کوشیده وسیعی وافی داشته و کمتر موفق شده اند در صنایع سفال و مفرغ ماقبل تاریخ ایران بهترین نمونه آنرا همیابند.

۲ - حجاری و کوه بری قدیم

سلاطین و پادشاهان سه هزار سال قبل ایران یعنی شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی در روی صخره و کوه حجاریهای کرده اند که بعضی از آنها با وجود طول زمان و تأثیرات سرما و گرما هنوز برپا و بر جاست. دکتر ارنست هرتسفلد در کتاب اخیر خود (۱) بعضی از حجاریهای مهم را تشریح کرده است.

در باب میز ان استادی و مهارت صنعتی و نیز وضع لباس و اسلحه ساکنین قدیم ایران از سه حجاری که در صخره های نزدیک سر پل ساخته شده میتوان استفاده

۱ - «تاریخ عتیقه ایران» که در سال ۱۹۳۵ در لندن چاپ شد.

نمود. این مکان در مشرق قصر شیرین واقع شده و در تزدیک جاده کرمانشاه به بین النهرین میباشد و از شاهراه و چاده عمومی زیاد دور نیست.

حجاری اول سلطانی را نشان میدهد که دو نفر اسیر جنگ را در مقابل ربه النوع آورده است. اسیر دیگری در زیر پای سلطان میباشد و پادشاه پای خود را روی او نهاده. شش نفر اسیر دیگر بمقیاس کوچکتری در پائین نشان داده شده است. کتیبه ای بزبان اکدی در زیر آن نوشته شده که علماء بخواندن آن موفق شده اند. اسم این سلطان آنوبانی نی میباشد و اسم ربه النوع اینینا است. این کتیبه تاریخ حجاری را در زمان نارامسین سلطان اکدی تعیین میکند که تقریباً دوهزار و پانصد سال قبل از میلاد میشود. حجاری دوم پادشاهی را نشان میدهد که شاید همان سلطان فوق الذکر باشد که با دشمن مغلوب خود در مقابل علامت خورشید و هلال استاده است. کتیبه ای نیز روی این تخته سنگ میباشد که بعلت طول زمان از بین رفته و خوانده نمیشود. از آنچه که بزحمت خوانده میشود بنظر میآید که نوشته آن نظیر کتیبه مذکور باشد.

حجاری سوم سلطان را تنها در مقابل ربه النوع نشان میدهد و چیزی بر روی سنگ نوشته نشده است. این سلطان آنوبانی نی شاید همان سلطان و پهلوان قومی که لولو خوانده میشوند باشد و ممکن است این شخص پهلوان داستانی باشد و شاید مؤسس سلطنت در میان این قوم بوده است.

چیز مهمی که از این حجاریها بدست میآید اینست که وضع لباس مردم قدیم ایران را بر ما آشکار میسازد. مردم اینزمان لباس آنوتاه و ساده که فقط کمر را میپوشانید در برداشته اند. این لباس شباهت زیادی بلباس مردم بین النهرین در آنزمان دارد. تیر و کمان و تبرهای فلزی و سنگی در بین آنها وجود داشته و از آن استفاده میشده است. بعلاوه اسلحه پرتاب کننده ای نیز داشته اند. این اسلحه طوری پرتاب میشده که در صورت عدم اصابت بهدف، بطرف پرتاب کننده برگرد. درین قبائل وحشی استرالیایی مرکزی سلاحی شبیه بهمین اسلحه بنام بومرنگ (۱) هنوز وجود دارد.

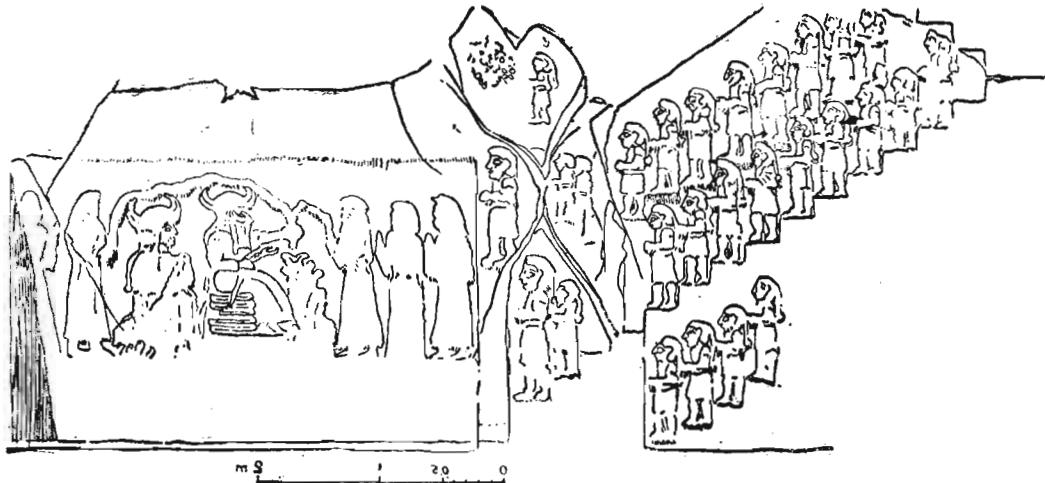
حجاری دیگری در هورن که در شمال غربی سریل واقع است وجود دارد.

از روی کتیبه آن میتوان آنرا پادشاهی موسوم به «ساربانی بیرینی» نسبت داد. در این حجاری نیز قطع و فیروزی بر دشمن نشان داده شده است، ولی از حیث ارزش صنعتی خیلی پست تراز حجاری‌های سریل میباشد. نبار این این حجاری یا متعلق بصر و زمانی قدیمتر میباشد و یا اینکه بزمانی دیرتر و موقعیکه صنعت رو با تحفاظ رفته تعلق دارد. تاریخ این حجاری هنوز بتحقیق معین نگشته است.

حجاری دیگری بزرگتر از آنها ایکه فوق ذکر شد در ۱۹۲۴ در کورانگون پیدا شد. این محل در ایالت فارس و بین شوش و تخت جمشید واقع است، ولی به تخت جمشید نزدیکتر است تا بشوش. بعلت بعد مسافت و اشکال راه این حجاری تا مدتی ناپیدا و مستور بود و فقط اهالی محل از قبیل دهقانان و شبانان از آن اطلاع داشتند. این حجاری روی تپه‌ای بلند بالای پر تگاهی قرار دارد و رودخانه‌ای از وسط دره در پائین آن میگذرد. تنها راه آن پلکانی است که ببالای تپه منتهی میشود و برای راه یافتن آن ساخته شده. واضح است که این مکان پرستشگاه و محل مقدس بوده و حجاری آن با آئین دینی و مذهب آثر مان مناسبت دارد.

در این حجاری رب النوع و ربة النوعی با پیروان و پرستندگان خود دیده میشوند. رب النوع روی تخت عجیبی که از مار جمع شده تشکیل یافته نشسته است. دو جفت شاخ از تاج او بیرون آمده است و جامی در دست دارد که آب زندگانی در آنست و بطرف پرستندگان جاری است. ربة النوع پشت سر او نشسته و از تاج یا پوشش سرش چند شاخ بیرون آمده است. در جلو و عقب این خدایان پرستندگان بسیاری استاده‌اند که بجامه بلندی ملبس میباشند. مرد و زن بواسطه فرقی که بین پوشش سر آنان وجود دارد تشخیص و تمیز داده میشوند.

چند قدم پائین‌تر از صخره تزدیک پلکان تصویر چهل خدمه نشان داده شده است. اینان دامنه‌هایی که تازانوی آنان را میپوشاند در بر دارند. غیر از رئیس آنان، همه



حجاری قدیم در کورانگون فارس

نقل از « تاریخ عتیقه ایران » تألیف ارنست هرستله

موی تاییده و باقهه در عقب سردارند. مجسمه های کوچکی از زنهای اولیه ایران پیدا شده که مویشان بدین طریق ترتیب داده شده است. این حجاری شباهت زیادی به حجاری حتی (۱) که در آسیای صغیر کشف شده است دارد.

از نظر صنعت مهمترین چیزی که در این حجاری دیده میشود آنست که شکل انسان در تمام موارد نیمرخ کشیده شده است. این قسم نقاشی بین مردم آنزمان وجود نداشته و در بین ملل مجاور و حتی در مصر نیز نظیر آن دیده نشده است. دکتر هرستله میگوید: « این قسم تصویر و نقاشی استقلال صنعتی ایرانرا نشان میدهد و حاکی از دوره طویل تکامل صنعت میباشد ». تصور میرود که حجاری و مجسمه های زیادی از صنعتگران این عصر وجود داشته که حالیه ازین رفته و معدوم شده است. ولی باز خوشوقتیم که چنین نمونه ای از صنعت آن عصر که متجاوز از دو هزار سال قبل از میلاد میباشد در دست داریم.

در نقش رسم تزدیک تخت جمشید بقایای حجاری که از حیث موضوع و عمل شبیه بحجاری کورانگون میباشد پیدا شده است. متأسفانه بهرام دو^م برای اینکه مجسمه خود را در وسط آن جای دهد، مقدار زیادی از آنرا کنده و محو کرده است. معذلك اثر بعضی از آن تصاویر قدیمی هنوز تشخیص داده میشود. تصویر دو خدا که در روی تخت از مارجع شده نشسته اند و خدمتکاری که در طرف راست آنها است محو نشده و بجای خود باقیست. نکات قابل ملاحظه عبارتست از دامن بلند و وضع پوشش سر که جلو آن بشکل منقار طویل است. این تصویر نیز نیم رخ است. در طرف دیگر اثر دو مجسمه دیگر تمیز داده میشود، یکی از اینها تاجی بر سر دارد و ممکن است که تصویر ملکه ای باشد. از سبک و روش آن چنین برمیاید که این حجاری و حجاری کورانگون بیک زمان تعلق دارد.

حجاری و مجسمه سازی بهر شکل و اندازه در روی سنگ ساخت و مشکل است و مهارت زیاد لازم داشته تا با ادوات ساده سه هزار سال قبل از میلاد با نجام این قبیل کارهای عظیم موفق گردیده باشند. مهارت و ابتکار و استعداد صنعتی ایرانیان قدیم موجب حیرت و تعجب است.

۳- معماری و مقابر در زمان مددی

راجح بزمان امپراطوری مددی در ایران اطلاعات زیادی در دست نیست و در مکانهاییکه بقایا و آثار این زمان ممکن است پیدا شود حفريات لازمه نشده است. اطلاعات مختصراً از معماری و تمدن آنها از حجاریهای قصر ساراگون که در خورس آباد تزدیک موصول حفاری شده بدست میاید. دکتر هرتسفلد نقشه های این حجاریها را که عجالة در موزه لور پاریس بیباشد جمع کرده است. این نقشه ها قبصائیرا که در حوالی دریاچه رضائیه در آذربایجان بوده نشان میدهد. ساراگون این قبصات را در هشتادین جنگ خود در سال ۷۱۴ قبل از میلاد تسخیر کرده است. کتبه های این حجاریها اطلاعاتی راجع بنوع ساختمانهای آن زمان میدهد.

گرچه این نقشه‌ها تصویر حقيقی شهرهای مدنی نیست، ولی از روی آنها میتوان تصور نمود که شهرهای شمال غرب ایران در قرن هشتم قبل از میلاد بدرجۀ عالی تمدن رسیده بودند. این شهرها دارای دیوارهای محکم و برج و بارو بوده‌اند. خانه‌ها دارای چندین طبقه بوده و درهای آنها هلالی و شکلهای دیگر داشته‌اند. از روی کتیبه‌های این حجاریها چنین بر می‌آید که ستونهای چوبی معمول بوده و تیر در ساختمان بکار میرفته است. سقفهای چوبی گاهی با فلز پوشیده می‌شده است. این قسم معماری که چوب و فلز در آن بکار میرفته بمردم آشور و بابل آنزمان مجھول بوده است.

در تصویر شهری در آذربایجان موسوم به موساسیر معبد جالب توجهی نشان داده شده است. این بنادر قسمت جلوه دارای شش ستون سنگی و سقف آن بشکل شیر و آن می‌باشد. این ستون و سقف مانند معابد یونان است. جای حیرت و تعجب است که قبل از آنکه اینگونه ساختمان در یونان برای معابد معمول شود، در ایران وجود داشته است و سبک معماری که اختصاص به یونان دارد، قبل از آنکه در آنجا ساخته شود در ایران ساخته شده است. با در نظر داشتن تاریخ آن چنین نتیجه میتوان گرفت که اگر روابط صنعتی بین ایران و یونان وجود داشته، سبک معماری ایران بوده است که در بدو امر در معماری یونان تأثیر داشته و در ساختمان معابد یونان از بنای معبد فوق الذکر و امثال آن تقلید شده است.

مقداری از مقابر زمان مدنی که در صخره‌ها تعبیه شده در نقاط مختلف ایران کشف گردیده که مهمترین و بهترین آنها «داودختر» می‌باشد که در نزد دیگر حجاری کورانگون که در صفحات قبل شرح داده شد بدبست آمده است. از خصائص مهم این قبر ستونهای بزرگ حجاری شده و کنگره‌هاییست که در بالای آن تراشیده شده است.

این قسم ساختمان مستلزم ترقیات زیادی در صنعت معماری می‌باشد و ستونهای آن بسبک ستونهاییست که بنام «ایونیک» یونان نامیده می‌شود و آن عبارتست از ستونهایی که هر دو طرف سر ستون پیچ دارد. بقول دکتر هرتسفلد این قبر در حدود ۵۵۰-۶۵۰ سال قبل از میلاد حجاری شده است. در این زمان صنایع یونان تأثیر و نفوذی در صنایع ایران

نداشته است ، بلکه مشاهده میشود که صنایع ایران دارای خصائص و نکات زیادی بوده که
بعدها در صنایع و معماری اروپا ظاهر گردیده است .

علاوه مراتب مذکور ، میدانیم که در سال ۶۷۸ قبل از میلاد سلاطین مدی
شهر آکباتان پایتخت همکلت مدی را بنانمودند و قصرهای بزرگ و معظمی ساختند که
سقف آنها از طلا و نقره پوشیده شده بود . بعدها فاتحین این شهر را تسخیر و طلا و نقره
آنرا ذوب و سکه زدند .

گرچه اطلاعات ما راجع بزمان مدی خیلی کم است ، ولی میدانیم که آنها
دارای تمدن عالی بوده اند و از سبک معماری آنان در زمان بعد استفاده زیادی شده است .
امیدواریم که کاوشهای دیگری بشود و صنایع و معماری زمان مدی در مغرب ایران آشکار
و واضح گردد .



بازو بند طلا (عصر هخامنشی)



گل میخ نقره و طلا



گوشواره طلا (عصر هخامنشی)



بازو بند نقره از عصر امپراتوری قدیم ایران



دسته شکل بزرگی کویی جام بزرگی طلا و نقره
(غالیتین شاهکار عصر هخامنشی)



سر بزرگی مفرغی که دقت صنعتی را نشان میدهد
(قرن چهارم پیش قبیل از میلاد)

فصل چهارم

(صنایع امپراطوری قدیم ایران) یاد و ره هخامنشی

در سال ۵۵ قبل از میلاد که سال نهم سلطنت و حکومت کورش کبیر بر
ملکت کوچک آتشان بود، آستیاک پادشاه مدی را مغلوب نموده مالک ممالک او گشت و
در مدت ده سال ممالک لیدی و بابل را مسخر کرده حکمرانی بزرگترین امپراطوری که
تا آن عصر تشکیل شده بود گردید.

نویسنده‌گان یونانی کورش کبیر را نه تنها فرمانده خوب و سیاستمداری قابل
قدمداد کرده بلکه او را دارای اخلاق و ملکات عالی میدانند. کورش در بعضی از صحف
انبیاء بنی اسرائیل نیز شخصی بسیار مهم محسوب گردیده و او را نجات دهنده قوم خود
از اسارت بابل دانسته‌اند. در حقیقت کورش یکی از بزرگترین نوافع نژاد آرین محسوب
می‌گردد و نام او در بسیاری از زبانهای دنیا معمول و برجسته است. لوحهای گلی بسیاری
راجع سلطنت و حکومت او در بابل بدست آمده است.

پس از آنکه کورش کبیر امپراطوری خود را از دریای مدیترانه تا سرحد
هندوستان بسط داد، با آبادی مملکت و ساختن بناهای عظیم که لائق چنان سلطنت باشکوهی
باشد پرداخت و بناهای با عظمتی در پایتخت خود شهر پارسا گارد (۱) ساخت. اسم این شهر
را نویسنده‌گان یونان اشتباهًا پازارگاده (۲) نوشته‌اند در صورتیکه در اصل یونانی پارسا گاده
و در اصل فارسی قدیم پارسا گارد بوده است. این شهر در دشت مرغاب در ۱۴۰ کیلومتری

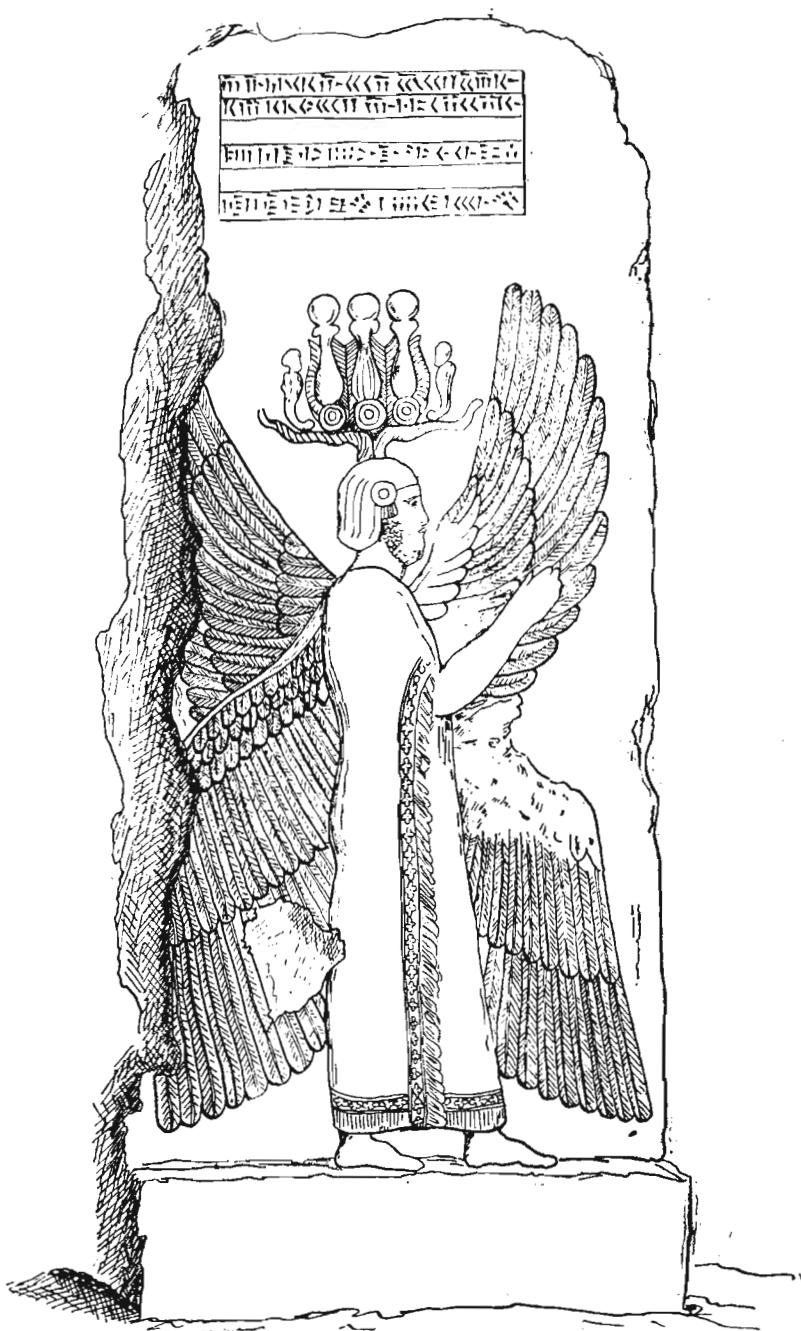
شیزار حاليه واقع و نزديك جاده اصفهان بشيراز است. دره کوچکی که خرابه های شهر قدیم در آن دیده ميشود ۲۴ کيلومتر طول و ۱۵ کيلومتر عرض دارد.

۱- پارساگارد

وقتی از جاده بخرابه های پایتخت قدیم نزدیک ميشویم اولین اثر مهمی که از شهر و پایتخت قدیم شاهنشاهان هخامنشی جلب توجه میکند، قبر خود کورش کبیر است که تابحال برجا مانده و دست نخورده است. این مقبره از يك اطاق که سقف آن شیروانی شکل یا بام دوپیشه‌ای است تشکیل یافته و از سنگهای تراش بزرگ ساخته شده. بنای مزبور روی يك مصطبه هفت رجه سنگی قرار گرفته. این رجه‌ها تشکیل پلکانی داده است. پله اول دو رجه دارد و بدینظریق بنا دارای شش پله ميشود. پله های پائین بلندتر و با وسعت ترند و بتدریج از وسعت و بلندی آنها کم ميشود. اطاق مقبره در داخل فقط دارای سه متر طول و قدری بیش از دو متر عرض است. مدخل آن کوتاه و باریک میباشد. عظمت این بنا درسادگی آنست. دلیل اینکه این بنا دست نخورده آنست که پس از استیلاء عرب این مکان بمسجد مبدل گردید و دور آنرا با ستونهای سنگی محصور نموده و برای مصالح شاید از خرابه های قصر نزدیک استفاده نمودند.

خرابه برج سنگی مربعی نيز در پارساگارد میباشد که از حیث ساختمان شبیه برجی است که روی مقبره پادشاهان هخامنشی در نقش رستم واقع شده است. این بنا اگر مقبره بوده معلوم نیست برای که ساخته شده.

دروسط شهر باغ بزرگ سلطنتی قرارداشته که بادیوار بلند سنگی احاطه گردیده و سر در زیبای آن در يك گوشة اين باغ واقع شده بوده که سقف آنرا هشت ستون بزرگ سنگ آهکی نگاه دیداشته است. اين ستونها ساده و روی تکه سنگهای سیاه مدوری که زیر آنها سنگ سفید گذاشته شده بود قرار گرفته و اختلاف رنگ سیاه و سفید را که در سایر بناهای شهر دیده ميشد نشان میدادند.



مجسمه بالدار طalar کورش در پارسا گارد

مدخل و درگاهها در عرض بنا واقع شده و بتوسط گاو هائیکه بالهای بزرگ داشتند محافظت میشد. یکجفت از آینها که در داخل واقع شده بودند، مانند حجاریهای مدخل پارسا یا تخت جمشید سرانسان داشتند. درست شمال تکه های سنگ آهکی به بلندی سه متر که بشکل فرشته یا ملک بالدار حجاری شده قرار داده بودند. یکی از این مجسمه ها تا زمان حاضر بخوبی مانده و سابقاً تصور میکردند که تصویر خود کورش باشد، زیرا در بالای آن نوشته شده است « من کورش پادشاه هخامنشی هستم »، ولی بدون شک این مجسمه یک فرشته محافظت میباشد. این مجسمه را باید بادقت و توجه در جزئیات آن مطالعه نموده تشریح کرد، زیرا نمونه خوبی از مهارت صنعتی آن زمان است و تأثیرات منابع مختلفه را بخوبی نشان میدهد. این مجسمه شبیه بعضی صور تمایی آشوری ساخته شده است. دست آن در حال برگت دادن بلند است و عصای تشریفاتی در دست دارد. پاهای او در حال حرکت، چنانکه در حجاری آن زمان مرسوم بوده است، یکی در جلوی دیگری قرار دارد. لباس او شایان دقت مخصوصی است. جامه ای با آستین کوتاه در بردارد که حاشیه آن با گل بطور برجسته تزیین یافته. موهاش از پشت تاشانه میرسد و حلقه حلقه است. آرایش سراو خیلی دقیق و شبیه زینت سر مصریها میباشد و آن عبارتست از سه حلقه که از هر یک دسته های نی که بین پر شتر مرغ هستند بیرون میاید و خورشید را نمایش میدهد. کلیه آن روی شانه بزر قرار گرفته و در هر طرف آن هاری قرار داده شده است. هر یک از این علامات البته دارای معانی و مختصات مخصوصی بوده است. خود مجسمه چهار باال بزرگ در پشت دارد که دو تای آن رو ببالا و دو تای آن بطرف پائین متوجه میباشد. یک دوره از این تصاویر در روی دیوار تصویر عجیبی تشکیل میداده است.

تقریباً در حدود دویست متر در شمال غربی این عمارت سر در طالار پذیرائی واقع و در چهار گوشه آن اطاوهای مربعی شکل ساخته شده بوده است. بین این اطاوهای دهلیزهای طویلی قرار داشته که هر یک دارای دو ردیف ستون بارتفاع شش متر بوده. قسمت مرکزی یا طالار اصلی دو ردیف ستون بارتفاع ۱۳ متر داشته و این ستونها سقف را بگاه میداشته است. سر این ستونها عموماً سراسب، سرگاؤنر، یا شیر شاخدار بوده است.

درها در طول عمارت قرار داشته و در طرفین آن تصویر مغای که گاوی را برای قربانی میبرد
حجاری شده و در انتهای عمارت تصویر فرشته بالدار با سر و پنجه عقاب نقش شده است
متأسفانه از آثار و بقایای این ابنیه مختصری باقی مانده و بیشتر منبع اطلاعات ما باد داشتهای
پرسور ا. ت. اوامستد (۱) استاد دانشگاه شیکاگو که برای نوشتمن تاریخ تهیه و اخیراً
بدین مقصود بایران آمده بود میباشد.

چهارصد قدم دورتر از طalar پذیرائی محلی است که کورش کبیر قصری در
آنجا بنا نموده . وسعت آن ۷۶ متر در ۴۲ متر بوده است . دیوارهای آن از خشت و در
جلو دو ردیف ستون چوبی داشته که تقریباً شش متر بلندی آن بوده و این خود دلیل آنست
که شاید سبک معماری مدی در ساختن این قصر بی اثر نبوده است .

تصویر شاهنشاه بطور برجسته مقابله درهای جلو و عقب طalar بزرگ حجاری
شده است و نیز تصویر یکی از خدمه بمقیاس کوچکتر پشت سر وی نقش گردیده . پادشاه
جامه بلندی در بردارد . مژگان و گل لباسی از طلا که در سنگ قرار گرفته ساخته شده
است و در چین دامن او نوشته شده «کورش پادشاه بزرگ هخامنشی ». بعلاوه کتیبه ای که
دعای برگت دادن است بسه زبان نوشته شده .

طalar بزرگ ۲۴ متر طول و ۲۲ متر عرض داشته و سقف آن بتوسط سی
ستون که در شش ردیف پنج ستونی قرار گرفته نگاهداری میشده . بیشتر پایه ستونها برنگ
سیاه و بدنه آنها برنگ سفید بوده است . این اختلاف رنگ متناسب با کف اطاق بوده زیرا آن نیز
از مصالح سیاه و سفید ساخته شده بوده است . سر ستونها از گچ ساخته شده و با الوانی مانند
قرمز تیره ، آبی آسمانی ، فیروزه ای ، قهوه ای روشن ، سبز ، زرد و غیره رنگ شده بود . شکی
نیست که این رنگهای مختلف با پرده های قشنگ طalar و رنگ سیاه و سفید ستونها و کف
اطاق جلوه مخصوصی بسالن بزرگ میداده است . در آن زمان یعنی ۲۰ قرن پیش یکی از
خصائص مخصوص صنعت ایران یعنی ترکیب رنگهای مختلف و رعایت تناسب آنها بخوبی
مشهود و هویدا است .

متجاوز از دو کیلومتر دورتر از قصر، خرابه معبدی دیده میشود که طبقه اصلی آن از سنگ و بارتفاع شش متر میباشد و در حدود ۷۰ متر در ۴۰ متر وسعت دارد. روی آن معبدی از خشت ساخته بودند و بقایای دومذبح نیز پیدا شده است.

کورش بزرگ بساختن صفة بزرگی اقدام نموده و خیال داشته که در روی آن بناهای سلطنتی دیگری بسازد، ولی از قرائن چنین بر میآید که این سکوی عظیم با تمام نرسیده. در دامن عمارتی که بشرح آن پرداختیم شهری بی حصار قرار داشته و تنها چیزی که در اینمکان باقی مانده است تکه های ظروف سفالین و سنگهای میباشد که جهت ساختن ابنيه بکار میرفته است.

قسمت مرکزی ابنيه پارسا گارد بلندتر از اطاقها و ساختمانهای اطراف بوده و بدون شک طالارهای بزرگ قسمت مرکزی بوسیله پنجره هایی که در اطراف عمارت بلند قرار داشته، روشن میشده است. شاهکارها و بدایع معماری که بعداً در بناهای عظیم تخت جمشید بعمل آمده در اصل از این ابنيه اقتباس و تکمیل گردیده. سپس در تخت جمشید به ابهه رین نحو آشکار گردیده است. اختلاف رنگ سیاه درگاهها با دیوارهای سفید و نیز همین خلاف رنگ ستونها و کف اطاق چنانکه گذشت تأثیر صنعتی قابل توجهی داشته است. قبر کورش کبیر با سقف شیروانی شکل و سادگی بنای آن سبک دیگری است از معماری. عقیده معمولی اینست که قبر کورش تقلید از اسلوب یونانی میباشد، ولی ممکن است که هاندستونهای مقابر مدی که در فصل گذشته بدان اشاره نمودیم، ابتکار خود ایرانیان باشد.

چون بقایای پارسا گارد زیاد نیست باید اطلاعاتی که از دیدن این آثار بدست میاید با منابع قدیمه توأم گردد، ولی بگفته پروفسور اولمستد با اینکه آثار پارسا گارد کم است، معهداً تصویری است از تمدن کامل و فرهنگ ملی ایرانیان قدیم.

۲ — کتیبه های میخی

قبل از آنکه بشرح آثار داریوش و سلاطین بعد پردازیم، لازم است اطلاعی در خصوص کتیبه ها و زبان و خطوط میخی آنان حاصل کنیم.

عادت پادشاهان هخامنشی براین بود که کتبه‌های خود را به زبان - فارسی قدیم، عیلامی یا ازرانی و بابلی بنویسند. البته برای هر زبان علائم مخصوصی داشتند، اما این علائم عبارت از اشکال گوہ‌ای ساده بود که قسمت پهن تر آن گویدر می‌بوده. ریشه اصلی این خط‌علوم نیست، ولی چنانکه در فصل قبل ذکر شد لوحهای باین خط که بزبان اصلی عیلام می‌باشد، نزدیک کاشان بدست آمده است. این لوحهای تقریباً متعلق به ۲۸۰۰ سال قبل از مسیح می‌باشد.

از بین سه زبان مزبور که در کتبه‌های داریوش و سلاطین دیگر هخامنشی استعمال شده، زبان فارسی قدیم از همه سهلتر و آسانتر می‌باشد و آن از سی و شش علامت مرکب است که نماینده اصوات و سیلاح می‌باشدو بعلوه هیجده علامت باعداد اختصاص دارد، چهار علامت مختص اشیاء معین است و دو علامت برای جدا کردن کلمات استعمال می‌شود. خط عیلامی یا ازرانی تقریباً از ۱۱۳ علامت که تابحال کشف شده مرکب است. مطالعه لوحهای که جدیداً کشف شده شاید عده این علامات و بطور قطع عده لغات این زبان را زیادتر خواهد نمود.

زبان بابلی از فامیل زبانهای سامی است و خط آن خیلی مشکل و پیچیده است و از صدها علامت ترکیب یافته که بعضی نماینده یک حرف، برخی نماینده یک صدا و عده‌ای نماینده کلمه یا شیئی مخصوصی می‌باشد.

۳ - بیستون

بدوآ لازم است کتبه داریوش را در بیستون مطالعه کنیم، زیرا این کتبه‌یکی از بهترین یادگارهای بزرگ ادبی و تاریخی ایران است. در این محل بود که رالینسن (۱) انگلیسی پس از هیجده سال مشقت و زحمت بخواندن متن خط فارسی قدیم موفق شده و بدینوسیله معمای بزرگ خط میخی را حل کرد. کشف این خط‌یکی از خدمات برجسته تاریخی محسوب می‌گردد.

متجاوز از دوهزار سال بود که سرخواندن خطوط میخی برکسی معلوم نبود

و هیچکس نمیتوانست آنرا بخواند یا برسه آن پی برد و معلوم نبود علامانی که بر روی سنگ حجاری شده القباء، سیلاپ و یا الفاظ و کلمات است. این معما باقی بود تا اینکه رالینسن آنرا حل نموده و بخواندن کتیبه بیستون موفق گشت. برای این کار کتیبه بیستون را با کتیبه گنج نامه که در دامنه کوه الوند نزدیک همدان قرار دارد مقایسه نمود. محققین دیگر نیز در پی کشف این خط بوده و متن دو زبان دیگر را خواندند؛ بدینظریق سر هزاران الواح دیگر که در بین النهرين کشف شده بود آشکار گردید.

کتیبه بیستون نزدیک جاده ایست که کرمانشاه و همدان را بهم مربوط میسازد. بر روی صخره پر تگاه بلندی تصویر داریوش کبیر دیده میشود که باندازه هیکل طبیعی ساخته شده است، ولی از یائین کوچکتر بنظر میآید. پشت سر داریوش دونفر از خدام دیده میشوند. در زیر پای او اسیری روی زمین دراز کشیده و در جلوی او نه نفر دیگر از اسراء قرار گرفته و دستهای آنان از پشت بسته و گردشان را بیکدیگر بسته اند. در بالا تصویر اهور مزدا قرار دارد. کتیبه هائی در زبر و طرفین این تصاویر حجاری شده است. قسمت فارسی قدیم در پنج سطر زیر تصاویر کنده شده است. کتیبه عیلامی در طرف چپ آن قرار دارد و ترجمه بابلی آن در قسمت بالا طرف چپ تصاویر نوشته شده کتیبه های دیگر در طرف راست دیده میشود در زیر پای شاهنشاه گوماتای مغ بر پشت خوابیده و دستهای خود را برای عفو و التماس بلند کرده است. اسمای نه نفر دیگر بقرار ذیل است:

- ۱ - آترین شوشی، ۲ - نی دین توبل بابلی، ۳ - فر ورتیش مدی، ۴ - مرتبه شوپی، ۵ - تیران تخمه ساگارتیه، ۶ - وہیزدات، اسمر دیس دوم غاصب، ۷ - آرخ بابلی، ۸ - فرادا مروی، ۹ - سکون خای سکیتی. تصویر آخری دارای کلام بلندی است که بدون شک بعداً اضافه شده است.

احتمال میرود این تصاویر را بشکل حقیقی اشخاصی که منظور نظر بوده حجاری کرده باشند و یا اقلائی شکل سر و صورت و موی و ریش آنها طوری جلوه داده اند که با خصائص و رسوم ملی هر یک مطابقت کند.

تصویر شاهنشاه یا شکل حقیقی او و یا تصویری است که تقریباً نزدیک بحقیقت

میباشد. این تصویر خیلی شبیه بتصویر دیگری از داریوش میباشد که اخیراً در تخت جمشید کشف شده و بعداً شرح خواهیم داد. ریش بلند و گیسوان او با دقت مخصوصی جمع و پیچ داده شده و کمر چینی در بر دارد. ارتفاع مجسمه یک متر و هشتاد سانتیمتر میباشد و شاید قد طبیعی داریوش همین اندازه بوده است. دو نفر درباری که پشت سر او ایستاده اند تقریباً بهمین طریق لباس پوشیده اند. یکی از آنها تیر و کمان شاهی و دیگری نیزه شاه را در دست دارد.

بالای سر اسراء تصویر اهورمزدا کشیده شده است و هاله ای دور سر او را گرفته و بالهای او گشوده است. این تصویر علامت جاودانی بوده که در مصر بکار میرفته است. در این کتیبه داریوش اسامی اجداد خود را ذکرمیکند و میگوید: « هشت نفر از دودمان من پیش از من شاه بوده اند . من نهمین شاهم . از دو سو پادشاهیم ». اگر این مطلب صحیح باشد مسئله مشکلی پیش میآید، زیرا ما میدانیم که پدر داریوش شاه نبوده . بطور یکه از تحقیقات باستان شناسان بر میاید نسب او بقرار ذیل میباشد:

۱ - داریوش هخامنش

۲ - تی اس پیس

۳ - کورش اول

۵ - آریا رامس

۴ - کامبیز اول

۶ - آرسامس

۷ - کورش کبیر

هیستاسب

۸ - کامبیز دوم

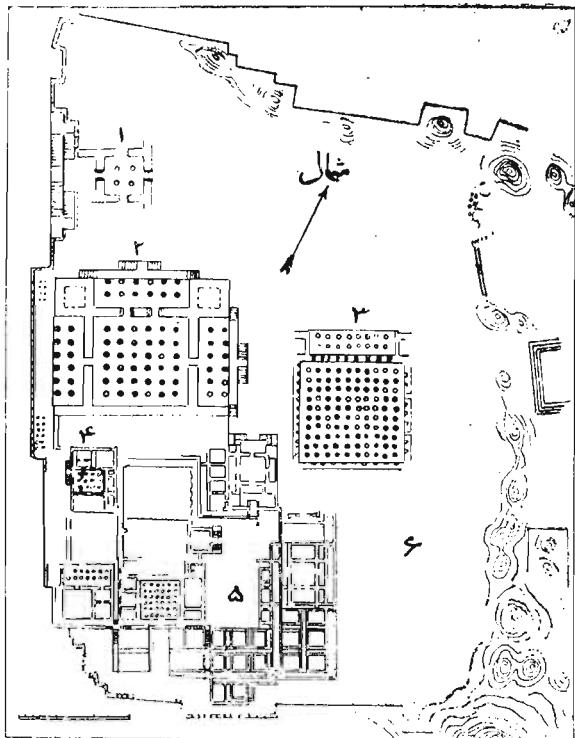
۹ - داریوش اول

علاوه بر مطالب فوق شرح واقعه قتل گوهراتی مغ که پس از مرگ کامبیز دوم سلطنت را غصب کرد، ذکر نموده. سپس شرح جنگهای که برضد بزرگان و امراء یاغی کرده میپردازد و در خاتمه بهر کس که این تئیه بزرگ را محو کند لعنت میکند. این حجتاری در ششمین سال سلطنت داریوش ساخته شده و بکی از مهمترین یادگارهای تاریخی دنیا بشمار میرود. کتبیه بیستون از لحاظ صنعت بیان بعضی از حجاریهای تخت جمشید نمیرسد، ولی مهارت زیادی در ساختن آن بکار رفته و استادی کارگران ایرانی را که تحت اوامر و دستور دقیق شاه کار میکرند آشکار میسازد.

۴ - تخت جمشید

بزرگترین آثار معماری و مجسمه سازی ایران قدیم در تخت جمشید است که یونانیان آنرا پرسپولیس مینامند و معنی آن در زبان یونانی «منهدم کمنده شهرها» است. این اسم یا اشتباهًا ترجمه شده و یا اینکه اسکیلوس شاعر معروف یونانی برای شوخی آنرا بکار برده. در منابع اولیه و در تئیه ها لفظ پارسا برای قصر سلطنتی و نواحی اطراف آن استعمال شده است.

دیوار نگاهدارنده صفوه تقریباً نیم کیلومتر طول دارد و در بعضی نقاط بلندی آن به ۱۳ متر میرسد و از سنگهای بزرگ ساخته شده است. این سنگها بیک اندازه نیستند، ولی طوری تراشیده شده اند که کاملاً بهم متصل و یک پارچه بنظر میآید. مدخل اصلی دارای دو پلکان دو طرفه است و از سنگهای بزرگ بنا شده. پله ها طوری یهند و کوتاه هستند که جمعیت زیادی میتوانسته باسانی و بارامی کامل از آن بالا رود.



- ۱ - سردر قصر خشایارشاه
- ۲ - «ایدنه» (طalar بزرگ)
- ۳ - طalar صد ستون
- ۴ - قصر داریوش
- ۵ - فصرهای شاهنشاهان بعد از داریوش
- ۶ - مجلل تالار صد ستون دوم که اخیراً کشف گردیده با دو حجاری روی دیوار که هر یک دارای نه تصویر است (رجوع شود به صفحه ۷۳)

نقشهٔ تخت جمشید

سردر بزرگ قصر خشایارشاه بالای پله‌ها واقع است و در طرفین آن چهار گاو بالدار که دارای سرانسان می‌باشند با سلوب آشوریها ساخته شده است. این سردر از چهار طرف راه داشته و سقف آن را چهار ستون نگاه میداشته است. کتیبه‌ای روی این بنا نوشته شده و ترجمه آن چنین است «خشایارشاه، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه ممالکی که مملکوت‌گوون دارد، شاه این زمین بزرگ و پهناور، بفضل اهورمزدا این سردر که تمام ممالک را مینماید ساخت. چیزهای مهم دیگر نیز در این پارسا ساخته شده که من و پدرم بنادرده‌ایم. هرینائی که دارای منظره زیبائیست، تمامی آنرا بفضل اهورمزدا ماساخته‌ایم». از این عبارات می‌توان فهمید که شاهان هخامنشی سعی داشته‌اند در این بناهای عظیم وحیرت‌انگیز زیبائی و قشنگی ایجاد نموده، صنعت را با عظمت توأم نمایند.

در جنوب شرقی سر، در طالار بزرگی قرار دارد که به «اپدانه» موسوم است. قسمت مرکزی این بنا طالار مریع عظیمی است که هر ضلع آن تقریباً ۶۰ متر است. رواق یا دالان اصلی رو بروی سر در ساخته شده، ولی در طرف مشرق و مغرب طالار رواق‌های بهمان بزرگی وجود داشته است. در زوایای بین این رواقها و رواق اصلی اطاقهای مریعی شکل ساخته شده بوده.

سقف طالار بزرگ ۳۶ ستون در شش ردیف داشته که از سرو آزاد پوشیده شده بوده است. رواقها هر یک ۲۱ ستون در دو ردیف داشته. ارتفاع این ستونها از هیجده هتر و نیم متراً باز بوده است. دیوارها از خشت ساخته شده و با کاشیهای نقش گل دار هزین گشته بوده. در این طالارهای بزرگ چیزی که توجه ییننده را بیش از هر چیز جلب مینمود دیوار نبود، بلکه ستونهای بیشمماری بود که باین طالارها شکوه و جلال میداد. عاج، طلا و احجار قیمتی در موزائیک کاری طالار بکار میرفتند و پرده‌های گونا گون آویخته میشدند و بدینظریق رنگهای مختلف جلوه مخصوصی بطالار میداده. بناهای عهد هخامنشی بهترین نمونه جلال و شکوه صنعت بوده و تا به حال نظیر آن دیده نشده است.

ستونهای طالار بزرگ پایه‌های زنگ مانند داشته و تنۀ آن دارای دو قسمت بوده. قسمت اول ده متر طول و قاشقی تراشیده میشدند و قسمت دوم که روی آن قرار داشته و هر چه بالاتر میرفتند باریکتر میگردیده هشت متر و دارای سه قسمت مختلف بوده و هر قسمت بطرح مخصوصی حجاری گردیده است. قسمت اول عبارتست از یک عدد تاج بشکل برگ. قسمت دوم که قسمت اول و سوم را متصل میسازد هاریچ است و قسمت سوم بشکل تنۀ دو گاو نر است که پشت بهم داده. تیرهای سقف بین سر این دو گاو قرار میگرفته است. روی هر قسمت گرچه این ستونها قسمتهای مختلف و نقشهای پیچیده داشته، اما فوق العاده زیبا بوده است. در سائر بناهای صفوه ستونهای بهمین شکل و تناسب ولی باندازه‌های مختلف دیده میشود. گاهی بعضی از قسمتهای آن حذف شده است.

قصر داریوش در مقایسه با طالار بزرگ کوچک و مختصربنظر می‌آید. این قصر

رو بجنوب است و تنها بنائي است که در اين جهت ساخته شده است. اهميت آن بيشتر برای سردرها و درگاههای سنگی است که پس از قرنها هنوز بحال خود باقی مانده است. در طرفين اين درگاهها تصویر پادشاه حجاری شده که بکشتن ديوی مشغول است و درباريان او نيز حضور دارند. در اين تصاوير شاه بازوپند طلا، يقه و تاج دارد و ريش او از سنگهای منفذدار مصنوعی است.

طalar اصلی قصر داريوش مربعی شکل و بضع ۱۵ متر و نیم بوده است. رواقی در طرف جنوب و اطاقهای باندازه های مختلف در سه طرف دیگر داشته و کلیه بنا بشکل مربع مستطیل بوده است. از کتیبه های اين بنا معلوم میشود که خشایارشاه و اردشیر سوم اين بنارا تغيير داده و بزرگتر نموده اند.

دوجفت لوح تاریخ بنا در جعبه سنگی در صفة پارسا بدست آمده است. اين لوحها از طلا و نقره ساخته شده و هر يك قریب سی سانتیمتر مربع است. عبارت ذیل در نهايیت قشنگی روی آنها نوشته شده و در نوشتن آنها دقت مخصوصی بكار رفته و نمونه ای است از اهمیت صنعت کتابت در ایران، از اینقرار : « اینست مملکتی که من دارم، از سکائیه و سعدیها تا حبسه و از هندوستان تا سارد که اهورمزدا بزرگترین خداوندان بمن داده ». .

در سمت مشرق اپданه بنائي است که معمولاً قصر صد ستون خوانده میشود.

طalar اين بنا از طalar اپدانه بزرگتر است اما ستونهای آن به بلندی ستونهای اپدانه نمیباشد. در سمت شمال اين بنای میجلل رواقی بوده که ۵۶ متر طول و ۱۴ متر عرض داشته است و در طرفين آن گاو های نرسیار عظیمی از سنگ ساخته شده که هنوز دارای همان جلوة صنعتی میباشد و حتی رنگهای که برای تزیین آنها بكار رفته اکنون دیده میشود.

طalar اصلی اطاق مربعی شکل است که هر ضلع آن هفتاد متر میباشد ! آن برای منبت کاریهای قاب درها و غيره مشهور است، مخصوصاً تصویر پادشاه که روی تخت خود نشسته و اتباع او از ملل مختلف تخت را نگاهداشته اند. خلاصه آنچه که در بناهای دیگر صفة نقش شده در اينجا بطور مینیاتور و مقیاس کوچکتر تکرار گردیده است.

قسمتی که در این حاشیه بیشتر توجه صنعتگر و اهل فن را جلب میکند تصاویر حیوانات است که بسیاری از اینها را بعنوان هدیه برای شاهنشاه آورده اند. در بین این حیوانات گوسفند، گاو، شتر، اسب، قاطر و حتی زرافه نیز دیده میشود. شیر ماده‌ای در بین این حیوانات است که دو بچه او را از عقب حمل میکنند. علاقه ایرانیان به حیوانات و نیز مهارت آنان در ساختن و نشان دادن تصویر آنها در اینجا بخوبی نشان داده میشود این مهارت از قرون گذشته با ایرانیان رسیده، چنانکه در عصر مفرغ نمونه آنرا در صنایع آنهد مشاهده نمودیم. این تصاویر با اینکه از روی اصول رسمی صنعتی آنزمان ساخته شده معهداً با روح و قوه میباشد و منتهی ترقی صنعتی حجاری را در عصر هخامنشی نشان میدهد. قسمتهای مختلف این حاشیه بتوسط درختان سرو از یکدیگر جدا شده است.

نکته جالب توجه این حجاری نمایش حرکت این جماعت است که مانند عبارت منظوم موزون میباشد. واحد این وزن فضائی است که بتوسط یکنفر اشغال شده و در هر تصویر این واحد را اشغال میکنند و بدین طریق تناسب حفظ شده و کلیه حجاری تقریباً سه یا پنج واحد را اشغال میکنند و بدلیل این تناسب حفظ شده و کلیه حجاری با آهنگ و وزن شعر بزرگی روی سنگ در حرکت است. نتیجه این مهارت در نظم و فاصله دادن تصاویر در اینست که آن حاشیه طولانی خسته کننده نیست.

وقتی تصاویر حیوانات با تصاویر انسان مقایسه شود، شاید بمنظور آید که تصویر انسان خشک و بیروح است. تمام تصاویر انسان در آنزمان بحالات نیمرخ که یک پا جلوی پای دیگر گذارده شده رسم و حجاری میشده. معلوم میشود که صنعتگران هنوز موفق به ترسیم تمام صورت اشخاص نشده بودند. این اشکال در صنایع قدیم سائر ملل نیز دیده میشود. باید بخاطر داشت که هیکل انسان بالنفسه مورد توجه صنعتگران زمان نبوده است، زیرا بدن در زیر لباس مستور است و خوب نمایش داده نمیشود. نیز از قرائن معلوم است که عادت ورسم صنعت آنزمان نبوده که تصویر زنان را رسم کنند یا اینکه تصویر زنان خانواده سلطنتی ممنوع بوده است. تصویر مردان اشکال اشخاص مخصوص و معینی نیست، بلکه در اغلب موارد نمونه‌ایست از ملت یا قوم بخصوصی. اگر چه این حجاری طبق نقشه‌ای که قبل



حفاری تخت جمشید و حجاری داریوش کبیر و اشخاص دیگر
(از گزارش دکتر اربیک اشميد به دولت شاهنشاهی ایران)



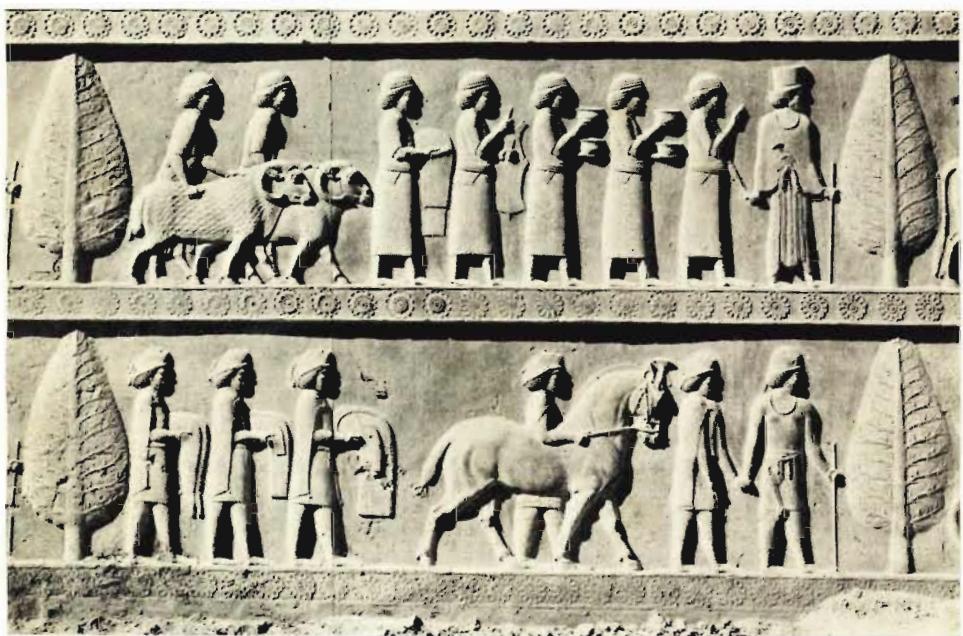
خنجر و غلاف از حجاریهای بالا
عالیمرین حجاری که از عصر هخامنشی کشف شده
(به صفحه ۷۳ و ۷۴ رجوع شود)



وحهای خط میخی از تخت جمشید



سر ستون از دو گاو نر که پشت بهم داده اند (تخت جمشید)



نمایندگان اقوام تابعه با هدایا برای شاهنشاه ایران . این حجاری روی پلکان سبک نقاشی اشخاص و حیوانات را نشان میدهد (اهداء بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو)

تهیه شده بود ساخته شده و بر حسب فرمان شاه بوده است، ولی با دقت و مطالعه مخصوصی در مجسمه ها میتوان کار صنعتگران مختلف را تشخیص داد.

بالاخره میتوان گفت که عمق کم و مهارتیکه در نمایندگان تصویرها بکار میرفته این نوع حجاری و تزیین را مناسب طالار و رواق های اطراف مینموده است. در اینجا صنعت حقیقی بمقیاس بزرگ نمایش داده شده است. البته اقتباس زیادی از ملل دیگر شده، ولی حجاری عصر هخامنشی نماینده ایست از صنعت، اخلاق و شاھکارهای ایرانیان آنرا.
در قسمت عقب این صفحه در دامنه کوه، سربازخانه سربازان جاویدان قرار داشته. در نتیجه آکتسافات اسلحه های آهنی و مفرغی از قبیل شمشیر، خنجر، سرتیر و دهنگ مفرغی در این نقطه بدست آمده است. مهمترین نتیجه آکتسافات این محل دو حجاری روی دیوار است که هر یک دارای نه تصویر میباشد از اینقرار: داریوش روی تخت سلطنت جلوس نموده و پشت سر او خشایارشا استاده است. هر کدام یک شاخه گل «لوتس» (۱) که دارای دوغنچه میباشد در دست دارد. بقرار معلوم این گل علامت مقام سلطنت بوده است. در جلوی شاه دو پایه یا سکوی کوچک دیده میشود که شاید روی آن بخور میسوزانیده اند و در حجاری طالار صدستون نظائر آن دیده میشود. در این حجاری متظلمی در لباس مدنی دیده میشود که دست راستش را برای احترام مقام سلطنت روی دهان خود گذاشته است. پشت سر او دو نفر از مستخدمین دربار استاده اند. پشت سر تصویر خشایارشا و در جهت مقابل آنها یکه شرح دادیم، چند نفر استاده اند که یکی از آنها کلاه ایرانیان قدیم را که معمولاً «باشیلیک» مینامند، بر سر و چیزی در دست دارد که بشکل دستمال یا سفره بنظر میاید. پشت سر او اسلحه دار سلطنتی استاده و تیر و کمان و گز شاهی را در دست دارد و خنجری بکمر خود بسته که غلاف آن از بهترین نمونه ریزه کاری حجاری عصر هخامنشی است که تابحال کشف گردیده و لبه کمر او نیز با گل لوتس زینت یافته است. قسمت بالای غلاف خنجر عبارتست از تصویر دو مرغ خیالی (عنقا یا سینمرغ). در طول غلاف نه بز کوهی

در یک خط ایستاده و سر های خود را بر گردانیده اند. قسمت پائین غلاف بشکل سر قوچ ساخته شده است. خبرگان صنعت این غلاف خنجر را فوق العاده زیبا و یکی از شاهکارهای صنعتی میدانند. پشت سر اسلحه دار شاهی دو نفر از سربازان جاویدان بحال خبردار ایستاده اند. بطور کلی این حجاری یکی از بهترین نمونه صنعت عصر هخامنشی است.

طلاار صدستونی دیگر بشکل مستطیلی اخیراً در این محل کشف گردید و ظروف سنگی شکسته بسیار و اشیاء دیگر در خرابه های آن بdst آمده است.

در مدخل صفة بزرگ در طرف شمال تزدیک کوه، باستان شناسان اکتشاف مهمی نموده اند و آن اینست که در اطاقی زیر زمین ۲۹ هزار لوح گلی کشف کردند. اغلب این لوحها بزبان عیلامی یا ازانی است. باین زبان پیش از این لوح زیادی پیدا نشده بود. بسیاری از آنان نیز بزبان آرامی میباشد و اخیراً کشف نموده اند که اغلب کارهای امپراطوری ایران با زبان اداره میشده است. پرسور هرتسفلد در قبر داریوش که بعداً بیان میشود کتیبه ای کشف نموده که بخط آرامی است و احتمال میرود بزبان فارسی باشد. برای نوشن آرامی الفباء عبری بکار میرفته و این خط از خطوط میخی ساده تر و آسانتر بوده است. در کتیبه بیستون آنجا که داریوش میگوید «زبان را بنوشن آوردادم» شاید مرادش قبول الفباء عبری باشد.

پشت صفة بزرگ پارسا و روی کوه در طرف جنوب، سه مقبره شاهی است که آخرین آنها نیمه تمام است. این مقبره ها بسبک مقبره داریوش و سه مقبره دیگر که در نقش رستم در چند کیلومتری صفة تخت جمشید میباشد، ساخته شده است. مقبره داریوش بواسطه دو کتیبه مطول مشهور میباشد. یکی از این کتیبه ها تقریباً محو شده بود، ولی پرسور هرتسفلد پس از یکسال زحمت و مطالعه دقیق در استنساخ حروف میخی موفق بخواندن و ترجمه آن گردید.

در صخره بزرگ، گودی بشکل صلیب تراشیده و مقبره ها در این گودی ساخته شده است. بلندی آن ۲۲ متر و عرض آن نیز در همین حدود است. مدخل اطاق

مقبره در وسط قرار دارد و در طرفین آن دو نیم ستون تراشیده شده که بالای هر یک مجسمهٔ دو گاو نر است: کتیبهٔ سردر در روی این دو ستون قرار گرفته که خود و قسمت بالا یعنی نمای آن هزین است. این سردر نمونهٔ بسیار خوبیست از منظرهٔ جلوی بناهای هخامنشی.

در قسمت فوقانی صلیب بزرگ فوق الذکر رعایا و اتباع ملل مختلفه در دو ردیف یکی بالای دیگری دیده میشوند. سکوئی که داریوش روی آن ایستاده بوسیله آنها نگاهداری میگردد. تصویر اهورمزدا در بالای سر داریوش روی آتش مقدس در حال پرواز است. در این کتیبه‌ها داریوش فتوحات خود را شرح داده و آخرين وصیت خود را مینماید و مردم را با خلاق حمیده و رفتار نیکو توصیه کرده پند میدهد و مخصوصاً تأکید میکند که خصلت راستی را همیشه شعار خود قرار دهند.

۵ - اکباتان

شهر همدان حاليه روی خرابه‌های اکباتان قدیم قرار دارد. اکباتان پایتحت امپراتوری مدبی بوده و بعد که جزء ممالک شاهنشاهان هخامنشی گردید در آنجا نیز عمارت عظیم بنا شد. سقف این بنها از سفال و با فلزات قیمتی پوشیده شده بوده است. در اکباتان قدیم هنوز حفاری و کاوش نشده و بنابراین اطلاعات زیادی از این منطقه در دسترس نیست.

۶ - شوش

در فصل دوم بکاوش‌های که توسط باستان شناسان فرانسوی در شوش شده اشاره نمودیم. اینک بشرح بقایای عصر هخامنشی میپردازیم. تعیین و تشخیص شکل اصلی عمارت این زمان در شوش بنهایت مشکلتر از تخت جمشید بوده، زیرا این ابنيه نه تنها بدست اسکندر مقدونی منهدم گردید، بلکه در زمان ساسانیان شاپور دوم شهر جدیدی بنام ایرانشهر یا شاپور در این محل بنا نمود. این نوع ساختمانهای جدید بیش از خرابیهای عمده عالم

ساختمانهای سابق را محو می‌سازد.

با وجود این بقایای طalar بزرگی تشخیص داده می‌شود که سبک اپدانه تخت جمشید توسط داریوش اول ساخته شده بوده است. در یکی از کتیبه‌ها داریوش جزئیات تزیین و نقاشی و کارگران ملل مختلفی که در ساختن آن شرکت نموده‌اند شرح داده. اردشیر دوم در یکی از کتیبه‌های خود می‌گوید که او این طalar را پس از اینکه در زمان پدر بزرگش اردشیر اول در اثر حریق منهدم گردیده مجددًا بنا نموده است. در نتیجه کاوش‌هایی که شده می‌توان این ساختمان دو باره را از بنای اولیه که توسط داریوش ساخته شده بوده تشخیص داد. این طalar بزرگ دارای همان ستونهای عظیمی که در بناهای تخت جمشید شرح دادیم بوده و خود طalar مربع و بضامع ۵۹ متر بوده است.

خرابه‌های قصر دیگری که تصور می‌رود در زمان داریوش اول ساخته شده باشد در شوش پیدا شده است. سبک این بنا با سائر اینیه هخامنشی فرق دارد، زیرا در وسط دارای صحن و حیاطی می‌باشد. اطاق اصلی در طرف جنوب این صحن و اطاق‌های دیگر در سائر جهات آن ساخته شده. نظر باینکه این سبک ساختمان بعد‌ها در ایران شیوع پیدا کرده و عمومیت یافت، بنای هخامنشی در شوش شایان دقت و اهمیت است. در و پنجره و سقف چوبی این بنا مانند سائر ساختمانهای هخامنشی در پایتختهای دیگر از فلزات قیمتی مانند طلا و نقره پوشیده و تزیین شده بوده. از لحاظ صنعت مهمترین چیزی که از زمان هخامنشی در شوش بدست آمده دو حاشیه می‌باشد که از آجر لعاب داده برآق ساخته شده و معروف به حاشیه شiran و حاشیه تیر اندازان می‌باشند. در حاشیه دوم یعنی تیراندازان یکعده از سربازان جاویدان نشان داده می‌شوند. تصاویر سربازان جاویدان از آجرهای رنگارنگ برآق ساخته شده و برای نمودن مهارت و صنعت کارگران فرست خوبی بوده. این قسم آجرهای از گچ می‌ساختند و در حرارت زیاد می‌پختند و در عمل آوردن آنها اصول فنی را مراعات مینمودند که در بابل و آشور سالها قبل از آن معمول و مرسوم می‌بود.

در حاشیه رنگارنگ شiran عضلات حیوانات بطرز معمول صنعت آتزمان

نمایانده شده است و با قدمهای منظم و دهان باز حرکت میکنند. کنار این حاشیه بطرحهای مثلثی شکل و بگل «لوتس» مزین گردیده است.

حاشیه تیراندازان، سربازان مشهور جاویدان را نشان میدهد که بحال سلام ایستاده نیزدهای خود را در مقابل خود با هردو دست گرفته‌اند. کمانی روی شانه هریک آویزان است و ترکش بر پشت دارد. زلف مجعد آنها بوسیله قبطان زرد پیچیده شده است و جامه بلندی در بر دارند که تا قوزک پانی آنان میرسد و آستینهای بلند دارد. حاشیه لباس آنها پرکار و به رنگهای مختلف است؛ گوشواره و دست بند طلا دارند و نیزه طلائی آنان گلوله مدوری از نقره در انتهای دارد و روی پنجه پایی جلو قرار داده شده است. کفش‌های آنان بند دار و از چرم زرد رنگ است. رنگ چهره آنان از سفید تا خیلی سیاه تغییر میابد. بعباره اخیری بعضی سفید و برخی سیاه رنگ هستند.

نقشه بر جسته دیگری روی کاشی در شوش پیدا شده که حیوان مرکب عجیبی را نشان میدهد. بدین این حیوان بالدار هانند مرغ خیالی میباشد و شاخهای مانند شاخ بز دارد. سر و پاهای جلو او بمثل شیر است و پای عقبش بشکل چنگال پرنده بزرگی است. رنگ اصلی و مهم این کاشی زرد، سبز و قهوه ای میباشد.

۷ - نمونه صنایع در سائر نقاط

بغیر از حجاریهای که توسط شاهنشاهان هخامنشی و بدستور آنان انجام یافته، نمونه دیگری از صنایع عصر هخامنشی کمتر دیده میشود. از جمله در آسیای صغیر حاشیه سنگی پیدا شده که تصویر چند نفر زن را نشان میدهد که بر اسب سوارند و نوکران در جلوی آنها حرکت میکنند. این حجاری از آن جهت مهم است که چنانکه مذکور شد در هیچیک از حجاریها زن مشاهده نمیشود و نیز اثر نفوذ صنعتی یونان در آن بخوبی هویدا است. در یکی از ایالات مغرب مملکت شاهنشاهی حجاری دیگری پیدا شده و آن عبارت از تصویر عрабه و راننده آنست و اسبان آن در حال دویدن میباشند. از این زمان حجاری دیگری بدست آمده که مجلس و تشریفات فریانی گاوی را که مغی بر آن

نظرارت مینماید نشان میدهد. این حجاریهای کوچک در نقاطی خارج از مملکت ایران پیدا شده و دلیل آنست که صنعت منحصر بخاندان شاهنشاهی نبوده، بلکه دیگران نیز در اطراف و اکناف بدین قبیل کارها مبادرت مینمودند.

گرچه نوشه اند داریوش مجسمه تمام بدن خود را در حال سوار بر اسب در اکباتان نصب نموده بود، ولی این قبیل مجسمه سازی از آن زمان خیلی کم بdst آمده است. مجسمه گاوی نر یا ماده نزدیک صفة تخت جمشید پیدا شده و نیز مجسمه ای که در نزدیکی همدان واقع و به سنگ شیر معروف است ممکن است مجسمه گاوی از دوره هخامنشی باشد. در حفاری و کاوش‌های اخیر تخت جمشید مجسمه ای از سنگ سیاه پیدا شده که دارای سرانسان و تنہ گاو میباشد. ریش مجعد بلند دارد و روی پاهای جلو زانو زده. یکی دو مجسمه سنگی دیگر نیز از زمان هخامنشی بdst آمده، ولی روی همرفته وقتی که با حجاریهای بسیار روی سنگ مقایسه شود می‌بینیم که مجسمه ای که تمام بدن را بنماید کم است.

الف - صنایع فلزی

تا آنجا که ما اطلاع داریم داریوش اولین شاهنشاه ایرانست که بضرب سکه فلزی پرداخت. سکه طلائی او موسوم به داریوش در تمام دنیا آنوقت معمول و متداول بوده و سکه نقره نیز ضرب نموده است.

شاید اولین نمونه فلز کاری هخامنشی لوح طلائی باشد که در زیر بنای عمارتی گذاشته شده بوده و متعلق بزمان آریارامس جد اعلای داریوش کبیر است. این لوح در همدان پیدا شد و بنظر میاید که آن در زیر بنایی در پارس بوده و شاید بعد در زمان مددی جزء غنائم جنگی با کباتان آمده باشد.

نمونه زیادی از صنعت فلز کاری زمان هخامنشی بdst آمده است که دلالت بر استادی و سلیقه عالی صنعتگران در این قسمت مینماید. در میان اشیاء معروف به گنج جیعون که اکنون در موزه بریتانیا در انگلستان میباشد، اشیاء نفیس زیادی مانند مجسمه

پادشاه و یکی از موبدان و عرابهای با اسبهایش و چیزهای دیگر بوده . در مجموعه های شخصی و موزه های ملی نمونه های دیگری از صنایع فلزی اینزمان بدست میاید .

یکی از بهترین نمونه های صنعتی اینزمان یک جفت دسته ظرف مشروب خوری میباشد که بشکل بزرگوهی بالدار ساخته شده است . یکی از اینها در موزه لوور پاریس و دیگری در موزه دولتی برلن است . این دسته ها از مفرغ ساخته شده و در ساختن آنها طلا و نقره نیز بکار رفته است . از حیث زیبائی در ساختمان و استادی در تجسم شکل حیوانات این یک جفت مجسمه بزرگوهی بالدار بی نظیر است . مجسمه های دیگری از این حیوان باشکال و حالات مختلف دیگر پیدا میشود .

دو جام شراب نقره از آنزمان موجود است که یکی در موزه بریتانیا و دیگری در موزه هر میتاز در روسیه میباشد . پایه اولی عبارتست از مجسمه مرغ خیالی که دارای شاخ و منقار میباشد و دیگری مجسمه بزرگوهی است که بال وریش دارد .

دست بند و بازو بند های طلا از زمان هخامنشی بدست آمده . اینها کاملاً مدور بیستند بلکه معمولاً در قسمت مقابل بست قدری فرو رفتگی دارند . تصویر مرغ خیالی با شاخ و منقار روی این دست بند ها و بازو بند ها نقش شده است . در موقع ساختن کانال کورینت در یونان یک جفت بازو بند طلای خالص پیدا شد که در دوسر آن یکطرف سر قوچ و طرف دیگر سر بزرگوهی ساخته شده . این بازو بند بدون شک از صنایع زمان هخامنشی است .

ب - هرها

دیگر از صنایع عصر هخامنشی حکا کی مهر است که روی سنگهای قیمتی حک میشده و این صنعت را میتوان مجسمه سازیهای بسیار کوچک نامید ، ولی با این تفاوت که بجای آنکه مانند حجاریهای بزرگ تصویر را بطور برجسته بکنند ، آنرا در سنگ نقش کرده اند . در اینزمان شکل استوانه ای بیش از سایر اشکال شایع بوده است . برای اینکار استوانه

سنگی کوچک روی لوحی از گل یا مصالح دیگر با فشار غلطانده میشد و بدین طریق علامتی از خود بطرز برجسته نقش میکرد.

در بین نقشهای اینزمان منظرة شکار زیاد است و مهر داریوش از مهمترین اقسام این نوع مهر میباشد و نقش آن عبارتست از شاهنشاه که تاج برسرداشته و با عرابه ران خود در عرابه نشته است و با تیر و کمان شیرها را هدف قرار داده. شیری که دو تیر خورده جلو او روی دو پا بلند گردیده و شیر دیگری در زیر عرابه افتاده و کشته شده است. تصویر اهور-مزدا بالای سر شاهنشاه نشان داده و درختهای نخل در طرفین او کشیده شده و نوشته ای بخط میخی در یکطرف منقوش است.

موضوعهای دیگری که در روی مهرهای اینزمان دیده میشود اهمیت شاهنشاه را در کشن حیوانی که بشکل شیر میباشد نشان میدهد و شباهت بـه نقش درگاه قصر داریوش در تخت جمشید دارد. شکل دیگری پیدا شده که دارای سر انسان و بدن گاو نر است و تقریباً شبیه به تصویر ابوالهول میباشد. مهر دیگر مردی را نشان میدهد که براندن چند گاو کوهان دار مشغول است. گـمان میروند زنی که در روی بعضی از مهرها دیده میشود همان اناهیت ربة النوع باشد.

مهرهای اینزمان از حیث کار و نقش و سائر جهات صنعتی اغلب بهتر از مهرهای زمانهای بعد است.

ج - بافتگی

آنچه تابحال معلوم شده نمونهای از صنعت بافتگی زمان هخامنشی باقی نمانده است. این صنعت ترقی زیاد کرده بوده زیرا وقتی اسکندر کمیر بدیدن قبر کورش رفت، ملاحظه نمود که تابوت طلائی او از فرش ظریف و قشنگی پوشیده شده.

از کتاب استر در توره چنین مستفاد میشود که قصرهای شاهنشاهان هخامنشی با پردههای زیبا و رنگارنگ مزین شده بوده. لباس سربازان جاویدان که در حاشیه شوش نشان داده میشود دارای طرح و نقشہ مفصل است. از جمله آنها شکل مربع

مستطیلی میباشد که از هر طرف آن شعله سر میزند، ستاره هشت پری است که روی زمینه زرد و صفحه مدوری نقش شده و نیز گلهای برنگ سبز و زرد روی زمینه سفید کشیده شده است. شاید این گل برای زینت جدا گانه بلباس متصل میشده و روی خود پارچه باقته نشده باشد، ولی در هر حال صنعت نساجی ترقی خیلی زیادی کرده بوده. همچنین در کتاب استر کتان و پارچه ارغوانی بعلاوه پارچه رنگارنگ دیگر که از البسه سلطان میباشد مذکور است. البته نمیتوان انتظار داشت که پس از سالیان دراز و قرون متماضی نمونهای از صنعت نساجی آن عصر مانده باشد.

نتیجه

اطلاعات مهم ما راجع بصنایع ایران در زمان هخامنشی بیشتر در قسمت معماري و حجاری است. در اثر کاوشها و حفریات علمی سالهای اخیر میزان اطلاعات و نمونهای حجاری بر جسته از صنایع عصر هخامنشی دو برابر شده است.

انتقادی که از معماری زمان هخامنشی شده اینست که ستونهای ضخیم و عظیم سنگی را برای نگاهداری سقف سبک چوبی که از صفحات فلزی پوشیده میشده زیاد و غیر لازم دانسته و برخلاف قواعد معماری میدانند، ولی باید دانست که انتقاد کنندگان عادت کرده اند معماری یونان را میزان اصلی کلیه معماریها بدانند و همه را با آن مقایسه و قضاوت نمایند. معماران ایرانی همان تیرها و ستونهای چوبی که قرنها در معماری مدد استعمال میشده بسنگ تبدیل نمودند و از این عمل منظور آن بوده که بیننده را با ردیف ستونهای ضخیم و ظاهرآ بیشمار خیره نمایند و از این راه عظمت و جلالی ساختمانها بدهنند و بدون شک تأثیر این ستونها با آن نقشهای عالی و زینتهای مفصل و نفیس و پرده های رنگارنگ منظره با شکوهی بطالارها و عمارات آنزمان میداده و هر بیننده را خیره و متحیر مینموده است.

سر ستونهایی که اخیراً در پارسا گارد کشف گردیده و بشکل حیوانات عجیب

ساخته شده و اثر رنگی در روی آنها دیده میشود، معلوم میدارد که ساختمانهای کورش با
ابنیه دوره های بعد از آن در تخت جمشید و شوش مربوط میباشد. تصاویر پارسا گارد
ثابت میکند که صنعت هخامنشی قبل از آنکه امپراتوری بسط پیدا کرده و از اغلب
مالک و ملل آنزمان تشکیل یابد و پیش از آنکه با صنایع ملک دیگر رابطه پیدا کند، سبک
و شیوه مخصوص بخود داشته است.

اصلی که در ساختمانهای هخامنشی منظور نظر بوده، شکل مکعب مستطیلی
، عمارت است که قسمت مهم آن در اغلب موارد دالان بین دو اطاق مسدود و طالار بزرگی
در پشت آن میباشد. البته شکلهای دیگر نیز وجود داشته، ولی این شکل معمول و مرسوم
اغلب بناهای آن موقع بوده.

در حجاریهای بر جسته زمان هخامنشی عشق ایرانیان بحیوانات، مهارت و
استادی صنعتگران در فاصله دادن و تعیین مقیاس، هم آهنگی و تجسم حرکت در تصاویر
جمعی بخوبی نشان داده شده است.

این فصل را به اقتباس شرح ذیل از مقاله ای که بقای استانلی کسون (۱) است از
کتاب «صنایع ایران» ختم مینماییم: «صنایع هخامنشی چنان سبک معین و معلومی دارد
که گرچه تأثیر صنایع خارجی در آن بسیولت تشخیص داده میشود، باز میتوان خصائص
ایرانی آرا که واضح و آشکار است مشاهده نمود. تصویر سربازان و اسبان ایرانی مانند
سربازان و اسبان آشوری بیرون نبوده و خشونت و سبیعت آنها را ندارند. تصاویر حیواناتی
که ایرانیان کشیده اند، مخصوصاً تصویر حیوان ملی ایران یعنی بز کوهی، دارای روح
و دقت و سادگی است که در بین صنایع آسیا تاکنون نظری آن دیده نشده است. اقتباس از
صنایع سائر ملل کار صنعتگرانی بوده که مائل بوده اند از دیگران نکات فنی را بیاموزند، ولی
ترجیح میدادند آنها را بسلیقه و روش خود در آورند و همین خود دلیل خوبی برآنست که
صنعتگران هخامنشی استقلال و سبک صنعتی خود را حفظ مینمودند».

فصل پنجم

دوره پارتها یا اشکانیان

سکه های زمان اسکندر کبیر که از نقره و نسبتاً ضخیم و خیلی خوب ضرب شده در اغلب نقاط ایران بدست آمده است. در یکطرف آن سر اسکندر کبیر و در طرف دیگر تصویر مجسمه زوس است که بزبان رومی آنرا ژوپیتر مینامند و رئیس ارباب انواع یونان است. اسم اسکندر و علامت ضرایخانه نیز روی آن میباشد. پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ قبل از میلاد برای جانشینی او بین سرداران اختلاف حاصل گشت و تامدتی فیلیپ نایبرادری اسکندر کبیر که از حیث قوای عقلی ضعیف بود، توسط سرداران یونانی بجانشینی او برقرار شد. از این زمان سکه هایی بدست آمده که در یک طرف سر اسکندر کبیر و در طرف دیگر اسم فیلیپ منقوش است.

بتدریج امپراتوری اسکندر کبیر از هم متلاشی گشته. ایران و بعضی قسمتهای دیگر بدست سلوکیدها افتاد و آنها پایه تخت خود را در کنار رود دجله نزدیک بغداد حالیه قرار دادند و سکه سلاطین این سلسله در بعضی نقاط ایران پیداشده است. صنایع سلوکیدها تحت تأثیر صنایع یونان قدیم بوده که در ایران با وضعیات محلی و عادات و رسوم ایران تغییر و تبدیل پیدا نموده است.

در مقابل صفة بزرگ تخت جمشید خرابه معبدیست که میباشد کمی بعد از اسکندر کبیر ساخته شده باشد. کتیبه آن بزبان یونانی و خود بنا توسط حکمران محلی موسوم به فراتادرارا ساخته شده است. روی تخته سنگی که در طرفین درونی پنجگره نصب شده تصویر سلطان در یکطرف و ملکه اش در طرف دیگر منقوش است. از لحاظ ارزش صنعتی این حجاری قابل توجه نیست، زیرا نه تناسب صنایع یونان را دارد و نه استحکام حجاریهای

عظیم هخامنشی را، که در ترددیکی آن واقع و اختلاف بین آن دوراً بخوبی نشان میدهد. در استخر که چند فرسخی شمال تخت جمشید واقع است، چند ستون که دارای لطافت صنعتی نیست دیده میشود و شاید متعلق به زمان سلوکیدها باشد. سرستونهای آن دارای نقاشی و بشکل برگ گل لوتس است و بشیوه کورینت که یکی از اقسام ستون سازی یونانی است ساخته شده، ولی فاقد سائز خصوصیات تزئینی آن میباشد. در ساختن این ستونها سعی شده است که از اسلوب جدید یونان پیروی شود، اما این عمل بدون ادراک و اطلاع به پایه صنعتی و اصول علمی معماری انجام داده شده.

خرابه های معبد دیگری از زمان سلوکیدها در دره خوره واقع در محلات پیدا شده است. گرچه این بنا منهدم شده و ازین رفته، ولی سنگهای تراشیده آن در اطراف پراکنده است و دو ستون از کلیه آن بنا هنوز برپا است. پایه این ستونها مدور و ساده است و سرستونها بسبک و شیوه ایونیک (۱) که نوعی دیگر از ستون سازی یونان است ساخته شده، ولی با افکار و اسلوب محلی تعديل یافته است. طول این سرستونها نسبت بقطرشان زیاد است و مطابق اصول صنعتی یونان از تناسب خارج میباشد.

از نمونه های نامبرده فوق معلوم میگردد که از ترکیب اصول صنعتی یونان و عقائد و رسوم محلی شاهکاری در صنعت بوجود نیامده و کاری که قابل توجه و دارای ارزش صنعتی باشد، در زمان سلوکیدها در ایران نشده.

در اواسط قرن سوم قبل از میلاد، اولین پادشاه اشکانی بنام اشک یا ارشاک در نواحی مشرق دریای خزر بسلطنت رسید. او دارای قوه و قدرت بالنسبه زیادی گردید و سلسله سلاطین اشکانی را تشکیل داد. این سلسله بتدریج تمام مملکت ایران و قسمتی را که امروز به عراق موسوم است تحت حیطه اقتدار خود درآورد و حتی بعضی اوقات قدرت خود را تا دریای مدیترانه بسط داد. سلاطین اشکانی اقتدار خود را تا پنج قرن حفظ نمودند. در زمان این سلسله بود که روم پس از تسخیر ممالک ساحلی مدیترانه خود را بمنطقه رسانید. اقتدار وقدرت سلاطین این سلسله بود که مانع پیشرفت روم بطرف ایران گردید و نگذشت که آنها

فتحات خود را بوسعت امپراطوری اسکندر کبیر بسط دهنده.

در مطالعه و تحقیق صنایع اشکانیان باید بخاطر داشت که سلاطین این سلسله دارای اقتدار و حکومت مرکزی نبودند و مردم ایالات و ولایات استقلال داخلی داشتند و مطابق میل و سایر خود پیشرفت مینمودند و در نتیجه صنعت و معماری نواحی مختلفه ایران دارای نکات گوناگون و از بسیاری جهات با یکدیگر فرق دارد. بعلاوه شهرهای یونانی زیادی که توسط اسکندر کبیر و سلوکیدها در ایران تأسیس شده بود در صنایع این زمان دخالت زیاد داشت. چیزیکه در صنعت این زمان مشاهده میشود و قابل توجه است، تأثیر دو جانبی صنایع یونان و مشرق بر یکدیگر است: در این زمان تأثیر صنایع یونان بیشتر بوده و اصول صنعتی آن تفوق داشته است. کاوش و تفحصات زیادی در مناطق تمدن اشکانی در بین النهرین بعمل آمد، ولی در ایران چندان کاری نشده است. واضح است که فرهنگ و صنعت و معماری این عصر در دشت بین النهرین با فلات ایران فرق داشت. چون تا بحال در داخله مملکت ایران کمتر حفاری و کاوش علمی در باره عصر اشکانیان شده است، ناچار باید باطلالاعاتیکه در عراق بدست آمده اکتفا نمود، ولی کاوش‌هایی که اخیرا در سیستان شده است جزئیاتی راجع بوضعیت و صنایع اشکانی در مشرق مملکت بدست میدهد. تا بحال محل حقیقی شهر صد دروازه (۱) که پایتخت اشکانیان بوده بیدا و تعیین نشده است. البته پس از اكتشاف این محل اطلاعات زیادی در باره صنایع و معماری این سلسله بدست خواهد آمد.

در بین النهرین بقایای آثار پارتها بیشتر در شهرهای ذیل بیدا شده است: آشور، هاترا، سامره، کش، نیبور، بابل، تیسنون، سلوکیه و نیز در دورا اروپا که در کنار فرات و تریک سرحد عراق است. در ایران نیز کمی کاوش‌های علمی شده، مخصوصاً در کوه خواجه واقع در سیستان، در ری و در شوش.

۱ - سفال زمان اشکانی

در سال ۱۸۵۷ میلادی و. ل. لافتوس (۲) کتابی در لندن انتشار داد و در آن

چندین قسم سفال متعلق به زمان اشکانیان را تشریح نمود. در اینخصوص چیز دیگری انتشار نیافت و اطلاعاتی نبود تا این‌که گزارش‌های حفر بات آشور، بابل و دورا اروپا منتشر گردید و اقسام مختلف سفال زمان اشکانی را تشریح نموده اطلاعات زیادی در این زمینه بدست داد. در کاوش‌های اخیر سلوکیه واقع در کنار رود دجله چندین طبقه از مسکن اشکانیان ظاهر گردید و بدین طریق مطالبی بدست آمد که میتوان خصائص سفال زمان اشکانی را به ترتیب زمان معین نمود.

از روی سفال‌های زیادی که در سلوکیه بدست آمده این مسئله واضح و مبرهن است که سبک و طرز عمل سفال سازی در این دوره بتدریج رو بانحطاط رفته است. بطور کلی در طبقات اولیه و پائین‌تر سفال‌ها بهتر و ظرف‌ترند. این انحطاط یکمرتبه و ناگهان نبود بلکه، بمرور ایام صورت گرفته و در صنعت و کار کم کم نقصان حاصل گشته تا بالآخره منجر بقدان توانائی و استعداد گردیده است. مطلب دیگر اینستکه آن انحطاط یا تبدیل اصول صنعتی یونان بر سرم و سبک ایران؛ هشترقی نمودن صنعت غرب همراه میباشد. هرچه از اصول صنعتی یونان دور میشویم ظروف سفالین خصائص مخصوص زمـان خود یعنی دوره اشکانی را بیشتر بخود میگیرد. رویه مرتفعه ظرفی که با اسلوب صنعتی یونان ساخته میشده با اصول صنعت بیشتر مطابقت داشت و آنها که بسبک مشرق بود به استحکامشان اهمیت داده میشده است.

ظروف سفالین اشکانی غالباً ساده و بی‌آرایش است. آرایشی که در سفال ماقبل تاریخ میشد، مانند تصویر حیوانات و اشکال هندسی و غیره، در این زمان از بین رفته و فراموش شده است. برای ساختن ظروف قشنگ و زیبا فلز بکار میرفت و ظروف سفالین فقط برای رفع احتیاج زندگانی معمولی بود نه جهت نمایاندن آرایش و زینت و بهمین دلیل اغلب ظروف سفالین که در سلوکیه بدست آمده اشیائی میباشد که در خانه برای احتیاجات معمولی بکار میرفته و سفال ساز در زیبائی و آرایش آن سعی نکرده است.

از کارهای جدید و مختص این دوره صنعت لعاب دادن سفال است. در خمن

تشریح حاشیه‌های اینیه زمان هخامنشی در شوش بشرح آجرهای رنگین و کاشیهای رنگارنگ آن پرداختیم، ولی این صنعت در زمان هخامنشی محدود بهمان آجر و کاشی بود که از چیز ساخته میشد و در مورد سفال بکار نمیرفت. در زمان اشکانی تقریباً بدون استثناء لعاب یک رنگ داده میشد، یعنی هر دو طرف ظرف یک رنگ داشت، ولی در بعضی نمونه‌ها انواع مختلفه یک رنگ که عبارت از تاریک و روشن همان رنگ باشد دیده میشود. رنگ مخصوص لعاب اشکانی سبز و انواع مختلفه آن بود که از سبز روشن تا آبی فیروزه‌ای بسط داشت. در سلوکیه این رنگ عمومیت داشت و رنگهای دیگر از قبیل سفید، کرم و زرد نیز دیده میشود. رنگ قهوه‌ای سیر نیز بمندرت در بین سفال اشکانی دیده شده است.

همه قسم و همه اندازه شئی سفالین لعاب داده میشده، از چراغ و ظروف بسیار کوچک که برای بزرگ بکار میرفته تا تابوت‌های بزرگ بطول دو متر. لعاب دادن اشیاء بزرگ مانند تابوت محتاج مهارت و استادی زیاد بوده است.

در زمان هان در چین (۲۰۶ قبل از میلاد الی ۲۲۰ میلادی) ظروفی بیدا شده که دارای لعاب سبز رنگ است و از بسیاری جهات شبیه بظروف سفالین اشکانیان میباشد. فرض مسلم آنست که این صنعت از ایران در زمان اشکانیان بچین رفته، زیرا رنگ آن کاملاً همان رنگ است و رگه‌هایی که در نمونه‌های ظروف چینی دیده میشود کاملاً شبیه به لعاب کاری اشکانیان میباشد. یقین است که در این زمان بین ایران و چین روابط دوستانه موجود بوده و مخصوصاً تجارت ابریشم اهمیت زیادی داشته و سلاطین هردو مملکت سفرا و مأمورین سیاسی بدربارهای یکدیگر میفرستاده‌اند.

صنعتگران دوره اشکانی لعاب را نسبتاً ضخیم میداده‌اند و در نتیجه فقط ساده‌ترین نقشها ممکن بود از زیر آن دیده شود. بعضی ظروف دو مرتبه لعاب داده شده‌اند، هاند لوله یا دسته چراغ، زیرا حرارت زیاد یک پوشش لعاب را ریخته ازین میسر است.

بزرگترین نمونه صنعت سفال اشکانی عبارت از تابوت‌های بود که در بالا ذکری از آنها شد. این تابوت‌ها دو نوع ساخته میشد، یکی بشکل حمامهای دستی و دیگری بشکل

کفش راحتی. نوع اول ظرف بسیار بزرگی بود که گوشه های آن مدور و بعمق مختلف ساخته میشد. بعضی از آنها سرپوشی از جنس خود داشت و گاهی آزا با آجر میپوشانیدند. این قسم تابوت در زمان آشوریها و بابلی ها مرسوم و متداول بود و خیلی قبل از اشکانیان آنها را استعمال میکردند، ولی تابوت هایی که در زمان اشکانیان ساخته شده از حیث شکل بهتر است و اغلب دارای تزیین و آرایش میباشد و غالباً هم تابوت و سرپوش آن لعاب داده شده است. بعضی نمونه ها تصاویری روی سرپوش دارند و روی برخی تصویر زنی بین دو ستونی که بسبک ایونیک همیباشد کشیده شده است. نقش مو و نخل معمولی است و طرح های دیگر از قبیل گل و گیاه نیز دیده میشود.

قسم دوم این تابوتها که بشکل کفش راحتی و بهمین اسم موسوم است یک طرف آن پهنتر از طرف دیگر است. در قسمت بالا یعنی طرف پهنتر، سوراخ بزرگی است که مرده را از آن داخل میکرده اند و در طرف باریکتر سوراخ کوچکی است. روی این تابوت ها تصویر سربازان اشکانی دیده میشود. تصاویر دیگر عبارتست از مردی که روی تختی دراز کشیده است. تصویر زنان و رقصان و گاو های نریکه سر انسان دارد و نیز تصویر ابوالهول در بین آنها یافت میشود. یکی از آنها که سر زنی روی آن نقش شده نسبتاً قشنگ و ذوق صنعتی در آن بکار رفته است. روی تابوت هایی که به تفصیل زینت یافته اند تمام سرپوش آنها بقسمتهای منظم تقسیم شده و روی هر قسمت تصویری بطور برجسته نقش شده است.

در ولایات شرقی مملکت اشکانیان جعبه های گلی میساختند که استخوان مرده را در آن میگذارند. این جعبه ها را بشکل بنای دراز و کوتاه میساختند و دری در وسط آن قرار میدادند. روی بعضی از آنها سر انسان یا شیر در گل سرخ حک یا نقش میشد (۱). این جعبه ها متعلق بزمان اشکانی و شاید بعضی به اوائل دوره ساسانی تعلق داشته باشد.

اشکانیان خمره های بزرگ جهت انبار کردن آدوقه وغیره ساخته اند. این خمره ها در عین سادگی زیبا و قشنگند. از این قبیل خمره ها چند عدد در سلوکیه پیدا شده که داخل

۱ - به مقاله ر. اینگهازن (R. Ettinghausen) راجع بسفال اشکانی در کتاب

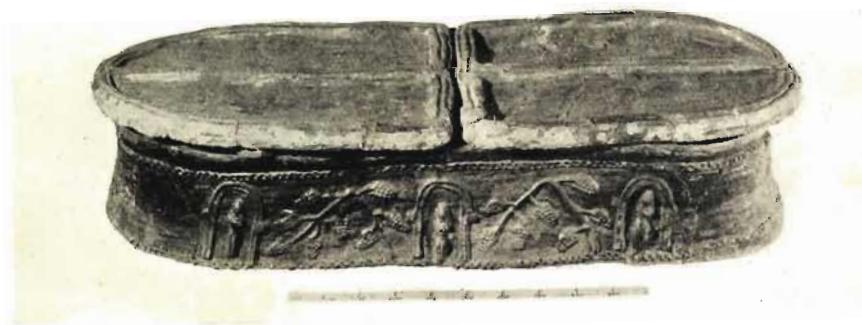
« صنایع ایران » مراجعه شود.



مجسمهٔ تیرانداز سوار از عصر اشکانیان



منظرة جلو و پهلوی مجسمه مفرغی، به اندازه طبیعی از عصر اشکانیان.
این مجسمه بی نظیر در موزه ایران استان در تهران است



تابوت لعاب داده شده از عصر اشکانیان
(موزه ملی عراق در بغداد)

آنها را قیراندود کرده‌اند و برای نگاهداری روغن و سائر مایعات استعمال می‌شده. گاهی این ظروف بزرگ را بجای تابوت بچه و اشخاص بزرگ نیز استعمال مینمودند و گاهی آنها را از وسط دونیم کرده نصف را بجای تابوت و نصف دیگر را بجای سرپوش استعمال می‌کردند. نوعی دیگر سفال که در زمان اشکانیان معمول بود و شاید قشنگ‌ترین ظروف سفالی باشد، عبارتست از ظرفی بنام آمفورا (۱). این ظرف بشکل گلدان یا سبوئی است که بدنه بزرگی دارد و معمولاً مدور یا بیضی شکل است و در قسمت بالا گردن و در پائین پایه دارد. این سبوها عموماً دو دسته دارند ولی بعضی از آنها دارای یک یا چهار دسته‌اند. این قسم ظروف بیشتر در میان یونانیان و رومیان معمول و متداول بود و شاید اصلاً از مردم یونان رفته باشد. بنابراین با آنکه در زمان اشکانیان طرز ساختن آن از یونان تقلید شده ولی احتمال دارد که اصلاً بومی و متعلق به خود ایران باشد.

این سبو یکی از متداول‌ترین و معمولی‌ترین سفال زمان خود بوده است، نه تنها از لحاظ اینکه صنعت آن قابل توجه و قشنگ بوده، بلکه از جهت اینکه با تغییر مختصری در بلندی و کوتاهی و سبک‌گردن و پایه ممکن بود آنرا با انواع و اقسام مختلف ساخت و تنوع بسیار در ساختن آن بکار برد. نمونه‌های مختلف این ظروف در نینوا، آشور، سلوکیه و شهرهای دیگر عراق و ری در ایران پیدا شده است.

اشکال و انواع دیگر کوزه و سبوی دوره اشکانی که اینجا گنجایش شرح آنرا ندارد و فقط ذکری از آنها می‌شود بقرار ذیل است: سبوهای بلند و نازک بدون دسته؛ دیزی و دیگهای مدور با دسته و بدون دسته؛ دیگهای بلندتر یا کوزه‌های یکدسته ای؛ کوزه‌ها یا سبوهای مدور با دو دسته؛ و سبوهایی که گردن آن مانند بطری است بایک یا دو دسته. قسم اخیر در سلوکیه و ری پیدا شده است و اغلب این سوالها هم ساده و هم لعاب دار ساخته می‌شده.

ظرفی دیگر که به قمقمه موسوم است در زمان اشکانیان ساخته می‌شده و آن عبارتست از بطری مدوری که دهنده باریکی داشته و در طرفین گردنه آن دسته دارد. در

آذربایجان اشکال متعدد قممه متعلق بزمانهای مختلف پیدا شده و ثابت میکند که تکامل و نمو این قسم ظرف مدت زیادی طول کشیده. در زمان اشکانیان قممه سفالی دارای شکل مخصوصی بوده و قممه‌های لعب داده شده این زمان یکی از مهمترین شعب سفال‌سازی و پیشرفت مهم این صنعت را در زمان اشکانی مینماید. در سلوکیه قممه‌های لعابی بر نگهای مختلف و نیز کورهای که این نوع سفال را در آن می‌پختند پیدا شده است. در ری هر دو قسم قممه‌یعنی لعابی و غیر لعابی دیده شده. قممه‌های کوچک لعابی بر نگ سبز زیتونی و فیروزه‌ای متمایل بخاکستری در آذربایجان پیدا شده است.

چراغهای این دوره شایان دقت است. ساده‌ترین آنها عبارتست از ظرف مدوری که یکطرف آن لوله دارد. خود ظرف جهت روغن و لوله برای قرار دادن فتیله میباشد. نمونه‌های لعب داده نشده این قسم چراغ، روی لبه ظرف و دسته نقاشی شده و موضوع نقاشی غالباً برگ یا گل میباشد. چراغی در سلوکیه پیدا شده که دارای هفت فتیله بوده است. ظروف آبخوری با قسم مختلف کشف‌گردیده است. بعضی دارای لوله یا سوراخی در پائین هستند و بعضی بشکل سرگاو ساخته شده و لوله برخی دیگر بشکل حیوانات است. قسم اخیر یعنی آنها که با اشکال مختلف ساخته شده‌اند در ایران بیشتر معمول بوده تا در عراق. درین سفالهای سلوکیه چیزیکه بشکل حیوانات باشد دیده نشده است مگر دو نوع، یعنی لاک پشت دریائی و ماہی. سفالهای معمولی دیگر این دوره عبارتند از کاسه‌های لعابی و انواع مختلف سرپوش یا در دیگ وغیره که غالباً بجای بشقاب نیز استعمال میشده.

اگرچه غالب سفال اشکانی بدون آرایش و زینت است، ولی تابوت‌های فوق الذکر بخوبی نشان میدهد که سفال ساز میتوانسته است در موقع لزوم به تزیین و آرایش جالب توجه بپردازد. آرایش معمولی ظروف سفالین عبارت بود از خطوط مستقیم و منكسر و شکل مخروط یا دائرة‌ای که معمولاً در اطراف گردن یا دسته ظرف کشیده میشد و گاهی نیز تصویر انسان تمام تنه بحالات مختلف یا فقط سروگردن و یا صورت تنها نقش میگردیده است. جای تعجب است که با علاوه‌های که ایرانیان بحیوانات داشته‌اند و مهارتیکه در اعصار مختلف در نقاشی و نمایاندن آنها نشان داده‌اند، در زمان اشکانیان کم و نادر است.

در سلوکیه چند عدد ظرف سفالی در قبرستانی پیدا شده که دارای رنگ قرمز
صیقلی شده میباشد. تصور میشود که این ظروف از خارج سلوکیه آمده باشد و ظن قوی
میرود که از ایران سلوکیه برده شده است.

لوح و مجسمه های کوچکی از این دوره پیدا شده است. بعضی از آنها دارای
نقشه ای شیوه نقاشی تابوت های ایکه در فوق ذکر شد میباشند. نمونه قابل توجهی از این قبیل
مجسمه ها در موزه قیصر فریدریک در برلن میباشد و سواری را نشان میدهد که بلباس
اشکانیان ملبس و کمان را کشیده از روی سر اسب خود مشغول تیراندازی است. از
مجسمه های ایکه در شوش پیدا شده یکی مجسمه زن لختی است که دستهای او در طرفین بدنش
آویزان است. مجسمه های گلی و استخوانی هم در سلوکیه بدست آمده و لوح های اشکانی
نیز در سوریه دیده شده است. مجسمه های اینزمان چه از گل و استخوان و عاج و چه از
فلز غالباً ترکیبی است از صنعت بومی ایران و صنعت یونان و این مسئله در سائر شعب
صنعت نیز دیده میشود.

۲—معماری

در کنگاور که سر راه کرمانشاه و همدان واقع است، خرابه معبد بزرگی پیدا
شده و بعقیده پرسور هر تسفیل این معبد از حیث بزرگی با معبد بزرگ خورشید در پالمیر
برابر بوده است.

پایه بنای این معبد بزرگ از سنگهای تراش که باندازه های مختلف و مانند دیوار
صفه تخت جمشید است ساخته شده و در روی نمای آن پایه مریع شکل ستونها قرار میگرفته اند.
بدنه ستونها مدور و ساده و سرستونها ترکیبی از سبک دوریک و کارینت یونان بوده. این
معبد برای پرستش اناهیت وقف شده بوده. از اسلوب بنا بنظر میاید که ساختمان آن در
اوائل عصر اشکانیان صورت گرفته و تاریخ آن شاید در حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد
باشد. خرابه های این معبد بزرگ از این جهت اهمیت دارد که تنها میزان و مقیاسی است

که توسط آن میتوان سائر اینیه عصر اشکانی را مقایسه نمود. بناهای دیگری که در مشرق ایران و بین النهرین کشف گردیده متعلق به مانهای بعد و مصالح و مواد ساختمانی آن با معبده نامبرده فرق دارد.

سبک ستونهای این معبد تأثیر معماری یونان و ترکیب آنرا با رسوم و اسلوب محلی ایران مینماید. وقتی دیوار اصلی این بنا را با ساختمانهای هخامنشی مقایسه کنیم معلوم میشود که چقدر از حیث بنا پست تر است، ولی در ساختمان آن اسلوب معماری ایرانی پیروی شده که کاملاً با اصول صنعتی یونان و اینیه‌ای که تحت تأثیر آن ساخته شده فرق دارد. پرسوره‌ترسفلد در کوه خواجه که در سطح دریاچه‌ای در سیستان واقع است، موفق به کشف قصر سلطنتی و آتشکده‌ای از زمان اشکانیان گردیده که تاریخ آنرا در قرن اول میلادی میداند. دیوارهای این ساختمان از چینه است و حتی خشت هم بکار نرفته.

عمارت قصر دور صحن بزرگی ساخته شده. مدخل آن در طرف جنوب واقع و سقف هلالی داشته و طاق ایوانهای شرقی و غربی آن نیز هلالی بوده است. در طرف شمال طalar طویل داشته که داخل آن دارای ستونهای ساده (دوریاک یونانی) بوده. این ستونها در دیوار نصب گردیده و بین آنها پنجره با طاق هلالی ساخته شده. قسمت جلوی این ایوان قابل ملاحظه است، زیرا از روی اسلوب معماری یونانیان باخت و ایالات مشرق ساخته شده است. اسکندر کبیر و سلاطین سلوکی کوچ نشینهای بزرگی از یونانیان در این قسمت امپراتوری یعنی در باخت تشكیل دادند و تأثیر آنها در صنایع آن زمان در اغلب نقاط مشاهده شده. احتمال می‌رود تفوذ صنایع یونان در قرون بعد، از این کوچ نشینهای بوده نه مستقیماً از خود یونان.

ایوانهاییکه دارای طاق هلالی هستند و در طرفین صحن مرکزی ساخته شده‌اند و نیز سردری که دارای اینگونه طاق میباشد عالم مقدماتی بر جسته‌ای است از سبک معماری که بعد در دوره اسلامی مقامی شامخ حاصل کرده و معمول شده.

در پشت طalar شمالی سکوی مرتفعی است که روی آن آتشکده ای ساخته بودند و آن عبارتست از اطاقي که دارای گنبدی کوچک و روی چهارستون یا جرز ساخته شده بوده (۱)

و دور اطاق مرکزی دلان باریکی بوده. این قسم آتشکده در زمان ساسانیان معمول و متداول بوده است. کشف مذبح در زیر گنبد مرکزی و مذبح سنگی دیگری در این اطاق آتشکده بودن آنرا بطور یقین ثابت نمود.

از کاوش‌های پرسوره رتیل در کوه خواجه در سیستان نکات ذیل بدست آمده:

- ۱ - ترکیب معماری یونانی و باختری که تاکنون چیزی راجع آن معلوم نبود.
- ۲ - بنائی که دور صحن یا حیاطی ساخته شده و از هر چهار جهت مدخل دارد. اینها یکه در طرف مشرق و غرب هستند دارای طاق هلالی میباشند و بدین طریق سابقه و منشاء ساختمان و معماری اسلامی را در اینجا میتوان بخوبی مشاهده نمود.
- ۳ - ساختمان آتشکده‌های این عصر که تقریباً مانند آتشکده‌های عصر ساسانیان است و شباهت زیادی به آنها دارند.

۴ - اطاق مرکزی آتشکده دارای گنبد کوچکی است که روی اطاق مریعی ساخته شده. این اسماوب بعدها در معماری ایران جالب توجه شده و اهمیت پیدا نموده.

در اطلاع ری نزدیک چشمۀ علی باستان شناسان خرابه‌های عمارت بزرگی کشف نمودند که دارای مدخل‌های مستطیلی شکل و طالارهای بزرگ بوده است و دیوارهای آن ضخیم و از خشت‌های بزرگ ساخته شده. باید در نظر داشت که خشت‌های زمان اشکانی بزرگ‌تر از خشت‌های ساختمانهای اسلامی است. اصل بنا و مورد استعمال آن به تحقیق معین نشده، زیرا در خرابه‌های آن هیچ چیز کشف نگردیده.

جنب این عمارت بزرگ اطاق‌های غیر منظم دیگری پیدا شده که محل زندگانی خانوادگی بوده است. در اینجا ظروف سفالین و سائر اشیاء مورد احتیاج خانه پیدا شده. تمام این بناها طرز ساختمان اشکانی را در مرکز ایران در عصر اشکانیان نشان میدهد، ولی چیزی بر اطلاعات ما راجع به معماری اشکانی نمی‌افزاید.

بر عکس در دشت بین النهرين بناهای مفصل و ساختمانهای متعددی از زمان اشکانی پیدا شده که با سلوبهای مختلف ساخته شده‌اند. ساختمانهای یکه در آشور و هاترا

موجود است مخصوصاً اطلاعات جدیدی راجع به معماری زمان اخیر اشکانی بدست میدهد.

آثار بناهای اشکانی در آشور کشف و نقشه آن معلوم گردیده. قسمت مهم آنست که بنای اصلی قصر بزرگ بترتیب ایوان صلیبی شکل ساخته شده یعنی در وسط هر چهار جهت بنائی که دور صحن مربعی ساخته شده ایوانی است که دارای سقف هلالی میباشد و این قسم ساختمان بعدها در ایران اهمیت زیاد پیدا نموده. این قصر دارای مدخلی بوده که بمدخل غیر مستقیم نامیده شده و بجای اینکه سر در بزرگ روی محور اصلی فرار گرفته باشد، در طرفین واقع شده و دالانهای باریک و طویل در داخل آن بوده. چیزی که قابل دقت است اینست که اطاق بزرگی در این ساختمان دیده شده که بر واقعه‌ای قسمت گردیده و تشکیل سه راهرو میداده است و شبیه ساختمانهای اغلب کلیساها مسیحی است. این سه قسمت بوسیله طاقهای هلالی پوشیده شده بود.

انحراف قابل توجه دیگری در ساختن این بنا مشاهده میشود و آن عبارتست از قرار دادن تیرهای سنگی روی شبکه اطاقها. اطاق مربعی نیز که چهار پایه در داخل آن بشکل مربع قرار گرفته و برای نگاهداشتن سقف ساخته‌اند دیده شده. در اینجا کنبد وجود نداشته چنانکه این قسم اطاق بعدها با گنبد در ایران متداول گردیده است. مقبره و بقعه‌های اشکانی در آشور کشف گردیده که در گوشه‌های آن ستون یا جرزهای گرد دارد.

در هاترا آثار بناهای زیادی از زمان اشکانی موجود است. در وسط شهر قصر بزرگی بوده است که قریب صد متر طول داشته. سقف مدخلهای این قصر نیز هلالی و باسنگهای تراش باشکال مختلف زینت داده شده بوده. روی دیوارها و پنجره‌ها سروصورهای مختلف بطور برجسته گنده و حک شده بودند. تصویر مرغ خیالی نیز برای نقاشی بکار برده میشده.

در عمارت اصلی هفت طالار بموازات یکدیگر ساخته بودند که بزرگترین آنها متجاوز از ۲۸ متر طول و ۶ متر عرض داشته. تمام این اطاقها دارای سقف گنبدی شکل بودند. این گونه سقف بعدها در زمان ساسانیان و در عصر اسلامی اقتباس و معمول گردیده.

در پشت این طالارها آتشکده‌ای بوده که بشكل معمولی بنا شده، یعنی اطاق مرربع شکلی که دور آنرا دالان با سقف هلالی احاطه نموده و سقف اطاق مرکزی آن نیز هلالی بوده، زیرا معماران اشکانی در بین النهرین نمیدانستند چگونه روی اطاق مرربع گنبد بسازند.

محیط دیوار دور شهر هاترا متجاوز از ۵ کیلومتر بوده. طرح دائرة‌ای شکل شهر در زمان اشکانیان شایع بوده است. شهر تیسفون که تقریباً بشکل دائرة بوده تصور می‌شود از دوره اشکانیان باشد و خرابه شهر تخت سلیمان که در دوره اشکانیان یکی از پایتختهای آذربایجان بوده، با دیوار سنگی دائرة شکلی احاطه گردیده. احتمال می‌رود این نوع شهرهای مدور در ایران قدیمتر از شهرهای دائرة شکل بین النهرین باشد.

۳— گچ بری

تریین و نقاشی روی گچ یا گچ بری در کوه خواجه که در جنوب شرقی مملکت شاهنشاهی واقع بوده و نیز در بنای‌های اشکانی در دشت بین النهرین دیده می‌شود. این صنعت در زمان ساسانیان و دوره اسلامی بسیار عمومی گردیده. گچ بری زمان اشکانی با مهارت و زیبائی ساخته شده و نقوش آن با نقشه‌ای ازمنه بعد فرق دارد. در حفريات قصرهای اشکانی در آشور گچ بریهایی که ترکیبی از عناصر ایرانی و یونانی است دیده شده. بعضی گچ بریهای کوه خواجه از بهترین گچ بریهای بین النهرین بهتر و قشنگتر است.

طرح یکی از گچ بریهای مشرق ایران را پرسور هر تسلیم تشریح نموده است و آن دارای صفحه مرکزی است که عبارت از دائرة‌های متقطع می‌باشد و هریک از این دوائر بوسیله قوس چهار دائرة دیگر قطع می‌شود و نقطه مدوری در وسط آنست. در حاشیه خطی است که از تیر تشکیل یافته. بین این و صفحه مرکزی ردیفی از مربعهای متناوب است که تشکیل قابی برای یک «سواستیکا» میدهد و در مربع مقابل تصویر درخت کاج نقش شده است. روی هر قته این گچ بری یکی از بهترین گچ بریهای ایران است.

۴ — حجاری

در بیستون زیر حجاری بزرگ داریوش روی صخره‌ای حجاری اشکانی قرار دارد، ولی متأسفانه بواسطه طاقچه‌ای که در این اوآخر روی آن کنده‌اند از شکل افتاده و تقریباً محو شده است. خوب‌بختانه پرده نقاشی آن که مسیو گریلو (۱) در قرن هفدهم قبل از آنکه حجاری محو گردد کشیده است، در دست می‌باشد.

این حجاری بزرگ تصویر تیرداد یا مهرداد دوم را که چهار نفر از سرکردگان مملکت در مقابل او ایستاده‌اند نشان میدهد. کتیبه‌ای که اسم و لقب این چهارنفر و نیز اسم پادشاه را ذکر می‌کند بزبان یونانی نوشته شده است. از لحاظ اصول فنی و صنعتی این کتیبه چندان قابل توجه نیست. زمینه اطراف این تصاویر تراشیده شده است و مانند تصاویر حجاری‌های ساسانی که در فصل بعد ذکر خواهد شد خوب طرح ریزی نشده؛ فقط قیافه اشخاص و لباس آنها حجاری گردیده است.

حجاری دیگری توسط گوتارز دوم در قسمت بالا طرف راست حجاری نامبرده اضافه شده. تصویر سه نفر سوار روی آن دیده می‌شود و شخص وسط شاهنشاه است که تاج فیروزی بر سر دارد و نیزه خود را در بدن دشمن فرو برده است. پشت سرا و یکی از همراهان وی می‌باشد که نیزه خود را بحال آزاد در دست دارد و واضح است که برای کمک نیامده و فقط بتماشای فتح شاهنشاه آمده است. اگرچه این حجاری کوچک و از حیث استادی در درجه اول قرار نگرفته ولی از این جهت قابل ملاحظه و توجه است که نمونه‌ای از جنگ تن بتن را بین شاهنشاه و رقیبش نشان میدهد. این موضوع بعداً در حجاری‌های ساسانی بیشتر دیده می‌شود. از روی اسناد تاریخی میدانیم که گوتارز دوم پادشاه رقیب خود موسوم به مهرداد را که توسط رومیان تقویت می‌شد مغلوب و منکوب نموده و ممکن است این فتح نزدیک بیستون اتفاق افتاده باشد و گوتارز دستور داده است که این غلبه را بر حجاری سابق اضافه نمایند.

۵ — آرایش و زینت

اشکانیان مانند اسلاف خود در ایران بلباس مدنی ملبس بوده و شلوار گشاد میپوشیده‌اند. تجارت ابریشم با چین در این زمان بسط و توسعه یافته و لباس نجبا و شاهزادگان و خانواده سلطنتی از پارچه‌های اعلاه و الوان دوخته میشده. تصویر پادشاه و ملکه که روی دیوار در کوه خواجه نقش شده است، آنها را با زینت آلات زیادی نشان میدهد که بعضی از طلا ساخته شده و با احجار کریمه زینت یافته. در کاوش‌های سلوکیه مقداری از این زینت آلات پیدا شده و نمونه‌های آنرا میتوان درموزه ملی بغداد مشاهده نمود. اشکانیان سواران قابلی بودند و باین فن علاقه زیاد داشتند و گاهی دهنده و افسار اسب را از طلا میساختند. سربازان اشکانی زره در بر میکردند و اسلحه آنها از فولاد بوده. سلاح مهم و معمولی آنها تیر و کمان بوده که همیشه همراه داشته‌اند. شمشیر و نیزه استعمال میشده و ظاهراً خنجر در بین آنها معمول و متداول بوده است.

تا آنجا که اطلاع داریم از منسوجات اشکانی چیزی در ایران کشف نگردیده است. بعضی تکه‌های پارچه ابریشمی از زمان اشکانی در سوریه کشف گردیده است. در ناحیه لولان در منتهی نقطه شرقی ایران حاليه، چند تکه ملیله دوزی و قلاب دوزی پیدا شده است که شاید متعلق به زمان اشکانیان باشد. مقداری از پارچه‌های ابریشمی که بدست آمده متعلق به چین است، ولی برخی دارای خصائصی هستند که شاید از قسمت شرقی امپراتوری اشکانی باشد. بعضی از طرح‌های آن نفوذ یونان را در صنایع آن عصر می‌ساند. نقش یک ملیله دوزی درخت مو باخته است که دارای شاخه‌های پیچ در پیچ است و قسمتهاي باز را برگ و انگور پر نموده. طرح مرغ خیالی و قوچ نیز گاهی دیده میشود.

مجسمه تمام تنہ مفرغی که در خوزستان پیدا شده شکل لباس اشکانیان را بخوبی نشان میدهد. این مجسمه در موزه دولتی تهران است و اهمیت آن فقط برای قسمت فوق الذکر است زیرا از لحاظ صنعت چندان ارزش ندارد.

۶ — نقاشی دیوار

در دوران اروپا قسمت علیایی رود فرات نقاشیهای دیوار دیده میشود که شاید در

زمان غلبه رومیان انجام یافته باشد ولی در حقیقت دارای روح و اصول شرقی است و نماینده صنعت اشکانی میباشد نه یونان . اسلوب و سبک این نقاشی در صنایع بیزانسین و در اوائل عصر مسیحیت نفوذ زیاد داشته است .

نقایای نقاشی و دیوار خرابه قصرهای اشکانی که در آشور کاوش شده بودست آمده است . تصور میشود که این قسم صنعت و نقاشی در آن عصر متداول و معمول بوده و در ایران عمومیت داشته است ، زیرا در اقصی نقاط امپراتوری اشکانی در مغرب و مشرق و بین النهرين نمونه های دیده شده است . نقاشیهای کوه خواجه قابل آنست که در آن بیشتر دقت و مطالعه گردد ، زیرا در داخل حدود ایران کنونی واقع شده است . در اینجا طاق هلالی به مرتعه ای تقسیم شده که متناوباً دارای تصویر یا تزیین میباشند . تزیینات عبارتند از گلهای و نخل کوچک و برگهای شبیه به برگ گل اوت و نقشهای دیگر . در بین تصاویر پر تصویر رب النوع عشق دیده میشود که بال دارد و براسبی سوار است و نیز همان رب النوع در تصویر دیگر سوار بر پلنگ است . تصاویر دیگر ساز زن و رفاقتی را نشان میدهد . بند بازی که با سر خود ایستاده نیز نشان داده شده است . این نقاشیها بطور کلی از آثار صنایع یونانیانی میباشد که در باخترسکنی داشته اند . در سایر تزیینات نفوذ ایران و یونان توامان نشان داده شده است . با اینکه این نقاشیها در طول زمان صدمات زیاد دیده معهدها نقشه و سبک آنها بخوبی پیدا است . روی دیوار بزرگی تصویر شاهنشاه و ملکه کشیده شده که در زیر سایبانی چتر مانند نشسته اند . صورت آنها بین نیمرخ و تمام صورت کشیده شده . این قسم صورت سازی اقباس از یونان است زیرا در صنایع ایران تا این زمان سابقه نداشته است . لباس شاهنشاه و ملکه ارغوانی و رنگهای دیگر از بنفش تا قرمز روشن نیز دیده میشود و پرسو ره تستفلد میگوید که رنگهای این لباس باهم بسیار متوافقند .

روی دیوار دیگر تصاویر خدایان کشیده شده که یکی مانند مریخ کلاهی بالدار دارد و دیگر نیزه ای مانند نیتون ، ولی در مقایسه با سکه مضروب آن زمان معلوم میشود این تصویر شیوای هندی است . سر بعضی از این خدایان بقدرتی زیبا و قشنگ ساخته شده که با بهترین نقاشیهای یونان برابر میکند . این خدایان لباس یونانی دربر دارند و روی لباس

بعضی تزییناتی نیز شده است.

تصاویر اشخاص روی دیوار مقابل اختلاف عجیبی را در سبک نقاشی نشان میدهد. این تصاویر نیمرخ کشیده شده و مطابق اسلوب قدیم تصویرسازی ایرانست و از حيث ارزش صنعتی پست تر از نقاشی فوق الذکر هستند و تصاویر یکه روی پنجره‌های طalar بزرگ کشیده شده نیز همین حالرا دارد. جای تعجب است که صنایع اشکانی در منتهی نقطه مشرق مملکت آنقدر تحت نفوذ صنعتی یونان واقع شده باشد و حال آنکه صنایع همین دوره در مغرب امپراتوری در دورا اروپا که نزدیک یونان است دارای خصائص مخصوص شرقی است. در تمام مراحل صنعت این دو عنصر یعنی عنصر یونانی و ایرانی تأثیر مقابل و گاهی مغایر داشته است، ولی هیچگاه این دو با یکدیگر جمع و متعدد نشده و نتوانسته است یک صنعت مشخص و منفرد تشکیل دهد تا بتوان آنرا در ردیف صنایع بزرگ دانست.

در خاتمه باید متنذکر بود که بعضی از تصاویر جنگجویان و شکارچیان در صنایع چین و نیز بعضی اصول دور نما سازیهای چینی به نفوذ صنایع اشکانی نسبت داده شده است.

۷ — مهرهای اشکانی

مهرهای استوانه ای شکل که در اعصار قدیم استعمال میشده و برای زدن روی لوح گلی بکار میرفته در زمان اشکانی گلی منسوخ گردیده و بجای آن مهرهای مخروطی و گنبدی شکل یا نیم کره‌ای شایع و استعمال شده. این قبیل مهرها در ازمنهٔ ماقبل تاریخ نیز دیده شده است.

مهرها را از احجار کریمه و چیزهای دیگر میساختند. کارگران اشکانی گاهی مهرهای زمان قدیم را تغییر داده و مهر اشکانی میساختند و یا اینکه آنها را خرد نموده و مهره دست مینمودند. این مهرها غالباً با مهارت صنعتی کنده شده و در حقیقت مجسمه‌های بسیار کوچک است.

در ساختن و طرح ریزی مهر موضوع فراوان بوده است. اسب سوار، تصاویر

ربه النوع اناهید، مجسمة نیم تنه صاحب مهر، مناظر شکار، پهلوانی که ماری را مغلوب نموده، اشخاص مختلف در مقابل مذبح آتشکده، دو نفر که انگشتتر یا حلقه با یکدیگر رو و بدل مینمایند و سائر موضوعهای دیگر در میان نقش مهرها دیده میشود. نقش حیوانات نیز شایع بوده، مخصوصاً تصویر مرغ خیالی که بین اشکانیان و ساسانیان متداول بوده، شیر گاو کوهان دار، قوچ، آهو و اسب معمول بوده است.

بسیار مشکل است که بین مهرهای زمان اشکانی و مهرهای سلوکیدها که قبل از اشکانیان بوده و مهرهای ساسانیان که بعد از اشکانیان میباشند، فرق گذاشت و آنها را از یکدیگر تمیز داد. تا وقتی که سائر نقاط امپراتوری اشکانی با دقت تمام و اصول عامی کاوش نشده، خبره ترین باستان شناسان حاضر نیستند بطور یقین اظهار کنند که فلان مهر باید متعلق به عصر اشکانی باشد نه به عصر دیگر.

— سکه اشکانی — ۸

سکه های زیادی از دوره اشکانی در کاوش های بین النهرين بدست آمدند. گنج های متعدد بزرگ و کوچک نیز در ایران کشف شده که دارای مسکوک اشکانی بوده اند و مخصوصاً در کاوش های ری چند صد مسکوک اشکانی در ته چاهی بدست آمد.

در زمان اشکانی سه نوع سکه ضرب شده است: ۱ - سکه های کوچک مسی یا مفرغی؛ ۲ - سکه نقره که در هم نافیده میشده؛ ۳ - سکه بزرگتری از نقره که ترا در هم نام داشته. سکه های نوع اخیر تمام یا اکثر آن در بین النهرين ضرب میشده و سکه های مسی و سکه های کوچک نقره در چندین نقطه ایران حالیه ضرب میگردیده. ضرایخانه اکباتان از قرار معلوم از همه مهمتر و بزرگتر بوده است.

بسیاری از این سکه ها دارای ارزش صنعتی هستند. در یکطرف سکه تصویر شاهنشاه است و در طرف دیگر معمولاً تصویر شاهنشاه است که نشسته و کمان که سلاح معمولی اشکانی بوده در دست دارد. در پشت بعضی از سکه ها تصویر بالدار رب النوع فیروزی است یا تصویر شاهنشاه که نشسته و یک نفر در مقابلش ایستاده است. روی

یک سکه تصویر شاهنشاه و پشت آن تصویر ملکه را نشان میدهد. روی سکه ها بزیان یونانی که زبان درباری اشکانی بوده نوشته میشد و روی بعضی از سکه های اواخر این دوره اسم شاهنشاه مختصرأ به حروف پهلوی نقش میگردید.

اشک اول روی سکه زمان خود کلاه خود بلندی دارد. کمی بعد شاهنشاهان کلاه خود گرد یا مدور بر سر میگذارند و بعد ها موی سر و ریش آنان مجعد شده و فرمیزده اند.

تصاویر اولیه در بر جسته سازی ارزش صنعتی واقعی دارند. در اواخر این دوره صنعت سکه سازی رو به پستی میرود و تصاویر از خطوط ساده تشکیل یافته و حروف یونانی روی سکه ها تقریباً غیرقابل خواندن است.

روی سکه های اولیه نوشته شده است «اشک پادشاه». کمی بعد کلمه «بزرگ» بر پادشاه اضافه و مهرداد اول لقب «شاهنشاه» برای خود اختیار نموده، در حالی که سکه های بعد، از این مقام بالاتر رفته و شاهان برای اجداد خود درجه الوهیت قائل شدند.

نتیجه

پس از ملاحظه کلیه قسمتها باین نتیجه میرسیم که صنایع اشکانی ترکیبی بوده است از اصول صنعتی یونان و رسوم و عادات قدیم ایرانی، ولی با وجود این در معماری زمان اشکانی عناصری پیدا شده که بعدها بوسی و ایرانی گردیده است. جای تعجب است سلسله ای که اصولاً از بدويان و صحراء نشینان آسیای مرکزی بوده اند تا این حد بمعماری و صنعت اهمیت داده مشوق و حامی صنعت گردیده باشند. عشق و علاقه ایرانیان بزیبائی و صنعت بقدرتی قوی بوده است که همیشه فاتحین را مغلوب و منکوب نموده و آنها را تحت تأثیر خود درآورده است. از حیث سیاست و جهانداری اشکانیان ایران را از تهاجم و تصرف رومیان نجات داده و بینوسعیله اصول صنعتی بومی ایران را برای نسلهای آینده محفوظ داشته اند.

فصل ششم

صنایع دوره ساسانی

اردشیر پسر پاپک (۱) حکمران یا پادشاه یکی از ایالات جنوب ایران و مطبع شاهنشاهان اشکانی بود. وی باختن بناهای بزرگی در فیروزآباد فارس مبادرت نمود. عظمت این ابنيه سبب خشم و غصب پادشاه اشکانی اردوان پنجم گردید و برای تنبیه او با لشگری عازم فارس شد. اردشیر پس از یک سلسله جنگها براو غلبه کرد و بتدریج تمام ایران را تحت اقتدار خود درآورد و مؤسس سلسله ساسانی گردید. سلاطین این سلسله نسب خود را از شاهنشاهان هخامنشی و توسط آنان از خدایان میدانستند. شرح حال و کارهای آنان در شاهنامه مبسوطاً نوشته شده و سلطنت چهارصد ساله آنها یکی از درخشانترین ادوار تاریخی ایران محسوب میگردد.

۱ - حجاری

در بین کارهای بزرگ و یادگارهای مهم ساسانیان حجاریهای آنها است که روی صخره‌های عظیم نقش شده و پادشاهان و وقایع مهم تاریخی را نشان میدهد. یکی از این حجاریهای ساسانی عبارتست از بیست حجاری که در نقش رستم، نقش رجب (دو کیلومتری شمال تخت جمشید نزدیک جاده)، فیروزآباد، سرمشهد، و شاپور واقع شده. بعلاوه اینها یک حجاری در سلماس شمال غربی دریاچه رضائیه و دیگر حجاری مفصل طاق بستان نزدیک کرمانشاه

۱ - پاپک لفظ فارسی قدیم است که معرب آن پاپک است و بهمن جهت اولین پادشاه ساسانی را با پاپکان گفته‌اند.

است. تمام این حجاریها بجز طاق بستان در یک دوره هفتاد ساله یعنی بین ۲۲۵ و ۲۹۵ میلادی ساخته شده و بغير از حجاری سلماس و طاق بستان تمام در ایالت فارس قرار دارد.

در نقش رستم که در دشت تزدیک تخت جمشید واقع است، در زیر مقبره داریوش و سائر شاهنشاهان هخامنشی، هفت بر جسته کاری ساسانی وجود دارد که قدیمترین آنها متعلق به اردشیر مؤسس آن سلسله است و مراسم اعطای سلطنت را توسط اهورمزدا به او نشان میدهد. هر یک از آنها بر روی اسبی که روی دو پا بلند شده سوار است و اسبها مقابل یکدیگر قرار دارند بطوریکه در وسط، سر آنها با یکدیگر تماس پیدا نمینماید. اهورمزدا عصائی در دست چپ دارد و با دست راست تاج گل یا حلقه ای که نوارهایی از آن آویزان است بپادشاه میدهد. هر دو تاج بر سر دارند و بجامه بلند و گشاد ملبس هستند. تاجی که بر سر اردشیر است کروی شکل میباشد و اینقسم تاج مخصوص سلاطین ساسانی بوده. زیر پای اسب اردشیر اردوان پنجم بزمین افتاده و در زیر پای اسب اهورمزدا اهریمن است.

مراسم اعطای سلطنت از طرف اهورمزدا یکی از مقدسترین مراسم بوده. شاهنشاهان ساسانی نه تنها نسب خود را از خدایان میدانسته بلکه سلطنت را موهبت الهی و حق آسمانی مبینداشته این اصل را روی یکی از حجاریها نشان داده اند تا در ذهن مردم آنرا بعد کاملاً جایگزین گردد و بکنه آن بی برند.

از موضوعهای دیگر که در حجاریها نشان داده است جنگ انفرادی پادشاه است با رقیب خود و آن عبارت است از تصویر سواره شاهنشاه که نیزه خود را بتن دشمن فرو برده است. اغلب این جنگهای تن بتن البته صورت واقعی نداشته، بلکه نماینده فتح بزرگ و جنگ شاهنشاهان میباشد و علامت فیروزی آنان است که برای جاویدان ماندن آن روی سنگ حجاری شده است. در سه حجاری نقش رستم این موضوع نشان داده شده است.

بزرگترین و مهمترین حجاریهای ساسانی در نقش رستم عبارتست از حجاری

مشهور شاپور اول که والرین امپراتور روم را اسیر نموده است. این واقعه که یکسی از مهمترین فیروزیهای ایرانیان میباشد در سال ۲۶۰ میلادی اتفاق افتاده است.

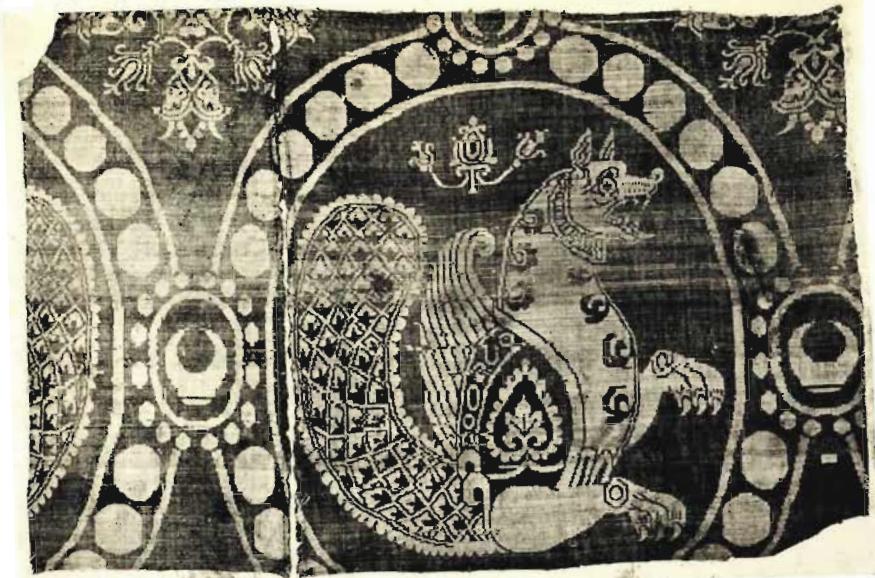
این حجاری سه برابر اندازه طبیعی است و شاپور را نشان میدهد که بر اسب فوق العاده قشنگی سوار است و تاج بزرگ کروی شکل بر سر دارد و شبیه تصویری است که روی سکه های زمان او نقش شده است. نوار های مخصوص سلطنتی از پشت سر او آویزان و شنلش منظم تا شده و از پشت نمایان است. شلوار گشاد او با پارچه ای شبیه به تور زینت یافته . دست چپش بر قبضه شمشیر است و با دست راست تاج گل بشخص نا معلومی میدهد و چون آن علامت سلطنت میباشد بدون شک کسی است که شاپور قصد دارد بجای والرین امپراتور روم نماید. خود والرین جلوی اسب شاهپور زانو بزمین زده و تقاضای ترحم و عفو مینماید. والرین لباس رومی که توگا (۱) نامیده میشود در بردارد.

در نقش رجب سه حجاری است . اولی و دومی تصویر اردشیر و شاپور ، اولین و دومین شاهنشاه سلسله ساسانی را نشان میدهد و موضوع آن اعطاء مقام سلطنت از طرف اهورمزدابه شاهنشاه است . حجاری سوم تصویر شاپور است که بر اسب زیبائی سوار میباشد . چند تصویر دیگر پشت سر او کشیده شده و روی سینه اسب جمله ای بخط پهلوی و یونانی نوشته شده است .

حجاری فیروزآباد فارس نماینده فیروزی در جنگ میباشد و آن عبارتست از تصویر شش نفر سوار که دو بدبو با یکدیگر مشغول جنگند . تصویر اول از آن اردشیر است که بر دشمن خود فائق آمده و دومی پسر او شاپور که مانند پدر خود بر دشمن فیروزی یافته و تصویر سوم سربازی که با حریف خود نبرد مینماید و او را از روی اسب برداشته است . این حجاری زیاد عمیق نیست ولی ریزه کاری و آرایش زیاد دارد و شاید از اولین حجاریهای این عصر باشد . علائم منصب و نسب هر یک از این سواران با دقت تمام حک شده و معلوم میشود که در عصر ساسانیان ، یعنی قرن سوم میلادی ، سلحشوری و مردانگی و علائم امتیازات آن بین آنها شایع بوده است . منظره ای که روی این حجاری نشان داده شده از مناظر

حجاری نقش رسم که فیروزی شاپور اول را بر والرین امیر انور روم نشان میدهد





پارچه ابریشمی، نمونه از بافتگی عالی عصر ساسانیان در ایران



بشقاب کنده کاری نقره از عصر ساسانیان

معمولی جنگ تن بن است، که در اروپا هزار سال بعد از آن در عصری که «شوالی» (۱) نامیده شده، میباشد.

در سر مشهد مجسمه ای از بهرام دوم وجود دارد که کلاه خود او در قسمت عقب بال دارد و تصویر شاهنشاه بدانوسیله مشخص میگردد. هر یک از شاهنشاهان ساسانی کلاه یا تاج مخصوصی داشته اند و در حجاریها بوسیله اختلاف آنها از یکدیگر تمیز داده میشوند. چیزی که در این حجاری قابل ملاحظه میباشد عبارتست از کتیبه‌ای بزبان پهلوی که شبیه به کتیبه ای است بهمین مضمون در حجاری عظیم شاپور اول و والرین در نقش رستم. این کتیبه مربوط باصلاح مذهب تحت نظر شخصی موسوم به تنسر میباشد که بقرار معلوم در زمان سلاطین اول ساسانی دارای نفوذ و اهمیت بوده است.

بزرگترین حجاری ساسانی در شاپور است که قدری خارج از جاده شیراز به بوشهر قرار دارد. موضوع اسارت والرین امپراطور روم مکرر در اینجا دیده میشود. این حجاری دارای قسمتهای دیگر است که سواره نظام و پیاده نظام شاپور را نشان میدهد و نیز عده زیادی از مردمان مختلف که هدایا و غنائم بنزد شاه میبرند. قسمت اخیر شبیه بحجاری پلکان تخت جمشید میباشد. در میان هدایا حیوانات زیادی میباشند و حتی فیل نیز دیده میشود. این تصاویر نصف اندازه طبیعی است و چون پشت سرهم نقش شده کاملاً واضح و روشن نیست. مسلم است که صنعتگران مأموریت داشته اند کار زیاد و مهمی را در اندک مدت بپایان رسانند و از اینجهت تصاویر بخوبی و دقیق نقش دیگر این زمان و حتی حجاری‌های هخامنشی که قرنها قبل ساخته شده نمیباشد. بعضی را عقیده بر آنست که این حجاری از روی اصول صنعتی روم ساخته شده است و حتی میتوان آنرا اقتباس از یکی از بناهای روم که بیادگار فتح ساخته شده است دانست. اگرچه شباهت زیادی بین این حجاری و حجاری روم میباشد، ولی با دقت و ملاحظه دقیق معلوم میشود که اقتباس و تقلید از یونانیان باختراست نه از رومیان ایتالیا.

در شاپور نیز یک حجاری است که مراسم اعطای سلطنت بهرام اول را توسط اهورمزدا که هردو بر اسب سوارند نشان میدهد. این حجاری خیلی بهتر از حجاری شاپور اول است و در مقایسه معلوم میشود که حجاری شاپور تا چه اندازه از حیث کار ضعیف و پست میباشد. احتمال میرود از حیث طبیعی بودن تصاویر این حجاری بهرام اول از بهترین حجاریهای زمان ساسانی باشد. در کنار آن مجسمه ای از بهرام دوم است که صدمه زیاد دیده و تقریباً محو شده است.

تقریباً در تمام حجاریهای ساسانی صورت اشخاص شکسته و محو شده است و صدمات دیگری نیز بین تصاویر و نقشها از مردمی که قدر و قیمت حقیقی، آنرا نمیدانستند وارد آمده و در نگاهداری آنها توجه و اقدامی نکرده اند. خرابی این حجاریها و نیز حجاریهای تخت جمشید را ععمولاً با عرب مهاجم نسبت میدهند، زیرا آنان اشتیاقی به محو نمودن هرگونه اثر حجاری و مخصوصاً بتصاویر انسان داشتند و تصور مینمودند که ممکن است آنها مردم را به بت پرستی سوق دهد.

در غاری پهلوی کوه، مجسمه عظیمی از شاپور اول وجود دارد که شاید در اصل از صخره های نزدیک غار ساخته شده باشد، ولی اکنون بداخل غار افتاده است. اندازه آنرا میتوان از پاهای مجسمه که هنوز روی سکو جای اصلی خود در دهنه غار باقی است و یک متر طول دارد، تخمین زد.

در طرف غربی قسمت شمال دریاچه رضائیه در ناحیه سلماس یک حجاری است که زیاد برجسته نیست و صورتها در سطح سنگ حک و اطراف آن کمی بیشتر حجاری شده است. موضوع آن عبارتست از دو نفر سوار که هر یک تاج کلی از شخصی که در جلوی اسbehای آنها ایستاده است میگیرند. روی هر فتقه این حجاری چندان خوب نیست و با حجاریهای عظیم و عالی فارس قابل مقایسه نمیباشد. بعضی گمان میکنند که حجاری سلماس اردشیر و شاپور را نشان میدهد، ولی بعقیده نگارنده بهرام دوم و پسر او میباشد، زیرا یکی از آنها کلاه خود بالداری در سر دارد که چنانکه مذکور شد مخصوص بهرام دوم

بوده است.

طاق بستان در چند کیلومتری کرمانشاه واقع و در زمان ساسانیان یکی از باغهای سلطنتی بوده است. چشمۀ ای از زیر صخرۀ عظیمی جاری است و اینمکان را چنان‌که از اسم آن بر می‌آید، باغ قشنگ و باصفائی مینماید. در اینجا دو غار هلالی شکل در صفحۀ صخره کنده شده و در چند متری آن نیز حجاری دیگری وجود دارد که عبارتست از تصویر دو نفر که روی دشمنی که بزمین افتاده‌اند و یکی تاج گل بدیگری میدهد. تصویر شخص ثالثی در طرف چپ حجاری قابل توجه است. این شخص عصائی در دست دارد و دور سر او هاله‌ای از نور است که شعله آن باطراف پراکنده شده. این تصویر بی‌شك جنبهٔ مذهبی داشته و بسیاری براین عقیده‌اند که تصویر حضرت زرتشت پیغمبر و پیشوای مذهبی ایران قدیم می‌باشد. پارسیهای هندوستان و زرتشتی‌ای ایران آنرا تصویر زرتشت دانسته از آن در همه جا تقلید نموده‌اند. ولی عقیده عده زیادی از باستان شناسان براین است که این تصویر می‌ترا ربة النوع خورشید در ایران است بخصوص که پاهای او در روی گل آفتاب گردان بزرگی قرار دارد و هاله دور سر او ممکن است اشعهٔ خورشید را نشان دهد.

در غار هلالی شکل کوچکتر که در فوق ذکر شد، دو تصویر کنده شده است که شاپور دوم و شاپور سوم تشخیص داده شده است و آنها پهلوی یکدیگر ایستاده و دست بر قبضهٔ شمشیر دارند و نوک شمشیر هر دو بین پاهای آنها روی زمین قرار دارد. هر دو آنها از روی کتیبه‌ای که پهلوی تصاویر است ثابت گردیده.

غار هلالی شکل بزرگتر از زمان خسرو پرویز دوم و در سال ۶۰۰ میلادی ساخته شده است. در هر دو طرف الواحی با نقش گلهای قشنگ زینت یافته شده است. لبه و دور این قوس بشکل طناب ضخم پیچ داری تراشیده شده و در قسمت وسط و بالا نقش هلالی است که با نوار زینت یافته. در طرفین تصویر بالدار مجسمهٔ فیروزی بسبک روم شرقی یا «بیزانسین» حجاری شده است.



نمونه نقش روی سنگ در طاق بستان

تیر قرار داده شده است. این تصویر با اینکه روی صخره طبیعی کنده شده آنقدر برجسته است که جدا مینماید و از بهترین مجسمه های سوار دنیا محسوب میشود. اسبی که پادشاه سوار آن است اسب مشهور خسرو پرویز موسوم به شبدیز میباشد که در حکایات و اشعار ایران معروف است.

بالای تصویر پادشاه طاقچه ایست که توسط ستونهایی که در صخره کنده شده نگاهداری میشود و روی این طاقچه سه تصویر قرار دارد. تصویر وسطی پادشاه را نشان میدهد که نوک شمشیر خود را روی زمین قرار داده و با دست راست ناج گلی از شخص ریش داری که طرف چپ او قرار گرفته میگیرد. در طرف راست پادشاه تصویر زنی است که از کوزه ای آب میریزد. بعضی ها آنرا تصویر شیرین محبوبه خسرو پرویز و برخی دیگر

در بالای طاق کنگره و باروئی ساخته شده که در اصل ایرانی است و در ساختمانهای تخت جمشید دیده میشود. روی هر قله این غار و تریین آن بسیاری از خصائص معماری زمان ساسانی را نشان میدهد که در سائر حجاریها و بقایای آن عصر دیده نمیشود. روی دیوار روبروی درونی غار تصویری از خسرو پرویز است که بر اسب جنگی بزرگی سوار و اسلحه یکی از سواران ساسانی را در بر و سپر مدوری در دست چپ دارد و در دست راست نیزه ای که برای حمله حاضر است و در پهلوی اسب ترکشی جهت

آنرا تصویر آنهاست که ربة النوع جویبار و رودخانه است میدانند. از لباس و جامه این سه تصویر بطرز لباس زمان ساسانی میتوان پی برد. از مطالعه تصاویری که در طاق بستان است اطلاعات بیشتر و بهتری راجع به بافتگی عصر ساسانی بدست میآید تا از تمام منابع دیگر:

در طرفین درونی این غار تصاویری کنده شده که پادشاه را در حال شکار خرس و حشی و آهو نشان میدهد. تصویر پادشاه بچندین حالت دیده میشود. در طرف راست قسمتی که شکار آهو نشان داده شده خدمه مشاهده میشوند که بر فیل سوارند و آهو را به محوطه‌ای میرانند. در وسط تصویر سوارانی دیده میشود که شکار را تعقیب نموده و با تیر و کمان آنرا هدف قرار میدهند در حالیکه در قسمت بالای این نقش ساز زنها بنواختن مشغولند و شکار شاهانه را با موسیقی همراهی میکنند. در سمت چپ این مجلس شکار کشته را پوست کنده و روی اشتران قرار داده میبرند.

در طرف دیگر شکار گراز دیده میشود. پادشاه و ساز زنها در قایقهای هستند که از آن گراز را شکار نموده اند. در طرفین آن مجلس و زیر تصویر پادشاه فیلهای دیده میشوند که شکار را رانده و پس از کشته شدن آنرا حمل مینمایند. گراز در زمین باطلاقی و در میان نیزار و اردک و ماهی در وسط آب دیده میشوند.

نقش این تصویر در سنگ حیرت آور است. تصویر حیوانات: بزکوهی، گراز، شتر، اسب و فیل بخوبی کشیده شده است و مناظر شکار بطور کلی دارای ارزش حقیقی صنعتی است. شاید اصول صنعتی بیزانسین و یونان قدیم در تزیینات غاری تأثیر نبوده باشد، ولی در قسمتهای دیگر خصائص آن ایرانی و ساسانی است و روی هم رفته نمونه گرانبهای است از صنعت اختیاری در اوخر دوره ساسانی.

حجارهای ساسانی پیشرفت منظم مهارت و ذوق صنعتی ملی را نشان نمیدهد^{*} ولی حجاری قسمتی از این عصر درجات مختلف استعداد و ذوق صنعتی را مینماید و مشکل است تعیین نمودکه این حجارهای تا چه اندازه تحت نفوذ صنعتگران خارجی بوده است یا تاچه اندازه یونانیان که چندین صد سال در مشرق ایران سکونت داشته‌اند در این صنایع

ذی نفوذ بوده‌اند. دکتر هرتسفلد معتقد است که اصول و سبک این حجاریها از روی نقاشی بوده است و نمونه مجسمه سازی حقیقی نیست. با همه اینها حجاری‌های ساسانی قسمت مهمی از صنایع ایران و دنیا است و شکی نیست که بعضی از آنها توسط صنعتگران درجه اول ساخته شده است. تصویر اسبها و سائر حیوانات بقدرتی خوب ساخته شده و طوری دارای روح و قوت است که بندرت در حجاری‌های دیگر دیده شده است. سلحشوری و قهرمانی («شوالی») هزار سال قبل از آنکه اروپا بهمان درجه رسد در این نقشه‌ها نشان داده شده.

۲—فلزکاری

ساختن ظروف از فلزهای قیمتی پیشرفت زیادی داشته و در عصر ساسانی بدرجۀ عالی رسیده. بعضی از این ظروف ساده و فقط به تزیین لبه آن اکتفا می‌شده و صنعتگر استادی خود را در ساختن شکل آن بکار می‌برده است. بعضی دیگر نقشه‌های گوناگون دارند و موضوع عده‌ای از آنها ما را بیاد حجاری و مجسمه سازی آن عصر می‌اندازد. بعضی از ظروف دیگر نقشه‌های برجسته داشته و حتی برخی از آنها دولا دارند تا آن قسمت نازک محفوظ بماند.

گرچه این نوع ظرف در زمان ساسانیان فراوان بوده، ولی مقدار کمی از آن بدست ما رسیده و شاید قسمت زیادی از آنرا برای فلزی که داشته ذوب نموده‌اند. ظروفی که پیدا شده عجالت در موزه‌ها و گنجینه‌های شخصی است و قسمت بیشتر و ظریفتر آن در موزۀ هرمیتاژ لنین‌گراد است. رویه مرغته کمتر از بیست ظرف طلا و تقریباً صد ظرف نقره و مقدار زیادی ظرف و اسباب مفرغی موجود است، ولی احتمال می‌رود که بعضی از ظروف مفرغی متعلق بزمان بعد باشد که سبک ظروف ساسانی ساخته شده است.

جای تعجب است که طبق اطلاعات حالیه ما بیش از شش عدد ظروف فلزی ساسانی در خاک ایران پیدا نشده است. یک ظرف طلائی بسیار زیبا که معروف است بجام

خسر و یکی از بهترین نمونه‌های این صنعت میباشد، در خزانهٔ کلیسايی در فرانسه بدبست آمده و گاسه طلائی دیگر متعلق به زمان ساسانی در خزانهٔ معبدی در ژاپن میباشد. بعضی از ظروف ساسانی در شمال هندوستان و بعضی در لهستان و بیشتر آن در ممالک شوروی پیدا شده است. وجود این ظروف در مالک خارجه ثابت میکند که تجارت و تبادل اجناس در آن زمان بسط داشته و گویا این ظروف با خز مبادله میشده و چون از فلز قیمتی ساخته شده بود بجای پول نیز استعمال میگردیده. نمونه‌های آن در نواحی مختلف خاک شوروی حتی در نقاط دوردستی مانند جبال اورال پیدا شده است. در نواحی اوکراین بیش از هر جا ظرف و اسباب فلزی کشف گردیده و بزرگترین گنجینه‌ها توسط چند نفر چوپان در یک تپهٔ سنی نزدیک پولتاوا بدبست آمده که شامل پانزده طرف طلائی از عهد ساسانیان بوده است.

روی بسیاری از ظروف نقره این عصر مناظر شکار کشیده شده و شاهنشاه بکشتن شیر، عزال، گراز یا حیوان دیگری اشتغال داردند. شاهنشاهان ساسانی را میتوان اغلب از روی شکل تاج مخصوص آنان تشخیص داد، گرچه بعضی از تاجها بیک شکل تراشیده میشده و بنظر میآید که بیک شاهنشاه اختصاص نداشته است. طرز کار و سبک ساختمان ظروف متفاوت است. در بهترین آنها تصویر حیوانات بسیار عالی نقش گردیده. مثلاً در بعضی عضلات را سفت و کشیده نشان داده و در برخی سرعت فرار، قوت، زیرکی و حتی حیله حیوان را با کمال وضوح بشكل تعجب آوری کشیده و نمایانده است.

موضوعهای متنوع دیگری روی ظروف نقش شده است که در جزئیات آن داخل خواهیم شد، ولی باید بخاطر داشت که نکات زیادی در خصوص معماری زمان ساسانی از روی تصویر ابینیه و عمارانی که در روی ظروف فلزی رسم شده بدبست میآید. مثلاً روی سنی مفرغی که اکنون در برلن میباشد، تصویری است که معتقدند شاید تصویر طلال بزرگ تاجگذاری خسروان ساسانی موسوم به « تخت تقدیس » باشد. اطلاعاتی که راجع به این طلال و تخت سلطنتی در دست است استعمال مفرط احجار و فلزات قیمتی را تأکید میکند

میرساند که حتی میخهای آن از طلا و نقره بوده. گنبد آن آسمان را مینموده است و میگویند که آن حرکت میدارد همچنانکه آسمان با گردش زمین بنظر متحرک می‌آید.

بعضی اوقات نقشهای این ظروف طوری کشیده شده است که با اندازه ظروف متناسب باشد و این کار مخصوصاً روی شقابهای نقره‌ای بعمل آمده است، ولی گاهی موضوع و نقشهای متناسب با اندازه ظرف نیست. بطور یقین فلز سازان زمان ساسانی در مهارت و استادی از عمل هم عصر خود پیش بوده‌اند و نمونه صنعت و استادی آنرا موزه‌ها و اشخاص متمول با ذوق بقیمت‌های گزاف خریداری مینمایند و خود را خوشبخت میدانند اگر موفق بددت آوردن نمونه‌ای از کارهای حقیقی زمان ساسانی به فلز قیمتی گردد.

۳ — سکه‌ها

سکه‌های ساسانیان بطلاء نقره و مفرغ ضرب می‌شده و گاهی بندرت نقره و مفرغ را با یکدیگر ترکیب نموده سکه می‌زندند. وزن واحد مسکوک نقره ساسانی تصور می‌رود همان وزن مسکوک اشکانی بوده ولی قدری بزرگتر، زیرا آنها را نازک‌تر می‌ساخته‌اند و سکه‌های زمان ساسانی در تمام دوره از حیث نازکی تعیز داده می‌شود.

اردشیر مؤسس سلسله ساسانی بضرب چندین قسم سکه پرداخت. بسیاری از آنها خیلی خوب ضرب شده و دارای ارزش صنعتی است. پسر او شاپور اول این شیوه را تعقیب نموده و سکه‌های زیبائی ضرب نموده است. در اواسط سلطنت طویل شاپور دوم سکه‌ها با دقت ضرب نمی‌شده و از ارزش صنعتی آنها کاسته گردیده و علت این امر را توسعه تجارت و ضرورت به ازدیاد ضرب سکه دانسته‌اند.

تصویر سلاطین در اوائل این دوره خیلی قشنگ روی سکه‌ها نقش شده و در طرف دیگر سکه مذبح آتشکده با ملازمین آن بقدرتی برجسته و دقیق ضرب شده که می‌توان آنها را مجسمه سازی کوچک دانست. نوشته روی سکه‌ها در هر دو طرف به زبان پهلوی است و غالباً خیلی بد نوشته شده و کلمات را غلط یا بعضی اوقات حروف را معکوس نوشته‌اند.

ولی باید در نظر داشت که نوشن را در اوائل این دوره قاعدة معینی نبوده . در دربار اشکانی زبان یونانی مرسوم و زبان و ادبیات پهلوی خیلی محدود بوده تا اینکه در اواخر این دوره کتب مذهبی که تا آن زمان تدوین نشده بود نوشته شده و برای زبان پهلوی قاعدة و میزانی معین گردیده . جای تعجب است که ساسانیان با اینکه کارهای بزرگ صنعتی انجام داده اند ، ادبیات آنها خیلی کم است .

تصویر پادشاهان در روی سکه در اواسط این عصر خیلی ساده و در ساختن آنها دقت زیادی بعمل نیامده است . سکه را بقدری نازک میساخته اند که بر جسته کاری روی آن ممکن نبوده و از هر حیث نسبت به مسکوک اوائل این دوره پست تر است . در اواخر این دوره یعنی از ۵۰۰ میلادی تا استیلاء عرب مسکوک پست تر شده و تصویر پادشاهان فقط از شکل کلاه خود آنان شناخته میشود . در این سکه ها چهره حقیقی شاهنشاه معین نیست و مشکل است بگوئیم شباهتی بقیافه انسان دارد . مدبح آتشکده و ملازمین آن خیلی ساده است و نمیتوان آنرا تصویر نامید و ارزش صنعتی برای آن قائل شد . در اواخر این دوره مقدار یول و مسکوک خیلی زیاد شده و حتی گفته اند که خسرو اول انوشیروان قریب صد ضرایخانه داشته و خسرو دوم پرویز سکه های خود را در صد و بیست مکان ضرب میکرده است .

همانطور که در باره اشکانیان مشاهده شد مسکوک سلاطین اولیه ساسانی کارهای حقیقی صنعتی است ، ولی همینکه سلطنت آنها محکم و احتیاج بپول از دیاد یافت مسکوک از لحاظ صنعت رو به پستی رفته و در اواخر این عصر صنعت ضرب سکه فوق العاده پست گردیده و برای مسکوک صنعتی باید بزمان سلاطین اولیه ساسانی مراجعه نمود .

۴ — مهر ها

مهر های زمان ساسانی بانواع مختلف و موضوعهای متعدد منشعب میشود و در ساختن آنها مهارت و استادی بدرجات مختلف بکار رفته . مهرهایی که در این دوره شایع

میباشد عبارت از مجسمه نیم تن صاحب مهر است که اسم و لقب او دور تصویر به پهلوی میباشد. مطالعه دقیق در مهرهای این زمان مستلزم دانستن افسانه ها و عقائد مذهبی مردم و نیز آگهی به عقائد آنان درباره آسمان و ستارگان و سائر علامات کواكب وغیره میباشد. آشکده با تصویر اهور مزدا در میان شعله آتش نشان داده میشود. میترا خداوند خورشید نیز نقش گردیده ولی غالباً موضوع مهر عبارتست از خدایان کوچکتر مانند آناهیت و حیوانات که نماینده «وری نرگنا» (۱) باشند و «ماه» که خدای ماه بوده و علائم زیادی راجع بخورشید و حیوانات مربوط بازباب انواع دیگر است. و تزدیک آنها تصویر حیوانات، حشرات و خزندگان هستند که ستارگان و کواكب و منطقه البروج را نشان میدهند.

پرندگان غالباً روی مهرها نشان داده میشوند، ولی صنعتگران در گشیدن حیوانات بیشتر مهارت داشته اند. در ادوار دیگر تاریخ صنعت ایران و نیز در قسمتهای دیگر صنایع ساسانی مشاهده نمودیم که ایرانیان با چه نیرومندی و هنر و با چه آگهی باحوال و حالات و عادات آنها حیوانات را مجسم ساخته اند. نه تنها حیوانات معمولی در روی مهرها نقش شده، بلکه حیوانات خیالی از قبیل اسب یک شاخ، عنقا یا سیمرغ، غرفتی که دم طاوس دارد، اسبها و گاوهای بالدار نیز ترسیم شده است.

علامات دیگر از قبیل سواستیکا که علامت خورشید بوده، گل لوتس، لوح مدوری که از مرکز آن اشعه منكسر میتابد، خورشید دور، ستاره وهلال وغیره نیز شایع بوده. اشکال هندسی زیاد دیده میشود و نیز نقشی که دست را گوئی بحالت تضرع نگاهداشته نشان میدهد و احتمال میرود هر یک از این علامات دارای معنی مخصوصی بوده است. داستان بهرام گور و ساز زن او آزاده در مهرهای اواخر این دوره ترسیم گردیده است. این موضوع در سائر صنایع هانند ظروف نقره، هفرغ، سفال، مینیاتور و گچ بری نیز نشان داده شده است. این تصاویر مدت طویلی بعد از ساسانیان شایع بوده و نشان میدهد که مردم تا چه اندازه شیفته این داستان بوده اند.

تصاویر اشخاص روی مهر نشان داده شده است که گاهی تنها و گاهی تزدیک آتشکده ایستاده‌اند. تصویر انسان بخوبی دوره قبل که یونانیان نفوذ صنعتی داشته‌اند نیست و از لحاظ صنعت بخوبی تصاویر حیوانات نمی‌باشد.

بعضی هرها روی جواهرات کنده شده و متعلق به شاهنشاهان است. از روی هزاران مهر که در این زمان ساخته شده است معلوم می‌شود که صنعت حکاکی در این زمان مهم بوده و بسط داشته است.

۵ — بافتگی

پارچه‌های ابریشمی با نقشه‌های پرکار که در ایران آن‌زمان تهیه می‌شد در تمام دنیا آنوقت مشهور بود و این صنعت بمنتهی درجهٔ ترقی خود رسیده بود. اکثر منسوجات آن‌زمان پس از قرنها البته ازین رفته و منهدم شده است، ولی معهداً بیش از شصت نمونه از کارهای نساجی آن‌زمان در دست است که اغلب در موزه‌های اروپا و هندوستان نگاهداری می‌شود.

علاوه بر اینها تقریباً بیست و پنج قسم نقشهٔ پارچه روی حجاری‌های طاق‌بستان نمایش داده شده که برای متخصصین راهنمای مهمی است و کمک به تشخیص و تقسیم‌بندی منسوجات زمان ساسانی می‌کند.

رنگ پارچه‌های زمان ساسانی محدود و عموماً روشن بوده. پارچه‌های زیادی دیده شده است که رنگ آنها فقط آبی سیر و سفید است. نقشه‌ای دیگر بیشتر از دو رنگ دارند و بعضی دارای پنج رنگ مختلف می‌باشند. یک نکه بزرگ پارچه پشمی قلابدوزی در موزهٔ هرمیتاژ روسیه می‌باشد که از عالیترین نمونهٔ پارچه زمان ساسانی است و نقش آن عبارتست از خروس بزرگی که در قاب مدوری رسم گردیده. این مرغ بسیار زیبا کشیده شده و دارای رنگهای فشنگ است. تقریباً هفت رنگ مختلف در آن دیده می‌شود. عشق ایرانیان باشکال و تصویر حیوانات در بافتگی و نساجی نیز ظاهر می‌گردد و در بین آنها تصویر حیوانات خیالی مانند عنقا، دبوی که دم طاووس دارد، اسب و گاو

بالدار، قوچ و گراز و حشی دیده میشود و نیز تصویر اسبی که دور آنرا قابی رسم کرده اند و تصویر پرنده‌گان و مرغهای مختلف که بگردان آنها نوارهای مخصوص زمان ساسانی بسته اند، کشیده شده . علاوه بر خروس که با انواع مختلف نشان داده شده تصویر مرغ و پرنده‌گان بحری مانند غاز و مرغابی نیز دیده شده است .

آنچه مختص نقشه پارچه های ساسانی است اشکال دائره و بیضی میباشد و گاهی دائره های کوچکتر مماس بر یکدیگر آنها را تکمیل مینمایند.

از نمونه هایی که در دست است چندین قسم پارچه مختلف میتوان یافت و متخصصین آنها را بنوای مختلف ایران نسبت داده اند. دکتر فیلیس اکرمان (۱) در اقسام مختلف این پارچه ها و محلهایی که ممکن است در آنجا باقی شده باشد مطالعه نموده و در مقاله خود تحت عنوان « منسوجات ایران » در کتاب « صنایع ایران » صورت کلیه بافتگیهای زمان ساسانی که در موزه های دنیا موجود میباشد با شرح آنها گنجانده است. پارچه های زمان ساسانی در تمام دنیا معروف و ایران در صنعت ساجی از تمام کشورهای جهان پیش بوده . پارچه های ابریشمی و سائر قماش ایران در اروپا و قطعات دیگر دنیا خریدار زیاد داشته است. این صنعت یادگاری است از قوه اختراع و ابتکار ایرانیان و مهارت آنان و باید سرهشق و نمونه خوبی در تمام صنایع برای مردم این سرزمین باشد.

۷ — سفال سازی

از آنچه که اطلاع داریم صنعت سفال سازی در زمان ساسانیان پیشرفت زیادی ننموده، گرچه ممکن است در مدت چهارصد سال نمونه‌های ساخته شده باشد که از بعضی جهات از سفال اشکانی بهتر باشد. ولی روی هر قته سفال این زمان محدود بظروفی بوده که جهت احتیاجات معمولی ساخته میشده. اشیاء و ظروفی که برای تزیین و تشریفات

می‌ساختند اغلب از فلز قیمتی بوده و حتی ظروف غذا خوری نجبا و اعیان هم از این نوع فلز ساخته می‌شدند. بدین طریق سفال برخلاف سائر شعب صنایع ترقی زیادی نموده و تقریباً بهمان حال باقی مانده.

لاب دادن که از خصائص سفال اشکانی و مخصوص به آن دوره بوده در عصر ساسایان ادامه داده شده و رنگ معمولی آنها در هر دو عصر سبز و آبی کم رنگ بوده، ولی شکل سفال لاب داده و نقش آن در این عصر بهتر از سفال زمان قبل است. در سفال لاب نداده نقشهای مختلف و متنوع دیده می‌شود از جمله نقش نقطه در دائره یا طرحی که بنام تکمه ای شکل نامیده شده. بعلاوه بک قسم نقش جدیدی بکار هم برداشت که با تراشیدن سفال صورت می‌گرفته.

ظرفهای شکل حیوانات در این دوره شامل ظرف آبخوری است بشکل سر گاو نر که در زمانهای سابق نیز وجود داشته و نیز بطری که بشکل ماهی ساخته شده. چنین بنظر می‌آید که اغلب اشکال سفال از ظروف فلزی تقلید شده باشد و شک نیست که صنعت زرگری و اشکال ظروف طلا و نقره در سفال سازی این عصر بی‌تأثیر نبوده است.

ظروف سفالین عصر ساسانی از طریق حفریات علمی کم در ایران بدست آمده. در قصر ساسانی دامغان ظروف لابی دیده نشده است؛ فقط مقدار کمی تکه‌های سفال قرمز رنگ بدست آمده است. مقداری سفال در بین النهرین پیدا شده که حدس زده می‌شود متعلق به زمان ساسانی باشد، زیرا مسکوک عصر ساسانی در همان طبقه بدست آمده. چون اطلاعات کافی و مدارک حقیقی موجود نیست نمیتوان در باره سفال زمان ساسانی قضاوت صحیحی نمود، ولی رویه مرتفه چنین بنظر می‌آید که این صنعت از سائر صنایع دیگر آن عصر پست تر بوده است.

۷—گچ بری

هیئت اکتشافی آمریکائی مقدار زیادی گچ بری از قصری در ری کشف نموده

که بطور تحقیق متعلق با اخر دوره ساسانیان میباشد. نقشهای بر جسته زیادی ازمو و گل با نقشهای عمومی و نوعی گل سرخ باطرحهای مفصل و زیبا دیده میشود. پرندگان و حیوانات مختلف گچ بری و داستانهای زیادی روی گچ نشان داده شده و مهمتر از همه داستان بهرام گور و ساز زن او آزاده است که بر حیوان شکاری خود که باسب و شتر شبیه میباشد سوار است. نزدیک آنها تصویر یک بز کوهی است که با تیر شکارچی پایش بگوشش دوخته شده. نکته مهم اینست که هنوز زمان زیادی از بهرام گور نگذشته بوده که داستان او مشهور و در بین عموم شیوع یافته بوده است.

مجسمه سر انسان گچ بری شده و علائمی از نقاشی با رنگ و روغن روی آن دیده میشود و در بعضی قسمتهای آن رنگ شفاف آبی و قرمز تا بحال باقی مانده است. روی ستونهای عظیم قصر ساسانی در دامغان که از آجر ساخته شده گچ بری نازکی که دارای نقشهای گل و برگ و سواستیکا است دیده میشود. حاشیه های نقش مو و اشکال هندسی نیز دیده شده. روی بعضی از لوحهای کچی آهی نر و ماده در حال نوشیدن آب، سر گراز وحشی، صورت خندان یک زن و دائره ایکه محیط آن با مهره مزین شده و در وسط آن نقش پرکاریست نقش گردیده. بقایای مجسمه شیری که از گچ ساخته شده نیز دیده میشود. تقریباً تمام الواح و بسیاری از نقشهای کچی که در دامغان پیدا شده است بوسیله قالب ساخته میشده.

یک عدد لوح کچی که در بین ری و ورامین پیدا شده و اکنون در موزه پنسیلوانیا میباشد پادشاه یا شاهزاده ای را نشان میدهد که بشکار گراز وحشی مشغول است. این منظره مکرر تکرار شده و قسمتهای دیگر دیوار ازمو و مرغابی ترکیب یافته و با نقش معمولی هو پوشیده و تزیین شده است.

نمونه های فوق الذکر که در داخل خاک ایران پیدا شده و نمونه های گچ بری زیادی که در تیسفون و کیش و سائر نقاط بین النهرين بدست آمده دلیل وافی است بر درجه مهارت و استادی صنعتگران ایرانی در عصر ساسانیان. در کیش چند مجسمه نیم تنه از

بهرام گور و سر زنان پیدا شده است.

تصور میشود که طرز عمل این صنعت در این دوره تغییر چندانی ننموده و بسیاری از نقوش و طرحها در طی این عصر به يك وضع میماند. این نوع گچ بری گاهی روی سطح کنده میشد و گاهی بطور بر جسته روی سطح گچ با دست کنده میشد و گاهی برای بعضی نقشه‌ها قالب بکار میرفته و اغلب با رنگهای زیبا تزیین میباشند تا باز مینه سفید گچ جلوه خوبی داشته باشد. این نوع تزیین به دیوارها و بنای زینت فتنگ و صنعتی میداده

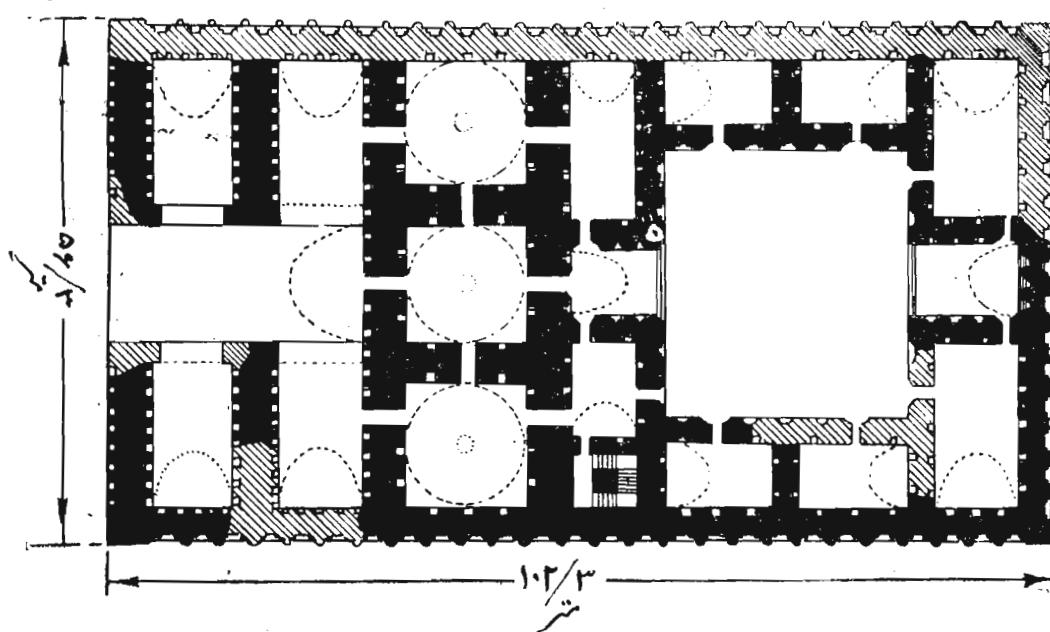
—۸— معماری

برای مشاهده قدیمترین و بهترین اشکال معماری ساسانی باید بفیروز آباد فارس پانزده فرسخی جنوب شیراز رفت. در اینجا اردشیر اولین پادشاه ساسانی قلعه‌ای در بالای کوهی بلند و عمارت سلطنتی نزدیک شهر ساخته و بنای دیگری بریا نموده که بدون شک آتشکده بوده است. شکل معبد عبارتست از مربعی که گنبد آن روی چهار ستون نگاهداشته شده. نکته قابل ملاحظه و غیر معمولی این بنا آنست که آن روی صندوق مربعی از سنگ تراشیده ساخته شده و آثار چهار پلکان که در چهار جهت معبد که بصفه منتهی میشده مشاهده میشود. چون بنای سنگی تراشیده در معماری ساسانی کمتر دیده شده بعضی معتقدند که این بنا متعلق بدوره هخامنشی میباشد، ولی شکی نیست که در زمان اردشیر ساسانی ساخته شده است.

خرابه قلعه این شاهنشاه در قله کوه بلندی نزدیک فیروز آباد دیده میشود این قلعه را از سه طرف سرشاری بسیار تندی بوده که بدراهی منتهی میشده و قلعه سه طبقه بنا شده. دو برج بزرگ که دارای پلکان پیچ پیچ بوده باطاقهای بزرگ طاقدار که دور صحن ساخته شده بود راه میباشند. در بالای اینها اطاقهای اصلی قلعه ساخته شده و عبارت بود از طالار بزرگی که سقف هلالی داشته و پشت آن اطاقدار مربعی شکل که گنبد آن روی چهار گوش آن بنا شده بود. این برجها تنوعی به دیوار صاف و یکنواخت

قلعه میداده. دیوار از سنگهای بزرگ طبیعی ساخته شده و با آهک و گچ بند کشی کردیده. البته با این صالح ضخامت دیوار خیلی زیاد میگردد مخصوصاً قسمت‌هایی که برای نگاهداری سقفهای هلالی یا گنبد ساخته میشده. گرچه اینگونه ابنيه خشن بنظر می‌اید ولطف وقشنگی سنگ تراشیده یا آجر را ندارد، ولی این قسم ساختمان از خصائص معماری ساسانی است.

عمارت سلطنتی اردشیر در بیرون شهر فیروز آباد چشم‌آب‌گرمی در صحن جلو عمارت داشته و با اینکه در زمان اولین شاهنشاه سلسله ساسانی ساخته شده از بهترین ابنيه آن دوره میباشد. نقشه آن کاملاً ایرانی و شامل بسیاری از اصول معماری است که در زمان بعد از آن تقلید شده و در معماری ادوار بعد تأثیر و نفوذ کلی داشته است.

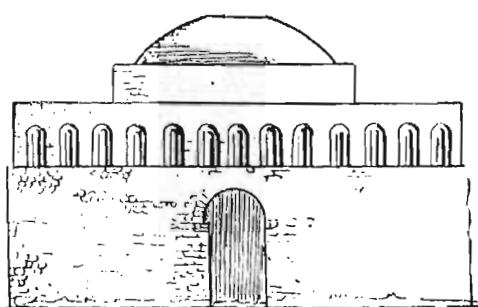


نقشه عمارت سلطنتی اردشیر در فیروز آباد فارس

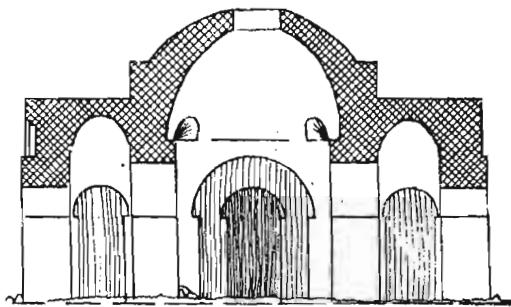
ایوانیکه در قسمت مرکزی و جلو عمارت میباشد سقف آن هلالی و عرض آن ۱۳ متر و ۳۰ سانتیمتر است. در دو طرف این ایوان چهار اطاق بوده که با ایوان اصلی زاویه قائمه تشکیل میداده است و مانند ایوان مرکزی سقف هلالی داشته. در قسمت

پشت و متصل بدان سه اطاق مریغ بوده که سقف گنبدی شکل داشته‌اند. در عقب اینها صحن با حیاطی بوده که دور تا دور آنرا اطاق‌های ظاق هلالی احاطه فیکرده و کلیه ساختمان بشکل مربع مستطیل به عرض ۵۰ متر و طول ۱۰۴ متر بوده. دیوارهای این قصر از سنگ و آهک ساخته شده و شبیه بدیوارهای قلعه است که در بالا مذکور شد.

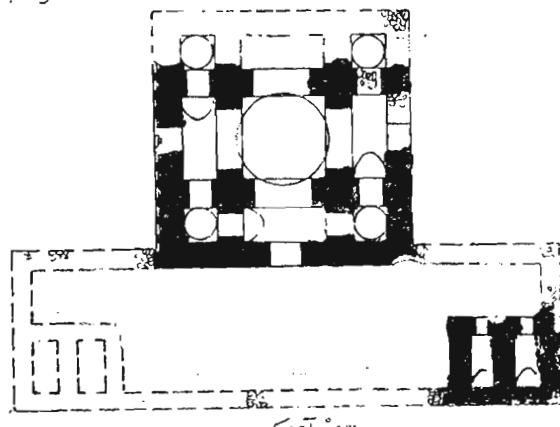
خرابه‌های قصر دیگری از زمان ساسانیان در سروستان پیدا شده است و در شهر معروف شاپور بقا‌یای ساختمانهای عصر ساسانی زیاد است و در این شهر اخیراً کاوش‌های علمی شده است. در دره‌گیرا بین فیروزآباد و کازرون دکتر هرتسفلد خرابه چهار آشکده پیدا نموده. یکی از آنها که در محلی موسوم به فراش بند میباشد قبلًا مذکور شد. در اینجا لازم است ساختمان یکی از آشکده‌های عصر ساسانی بطور نمونه



منظره جلو



قطعه آشکده



نقشه آشکده

آشکده معمولی

تشریح شود، زیرا خرابه‌های این قسم بنا در نقاط مختلف ایران پیدا شده. سابقاً هم حدس زده میشد که آن آتشکده است، ولی دلیل قطعی در حفریات کوه خواجه بدست آمد که در آنجا پایه و بنای مذبح در وسط اطاق و خود مذبح در نزدیکی آن پیدا شد چنانکه در فصل گذشته مذکور گردید.

این بنا را معمولاً چهار طاق مینامند زیرا در وسط هر دیوار طاقی است. اطاق اصلی هریع شکل است و مذبح در وسط آن قرار دارد و روی آن گنبدهای زده شده است. دور تا دور اطاق در هر چهار طرف، راهرو پوشیده ایست که اطاق مقدس را محفوظ میداشته و در مراسمی که مربوط به آتش مقدس بوده بکار میرفته است. در صفحهٔ پیش تصویری از آتشکده که نقشهٔ بناء مقطع آنرا نشان داده دیده میشود. در شمارهٔ اول مجلهٔ آثار ایران مسیو اندره گدار (۱) بنای کوچک مربعی شکل گنبدهای داری را از عهد ساسانیان تشریح میکند که در نظر نزدیک کاشان واقع است. معماری و ساختمان آن زیاد قابل توجه نیست، ولی از آن جهت دارای اهمیت است که بناهای ساسانی در مرکز ایران بندرت دیده میشود.

قصری که در دامغان کشف شده اگر چه از بعضی جهات معماری نسبت به بناهای فیروزآباد کاملتر است، ولی تصور میشود که متعلق با اوائل زمان ساسانی باشد. در جلوی آن قصر ایوان سه طرفه ایست که بطالار بزرگی که سه رواق دارد مربوط میباشد. پشت این ایوان اطاقدار مربعی است که گمان میروند گنبدهای داشته است. راهروهای طرفین این اطاقدار با اطاقدارهای دیگر مربوط نمیباشند. دیوارها از خشت‌های بزرگ ساخته شده و تزیین اطاقدارها اغلب گچ بری بوده که بعضی از آنها در صفحات قبل تشریح گردید. آثار نقاشیهای رنگی روی دیوار آن بنا نیز کشف گردیده.

در جلگهٔ بین النهرین که سنگ پیدا نمیشده برای ساختن گنبدهای سقفهای هلالی اطاقدارهای بزرگ و وسیع آجر بکار میرفته. مهمترین آثار معماری ساسانی در بین النهرین طاق‌کسری است که در تیسفون واقع است. در اینجا قسمت اعظم طاق بزرگ و مشهور که روی ایوان جلوی قصر زده شده هنوز برپا است. این طاق عظیم از آجر ساخته شده

و عرض دهانه آن ۲۵ متر و ۶۰ سانتیمتر است. طاق و دیوارها خیلی ضخیم هستند. گویا منظور معمار این بوده که دیوار را اینقدر ضخیم بسازد که بتواند طاق هلالی بزرگ را نگاهدارد. ضخامت این دیوار در پایه هفت متر و در جائی که طاق شروع میشود چهار متر است و قطر طاق در بالاترین نقطه هلالی یکمتر میباشد.

عده‌ای از باستان شناسان تصور میکنند که این قصر را شاپور اول ساخته است، ولی ساختمان آن همیشه به خسر و اول اوشیروان یا خسر و دوم پرویز در قرن ششم میلادی نسبت داده شده است. طاق آن بقدرتی بزرگ ساخته شده که معماری بنا از این حیث قابل تنقید است زیرا دیوار جلو آنقدر بلند میباشد که با خود بنا تناسب و مطابقت ندارد. بعلاوه اسلوب آن ساسانی بنظر نمیرسد بلکه به نمای جلوی یکی از نمایشگاه‌های روم بیشتر شباهت دارد و اگر تقلید از روم باشد باید گفت که خوب تقلید نشده است. نمای جلوی آن سه طبقه است و هر طبقه دارای دو ردیف طاق نمای رویهم میباشد. طبقه اول با جرزهای چفت جفتیکه بشکل نیم ستون با خود بنا ساخته شده تقسیم میشود. طبقه دوم را جرزهای نیمگرد تکی که با خود بنا ساخته شده تقسیم مینماید ولی برخلاف انتظار ستونهای طبقه دوم روی ستونهای طبقه اول ساخته شده است. طبقه سوم را دو ردیف طاق نما که رویهم بنا شده و بدون جرزهای نیمگرد است، تشکیل میدهد.

با اینکه معماری این بنای شاید قابل انتقاد باشد، ولی خود قصر بقول نویسندهان عرب تزیین منفصل داشته است. تصور میشود که قسمت بالای دیوار از موzaئیک شیشه ای پوشیده و قسمت پائین با مرمرهای رنگی ساخته شده بوده است. نمونه ای از موzaئیک شیشه‌ای و مرمر رنگی در کاوش‌های اخیر تیسفون بدست آمده، ولی غالب تزیینات فوق العاده زیبای قصر در نتیجه غارت و نادانی اعراب از بین رفته است.

اخیراً چند بنای ساسانی در کیش کشف و کاوش شده است. این اینیه برای گنج بری عالی معروف میباشد و اغلب آنها رنگی است. موضوع نقاشی متل سائر جا های دیگر غالباً عبارتست از حیوانات، گیاه و برگ بعلاوه مجسمه نیم تن زن و بهرام گور. در چند میلی داخل خاک ایران در قصر شیرین و در سر راه کرمانشاه به بغداد

خرابه‌های بنای ساسانی است که به خسرو پروریز نسبت داده شده است. نقشه آن خیلی عظیم بنظر می‌اید و باغ محصور قصر ۳۷۰ متر طول و ۱۹۰ متر عرض داشته. خود قصر روی صفه‌ای بارتفاع هشت متر ساخته شده و شامل ایوان سه طرفه‌ای در جلو بوده که پشت آن اطاق بسیار بزرگی بشکل مربع مستطیل داشته و در عقب آن حیاطی که دور آن اطاق‌های ساخته شده بوده است.

بنای دیگری موسوم به چار قاپو یا چهار در دارای اطاقی است در وسط بشکل مربع و سقف آن گنبدی می‌باشد و شاید دور اطاق راهروهایی نیز بوده است و از حیث شکل شبیه باختمان آتشکده‌ها می‌باشد. اگرچه این گنبد فقط از سنگ تراشیده و ساروج ساخته شده، اما بزرگترین گنبد زمان ساسانی و عرض دهانه آن متوجه از ۱۶ متر است.

برای این ابنيه و باغها آب از نقاط دور دست می‌اوردن و بقایای قنوات و راه آبها هنوز باقی است. باستان شناسان معتقدند که این ابنيه باعجله زیاد ساخته می‌شده و شاید معماران و بناها مدت محدودی برای ساختن این بناهای عظیم داشته‌اند. بنارا از سنگ طبیعی صحراء می‌ساختند که در این نواحی قرمز رنگ بوده و با گچ بند کشی می‌شودند. البته توده‌های بزرگ سنگ و گچ خرد شده و سائر خرابه‌ها که امروز دیده می‌شود زیبائی و لطافت باغهای مصقا و عظمت بناهای زمان ساسانی را در عصر خسرو پروریز و مشوه‌های شیرین نمی‌نماید.

وقتی از جلگه بین النهرین بفلات ایران بالا می‌آییم در راه کره‌نشاه تزدیک سرگردنه پای طاق در کنار جاده طاقی است که به طاق‌گیرا موسوم است و از سنگ‌های تراشیده ساخته شده و ساروج بکار برده نشده است. قسمت جلوی آنرا نمونه طاق نعلی خوانده‌اند ولی مطالعه دقیق ثابت می‌کنند که نمونه حقیقی این قسم طاق نیست. بعضی از باستان شناسان معتقدند که با وجود اینکه بناهای سنگ تراشیده در زمان ساسانی بمندرت دیده می‌شود، این طاق متعلق بهمان زمان است، ولی مطالعات اخیر بنای این طاق را به زمان قبل از ساسانیان نسبت میدهد.

معمولی ترین شکل طاق زمان ساسانی طاقهای نیم دائره‌ای میباشد که اغلب اوقات از ستونهای خود عقب‌تر زده شده است. طاقهای شالمجی شکل را در قسمت بالا با گچ پر مینمودند تا این‌که شکل نیم دائره بخود گیرد. اگرچه طاقهای نوک تیز در زمان ساسانیان دیده میشود ولی باستان شناسان معتقدند که این شکل طاق در زمانهای بعد بیشتر مرسوم و متداول گردیده است. ستون در ساختمانهای ساسانی بکار برده میشد ولی زیاد معمول نبود مگر اینکه ستونهای از چوب میساختند که اثری از آنها باقی نمانده است. یک قسم ستون بزرگ که از آجر و سنگ و گچ ساخته میشد مورد استعمال زیاد داشت. ستونهای متصل بدیوار جهت تزیین ساخته میشد مانند ستونهای سر در طاق کسری در تیسفون و ستونهای عقب غار طاق بستان.

دیوارهای ضخیم که یا از سنگ تراشیده و یا از پاره آجر و گچ ساخته شده مخصوص این زمان و متداول بوده است. اگرچه این گونه ساختمان خیلی ظریف نیست، ولی نتائج نیکو از آن میبرده‌اند. قصرها و عمارت‌ها در داخل و خارج با گچ بریهای قشنگ تزیین مینمودند و اگر لطافت نداشت محکم و قوی بمنظور میامد.

طاقهای بزرگ مانند طاق کسری پس از سالیان دراز هنوز مورد حیرت و تحسین دنیا است. قرار دادن گنبد روی اطاق مربع بوسیله چهار پایه، از مراحل ترقی معماری زمان ساسانی است و باطرز کار رومیان که گنبد را روی اطاق مدور یا هشت گوش قرار میدادند، کاملاً فرق دارد.

در خانمه میتوان گفت در جوانمردی و سایحشوری، در جنگ و در کارهای زمان صلح، در صنعت و معماری، سلسله ساسانی حقیقته یکی از بزرگ‌ترین و درخشندۀ ترین ادوار تاریخ ایران است.

فصل هفتم

بعد از استیلاء عرب

با غلبهٔ اعراب بر ایران دورهٔ جدیدی در تاریخ صنعت این مملکت شروع میشود. اعراب بدروی صنعت و معماری از خود نداشتند که بر این مملکت تحمیل نمایند، بلکه بر عکس صنعت و تمدن ایران متدرجاً بر آنها فائق آمد. قسمت مهمی از آنچه که عموماً «صنعت عصر اسلام» نامیده میشود اصلش از ایران است، ولی مذهب و آئین جدیدی که اعراب در ایران رواج دادند در صنایع این مملکت که نمونه‌ای از آن در طی قرون گذشته از نظر خوانندگان گذشت، بی تأثیر نبوده است و اعراب به نوبهٔ خود فرهنگ و صنعت ایران را باقصی نقاط ممالک متصرفهٔ خود یعنی سواحل مدیترانه، شمال افریقا و جنوب غربی اروپا برده و بانتشار آن پرداختند. پرسور آتر پوپ در کتاب خود «مقدمهٔ صنایع ایران» شرحی در باب معماری ایران و نسبت آن به اعراب و آئینی که آنها آوردند نگاشته که قسمتی از آن ذیلاً اقتباس میشود:

«معماری ایران را در قرون وسطی غالباً اقتباس از اعراب میدانستند و خود ایرانیان تصور میکردند که گنبد و مناره‌های زیبا که مساجد قشنگ آنها را زینت داده مانند مذهب اسلام از خارج با ایران آمده و منسوب با اعراب است. ولی این مسئله کاملاً با حقائق تاریخی مغایرت دارد. باید گفت ایران معماری اسلام را بوجود آورده نه اسلام معماری ایران را. اعراب مهاجم غیر از چادر و کلبهٔ گلی یا چوبی دارای بنائی نبودند و از ساختمان بناییش از این خبری نداشتند و معماری ایران از حیث اصول طرز عمل بهیچوجه مدبیون آنان نیست. از طرف دیگر هم در موقع هجوم اعراب بعضی از بهترین معماریهای دنیا

که بدست کارگران ایرانی و از روی اصول معماری آنان ساخته شده بود، نه تنها در داخل ایران بلکه در نواحی مجاور و ممالک متصرفه شاهنشاهی وجود داشت ».

نباید تصور نمود که فتح اعراب تغییرات بزرگ و ناگهانی در صنایع ایران داد، زیرا آگرچه تغییرات اجتماعی بتدریج صورت گرفت، ولی زندگانی عادی پس از فتح اعراب بهمان روش سابق ادامه یافت و کارگران معمولاً از روی اصول سابق باختن اشیاء مشغول بودند. اصول صنعتی که در عصر ساسانیان مراعات میشد تا مدتی پس از استیلاه اعراب امتداد یافت. این مسئله از روی سکه های حکمرانان عرب که باسلوب شاهنشاهان آخر ساسانی سکه ضرب مینمودند و حتی یکطرف آن تصویر آشکده بود ثابت میگردد.

اشیائی که بتوان از روی آن نظری راجع صنایع قرون اولیه اسلام اظهار داشت بسیار کمیاب است و نیز تشخیص بین صنایع این زمان با صنایع دوره قبل از اسلام کاری مشکل میباشد، زیرا که صنعتگران شیوه قدیم را حفظ مینمودند. بتدریج اسلوبهای صنعتی جدید پیدید آمد. بسیاری از این سبکها در نتیجه استعداد طبیعی ایرانیان بود که پس از قبول مذهب اسلام و مقتضیات آن تبدیل یافت و مطابق احتیاجات جدید پیشرفت نمود.

این فصل که قرون اولیه اسلام را شرح میدهد شامل دوره ایست که از غلبۀ اعراب شروع شده و بزمان سلطنت سلجوقیان خاتمه میباشد و تقریباً شامل چهار قرن میگردد.

۱ - سفال سازی

سفال سازی بعد از اسلام مانند سائر صنایع از روی اصول و نمونه های قدیم ساخته میشد، ولی بعضی اقسام جدید بزودی پس از غلبۀ اعراب بوجود آمد. دکتر اریک اشمید در خرابه های استخر که در چند میلی شمال تخت جمشید واقع و مدتها پایتخت جنوبی ایران بوده است بحفریات و کاوش پرداخت و نمونه هایی از سفال دوره اولیه اسلام در این محل بدست آمد. در این دوره لعب ظروف برگ آبی نزدیک بسبز و مانند

سفال زمان ساسانی ساخته میشده است. ظروفی نیز بdst آمده که علاوه بر اتصاویری روی آنها کنده شده یا قبل از آنکه لعب داده شوند کشیده شده است و بعلاوه سبوهای قالبی زیادی از سفال لعب نداده بdst آمده. این ظروف را از دو قسم میساختند و بیکدیگر اتصال میدادند و سر و ته آنها غالباً شبیه بوده. قسمت جالب توجه سفالی است که زیر لعب جلای طلائی دارد و گاهی یاقوتی رنگ شده و با تغییر نور رنگهای مختلف بخود میگیرد و حتی سبز رنگ هم میشود. این قسم جلا دادن که از این ناحیه شروع شده در صنایع ایران مقام مهمی احراز نموده و از خدمات این منطقه بصنعت سفال در تمام دنیا است.

از رنگهای دیگر لا جور دی است که روی زمینه خاکستری روشن یا کرم ساخته میشود. تصور میشود که این طرز عمل یا خود ظروف از بین النهرین با ایران آمده، زیرا نمونه هائی شبیه باین ظروف در سامرہ پیدا شده است. بغیر از این نوع دیگری سفال بdst آمده که رنگ سبز و زرد در لعب آن مخلوط شده و «لعل پاشیده» نامیده میشده. طرز ساختن آن باین نحو بوده که وقتی سفال مرطوب و هنوز خشک نشده بوده رنگها را روی آن میریختند و این دو رنگ با یکدیگر مخلوط و اشکال نامنظمی تشکیل میدادند. از این قسم سفال در سامرہ نیز بdst آمده و چینی تشخیص داده شده. احتمال میرود که این قسم سفال لعب پاشیده از چین آمده و در ایران و بین النهرین از آن تقلید شده باشد.

در ری سفالهای عالی از این دوره پیدا نشده. سفال با جلای طلائی و تنوعی در رنگ و طرح که گاهی حروف کوفی نیز روی زمینه خاکستری یا کرم نوشته شده پیدا شده است. بعلاوه ظروفی دیده میشود که طرحهای تیره رنگ روی زمینه قهوه ای دارند. ظروف ساده و لعب نداده پیدا میشود که حروف کوفی روی آنها کنده شده و ظروف لعب نداده که دارای طرح فشاری و قالبی میباشد نیز در اوآخر این دوره عمومیت پیدا میکند. نمایش سفال دوره اولیه اسلام که از استخر و ری بdst آمده باضافه

آنها یک‌هه توسط هیئت اعزامی شرق نزدیک موزه متروپولیتان (۱) شهر نیویورک در نیشابور کشف شده وقتی در موزه تهران در معرض نمایش گذاشته شود، مطالعه و مقایسه سفال این عصر تیره را میسر خواهد ساخت.

۲—فلزکاری

سینی‌های بزرگ زیادی از مفرغ در موزه‌های لینین گرارد، برلن و بعضی از شهرهای دیگر اروپا دیده میشود که کار صنعتگران ایرانی است و با اینکه از حیث طرح بظروف ساسانی شباهت دارد و با آن دوره نسبت داده میشود، بدون شک پس از استیلاه عرب ساخته شده است. بعضی از آنها دو رنگ دارند یعنی نقشهای قره‌مزه مسی روی مفرغ زرد کشیده شده.

مجسمه‌های مفرغی اردک و گبوتر نیز از زمان اوایله اسلام در موزه‌ها و گنجینه‌های خصوصی دیده میشود. آرایش و تزیین بعضی بقدرتی زیاد است که شکل اصلی پرندۀ ذا معلوم و محو شده است. این‌گونه مجسمه‌ها، ولی با آرایش کمتر، از زمان ساسانیان بدست آمده و در ازمنه بعد نیز ساختن آنها ادامه داده شده است. آئینه‌های مفرغی که در پشت نقشه‌ای دارند در این زمان ساخته میشد. تصویر بهرام گور و چنگ زن او از اده از شهرت خود نکاسته و حتی در زمانهای بعد نیز ساخته شده است.

آفتابه مفرغی قابل توجه و بی نظیری که در موزه عربی در قاهره میباشد شاید در ایران ساخته شده باشد، ولی بظروف ساسانی خیلی شباهت دارد و بهم‌ان سبک است. لوله آن بشکل خروس است؛ روی بدنه آن و مخصوصاً قسمت بالایش حکاکی شده و دسته طوبی که از بدنه بالا آمده و پس از انحراف به لوله می‌چسبد خیلی قشنگ ساخته شده است. رویه مرتفه طرز عمل آن دوره بخوبی نشان داده شده و نمونه عالی از صنعت فلزکاری است. چندین آفتابه مفرغی که طرحهای ساده‌تری دارند از این زمان باقی مانده است.

چراغهای برنجی در اوائل دوره اسلامی ساخته شده و دارای نقشهای در هم و پیچیده است و مشبک میباشد. این طرز کار تا زمان حاضر ادامه دارد.

در خانمه مینوان گفت که گرچه ذوق و اسلوب ساسانیان باشکال انسان و حیوانات در صنعت فلز کاری تا مدتی غلبه داشت، ولی بتدریج در اثر دین اسلام بطرحهای دیگر مبدل گشت. نقش گل و ناک که سابقاً در ایران معمول بود رونق تازه ای گرفت و حرف کوفی که برای این قبیل نقوش بسیار متناسب بود توسعه یافت.

۳ — حروف کوفی

از تغییراتی که در نتیجه استیلاه عرب بر ایران واقع شد و در صنعت و معماری این مملکت دخالت کلی نمود، ظهور زبان عربی و خط کوفی بود. در خصوص تأثیر و نفوذ زبان و خط جدید در صنعت ایران آقای س. فاوری (۱) در مقاله خود در کتاب «صنایع ایران» مینویسد:

« خط عربی در صنایع ایران تأثیر زیاد نموده و مقام مهمی را احراز کرده است. هیچ صنعت خط را باین وسعت و عمومیت برای تزیین و آرایش ساخته‌انهای مذهبی وغیر آن بکار نبرده است، نه تنها در معماری بلکه در تمام اشیائی که تصور شود در زندگی مورد استعمال داشته. هیچ خط مانند آن نوع خط عربی که کوفی نامیده میشود این اندازه برای تزیین و آرایش مناسب نمیباشد. تمام حروف کوفی دارای قاعده افقی هستند و وقتی پهلوی هم قرار داده شوند تشکیل حاشیه مرتبی میدهند و از اینرو میتوان این خط را برای هر سطحی که تزیین لازم داشته باشد بکار برد. صنعتگران ایرانی در استعمال این خط منتهای سلیقه و مهارت را ظاهر ساخته و سرآمد اقران بوده‌اند. »

این نویسنده خط کوفی را بخش سبک تقسیم مینماید. با این‌که بعضی از این سبکها تا قرنها بعد از دوره‌ای که در این فصل شرح داده میشود ظاهر نگشت، ولی چون

موقع مناسب است بذکر آنها میپردازیم :

- ۱ - کوفی ساده - این سبک عبارتست از حروف ساده که در یک خط مستقیم نوشته میشود و بدون آرایش حروف یا زمینه اش بیکدیگر متصل میگردند.
- ۲ - کوفی گلدار - در این سبک قسم فوچانی حروف بلندتر و آرایش حروف دیگر بطرف بالا متوجه شده و سطیری را تشکیل میدهند که مانند نقش گل میباشد بهترین نمونه این قسم خط در مسجد قدیم نائین یافت میشود که بعداً شرح داده خواهد شد.
- ۳ - کوفی طوماری - در این سبک آرایش از حروف جداست و بشکل طوماری مزین میباشد که دور تا دور حروف را گرفته و جاهای خالی را در بالا و پائین آنها پر میکند. این قسم خط در نوشتن قرآن و در عمارتی بکار میرفت.
- ۴ - کوفی مشبك - ریشه و اصل این خط با ایران نسبت داده میشود و از تمام خطوط دیگر کوفی بر جسته تر است. بدنه حروف بلندتر بیکدیگر متصل و شبکه ای تشکیل میدهد. نمونه های آن فراوان است مانند کتبیه برج رادگان و کتبیه داخل مقبره پیر علمدار در دامغان.
- ۵ - کوفی حاشیه دار - در قسمت بالای این نوع خط نقشی بتکرار کشیده شده و حاشیه ای تشکیل میدهد که از خود خط جدا است.
- ۶ - کوفی مستطیلی - این قسم خط کوفی طوری نوشته میشود که در درون سطح مستطیلی جا میگیرد. این خط مخصوص نوشتن روی آجر است و در روی کاشی با آن اشکال مختلف هندسی میتوان ترتیب داد. نمونه آن کلمه الله است که مسکر دور برج مدور مقبره شیخ صفی در اردبیل نوشته شده. در مسجد کبود تبریز نیز با طرح های مربعی کوچک استعمال شده است.
اگر چه خط کوفی و اقسام مختلف آن در تمام ممالک اسلامی استعمال میشد، ولی ایران را در اختراع آن سهم بزرگی است و آن در نتیجه مهارت طبیعی و قوّه ابتکان

ایرانیان برای تزیین و آرایش بود که با خط عربی، مخصوصاً قسم کوفی، که برای تزیین مناسب است، توأم شده و اشکال مختلف آنرا بوجود آورد.

بر خلاف عقیده عمومی خط کوفی مربعی با حروف زاویه دار تنها شیوه نوشتن در سالهای اولیه اسلام نبود و اقسام دیگر خطوط نیز وجود داشت. نمونه‌ای از خط شکسته عربی با حروف و اتصالات منحنی که روی کاغذ پاپیروس در سال ۲۲ هجری (۶۴۳ میلادی) نوشته شده بدت آمده است. گچه این قسم خط در مکانی به بکار میرفته، اما در کتبه‌های اولیه نمونه آن دیده نمی‌شود. در بعضی موارد حروف کوفی معمولی کاملاً زاویه دار نیست و تا اندازه‌ای منحنی می‌باشد، مانند کتبه برج لاجیم که بعداً شرح داده خواهد شد.

روی برج فوق الذکر یک کتبه به پهلوی است و در زیر آن کتبه دیگری بخط کوفی. صرف نظر از کتبه هائیکه به پهلوی است، تمام کتبه های اولیه عربی می‌باشد، مگر در بعضی موارد که چند سطر شعر فارسی در ابتدای آنها کتبه یافته می‌شود. تا چند قرن بعد از استیلاه عرب زبان فارسی در متن کتبه ها دیده نمی‌شود.

۴ — معماری

در مساجد بزرگی که در اوائل دوره اسلامی خارج از ایران ساخته می‌شد نفوذ ایران خیلی زیاد بود. زیاد بن ابیه در سال ۵ هجری (۶۶۵ میلادی) در بصره مسجد بزرگی بنا نمود و چون او قبلاً در ایران حاکم شهر استخر بود بدون شک از خرابه‌های تخت جمشید که در تزدیکی آن است اطلاعاتی راجع به معماری اخذ کرده بود. مسجد کوفه در سال ۵۰ هجری (۶۷۰ میلادی) مجدداً با عظمتی تمام ساخته شد و طبری نویسنده معروف ذکر می‌کند که کارگران مهمن آن مسلمان نبودند و معماری که بنای مسجد تحت اختیار او بود سابقاً در خدمت آخرین پادشاه ساسانی و بدون شک ایرانی بوده است. در مشاطه (۱) ماوراء اردن، دریست و پنج میلی متر قساحل شمالی بحرالمیت

خرابه قصری است که از سنگ و آجر ساخته شده و آرایش بسیار قشنگ دارد. عناصر ایرانی در آن آنقدر زیاد است که ابتدا تصور میشد توسط یکی از آخرین سلاطین ساسانی ساخته شده باشد، ولی پس از مطالعه دقیق ثابت شد که این بنا در زمان خلافت بنی امیه ۴۱ - ۱۳۲ هجری (۷۰۰ میلادی) ساخته شده، بدینظریق مشاهده میشود که صنایع ایران در اوائل دوره اسلامی در خارج از خاک ایران نیز نفوذ داشته.

تسخیر سریع ایران بتوسط اعراب و تعمیم مذهب جدید مستلزم ساختن بناهای نوبنی بود که رفع احتیاجات مردم آنزمان را نموده و وسائل پرستش آنانرا طبق قوانین مذهب اسلام فراهم سازد.

تعیین نقشه ساختمانی مسجد در خود عربستان بدون اشکال نبود زیرا چنانکه گفته شد اعراب مردمی صحرا نشین و بدوي بودند و ساختمانهای قابل توجهی نداشتند که آنها را تغییر داده و رفع احتیاج مذهبی خود را بنمایند. شاید خانه پیغمبر در مدینه نقشه اساسی گردید و آن عبارت بود از حیاطی که دور آنرا دیواری احاطه نموده و در یکطرف اطاوهایی برای سکونت داشت و طرف دیگر ایوانی که تنہ درختان نخل ستونهای آنرا تشکیل داده و سقف آن از شاخه‌های نخل و گل پوشیده شده بود. وقتی مکه مرکز عبادت و کعبه مسلمانان گردید، ایوان دیگری در طرف دیگر آن ساخته شده. تشریفات عمده مذهبی و مقررات دیگر با این قسم خانه با کمال موقیت انجام مییافت، زیرا آنچه که برای اداء مراسم مذهبی لازم بود عبارت بود از رو بقبله نماز گذاردن، حوض برای شست و شو و وضو گرفتن، صحن باز برای جای دادن عده‌ای از مؤمنین و پناهگاهی از حرارت خورشید. از این بنای ساده بعداً مساجد بزرگی بنا شدو با عوامل و احتیاجات محلی در ممالک مختلفی که تحت تسلط اسلام در آمده بود تغییر پیدا نمود.

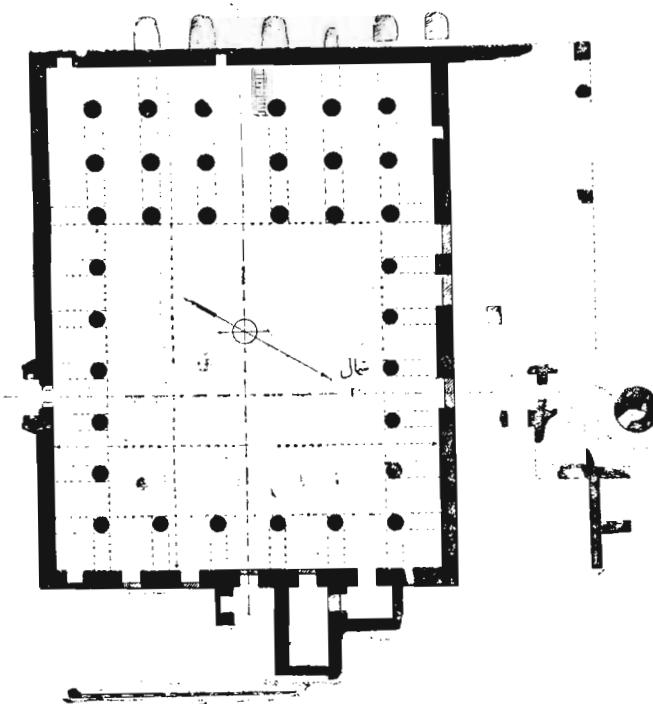
در ایران چندین قسم مسجد ساخته شد. قسم اول و عمده آنها بیست که از روی اسلوب عرب ساخته شده و بهمین اسم موسوم است و آن عبارتست از صحن مستطیلی که یک سلسله طاقهایی در اطراف دارد و دهليزهاییکه در عقب طاقهای رو بقبله میباشد

عمیقتر است. قسم دیگر عبارتست از ایوان بزرگ هلالی شکلی که در طرف جلو کاملاً باز و در قسمت جنوب محرابی داشت. کمی بعد اطاق مریع شکلی که دارای گنبد بود جزء نقشه مسجد گردید. اقسام دیگر مسجد در فضول آنی تشریح خواهد گشت.

از روی منابع تاریخی معلوم میشود که در قرون اولیه اسلام صدها مساجد

عالی در ایران ساخته شده بود. بطوریکه مورخین نوشتند سقف بعضی از مساجد بوسیله ستونهای چوبی نگاهداشته میشد و برخی با ستونهای سنگی. از مساجد اولیه آن عصر آثاری باقی نمانده دکتر اویک اشمید بنائی در ری کشف نمود که ممکن است مسجدی بوده که در زمان المهدی خلیفه عباسی که از ۱۵۸ تا ۱۶۹ هجری (۷۸۵-۷۹۵ میلادی) خلافت میکرده ساخته شده باشد.

الف- تاریخانه دامغان



نقشه تاریخانه دامغان

(از مقاله مسیو گدار در مجله « آثار ایران »)

قدیمترین مسجدی
که تا کنون بخوبی
مانده تاریخانه دامغان
است. اگرچه کتبیه‌ای
که تاریخ آنرا تعیین
کند وجود ندارد، اما
از روی سبك‌بنا میتوان
آنرا متعلق به قبل از
۲۰۰ هجری دانست.
ساخته‌ان مسجد
عبارةست از صحن
مرکزی که دور

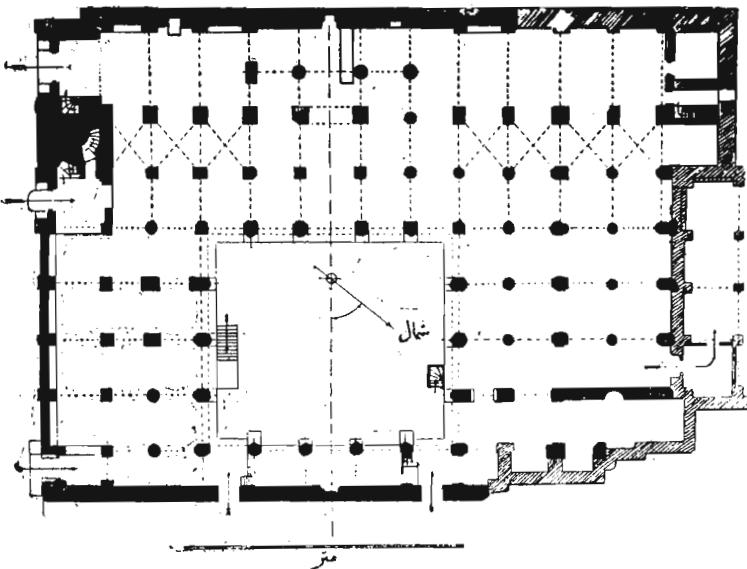
آنرا دالانی احاطه نموده و دهلیز های دارد که در طرف قبله عمیقتند. طاقهای اطراف صحن از آجر ساخته شده. این آجرها برخلاف معمول بحالت عمودی و درجه یکی فوق دیگری قرار داده شده است. طاقها قدری متاپل به تیزی امت ولی معهداً خیلی شبیه بطاقهای ساسانی است. پایه‌های این طاقها روی قطعه چوبی است که توی ستونهای نگاهدارنده طاق قرار داده شده است. این ستونها مدور و یک متر و نیم قطر هریک از آنها است و از آجرهای بزرگی که ۴۳ سانتیمتر مربع است ساخته شده. این آجرها بحالت عمودی روی یکدیگر قرار داده شده است. ساختمان ستونها کاملاً شبیه ستونهای قصر ساسانی است که دکتر اشميد در تپه حصار تزدیک دامغان کشف نموده.

اهمیت تاریخی خانه نه تنها بواسطه آنست که بسبک عربی ساخته شده بلکه برای آنست که بسیاری از اسلوب ساختمانی ساسانی را نیز در بر دارد. طاقهاییکه بدون مجاورت دیوار روی ستون ساخته شده بخاطر میآورد که ستون سازی از خصائص معماری قدیم ایران است. در زمان ساسانیان ستون خیلی ضخیم گردیده و از سنگ نتراشیده و آهک یا آجر ساخته نمیشد. این قسم ستون را در مساجد نیز میتوان دید.

ب - مسجد جامع شیراز

منابع موثق تاریخی که شامل شیراز نامه نیز میگردد بیان میکند که مسجد عتیق شیراز که مسجد جامع نیز نامیده میشود در سال ۲۸۱ هجری (۸۹۴ میلادی) توسط عمر و بن لیث ساخته شد. این بنا در اثر زلزله و علل دیگر چندین بار منهدم شده و دو باره ساخته شده است و تقریباً غیر ممکن است که شکل اصلی بنا را تعیین نمود مگر اینکه از آثار کمی که از بنای اصلی در قسمت جنوبی مسجد حالیه مانده چیزی استنباط شود.

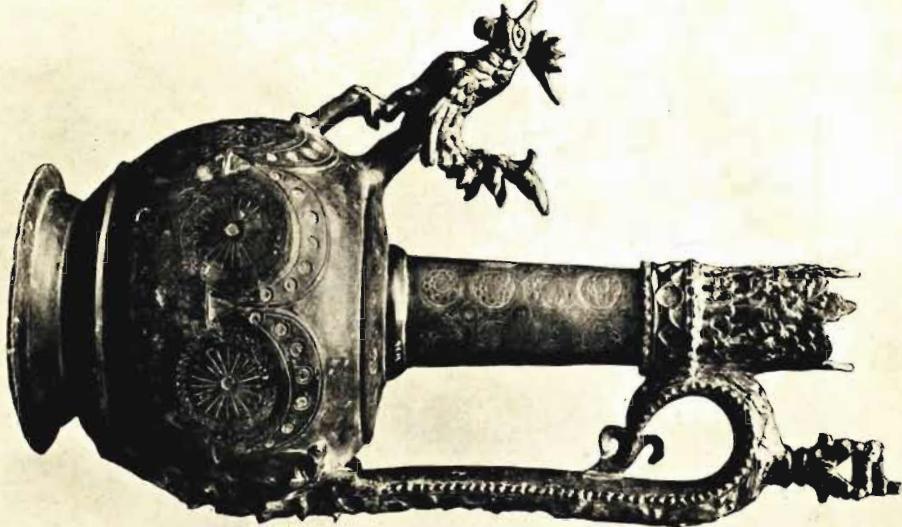
در قسمت زیر طاق محراب داخلی گچ بری عمیقی است که با طرح ساده گل هزین گشته و به گچ بری مسجد نائین شباهت دارد، اما بنظر میاید که از آن نیز قدیمتر باشد و شاید از بنای اصلی است که عمر و بن لیث ساخته امت.



نقشهٔ مسجد جامع نائین
(از مقالهٔ مسیو گدار در مجلهٔ « آثار ایران »)

ج - مسجد جامع فائم

یکی از معروفترین ابنیهٔ این دوره مسجد جامع نائین است که در بالا بدان اشاره شد. آن قسمت از مسجد که در طرف قبله است از یازده طاق‌نما تشکیل یافته که سقف هلالی دارند. طاق‌نمای وسطی از سائر طاق‌نماها وسیعتر است. دیوار و طاق و چراغ‌های آن نیز کج بری دارند و آن قسمت که محراب درآنست با گنج بری تزیین یافته. نقشهٔ آن عبارتست از کثیر الاصل‌اعماری هشت ضلعی و اشکال هندسی ساده دیگر که ب گلهای مختلف زینت یافته. اگر چه این کج بری چندان ریزه کاری ندارد ولی نقشهٔ آن مؤثر و قشنگ است و در اصل رنگ شده و شاید طلاکاری نیزداشته است. چون آنرا عمیق کنده اند و چنانکه گفته شد ساده و فاقد ظرافت است، چنان مینماید که بدورة اولیهٔ این نوع صنعت تعلق دارد.

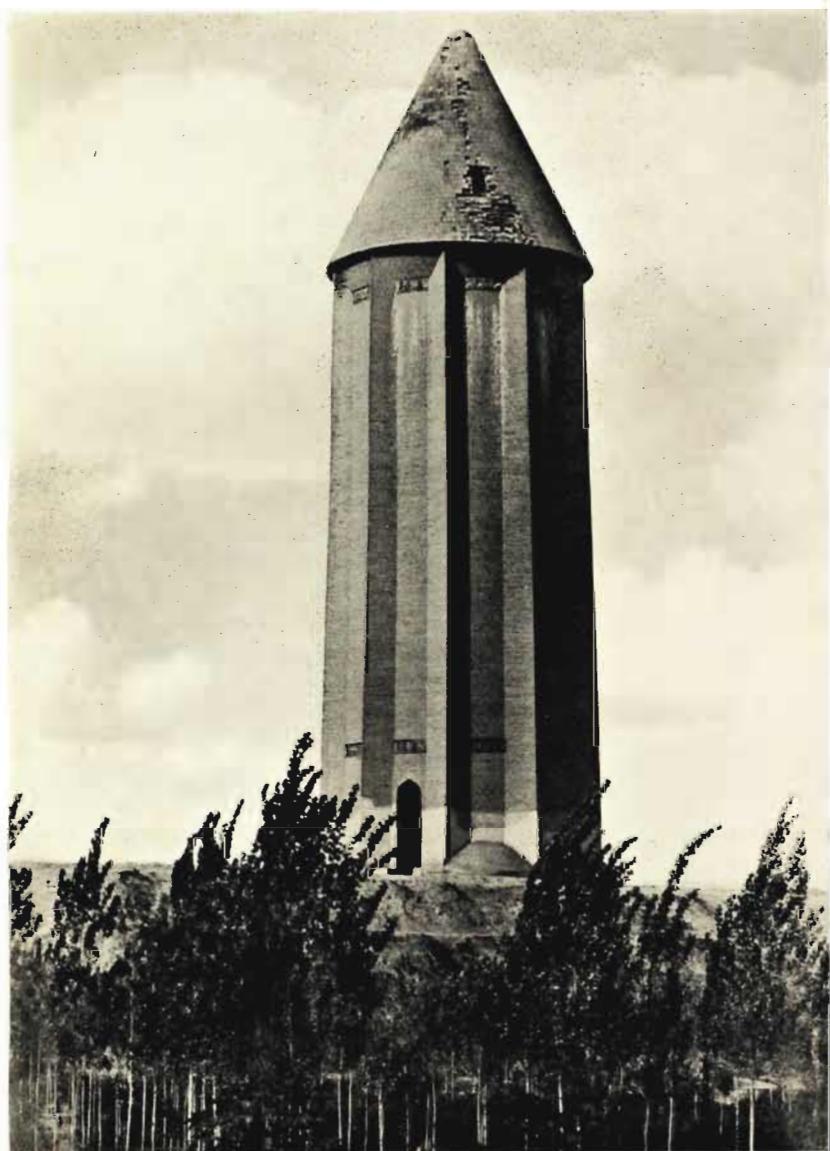


گلابدان مفرغی از اوائل عصر اسلامی ساخت ایران
(اکنون در موزه عرب قاهره است)



ظرف سفالی منقوش رنگی از عصر بعد از استیلاه عرب





گنبد قابوس مورخ ۳۹۷ هجری (۱۰۰۶ میلادی)
به صفحه ۱۳۹ رجوع شود (از عکسهای بروفسور یوب)

مسجد نائین از حیث نقشه نمونه مساجد اولیه عرب میباشد. ساختمان آن از تاریخانه دامغان کاملتر است، ستونهای آن کوچکتر، دالانها بلندتر و طاقها تیزترند. در طرف چپ نزدیک گوشه مسجد مناره‌ای است که جزء ساختمان مسجد است.

۵ - مسجد نیریز

در نیریز دویست کیلومتری شرق شهر از مسجدی است که بشكل مخصوصی ساخته شده. ساختمان اصلی این مسجد عبارت بوده است از ایوان بسیار بزرگی که طاق هلالی داشته و از سایر قسمتها جدا بوده و تاریخ آن شاید اواسط قرن چهارم هجری باشد. ضلع جلوی ایوان مزبور سرتاپا باز است و ضلع عقب را دیواری بسته است. دیوار جنبین هر یک در اصل دارای پنج طاقچه عمیق بوده و شاید اینها برای در یا پنجره ساخته شده بوده. این مسجد با مساجدی که ذکر شد کاملاً فرق دارد، زیرا که دارای ایوان بزرگی است که جدا ساخته شده و از بقایای اسلوب ساسانی است که تا دوره اسلامی ادامه پیدا کرده است. جنب دیوار عقب ایوان در قسمت وسط محرابی است که خیلی بعد اضافه شده است. در قسمت دیگر مسجد مناره‌ای دیده میشود که شاید متعلق به ساختمان اولیه مسجد بوده باشد. مسجد اصلی و بناهای دیگر آنرا مسیو آندره گدار در شماره اول مجله «آثار ایران» کاملاً شرح داده است.

۶ - خرابه‌های سنگ بست

نزدیک جاده نیشابور به شهر در سی و هفت کیلومتری شهر مشهد خرابه‌های گنبد و مناره‌ای در سنگ بست دیده میشود. از خرابه‌های اطراف آن معلوم است که در این محل ساختمان و بناهای مفصلی بوده که قسمت گنبد دار و مناره تنها آثار آنست. این بنارا ارسلان جا ضب حکمران طوس ساخت و او در زمان سلطنت سلطان محمود غزنوی که در سال ۳۹۰ هجری (۹۹۹ میلادی) به تخت نشسته و قدری بیش از سی سال سلطنت

نمود، میزبسته است.

این بنا شامل اطاق مربع شکلی است که دیوار های داخل آن با نقشهای آجری تزیین یافته و در اصل با رنگهای روشن مانند نوار مزین شده بوده. در بالای دیوار حاشیه ای است با کتیبه ای بخط کوفی که با رنگ آبی روی زمینه گل دار نوشته شده. گنبد روی کثیر الا ضلاع هشت ضلعی قرار دارد و در گوشه های اطاق جرز های ضخیم است. چنانکه از معماری این دوره انتظار میروند گنبد کوتاه و سنگین است. قسمت داخلی گنبد دارای همان نقشهایی است که با آجر روی دیوار داده شده است. داخل آن بواسطه چهار سوراخ هلالی بزرگ که در هر طرف یکی بین جرزها قرار دارد، وشن میشود و در زیر هر یک از آنها دری ساخته شده است.

مناره در چند متري گنبد قرار دارد و در قسمت بالا حاشیه ای است که کتیبه ای روی آن نوشته شده و تزیین آن آجر کاری مشهور دوره غزنوی را نشان میدهد. حقیقتاً جای خوشوقتی است که این نمونه از معماری دوره غزنوی در داخل خاک ایران قرار دارد و در دسترس همه است.

او - مقبره اسماعیل سامانی

مقبره اسماعیل سامانی در بخارا بنای عجیبی است از یک دوره فترت و بسیاری از اشکال معماری را در مرحله ابتدائی نشان میدهد که بعد در دوره سلجوقیان در تمام ایران انتشار یافت. مثلاً در اینجا طریقه جدیدی در قرار دادن گنبدری بنای مربعی شکل دیده میشود و نمونه چندین نقش آجری در درون ویرون بنا اغلب دیده میشود. این مقبره هم شامل خصائص معماری قبل از اسلام است و هم دارای خصائص جدید میباشد که بعد ها جزء اصول معماری ایران میگردد.

این بنا تقریباً بشکل مکعب کامل است که دیوار های خارجی آن کمی بطرف داخل تمایل دارد. در گوشه ها ستونهای مدوری است که بدیواری چسبیده و هر دیوار در هلالی دارد. راهرو طاق داری در بالای دیوار دور تا دور ساخته شده و در بالای چهار

گوشه بنا چهار گنبد کوچک بلند است . این دو قسمت از ساختمان آتشکده تقلید شده و بیننده را بیاد راه روی پوشیده ای که دور اطاق مربع شکل آتشکده ساخته میشد و گنبدهای کوچکی داشت ، میاندازد .

گنبد بزرگ این مقبره بشکل نیم کره است . جرزهایی که در گوشه ها آنرا نگاه میدارند دو طاق هلالی دارند و از هر گوشه اطاق تا مرکز این طاقها یک نیم هلالی است . در طرفین هر هلالی بالای جرز پنجره ای است که به راه رو باز میشود . چنانکه گفته شد این بنا چنان ترکیبی از اسلوبهای مختلف معماری است و آجر کاری آن آنقدر طرحهای مختلف دارد که تعریف و تشریح آن مفصل و طولانی میگردد و از تصویر بهنکات آن بهتر میتوان پی بردن تا از تعریف مفصل و پیچیده آن .

ز - برجهای مقبره ای

گنبد قابوس نزدیک گران قدیمی ترین و بزرگترین یک عدد برجهای مقبره ای است که مختص ولایات شمال ایران و در این منطقه فراوان است . نقشه گنبد قابوس شبیه به ستاره ده پر است . بنای اصلی مدور بوده ، ولی گوشه هایی بآن اضافه کرده اند و بشکل ستاره درآمده است . دور برج مزبور دو رشته گستبه است که یکی از آنها نزدیک به سر برج است و دیگری پائینتر میباشد . نقشه و نوشه های آن از آجر است . تاریخ بنا و اسم شخصی که این بنا برای او ساخته شده است ذکر گردیده . تاریخ آن ۳۹۷ هجری (۱۰۰۶ میلادی) است . این قدیمترین تاریخی است که روی ابنیه اسلامی در ایران کشف شده . بالای در ، داخل طاق هلالی مدخل برج مذکور گیلوئی مقرنسی است که در مراحل اولیه ترقی است . این قسم تزیین جالب توجه است ، زیرا یکی از اولین نمونه هاییست از اصول معماری که بعداً در دوره اسلامی اهمیت پیدا نموده . این برج سقف مخروطی شکل دارد و از حیث بلندی و موقعیت محل آنقدر در بیننده موثر است که باید آنرا در ردیف مهمترین ابنیه تاریخی این کشور شمرد . این بنا آرزوی مرد بزرگی را برای زندگانی ابدی مینمایاند .

در بین برجهای که بعد ساخته شده سه برج رسگت، لاجیم، و رادکان غربی در یک طبقه هستند، زیرا این سه برج کتیبه هایی به پهلوی و کوفی دارند و تاریخ بنای تمام آنها سالهای اول قرن پنجم هجری میباشد (کمی بعد از ۱۰۰۰ میلادی) .
برج رسگت دور است و سقف آن از داخل گنبدی شکل واژ خارج مخروطی است. دو کتیبه زبره بکوفی دور برج زیر هر آجری نوشته شده. حروف کتیبه از گچ و متن آن کبود است. در بالای مدخل کتیبه دیگری است که اغلب بکوفی نوشته شده، ولی مختصری از آن به پهلوی است. تاریخ آن گرچه کاملاً واضح نیست، ولی مسیو گدار آنرا ۱۰۰۶ هجری (۱۰۰۹ میلادی) خوانده است.

برج لاجیم تقریباً همان شکل است، یعنی از داخل گنبدی شکل و از خارج مخروطی است. در بالا دو کتیبه دو، برج است که نوشته آن روی متن سفید گچ از آجر میباشد. کتیبه پهلوی در بالا و کوفی زیر آن است. تاریخ کتیبه کوفی ۱۳ خ هجری (۱۰۲۲ میلادی) است. بالای کتیبه را با طاقمهای کوچک شبیه بطلاقچه زینت داده اند. این برجها در قلب جنگل انبوه مازندران دو. از همه جا واقع شده و از آثار سلسله های کوتاه محلی است. اشخاصی که این مزارها برای آنان ساخته شده زیاد مشهور نبوده و اسمی از آنان در تاریخ نیست.

برج مقبره ای پیر علمدار در دامغان حاشیه ای در بالا دارد که از آجر ترین یافته. نظر بینکه آجرها بشکل مخصوصی برای آرایش این بنا ساخته شده معلوم میشود که نقشه بنا قبل تهیه شده بوده است. تاریخ آن ۱۷۴ هجری (۱۰۲۶ میلادی) است. برج مقبره ای پیر علمدار برای کتیبه قشگ کوفی که در داخل برج ساخته شده و بر نگ سرمه ای است مشهور میباشد.

نتیجه ۴

در خصوص تکامل تدریجی معماری در اوائل این دوره نتیجه کلی گرفتن

مشکل است، زیرا از قرن اول هجری بنای باقی نمانده و از سه قرن دیگر بناهای زیادی موجود نیست، در صورتیکه از منابع تاریخی چنان مستفاد میشود که در این دوره صدها ابنیه قشنگ و مساجد عالی ساخته شده بود.

کارگران این زمان در آجر پزی و آجر کاری کاملاً استاد بودند و درین اهایکه فوقاً ذکر شد نشانی از عجله و یا بی دقیقی که در بعضی از موارد در ادوار بعد دیده میشود مشاهده نمیگردد.

در ساختمان بناهای اولیه تمام توجه باستفاده نبوده بلکه با آرایش و تزیین اهمیت داده میشده و ارتباط کاملی بین ساختمان و اشکال تزیینی آن دیده میشود. این آرایش تنها تزیین بین تناسب و جداگانه نیست که روی سطح بنا اضافه شده باشد، بلکه نتیجه وحدت واقعی بین مصالح و سبک ساختمان است. مثلاً در نائین شکل ساختمان ساده است و زیاد قابل توجه نیست؛ بنابراین بعضی از سماجهای بنا با گچ بری ساده پوشیده شده در صورتیکه بقیه دارای نقشهای مفصل و بیچیده است و بسیار بر جسمه میباشد.

همینکه اشکال مختلف معماری در تنوع و مقدار زیاد گردید، معماران متوجه شدند که مقصود از تزیین اهمیت دارن نقشه اصلی ساختمان است. تکامل آجر کاری برای این مقصود بسیار مناسب بود، چنانکه از دیوارهاییکه آجر در کمال سادگی استعمال میشد تا آنها ایکه تنوع بیجذ در طرح و نقشهای داشت، بخوبی دیده میشود. قبر اسماعیل سامانی این تنوع غریب را کاملاً نشان میدهد. از روی این بنا و برجهای معروف سلطان محمود در غزینیں چنین مستفاد میگردد که از این ناحیه بطرف شمال شرقی بود که عقاوی و طرز عمل آجر کاری بسائز نقاط ایران برده شد. بیشتر اطلاعات ما درخصوص معماری این دو از چند آثاری که تا يحال باقی مانده و در سالهای اخیر طبق تحقیقات علمی بعمل آمده اند گردیده است. بنا براین امیدواریم که مطالعه دقیقت و کشف بناهای دیگر بعضی مسائل حل نشده ایندوره را که از استیلاه عرب در ایران تا زمان سلجوقيان است روشن و واضح سازد.

فصل هشتم

عصر سلجوقیان

سلطنت سلاجقه بزرگ در ایران از آواخر سال ۲۹ هجری (۱۰۳۸ میلادی) که طغرل بیک نیشابور را فتح نمود شروع میشود. اقدار آنان تا مرگ سلطان سنجر در سال ۵۵۲ هجری (۱۱۵۷ میلادی) ادامه داشت، ولی صنایع سلجوقی تازمان مغول نفوذ داشت. سلسله های کوچک سلجوقی در قسمتهای مختلف ممالک شاهنشاهی سلطنت میکرد و آنهایی که در کرمان و عراق بودند تا مدتی پس از انقراض سلاجقه بزرگ بقدرت و حکومت خود ادامه دادند. این سلاطین اولاد و اعقاب رؤسای قبیله غز بودند که از ناحیه شمال شرقی وارد ایران شدند. قیل از فتح ایران سلجوقیان صنعت و معماری را از تمدن عالی غزنویان زیاد آموخته بودند. سلاطین سلجوقی خود را حامی و مشوق صنعت و انسداد و بعضی از مهمترین شاهکارهای صنعتی و معماری ایران در یک قرن سلطه و حکومت آنان و دوره بعد بوجود آمده است.

فقط در سالهای اخیر به ارزش صنایع سلجوقی پی برده شد. بسیاری از علماء معتقدند که معماری اسلامی ایران در زمان سلجوقیان بنهایت درجه ترقی خود رسید و بعضی از صنایع دیگر نیز مانند سفال سازی و نساجی در این زمان بدرجه ای ترقی نمود که در تمام تاریخ ایران کمتر بآن درجه رسید.

بزرگترین سلاطین این سلسله عبارتند از :

- ۱ - طغرل بیک که از سال ۴۲۹ تا ۴۵۵ هجری (۱۰۳۸ - ۱۰۶۳ میلادی) سلطنت میکرد
- ۲ - الـ ارسـلان « » ۴۰۰ « » ۴۶۵ « » ۱۰۷۲ - ۱۰۶۳
- ۳ - ملـکـشاه « » ۴۶۵ « » ۴۸۵ (۱۰۹۲ - ۱۰۷۲)
- ۴ - سـلـطـانـسـنـجـرـ « » ۵۱۱ « » ۵۵۲ (۱۱۱۸ - ۱۱۵۷)

بعلاوه اینها خواجه نظام الملک وزیر الـ ارسـلان و ملـکـشاه عامل مهمی در پیشرفت معماری آن عصر بوده . او یکی از معروف‌ترین وزراء و سیاستمداران شرق بشمار می‌رود و برای عدالت و حسن تدبیری که در اداره امور مملـکـتـ بـکـارـ مـیـبرـدـ وـ عـلـاقـهـ زـیـادـیـ کـهـ صـنـایـعـ مخصوصاً با ساختن بنـاهـایـ مهمـ دـاشـتـ ، شهرت بـسـزـائـیـ دـاردـ .

در این عصر صنایع و معماری نه تنها در داخل ایران زنده شد و با عشق و ابتکار زیاد تعقیب گردید ، بلکه قتوحات سلجوقیان اصول صنایع ایران را تاسواحل مدیترانیه و حتی تا شمال افریقا بسط داد . از اینرو عناصر و آثار صنایع ایران تا قرنها بعد در صنایع مصر و سوریه دیده می‌شود .

برای اینکه معلوم شود اطلاعات‌ماراجع بزمان سلجوقیان در این ایام بهجه سرعت جمع آوری شده ، به نقل جمله ذیل از یکی از کتب علمی که در ده‌سال اخیر منتشر شده می‌پردازیم : « و اما راجع به صنعت ، از معماری زمان سلاجقه آثار کمی باقی مانده است ». برای تکذیب این عبارت کافی است فقط به آخرین صورت آثار تاریخی ایران که بوسیله اداره آثار باستان بطبع رسیده نظر اندازیم . در آن بیش از چهل بنا از زمان سلجوقی ذکر شده است و با مطالعه و اکتشافات بیشتر پیوسته بر تعداد آن اضافه می‌گردد . بعلاوه در سالهای اخیر مقداری سفال از این‌زمان کشف گردیده و نمونه‌هایی از پارچه ایندوره نیز بدست آمده است که از روی آن میتوان به صنعت بافندگی و نساجی این عصر مهم بی‌برد .

۱ - سفال

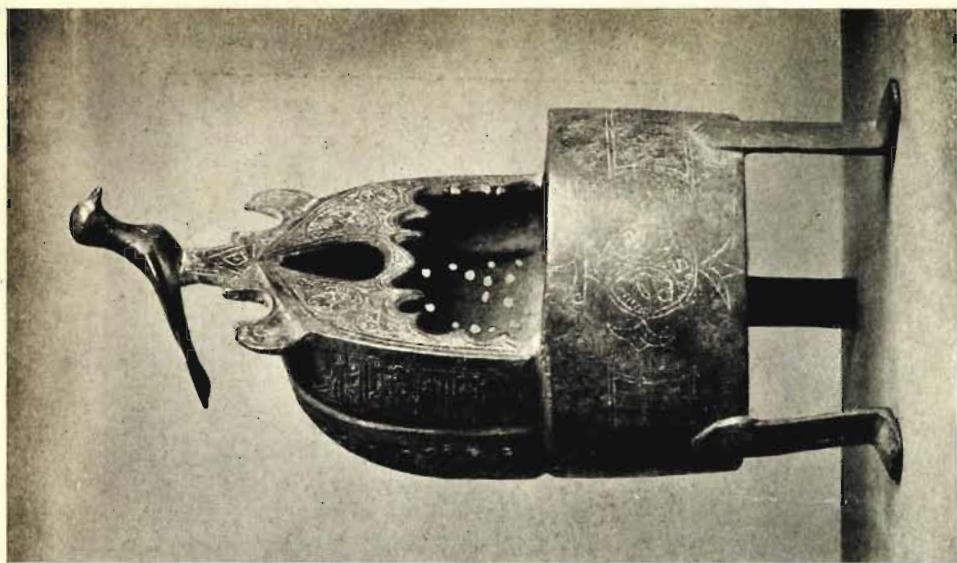
پس از شروع حکومت سلاجقه در ایران صنعت سفال نمود و ترقی عجیبی نمود

که در تمام دوره ادامه داشته و گاه گاهی سبک تو و طرز عمل جدیدی بکار برده اند. در اوائل این عصر ساختن سفال در نتیجه صنعت و هنر سفال ساز است، ولی بعد به تزیین ظروف بیشتر اهمیت داده شده و بهترین مینیه تور زمان سلاجقه روی ظروف سفالی آن زمان نقاشی شده. بهترین و کاملترین سفال این زمان از حیث رنگ، شکل، ترسیم، و ظرافت در اواخر این دوره و حتی بسیاری از آن بعد از دوره سلاجقه بزرگ و تازمان حمله مغول ظاهر میگردد. بعده و قضاوت متخصصین در اواخر دوره سلجوقی سفال به عالی ترین مرتبه خود در ایران رسید.

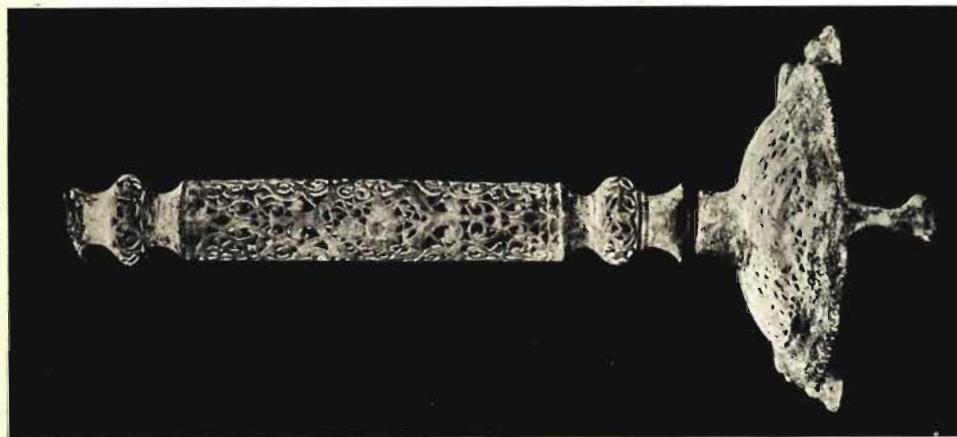
اگر چه در بسیاری از نقاط ایران سفال ساخته میشد، ولی کاشان مرکز صنعت سفال این زمان بود. تمام مصالح لازمه حتی ریزه های در کوهی که خرد شده و برای تهیه بهترین خمیر این نوع سفال آماده میشد، در حوالی کاشان بdst آمده است. ممکن است که لفظ کاشی برای سفال رنگی مشتق از کلمه کاشان باشد. از مرآکز عمده دیگر این صنعت شهر ری بوده است و شهرهای مهم دیگر عبارت بوده اند از ساوه، نیشابور، شوش و تبریز. در آق کند نزدیک میانه بین تبریز و زنجان سفال سفید رنگ ساخته میشد که اشکال حیوانات و پرندگان و اشکال مارپیچی روی آن نقش میشد.

در آن عصر سفال یکرنگ با اشکال حیرت آور ساخته میشد و رنگهای مختلف مانند سبز، فیروزه ای، سورمه ای، بنفش و سفید نیز بکار میرفت. کاسه، انبیق، لیوان و غیره دیده میشود که در زیر اعاب اشکال بین جسته روی آن نقش گردیده. بعضی از این نقشها باوسیله قالب ساخته میشد. درین طرحهای مختلف منظرة اعطاء سلطنت است که موضوعی قدیمی و مانند مناظر حجاری ساسانی است که در آن اهورامزدا و پادشاه روبروی یکدیگر قرار گرفته و خدا تاج سلطنت را پادشاه اعطا مینماید. این نمونه مهمی است از نقشی که در طی اعصار باقی مانده است. در ساوه حیوانات زیبادی از سفال ساخته میشد که دارای اعاب فیروزه ای صاف بوده. پرنده نیز ساخته میشد و حتی هیکل شیر بزرگی از این نوع سفال بdst آمده است. دکتر ارباک اشمید در ری فیلهایی از این قبیل سفال پیدا

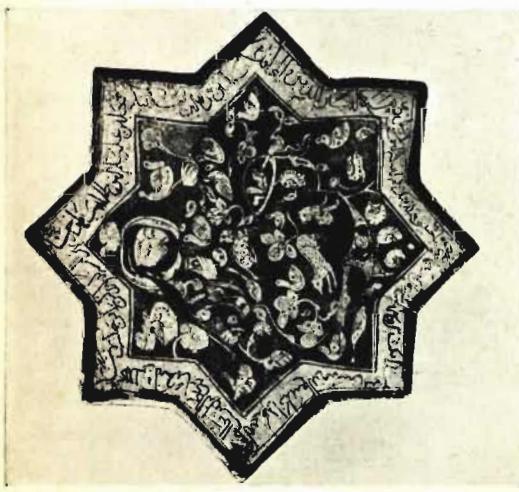
عواد سوز هفتگانی از عصر سلجوقیان

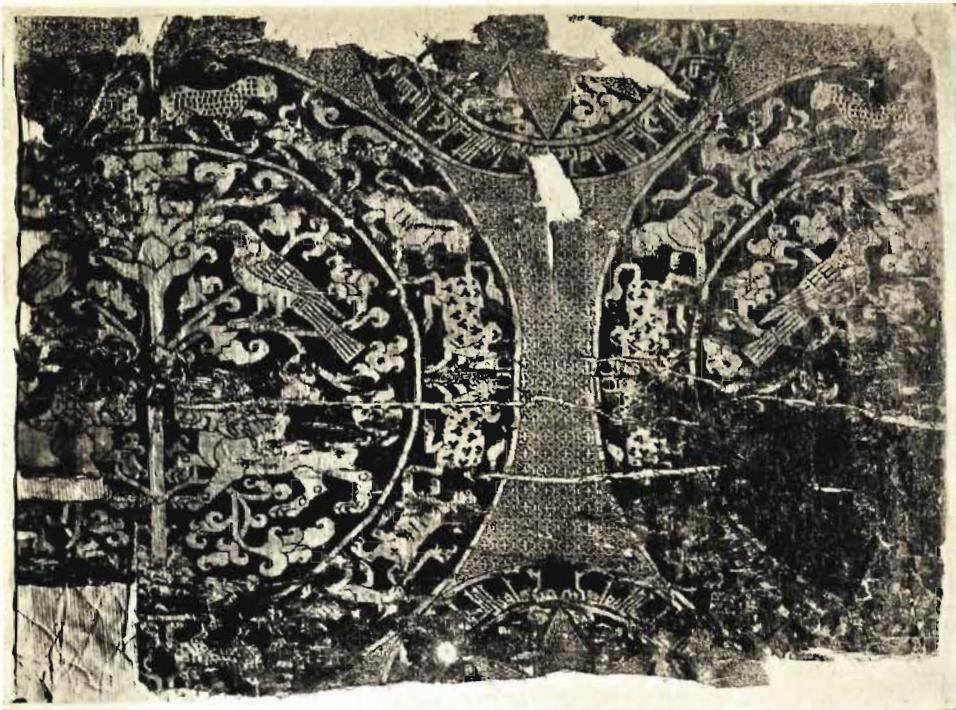


شمعدان هفتگانی مدلیل از عصر سلجوقیان



کاشی رنگی برقی از اوائل قرن هفتم هجری





نمونه های عالی از طرح و بافندگی عصر سلجوقی . عالیترین پارچه دنیا
در این عصر در ایران تهیه می شده

کرده که تزیین و آرایش بسیار دارند. نمونه‌ای که نهایت ترقی سفال را نشان میدهد عبارتست از کوزه‌هائیکه بنام «توری»^(۱) معروف است. این نوع سفال دوپوش است و روی پوشش خارجی نقشه‌های پیچیده‌ای کنده اند که بشکل تور در آمده است. در بسیاری از نقاط ایران از سفال چینی که بنام «تنگ لعب پاشیده»^(۲) معروف است تقلید شده و طریقه ساختن آن این بوده که وقتی سفال مرطوب بوده رنگهای روی آن بطور غیر منظم می‌پاشیدند.

سفالیکه باسم مینائی موسوم شده در تمام دنیا شهرت دارد و آن در ری، کاشان و شاید در تبریز نیز ساخته می‌شد. روی این نوع سفال پس از دادن لعب اشکال کوچکی هیکشیدند. مناظر دربار و شکار و اسب سواری از نقشه‌های عمومی بود و رنگهای مختلف و طلا در این نقاشیها بکار میرفت. اشیاء مینائی که در ری ساخته پیشده از مینائی کاشان ظرفیتر و بهتر بوده است. چون ظروف مینائی کاشان شهرت زیاد یافت، مقدار زیادی از آن ساخته شد و بهمین دلیل بتدریج از حیث جنس و خصوصیات دیگر روبروی پستی رفت.

از اشیاء معروف این دوره ظروف شفاف است که به دونوع ساخته هیشده، یکی در ری و دیگری در کاشان. نقشه‌های ظروف ری مؤثر تراست. اشکال و صور جدا گانه کشیده شده و بکار بردن موضوعهای مختلف دلیل آنست که نقاشان و صنعتگران ری موضوعهای فراوان داشته اند. در ظروف شفاف کاشان جای خالی دور تصاویر را معمولاً با نقش گل و برگ، پرنده و حیوانات پر می‌کردند و چون تمام سطح از نقشه‌های گوناگون پوشیده شده تصاویر خیلی برجسته نیست. در اغلب طرحهای کاشان نفوذ صنعت بافندگی هویدا است.

از میان اشیاء سفالی تنفاف کاسه و کاشی بیشتر ساخته می‌شد و مخصوصاً مقدار زیادی کاشی بخارجه صادر می‌گردید. در مقبره امام رضا در مشهد حاشیه باریکی از کاشی شفاف است که کنیه‌ای از زمان سلطان سنجر روی آن نقش شده. کاسه‌های شفاف مذکور دارای خاصیت مخصوصی است و آن اینست که با تغییر نور رنگهای گوناگون بخود گرفته و هنگامیکس هینماید. تنگ اصلی ظروف شفاف معمولاً قهوه‌ای و مسی یا قهوه‌ای کم رنگ

مایل بزرد است که رنگ طلائی، بنفش و گاهی سبز را منعکس می‌سازد و رنگ یاقوت نیز بندرت منعکس مینماید. رنگ اخیر اغلب در سفال شفاف اولیه دیده می‌شود. عمل شفاف کردن ظروف و کاشی از خدمات صنعتگران و کارگران ایرانی است به صنعت سفال در دنیا. بالاخره میتوان گفت که دوره سلجوقیان از ادواری بوده که ابتکار و مهارت زیاد در فن سفال سازی بکار رفته. اشکال و رنگهای جدید و لباسهای نو ظاهر گردیده و بر جسته کاری با نقشهای قالبی و حکاکی هردو ترقی نموده. ساختن ظروف شفاف در این دوره بتدریج رو به تزايد و زیبائی و کمال رفته است. رنگهای شفاف و ساده هردو روی یک طرف دیده می‌شود و ترکیبی از ظروف شفاف و بر جسته کاری و کاشیهای اعلا برای محراب و مقاصد تزیینی دیگر تهیه مینماید. ساختن ظروف مینائی با تزیین رنگارنگ و طلائی آن محرک بزرگی برای نفاشی تصاویر کوچک بوده و این طرز عمل در از منه بعد در مینیاتور کاری و تصاویر کتب ادامه یافته است.

۲ — فلز کاری

اگر چه مقداری نمونه های مفرغی و مسی از این دوره موجود است، ولی در مکانهای مختلف و جدا یافت می‌شود و هنوز راجع به صنعت فلز کاری زمان سلجوقیان کتاب جامعی طبع و نشر نشده است. وقتی محل شیئی «علوم و تحت مطالعات و وسائل دقیق علمی اکتشاف قرار نگرفته باشد»، مشکل است تاریخ حقیقی آنرا تشخیص داد. از اشیاء فلزی که در اینجا بیان می‌شود، شاید بعضی در اوآخر دوره یعنی در اوائل قرن هفتم هجری مطابق با قرن سیزدهم میلادی ساخته شده باشد.

اشیائی باشکال مختلف و متنوع از فلزی پست در کارهای این دوره دیده مبیشود و اغلب اوقات ترکیبی است از مفرغ یا مس که با نقره مخلوط گردیده است. صنعت ترصیع مخصوصاً نقره کوبی در تصاویر و کتیبه‌ها خیلی ترقی کرده بود. مثلاً در موزه هریتائز کتری مسی موجود است که خط کوفی روی آن نقره کوبی شده و در موزه تاریخی استکهلم

در سوئد جام نقره شکیلی میباشد که با نوشته کوفی تزیین شده و دسته آن از مفرغ ساخته شده است.

اغلب کارهای مفرغی این دوره بطور کلی با نقره آرایش شده. تصویر انسان در حال نشسته یا بزانو و یا ایستاده دیده میشود. طرحهای برگ و گل در اطراف آن نقره کوبی شده و همین طرز عمل در نوشتمن خطوط کوفی بکار رفته است. کتیبه های ظریف کوفی از خصائص فلز کاری زمان سلجوقیان است.

کارهای مفرغی این دوره دارای اشکال زیاد و متنوع است. شمعدانهای کوتاه و سنگین دیده میشود که پایه آنها گرد یا بشکل کثیر الاضلاع است و تصاویر و گل روی آنها نقره کوبی شده و یا اینکه اشکال پرندگان و حیوانات و آرایشهای دیگر روی آنها بطور برجسته نقش شده است. شمعدانهای بلند و استوانهای شکل مفرغی مشبك نیز بدست آمده که در نتیجه کندن نقشهای روی آن بدینصورت درآمده است. عودسوزهای مفرغی دارای سه پایه کوتاه هستند و کاسه آن دارای سرپوشی است که پرندۀای روی آن ساخته شده. جعبه و صندوق مفرغی که تصاویر انسان و اشکال دیگر روی آنها نقش گردید در این دوره ساخته شده، ولی نمونه های آن زیاد نیست. از منابع تاریخی وابجی میدانیم که نقره در زمان سلجوقیان فراوان بوده است، ولی از اشیاء نقره این زمان فقط مقدار کمی باقی است. میگویند کارگری در ری در موقع حفر زمین بیش از صد عدد ظروف نقره متعلق بزمان سلجوقیان پیدا نمود و تمام آنها را بغیر از یکی دو تا ذوب کرده فروخت و وقتیکه متوجه شد که یکی از ظروفی که نگاهداشته از تمام نقره های ذوب گرده بیشتر قیمت دارد، سخت متأثر و پشیمان گردید. اشیاء نقره که در دست است اشکال متنوع دارند. درین آنها قاشق، گلاب پاش، کمر بند، زینتهای یراق، فنجان، بطری، سینی و آفتابه و بعلوه نیز زنجیرهای ظریف دیده میشود. نقره زمان سلجوقی برای ظرافت و استحکام مشهور است. اگرچه این اشیاء محکم و از حیث شکل خیلی عالی هستند، ولی در جزئیات بعضی از نقشه ها دقت زیاد بکار نرفته است. با وجود این بطور کلی خود نقشه ها علامت علاقه و ابتکار در صنعت را

بخوبی نشان میدهد. بعضی از عناصر فوق العاده زیبا و بدیع هستند. خط کوفی که مورد استعمال زیاد دارد بسیار جالب است و در زمینه و طرح آن تنوع زیادی دیده میشود. پرندگان و حیوانات با جلوه مخصوصی نمایش داده شده اند.

بزرگترین ظرف نقره زمان سلجوکی سینی البارسلان است که عجالتاً در موزه صنایع طریفه بستان قرار دارد. این سینی هدیه ایست که ملکه پادشاه تقدیم نموده و تاریخ آن سه سال بعد از جلوس البارسلان میباشد. اسم شاه و ملکه با تمام القاب آنان و اسم صنعتگر که به «حسن الکاشانی» موسوم بوده با خط فشنگ کوفی بیک اندازه نوشته شده است. شکل سینی مدور و پشت آن کاملاً ساده است و از نقره نسبتاً نازک ساخته شده و شاید در اصل آنرا برای این ساخته اند که توی ظرف دیگر یا روی پایه قرار داده شود. در داخله لبه سینی و در وسط آن گتیبه ای بسیار عالی بخط کوفی حک شده و حاشیه ای ترتیب داده است و زمینه گتیبه طرحی است از گل که دارای برگهای پنج پر و هفت پر میباشد و نوک آنها پیچیده است. این طرح در صنعت سفال و تزیین عمارت آن زمان نیز دیده میشود.

در بالای این حاشیه کوفی یک جفت غاز رو بروی یکدیگر نقش شده و پاهای آنها طوری محکم بزمین گذاشته شده که در داخل زمین فرو رفته است. هر یک انتهاء شاخه مو طویلی را در منقار دارد. در قسمت پائین حاشیه دو بزرگوهی بالداری است که پای آنها نیز در زمین فرو رفته است. در طرح و نقش بعضی قسمتها چندان دقیق بعمل نیامده و از این حیث مانند نقشهای ظروف نقره عمومی میباشد. کلیه نقشها با دست کشیده شده و علائمی نیست که بنماید از روی اندازه رسم شده باشد. این سینی عالی بهترین نمونه صنعت فلز سازی عصر سلجوکی است.

۲ - بافندگی

اگرچه بافندگی از صنایعی است که همیشه در ایران مقام ارجمند داشته،

ولی بعضی از محققین عقیده مندند که از بعضی جهات این صنعت در زمان سلجوقيان بهمنتهی درجه ترقی خود رسیده . اگرچه شاید بیش از ۵۰ تکه از پارچه های این دوره در دست نباشد ، اما همین عده نقشها و طرحهای متعدد را نشان میدهدند . بعضی از این طرحها پرکار و پارچه دولابافته شده است .

نوعی پارچه در این دوره ترقی نمود که مرکب از دو پارچه برنگ مختلف بود که با یکدیگر بافته شده و گاهی یک و گاهی دیگری روآمده تشکیل شکل و طرح آرا میداده است . این نوع پارچه دارای تنوع زیادی بوده است . دکتر فیلیس آکرمان در کتاب «صنایع ایران » شرح مفصلی در این باب نوشته است .

تکه های پارچه که از آن عصر بدست آمده است انواع مختلف پارچه های ابریشمی را نشان میدهد . یک قسم پارچه ابریشمی دیده میشود که با تغییر نور تغییر رنگ میدهد و نیز پارچه ابریشمی سبک و نازکی دیده میشود که روی آن طرح حیوانات و خطوط کوفی بسیار عالی نقش گردیده . رنگهای آن عبارتست از سبز و سفید روی زمینه طلائی و قرهز تیره و قهوه ای . در موزه لوور یک تکه پارچه ابریشمی سفیدی است که نقشه آن نز برنگ سفید است و بقدرتی نیز بافته شده که نقش آن دیده نمیشود مگر آنکه آرا از یکطرف نگاه کنند . پیدا کردن نقشه آن باعث تعجب و مسرت بینندگان میگردد ، همچنانکه در تمام صنایع کارگران ایرانی همواره علاقه مند بودند که در بینندگان ایجاد حس تعجب کنند .

روی بعضی از پارچه های ابریشمی طرحهای مفصل و پیچیده ای که اصل آن در زمان ساسانیان استعمال میشد دیده میشود ، همانند نقش پرندگان و حیوانات و مرغ خیالی . علاوه بر اینها خط کوفی نیز اضافه شده و داخل در طرح گردیده است . قسمت دیگر پارچه را با گل و برگ پر مینمودند و یا نقشی را به تکرار میکشیدند یا آرا خالی میگذاشتند . حقیقتاً صنعت نساجی این زمان از حيث طرز بافندگی ، ابتکار ، انواع نقشه و قشنگی رنگ بدرجه خیلی عالی رسیده بود .

اگرچه از نوشه های این دوره چندین بر می آید که در آن زمان قالی میبافتند ،

ولی تا آنجا که اطلاع داریم نمونه ای از این صنعت تاکنون بدست نیامده است.

۴ - گچ بری

روح صنعت پرور ایران در قرون متواالی گچ بری را که از حیث جنس چندان قابل ملاحظه نیست گرفته و از آن مظاهر قدرت و زیبائی معماری را خلق کرده است. دکتر اریک اشمید و همکارانش چند عدد گچ بری که گویا برای آرایش ستونهای عظیم بکار میرفته در ری بدست آوردند. هیئت اعزامی موزه متروپولیتان قطعات یک دوره گچ بری اطلاقی را در تزدیکی شیراز کشف نمودند و آنها را با کمال دقیق از زیر خاک بیرون آورده به تهران حمل نمودند. پشت قطعات گچ بری مذبور را بوسیله سیم مستحکم نموده از روی آنها قطعات گچ بری دیگری که کاملاً شبیه آن است ساختند و نصف قطعات اصل را با نصف قطعات تازه ساخته شده بموزه دولتی تهران تحويل و بقیه را بموزه متروپولیتان نیویورک فرستادند. بدینظریق هر دو موزه گچ بری یک اطلاق کامل را دارا هستند. عمل مذبور یکی از دقیق ترین و علمی ترین طریقه اکتشاف و تهیه مصالح میباشد. نقشه های این گچ بری با کمال دقیق تهیه شده بطوریکه کاملاً متناسب با فضائی است که نقشه باید روی آن قرار گیرد و نقشه ها اغلب عبارتند از طرح گل، نقوش عربی و اشکال هندسی. این دوره گچ کاری معرف خوبیست از تزیین نمای دیوار یک اطلاق در عهد سلجوقیان.

پیچیده تر و مشکلتر از اینها گچ بریهای مختلف محراب است که از این عصر بیادگار مانده است و آنها عبارتند از نقشه های مفصل و پرکار کتیبه هائی که در اطراف محراب با گچ رو بقبله ساخته شده است. قسمت بالا و اطراف طاق نوک تیز طاقچه ای را حاشیه ای احاطه کرده و عموماً در قسمت بالا حاشیه بهتری با نقشه های درشت تر گچ بری شده است. دور طاق مرکزی و در حاشیه مستطیلی معمولاً نقش گردیده و طرح های عبارتست از نقوش عربی، نقش مو و تاک و برگهاییکه سوراخ شده و بشکل لانه زنبور در آمده است.

از اینگونه محرابهای قدیمی محراب مدرسه معروف خارجerd است که در حدود ۶۰۴ هجری (۱۰۶۸ میلادی) ساخته شده. یکی دیگر از محرابهای مشهور محراب امام زاده کرّار در جوزون نزدیک اصفهان است که در تاریخ ۵۲۸ هجری (۱۱۳۳ میلادی) ساخته شده. این محراب بموزه دولتی تهران انتقال داده خواهد شد. کتبیه آن بخط نسخ نوشته شده و این از اولین نمونه های استعمال این شیوه خط است زیرا که قبل از این تاریخ در کتبیه ها تقریباً بدون استثناء خط کوفی بکار میرفته است. محراب مزبور را مستر ماپرون اسمیت (۱) در گزارشی راجع به آثار باستان چاپ برلن (۲) مورخ ۱۹۳۵ (مورخ ۱۹۳۵) در گزارشی راجع به آثار باستان چاپ برلن (۲) مورخ ۱۹۳۵ کاملاً تشریح نموده است. محراب جالب توجه دیگری که از آجر ساخته و گچ بری شده در برسیان است. محرابهای دیگری نیز در زواره که تقریباً در ۵۳۰ هجری (۱۱۳۵ میلادی) ساخته شده و در اردستان که در حدود ۵۵۳ هجری (۱۱۵۸ میلادی) بنا شده توسط مسیو آندره گدار مدیر اداره آثار باستان در شماره دوم سال ۱۹۳۶ مجله «آثار ایران» کاملاً شرح داده است. در شماره قبل همان مجله محراب معروف ابرقو نیز تشریح گشته است.

محراب گنبد علویان همدان را بعضی متعلق به دوره بعد میدانند، ولی پرسور پوپ و پرسور و. مینورسکی (۳) معتقدند که متعلق بزمان سلجوقیان است. راجع به تزیین آن پرسور پوپ میگوید: «از جهت نمایاندن مهارت در عمل، و قشنگی نقشه و نفاست و زیبائی در جزئیات، این گچ بری از شاهکارهای این نوع صنعت محسوب میشود». در حقیقت نقشه گچ بری داخل این مقبره با نقیص ترین نقشه قالیهای شرقی برابر میکند.

در اینجا باید حاشیه مزین خط کوفی دور طاقی که محراب در آن قرار دارد نیز ذکر نمود. این کتبیه عالی در اغلب مساجد دیده میشود، مثلاً حاشیه کوفی که در مدرسه حیدریه قزوین موجود است، از بهترین نمونه های گچ بری کوفی میباشد.

اطاق گنبددار با نقشهای زیبای مجراب و حاشیه دور دیوار که با خط قشنگ کوفی نوشته شده و با گچ بریهای اعلا و رنگهای گوناگون و طلا مزین گشته، بدون شک نتیجهٔ صنعتی عالی و مؤثر داشته.

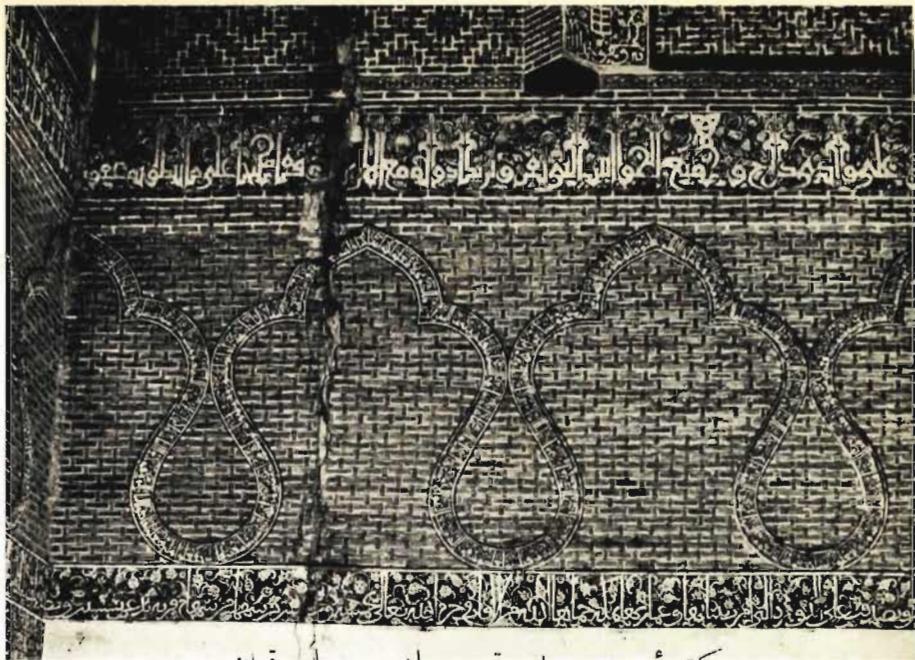
۵ — معماری

کمی قبل از آنکه سلجوقیان بر ایران دست یابند، سلطان محمود غزنوی بناهای عظیم و زیبائی در غزنی بنما نموده بود. برج ظفر وی و برج ظفر سلطان مسعود سوم نشان میدهد که معماری و مخصوصاً آجر کاری آن زمان پیش از آنکه سلجوقیان سر از اطاعت غزنویان پیچند تا چه حد ترقی نموده بود. بنابر این جای تعجب نیست که آجر کاری ایران در معماری سلجوقی با خرین درجهٔ ترقی رسیده و تقریباً کامل گردیده است. باید دانست که معماری سلجوقیان تقلید از معماری غزنوی یا دیگران نیست، بلکه سبک و اسلوب خاصی داشته و دارای ابتکار و مظاهر زیبائی بزرگی است.

بزرگترین و مهمترین آثار معماری اسلامی در ایران مسجدجامع اصفهان است. عناصری در ساختمان آن دیده میشود که متعلق بادوار مختلف است. بدون شک قبل از سلجوقیان مسجدی در این محل بوده است. این مسجد و ساختمان ازمنه بعد آن را مسیو آندره گدار مدیر اداره آثار باستان در شمارهٔ دوم مجلهٔ «آثار ایران» مورخ ۱۹۳۶ کاملاً شرح داده است.

اگر چه جزئیات ساختمان این مسجد متعلق بادوار مختلف است، ولی عمدۀ آن عبارتست از قسمت بزرگ گنبددار سمت جنوب که خواجه نظام الملک در زمان سلطنت ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵ هجری مطابق ۱۰۷۲-۱۰۹۲ میلادی) آنرا بنانموده و گنبد و اطاک کوچک قشنگی در طرف شمال موسوم به گنبد خاکی که در ۴۸۱ هجری (۱۰۸۹ میلادی) ساخته شده است.

این مسجد در سال ۱۵ هجری (۱۱۲۱ میلادی) آتش گرفت ولی بزودی

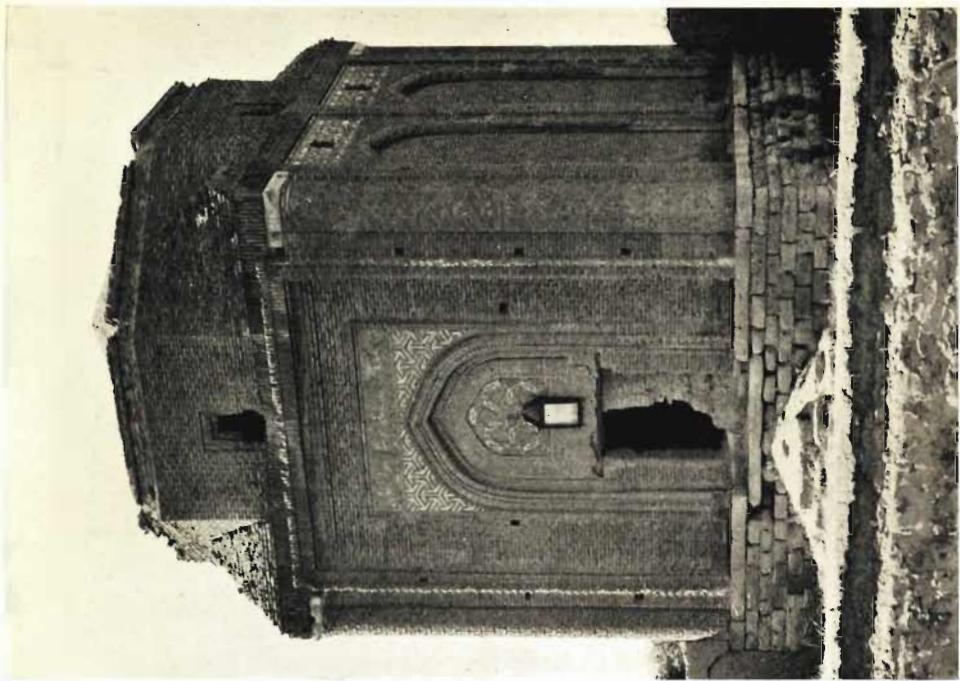


کتیبهٔ مسجد جامع قزوین از عصر ساسجو قیان



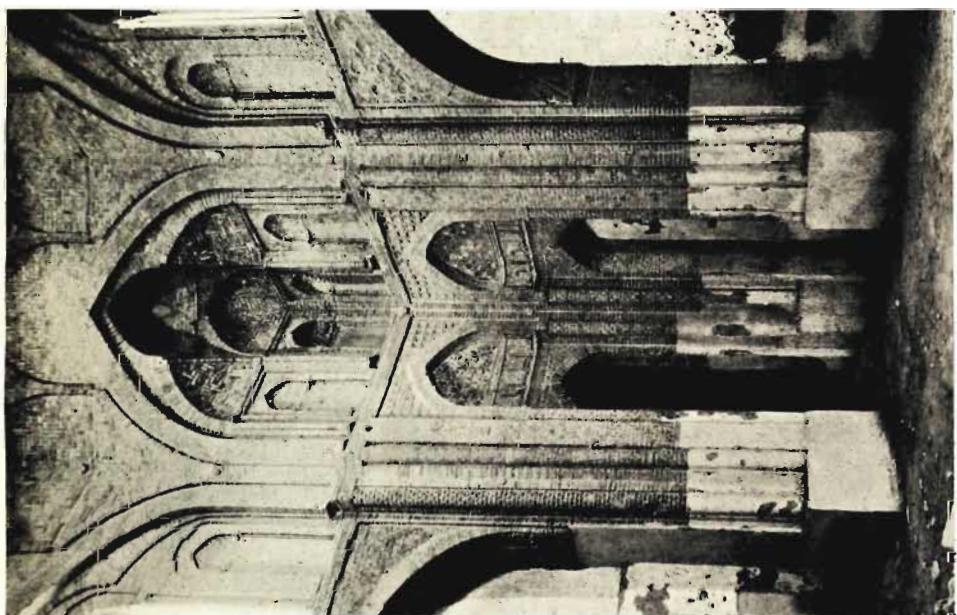
پایه‌های عظیم از ساختمانهای اولیهٔ مسجد جامع اصفهان
(از عکس‌های وفسود هوب)

گنبد سرخ در مساغه



(دو منظره از عالیترین آجرکاری در ایران است)

منظره فضای زیر گنبد کوچک مسجد جامع اصفهان



تعمیر و ساخته شد چنانکه از کتیبه بالای سر در قسمت شمال شرقی مسجد مفهوم میگردد.
از قرار معلوم در زمانی بین این تاریخ و آخر دوره سلجوقی مسجد دوباره با اسلوب
چهار ایوانی بنا گردیده.

کنبد عظیم رو بقبله روی ستونهای ضخیم متصل بدیوار ساخته شده و شخص
را بیاد بناهای ساسانی میاندازد. تأثیر این اطاق و کنبد بیشتر از حیث حجم و بزرگی
آنست تا از لحاظ زیبائی و قشنگی. روی این ستونهای ضخیم کج بری شده با گل و برگ
زینت یافته است. در قسمت بالا آجر کاری ساده و بدون آرایش طرز ساختمان کنبد را
می نماید. جای بسی تعجب است که پس از قرنها این ستونها کنبد عظیم و سنگینی را بدون
اینکه آسیبی بدان رسیده باشد نگاهداشته است.

اطاق کوچک کنبددار شمالی نمونه کامل است از ساختمان و معماری زمان
سلجوقي. در داخل آن ردیفهای آجر کاری و طاقهای بلند نوک تیز توجه را به قبه کنبد
جلب کرده و اثر مطلوب ساختمان عظیم را ظاهر میسازد. اگرچه داخل طاقها با موzaïek
و کج بری زینت یافته و کتیبه های مزین دارد، ولی زیبائی این اطاق به آجر کاری آنست
که با طرزی کامل بکار برده شده است.

قسمت بالای اطاق مریع بوسیله طاقهای به کثیر الاضلاع هشت ضلعی تبدیل
یافته و در بین این طاقها اشکالی ساخته شده که اطاقرا بشکل کثیر الاضلاع شانزده ضلعی
در میآورد که کنبد روی آن قرار داده شده است. تمام این قسمتها نشان میدهد که نقشه
کامل آن بنا قبل از شروع در فکر سازنده بوده است. مستر اریک شرودر^(۱) در کتاب
«صنایع ایران» آنرا با کمال خوبی شرح داده است و ثابت میکند که این کنبد کوچک
که قطر آن از داخل بیش از ده متر نیست با کنبد کامل که مهندسین پس از کشف اصول
ریاضیات عالی توسط نیوتون تعیین نمودند، مطابقت تمام دارد. پس ملاحظه میشود که شش
قرن قبل از زمان نیوتون کنبد کامل از روی اصول ریاضی ساخته شده است و این مطلب
افتخار بزرگی است که نصیب معماران دوره سلجوقی میگردد.

چند سال بعد از ساختمان گنبد های مسجد جامع اصفهان مسجد سلجوقي بوسيله محمود شاه در گلپایگان ساخته شده که فقط اطاق گنبد دار آن باقی مانده است. ستونها و دیوارهاییکه گنبد روی آن ساخته شده خیلی نزدیک بسبک ساسانی است و خود گنبد شبیه گنبد بزرگ مسجد جامع اصفهان است. اقطار و اندازه های این اطاق گنبد دار بسیار دقیق و صحیح است. گوشه های طاق مقرنس کاری شده و از نمونه های اولیه این قسم تزیین است. این مقرنس کاری از روی اشکال بدبوی آن که در بالای سردر گنبد قابوس و گلبوئی گنبد علی ابرقو که بعداً بیان میشود ساخته شده، نمو و تکمیل گردیده و در ساختمانهای زمان بعد اهمیت زیادی حاصل کرده است.

در بررسیان مسجد کوچکی است بسبک مسجد سلجوقي در اصفهان، ولی فقط قسم گنبد و اطاق آن از این دوره میباشد. تاریخ محراب آن ۵۲۸ هجری (۱۳۳ میلادی) است.

در زواره نزدیک اردستان نمونه خیلی عالی از مسجد سلجوقي دیده میشود که در سال ۵۳۰ هجری (۱۳۵ میلادی) ساخته شده است. قسمت قابل ملاحظه آن اینست که ظاهرآ بسبک ساختمان چهار ایوانی ساخته شده بوده و این یکی از اولین نمونه های این سبک ساختمان است. (۱) اطاق گنبد دار با آجر کاری اعلاو قشنگ آن شبیه به بهترین کارهای سلجوقي در اصفهان میباشد. آن اطاق دارای چند ردیف طاقهای نوک تیز تو در تو است که دوره تحول را از اطاق مریبع به گنبد مدور میرساند. گچ بری محراب، کتیبه دور اطاق و تزیینات داخل طاقها نمونه ای عالی از کارهای این دوره است که تاریخ آن کاملاً معلوم است. طرح آن بشکل مریبع میباشد و اگرچه مسجد کوچکی بیش نیست، ولی چون مانند اغلب آثار دیگر چندین بار ساخته نشده و نمونه بنائی است که تقریباً بوضع اصلی باقیمانده قابل ملاحظه و شایان دقت است.

مسجد بزرگتری از عهد سلجوقيان در اردستان موجود است که دوره تحول

از سبک قدیم یعنی اطاق گنبد دار و ایوان جلو آنرا به سبک چهار ایوانی نشان میدهد. تاریخ آن ۵۵۳ هجری (۱۱۵۸ میلادی) است. آثاری از ساختهای قدیمی قبل از سلجوق مخصوصاً در قسمت غربی مسجد دیده میشود و از این بنای قدیم دیوار، ستونهای مدور و طاقهاییکه دارای کج بری میباشد باقی مانده است. اطاق و گنبد آن احتمال میرود بعداً در زمان سلجوقیان ساخته شده باشد. بعقیده مسیو گدار باز در عهد سلجوقیان بوده که آن مسجد به طرح چهار ایوان دور صحن مبدل گردیده.

در اینجا نیز آجرکاری سلجوقی بسبک اصفهان پیدا میشود، مخصوصاً در قسمت اطاق گنبد دار نمونه‌های بسیار عالی آجرکاری یافت میشود و نیز محرابی با کج بری و حاشیه کتیبه دار دور اطاق در جاییکه گنبد شروع شده دیده میشود. کتیبه بخط کوفی نیست، اما کلمات آن پیوسته است که دنباله حروف بلند تر آن بسر حاشیه میرسد و زمینه آنرا نقش گل و برگ پوشیده است. کج بری ایوانها دارای طرح بسیار قشنگ میباشد و ذوق و سلیقه معمار را مینماید. در همان مسجد بجای سقفهای هلالی سقفی است که از یکعدد گنبدهای کوچکی که روی ستونها قرار گرفته تشکیل و احتمال میرود سبک تازه‌ای باشد در معماری این دوره و مزایای زیادی بر سقف سازی گذشته دارد.

تاریخ مقبره دوازده امام یزد کاملاً معین نیست و شاید اندکی قبل از فتح سلجوقیان بنا شده باشد. اهمیت آن از این جهت است که گنبد آن روی ستونهاییکه تشکیل کثیر الاصلاح هشت ضلعی داده قرار دارد نه روی دیوار آن و نیز برای پایه هاییکه بعداً در بنای سلجوکی متداول گردیده.

جبال سنگ در کرمان بنای عجیب و بزرگی است که چنانکه از اسم آن بر می‌آید اغلب بجای آجر از سنگ ساخته شده و برای گنبد عظیمی که روی عمارت کثیر الاصلاح هشت ضلعی ساخته شده در این دوره بی‌نظیر میباشد. گنبد آن یا دو پوشه بود و با اینکه سازنده قصد داشته است آنرا دو پوشه بگند. بهر حال از روی علائم و آثار معلوم میشود که این بنا با تمام نرسیده.

در دماؤند مسجدی است که در زمان سلجوقی بنا گردیده یا دوباره ساخته

شده است و شاید تاریخ آن در حدود ۵۰۰ هجری باشد. این مسجد گنبد ندارد، اما ساختمانش متعاقب سبک دوره قبل میباشد و سقف آن روی ستونهایی قرار دارد. ساختمان مسجد نامنظم است، ولی دارای گچ بریهای قابل توجه در محرابها و درقسمتهای دیگر حتی روی بعضی از ستونها میباشد^(۱).

یکی دیگر از ابنیه تاریخی این عصر مسجد جامع قزوین است که اطاق عظیم گنبد دار آن هنوز بوضع خوبی مانده است. این مسجد بسال ۵۰۹ هجری (۱۱۱۰ میلادی) با تمام رسیده. چند سال بعد قدری دورتر در شمال خود مسجد سردر بزرگی که سقف آن از نیمه گنبد هایی که پشت به پشت هم داده یا از ایوانهایی که در دوجهت مخالف یکی رو بشمال و بطرف خارج و دیگری بطرف اطاق گنبد دار باز میشد، بنا گردید. این سردر خیلی مهم است، زیرا این قسم ساختمان بعداً پیشرفت نموده تا به سردر و جلو مساجد ایرانی که بنها یات درجه کمال رسیده ترقی نموده است. اطلاعات نگارنده در این قسمت مرهون آقای دونالدن. ویلبر^(۲) است که وقت زیادی صرف مطالعه این بنای بخصوص نموده و تحقیقات دقیقی در آن گرده و منتشر خواهد شد.

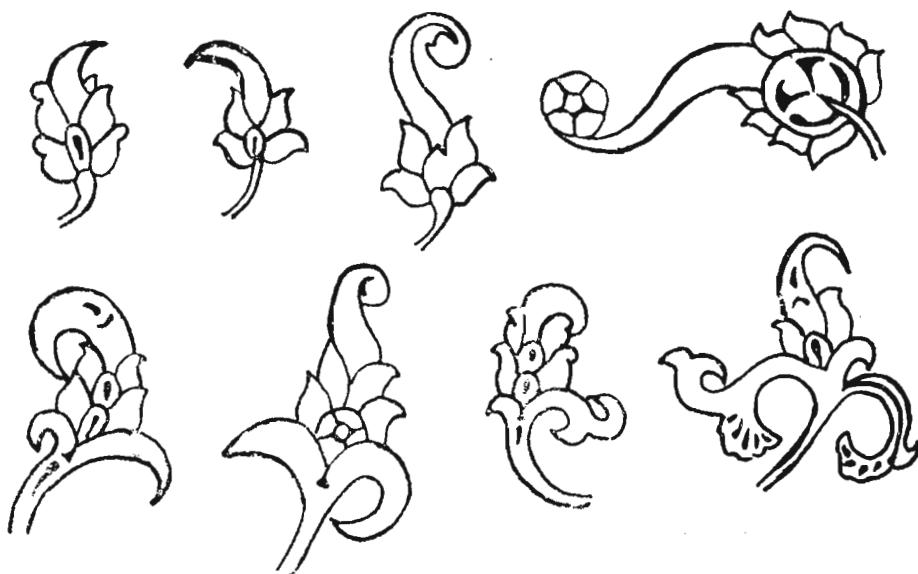
از روی منابع تاریخی معلوم میشود که کلیه فضای نزدیک اطاق گنبد دار و سردر آن مسجد بزودی با ابنیه مدرسه و خانقاہ دراویش و کتابخانه وغیره اشغال گردید. شکل صحنه امروزه آن متعلق بدورة بعد است.

بسیاری از قسمتهای ساختمانی مسجد مربوط به عهد صفویه و قاجاریه است، ولی قسمت مهم آن اطاق عظیم گنبد دار است. دیوارهای داخلی آن کاملاً ساده و گنبد روی چهار پایه که نیز ساده است قرار دارد. حاشیه و کتیبه های گچی بسیار دور تا دور سبب زیبائی آن میگردد. اثر محراب بزرگی نیز رو بقبله نمایان است که از آن چیزی باقی نمانده. حروف کتیبه های مزبور یا بهم پیوسته اند یا به برگ و غنچه زمینه گلدار ختم میگردند.

۱ - مایرون ب. اسپیت در قسمت دوم جلد دوم کتاب « Ars Islamica » که در

میشیگان (مالک متعدد امریکا) بطبع رسیده کاملاً آنرا تشریح نموده است.

قشنگی و تنوع این کتیبه‌ها بقدری است که جای تعجب نیست انجام آن سالها بطول انجامیده باشد. این مطلب از تاریخهای مختلفی که روی آنست محرز میگردد. بعضی از کتیبه‌ها آیات قرآن است اما اغلب راجع ب موضوعهای مربوطه بوقف مسجد میباشد. بین دو حاشیه طرفین اطاق کتیبه ایست که بطرح برگ سه شاخه بالا و پائین میرود و اثر صنعتی عجیبی دارد. شکل انواع و اقسام برگهای روی این کتیبه‌ها خود موضوعی قابل دقت است و تکه کاشیهای کوچک رنگی لوزی شکل که در تزیین اطاق بکار رفته دیده میشود و از نمونه‌های قدیم این نوع آرایش است.



نمونه انواع برگها از گچ بری مسجد جامع قزوین
(نقل از کتاب « صنایع ایران »)

۶ — مناره‌ها

مناره‌های زیادی از زمان سلجوقیان باقی است و مانند اینهای که شرح داده شد نمونه بهترین آجرکاری هستند. پایه آنها چندان معلوم نیست و فرق بین پایه و تنه جلب توجه نمیکند. انواع مناره‌ها از کوتاه و ضخیم تا مناره‌های بلند که قسمت بالای آن باریک

و ظریف است دیده میشود . مناره های آخر عصر سلجوقی در حدود اصفهان اغلب دارای سه قسمت است و قطر هریک کوچکتر از قطر قسمت زیرین است .

تربین این مناره ها عبارتست از نقشهای آجرکاری که تکرار شده و کاهی تمام بدن را میپوشاند یا به منطقه و قسمتهای هندسی تقسیم میشود و گلتبه روی آن با آجر بطور برجسته ساخته شده است . بعضی از مناره ها تقریباً ساده هستند و ابداً دارای آرایشی نمیباشند و استعمال کاشی برای تربین مناره در اواخر این دوره ظاهر میگردد ، اما کم دیده میشود . چون شرح مفصل مناره های زمان سلجوقی مطول میشود و این گتاب گنجایش آنرا ندارد ، فقط صورتی از آنها با ذکر تاریخ هریک ذیلاً درج میگردد :

مناره های مشهور عبارتند از مناره نزدیک تاریخانه دامغان که از آجرکاری های سلجوقی است (۴۱۷-۴۲۰ هجری) ، مسجد جامع سمنان (۴۶۰-۴۲۰ هجری) ، مسجد جامع دامغان (تقریباً ۵۰۰ هجری) ، مسجد میدان ساوه (۵۳۰ هجری) ، مسجد یامنار زواره (۶۱۴ هجری) ، مسجد جامع کاشان (۶۶۴ هجری) ، مسجد جامع برسیان (۶۹۱ هجری) ، چهل دختران اصفهان (۵۰۱ هجری) ، مسجد جامع ساوه (۵۰۴ هجری) ، خسروگرد نزدیک سبزوار (۵۰۵ هجری) و مناره سین نزدیک اصفهان (۵۲۶ هجری) .

در قسمت بالای مناره سین کاشی رنگی برای تربین بکاررفته که مایرون اسمیت در مقاله خود در « آثار ایران » میگوید که قدیمترین سفال رنگی برای آرایش خارج بنا است که تاکنون روی بنای با تاریخ پیدا شده است . مناره مسجد جامع دامغان نیز در قسمت بالا کاشی کاری دارد . این کاشی کاری اگر متعلق بزمان خود مناره باشد ، احتمال میرود که از کاشی کاری مناره سین قدیمتر باشد .

مناره های دیگر سلجوقی که اهمیت چندانی ندارند در مسجد مالک کرمان و در میان ابینه ای که متعلق به دوره های بعد در سطام است دیده میشود . شاید عالیترین مناره های زمان سلجوقی ، منار علی و منار ساربان در اصفهان باشند ، زیرا که دارای بدن بلند و تربین عالی هستند . تاریخ آنها بطور تحقیق معین نیست ، ولی مادام کدار تاریخ

آنها را بین ۵۲۵ و ۵۵۰ هجری قرار داده است (۱).

در مسجدی که اکنون با اسم امام حسن در اردستان میباشد مناره ایست که در اصل با مناره دیگری روی سردر هزین شده ساخته شده بود. یک جفت مناره شبیه باین مناره در طبس موجود است (۲).

۷— مقبره‌ها و برجهای مقبره‌ای

برجهای مقبره‌ای آجری در زمان سلجوقیان معمول بوده و در بسیاری از نقاط ایران دیده میشود. علاوه بر برج مقبره‌ای که در دامغان به پیر علمدار معروف است و در فصل گذشته مذکور گردید، مقبره‌ای شبیه آن در همان شهر موجود است که چهل دختران نامیده میشود و تاریخ آن ۴۶ هجری (۱۰۵۳ میلادی) است. اگرچه این دو برج از حيث شکل شبیهند و هر دو سقف مخروطی پیازی شکل دارند، ولی آجرهای چهل دختران بهتر و فشنگتر از آجر کاری پیر علمدار است. نکته قابل توجه در تزیین برج چهل دختران وجود یک سلسله سواستیکا است.

در ابرقو گنبدی است موسوم به گنبد علی که توسط حکام آن ناحیه در سال ۴۸ هجری (۱۰۵۵ میلادی) ساخته شده است و آن عبارتست از برجی بشکل کشیر الاصلاح هشت ضلعی که مطابق معمول آزمان از آجر ساخته نشده، بلکه از سنگهای نتراشیده و کج بنای گردیده. سقف آن گنبدی شکل وزیر مقرنس کاری آن کتیبه مفصل به کوفی نوشته شده. کتیبه مختصری نیز بالای سردر دارد.

در ۱۸ کیلومتری مشرق دامغان نزدیک جاده مشهد و در حوالی قریه مهماندوست برجی آجری است از زمان سلجوقیان که ۱۲ ضلع دارد و هر ضلع بواسطه طاقهای بلندی تزیین شده. لبه‌های تیزی این ۱۲ ضلع را از یکدیگر جدا میسازد و مقرنس کاری مفصل بالای آن طاقهای از آجر تراش است. در بالای این آرایش شکل برج مدور شده و

۱ - رجوع شود به مقاله تحت عنوان ماره‌های اصفهان در مجله آثار ایران شماره ۲ ص ۳۱۳.

۲ - رجوع شود به مجله آثار ایران صفحه ۲۹۹ و ۳۰۰.

تئیبه‌ای بکوفی با آجر روی آن نقش گردیده است . شاید گنبد آن در اصل مخروطی شکل بوده ، ولی اکنون فرو ریخته و خراب شده است . این برج سال ۴۹۰ هجری (۱۰۹۷ میلادی) ساخته شده است .

تردیک تهران در کثر ناحیه‌ای که سابقاً شهر عظیم روی بوده ، یک برج مقبره‌ای است که از جهت کاملیت شکل از آثار مهم اینیه زمان سلجوقی است . دیوارهای برج دارای یک رشته لبه‌های تیزی است که در امتداد محیط برج قرار دارد و سقف برج را نگاه میداشته . طرز ساختمان آن شبیه به گنبد قابوس میباشد ، با این فرق که در آنجا بین این لبه‌ها دیوار مدوری است . دو قرن بعد برج مقبره‌ای در بسطام ساخته شد که دور تا دور آن مانند برج روی دارای چینهای باریک است . تاریخ برج روی از روی قطعات درب آهنی که پیدا شده و در تصرف پرسور هر تسفeld است تعیین شده و شاید ۵۳۴ هجری (۱۱۳۹ میلادی) باشد .

در مراجعه که در استان آذربایجان واقع است پنج برج مقبره‌ای وجود دارد که سه عدد از آنها متعلق بزمان سلجوقیان است . قدیمی ترین آنها گنبد سرخ است که در ردیف اطاق کوچک گنبد دار مسجد جامع اصفهان و از قشنگترین بنایهای سلجوقی بشمار میرود . گنبد سرخ بر جی است مریع شکل که از آجر ساخته شده ، ولی بی آن از سنگ تراش روشن رنگ است و با سنگهای قرمز و سیاه بشکل صلیب تزیین شده است . در طرف شمال که جلوی برج است سر در آن واقع گردیده که با کاشی آبی آرایش یافته و این از نمونه های کاشی رنگی است که برای تزیین جدار خارجی بکار رفته . این عمل بعد از عمومیت پیدا نموده . نقش قسمت جلو از کج است که روی آجر کچ برعی شده است . امتیاز این برج نه تنها بواسطه آجرکاری عجیب آنست ، بلکه برای تناسب کامل و نقشه بدیع آن میباشد . ستونهای گوشه که با خود بنا ساخته شده شاید بهترین آجرکاریهای ایران را نشان دهد ، چنان‌که مستر اریک شرودر در کتاب « صنایع ایران » می‌نویسد : « ستونهای قسمت جلو بهترین نمونه آجرکاری در ایران و بنا بر این شاید بهترین آجرکاری در دنیا باشد » . گنبد سرخ در سال ۲۴۵ هجری (۱۱۴۸ میلادی) ساخته شده و اکنون یکی از بهترین



تصویری از شاهنامه (اوائل عصر مغول)



تصویر رسمی از تاریخ رشید الدین
 ۷۱۴ - ۱۳۰۷ هجری (۱۳۱۴ میلادی)



اسکندر کبیر در موقع بناء دیوار
نموده سبک نقاشی مغول

نمونه‌های صنعت سلجوقی است که تقریباً نمونه کامل تناسب معماری می‌باشد. در وسط شهر مراغه دو برج مقبره‌ای وجود دارد. یکی از آنها مدور است که سقف یا گنبد آن فرو ریخته، ولی هنوز آثاری از تزیین دیوار درونی در روی گچ پیدا نموده است. تاریخ آن ۵۶۳ هجری (۱۱۶۸ میلادی) می‌باشد. در نزدیکی آن گنبد کبود که بر جی است هشت ضلعی و متعلق به اواخر دوره سلجوقی می‌باشد قرار دارد. تاریخ این بنا تقریباً محو شده، ولی مسیو گدار از روی آثارش آنرا دوباره منظم نموده و تاریخ آنرا ۵۹۳ هجری (۱۱۹۷ میلادی) میداند. تمام سطح این برج تزیین شده است و از اینجهت شبیه بابنیه دوره بعد می‌باشد. در زمانیکه کاشیهای رنگارنگ آن تازه بوده بیشک جلوه عجیبی داشته است. گچ کاری داخل آن اغلب باقی است و کتیبه زیر قاعده گنبد از گچ است. با وجود اینکه بعضی از محققین معتقدند که تزیین گنبد کبود بیش از اندازه است و اهمیت تزیین در اینجا بر سبک ساختمان ترجیح دارد، ولی این برج در حقیقت کاری صنعتی می‌باشد و یادگاری است که بر مهارت و استادی کارگران ایرانی گواهی میدهد. در خارج شهر رضائیه برج مقبره‌ایست بنام سه گنبد و آن مدور و در تاریخ ۵۸۰ هجری (۱۱۸۵ میلادی) ساخته شده است. اطاق داخلی مربع شکل است و قسمت قابل توجه این برج تزیین جلو آنست که سنگ تراشیده قهقهه ای روشن رنگ صیقلی شده را بجای کاشی بکار برده‌اند. در جلو کتیبه‌ای بکوفی دارد و سابقاً کتیبه‌ی بزرگی بکوفی از آجر و گچ دور برج را در قسمت بالا گرفته بوده است.

در نجف و اهواز آنطرف سرحد کنونی ایران و رو در خانه اوس دو برج مقبره‌ای هشت ضلعی از این زمان دیده می‌شود. یکی از آنها که بنام یوسف بن کوثر معروف است در ۵۵۸ هجری (۱۱۶۳ میلادی) ساخته شده. برج بزرگتر مانند گنبد کبود مراغه دارای تزیین زیاد و کاشی کاری می‌باشد و آن بنام مقبره مؤمنه خاتون معروف و تاریخ آن ۵۸۲ هجری (۱۱۸۷ میلادی) می‌باشد. در گرمان برج مقبره‌ای دیگری وجود دارد که شاید تقریباً در همین زمان ساخته شده باشد. این برج معروف به قبر خواجه اتابک است و تزیین آن نیز مانند بنایهای دیگر ذکر شد خیلی زیاد بوده.

آنون گنبد و یکطرف آن خراب شده است. داخل آن اطاوی مریع شکل بوده است و در کج
بریهای آن قطعات کوچک کاشی بکار برده شده. زوایای مریع داخلی بقدری در دیوار نشسته
که تقریباً به سطح خارجی آن که بشکل کثیر الاضلاع هشت ضلعی است میرسد.
بیان صفت معماری سلجوقی بدون اینکه شرحی در باره مقبره سلطان سنجر
آخرین پادشاه اصلی سلجوقی گفته شود کافی نیست. این مقبره در مرو که امروزه جزو
ملکت شاهنشاهی نیست قرار دارد و آن عبارتست از بنای بسیار بزرگی که دور گنبد
اطاوهای دارد. طبقه پائین آن بشکل مریع از آجر ساخته شده و هر ضلع آن ۲۷ متر است
که دیوارهای مستقیم و بلند آن بارتفاع ۱۴ متر میباشد. روی آن اطاوهای نامبرده است که
بوسیله پله‌های ماریع توی دیوار میتوان بدان رسید. از این اطاوهای طاوهای بطرف
بیرون باز میشود و نیز در چهار گوشه پایه‌های اصلی گنبد سوراخی است که میتوان
بدان رشته اطاوهای وارد شد و با نقشهای آجری و کج بریهای عالی تزیین شده. دیوارهای
داخلی رنگ شده و در قسمت بالا کتیبه‌ای بخط کوفی دارد. سلطان سنجر در سال
۵۵۲ هجری (۱۱۵۷ میلادی) وفات یافت. این بنا گنبد دو بوشه بوده و مخالف طرز
ساختمان معمولی سلجوقی است که گندهای آن یک بوشه بوده است. گنبد نامبرده
از کاشیهای آبی رنگ پوشیده شده بود که برای زمان بعد سرمشق شد.

نتیجه

معماران و اهل فن بیشتر از اشخاص عادی که مجنوب آرایش رنگارنگ و
تزیینات ازمنه بعد میشوند، به اهمیت اینیه سلجوقی بی برده و از آن لذت میبرند. با وجود
این باید یاد آور شد که استعمال کاشی رنگی از این زمان شروع شد و روی بعضی از
برجهای مقبره ای مذکور بعلاوه گنبد مقبره سلطان سنجر نمونه های آن دیده میشود.
آقای دونالد وبلیر در پشت مسجد جامع هرات در افغانستان، اخیراً سردی کشف
نمود که در زمان بعد دو مرتبه ساخته شده. در طرفین ساختمان قدیمتر آن کتیبه ایست
از آجر برنگ معمولی که زمینه آن فیروزه ای مایل به سبز است و احتمال میرود متعلق
بزمان سلجوقیان باشد. از نمونه های متعددی که پیدا شده واضح است استعمال کاشی

رنگی در آواخر دوره سلجوقی معمول بوده و پایه پیشرفت و توسعه بی نظیر این نوع تزیین ادوار بعد در این زمان گذاشته شده است.

خلاصه آنکه کاملیت معماری سلجوقیان بیشتر در تناسب و شکل ساختمان است نه در آرایش. اینه این دوره دارای اشکال حقيقی و مؤثر بوده. در این زمان سبک ساختمان مسجد چهار ایوانی در شهرهای بزرگتر معمول گردید، ولی چون ساختمان آن مستلزم مخارج گزاف بود بدان سبک در شهرهای کوچک ساخته نشد. در سقف سازی ترقی و پیشرفته داده شد چونکه طاقهای هلالی شکل تبدیل به یک سلسله گنبدهای کوچک گردید. بعلاوه سبک های جدید بسیاری در قرار دادن گنبد روی پایه ها معمول شد.

در قسمت مرکز ایران پایه هائیکه در هشت گوشه گنبد را نگاه میدارد جای دیوار را گرفت، اما در مسجد جامع قزوین و مقبره سلطان سنجر ونیز در خارج رد که در زمان نظام الملک ساخته شده به سبک اخیر یعنی گنبد روی دیوار است. در اینه ای که در این فصل مذکور گردید کمال معماری ایران را از حیث شکل و تناسب واژ حیث ساختمان که اغلب در آنها آجر بکار رفته مشاهده نمودیم.

فصل نهم

عصر مغول و تیموریان

در این فصل بمطالعه دوره‌ای که از قلعه چنگیز خان و حمله مغول تا زمان صفویه امتداد دارد میپردازیم. در اوائل این دوره خرابی بیش از آبادی بود. طوایف وحشی مغول تحت سرکردگی چنگیز خان و پسرانش شمال ایران و قسمتی از ممالک همچووار را مسخر نموده شهرهای بزرگ را ویران و شهرستانهای ایران را بخاک نشاندند. ولی خوشبختانه جنوب ایران از این قتلنه مصون ماند و بتدریج فرهنگ و صنعت ایران بر فاتحین غالب آمد بطوریکه در اواخر قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم میلادی) سلاطین مغول هواخواه صنعت و معماری شدند و مشوق و حامی آن گردیدند.

دوره مغول مانند زمان سلجوقیان عصر ابتکار و اختراع نیست، ولی معهذا مشاهده میشود که بعضی قسمتهای صنعت پیاپی بلندی رسیده. در معماری بازآیش و تزیین بیشتر از طرحهای جدید توجه میشود. مینیاتور سازی ایران و نقاشی کتب در این عصر شروع شده و مانند شهابی در آسمان صنعت درخشیده و در اواخر این دوره بمنتهی درجه ترقی خود رسیده و در دوره بعد نیز با طرزی بسیار عالی ادامه یافت.

در این دوره فاجعه وحشتناک دیگری برای این کشور دست داد و آن تسخیر و خرابی ایران بدست امیر تیمور که به تیمور لنگ مشهور است بود که در سنه ۷۸۲ هجری (۱۳۸۱ میلادی) شروع گردید. جای بسی تعجب است که این فاتح خونخوار در عین حال مشوق صنعت و ادبیات بوده و پس از آنکه از تسخیر ایران فارغ شد بساختم ابنيه و آثار عالی پرداخت. از نوادر ایام و عجائبات روزگار اینست که ذر این دوره حتی در موقع انقلابات و لشکرکشی‌ها صنعت بطور شگفت انگیزی ترقی و پیشرفت نموده.

۱ — نقاشی و مینیاتور سازی

راجع باصل و سابقه نقاشی ایران چیزهای زیادی نوشته شده است. مقدار زیادی از این مطالب فرضیاتی است که در خصوص نفوذ و تأثیر اشکال زمان قبل در نمو و ترقی نقاشی این عصر بعمل آمده است. یقین داریم که ساسانیان دیوارهای قصرهای خود را با نقاشی تزیین مبنمودند و گفته شده است که کتابی که دارای تصویر سلاطین ساسانی بوده وجود داشته است.

فرقه مانویه که در ایران بوجود آمد دیوارهای معابد و کتابهای مذهبی خود را با نقاشیهای قشنگ زینت میدادند. بر طبق روایات، مانی مؤسس این فرقه نقاش بوده است. بعضی از نمونه های این صنعت در خرابه های شهرهای نزدیک تورفان پیدا شده است. محقق است که نقاشی مانویه در ایران تاریخ طویل دارد، ولی درجه و تأثیر آن در تجدید این صنعت در عصر مغول مشکوک و کاملاً محقق نیست.

میسیحیان نسطوری نسخه های کتاب مقدس را نقاشی میکردند و این کتب در میان دانشمندان دربار خلفاً و نیز در اطراف ایران انتشار یافته بود. نقاشی و تصاویر این کتب ممکن است تا حدی در نقاشی اوائل دوره مغول تأثیر داشته. بعلاوه در زمان خلفای عباسی دسته ای از نقاشان به مصور نمودن کتب مشغول بودند و نقاشی اوائل این دوره از حیث سبک به کار آنها شباهت دارد.

چنان که در فصل قبل مشاهده شد صنعت نقاشی روی ظروف سفالی در زمان سلجوقیان باعلی درجه ترقی رسید. روی دیوارهای کچی نیز نقاشی میشد. میگویند که مقولهای از نقاشان چین را با ایران همراه خود آوردند و به نقاشی آن مهارت توجه و نظر مخصوصی داشتند. تأثیر سبک نقاشی چین در بسیاری از تصاویر اوائل عصر مغول دیده میشود.

بنا بر آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که اغلب بلکه تمام عناصری که ذکر شد در نقاشی مغول که در اواخر قرن هفتم هجری (اواخر قرن سیزده میلادی) ظاهر میگرد تأثیر داشته است. تبریز مرکز نمو این صنعت بوده است.

الف — لقاشی در دوره مغول

یک نسخه کتاب قدیم عصر مغول موسوم به منافع الحیوان که فعلاً در کتابخانه پیربانت مورکان (۱) نیویورک میباشد. یک نوع تاریخ طبیعی است که در تاریخ ۶۹۴-۱۳۰۰ هجری (۱۲۹۵ میلادی) در مراغه نوشته شده و ۹۴ تصویر دارد که از آدم و حوا گرفته تا اقسام حیوانات مختلف را نشان میدهد. بسیاری از تصاویر باشکل طبیعی کاملاً مطابقت دارد، اگرچه عموماً تصویر حیوان مخصوصی نبوده، بلکه شکل معمولی را نشان میدهد. در تصاویر درخت، مو، بوته و پرندگان که در فواصل خالی بین تصاویر حیوانات ترسیم گردیده بسبک مخصوص ایران کشیده شده است. طرح معمولی ابر که بعداً از عناصر مهم آرایش میگردد در این نسخه اولیه و قدیمی دیده میشود. تصاویر این کتاب ظاهراً کار چند صنعتگر مختلف بوده است، زیرا در بین آنها سبکهای گوناگون دیده میشود.

نسخه های مصور شاهنامه فردوسی و جامع التواریخ رشید الدین از این دوره باقی مانده و در موزه ها و گنجینه های شخصی در اروپا و امریکا موجود است. رشید الدین وزیر غازان شاه والجاتیو که سلاطین مغولند بود و نیز نویسنده تاریخ مفصل جهان که به ج مع التواریخ موسوم است میباشد. او عدمای از صنعتگران را در نقطه ای از شهر تبریز جمع نمود و وظیفه ای برای آنها مقرر داشت تا از آن کتاب نسخ متعدد بنویسند و مصور نمایند. اگرچه این وظیفه بزودی پس از مرگ رشید الدین قطع شد، اما چندین نسخه از این کتاب تهیه گردیده و هنوز موجود است. معروفترین نسخه این کتاب بدو قسمت شده که یک قسمت آن تحت اختیار انجمن سلطنتی آسیائی (۲) در انگلستان و قسمت دیگر در کتابخانه دانشگاه ادینبرو (۳) در اسکاتلند است. تاریخ این نسخه ۷۰۷-۷۱۴ هجری (۱۳۰۷-۱۳۱۴ میلادی) است. قسمت اول این تاریخ دارای تصاویر متعددی از حکایات کتاب مقدس و قرآن، هاند داستان یونس و نهنگ، قصه نوح و فامیلش در کشتنی وغیره میباشد. در

این تصاویر نفوذ مسیحی دیده میشود و شاید نقاشی سلطوریان در این تصاویر تأثیر داشته است. در باره رستم و افسانه های قدیم ایران و نیز مناظر و وقایع هندوستان تصاویری در این کتاب دیده میشود.

قسمت دوم کتاب که قبل از قسمت اول نوشته شده بوده راجع به تاریخ مغول است. تصاویر آن کاملاً سبک چین است ولی اشکال آن مغولها را بالباس و اسلحه مخصوص خود نشان میدهد. در این تصاویر رنگهای زیادی استعمال شده ولی به رنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده است. سایه را با رنگ نقره نشان داده اند و این رنگ در طول زمان بر رنگ سیاه مبدل گشته. نسخه های دیگری از جامع التواریخ موجود است که متعلق به مین دوره است. در کتابخانه ملی پاریس (۱) نسخه مشهوری از این کتاب وجود دارد که از قرار معلوم بعد از مرگ رشید الدین نوشته و مصور شده است.

در بعضی از نسخ شاهنامه از این زمان مینیاتورهای دیده میشود که از حیث سبک با مینیاتورهای فوق الذکر کاملاً فرق دارد. نفوذ تأثیر نقاشی چین در آن خیلی کمتر است و تصاویر آن بسیار شبیه باشکال روی سفال زمان سلجوقیان است. در این مینیاتورها در قسمت زمینه و لباس اشخاص طلا زیاد استعمال میشود. رنگهای آن فهود ای روشن و تیره است و انواع مختلف سبز و آبی و سیاه و طلائی نیز استعمال میشود. این رنگها ما را بیاد سفال مینائی قرن گذشته میاندازد و بعضی را عقیده برآنست که از حیث سبک این مینیاتورها از زمان سلجوقیان شروع شده است، ولی چون تصاویر آن ملبس بلباس مغولی است این مطلب صحیح نیست و نمیتوان آنرا قبول کرد.

سبکهای مختلفی که شرح دادیم شبیه به نقاشیهای است که با قلم یا قلم مو طرح شده و بعد آنها رنگ زده اند، ولی بخلاف اینها سبک دیگری در اوائل دوره مغول دیده میشود. در این قسم نقاشی بجای آنکه طرح مختصری کشیده و زمینه آنرا باز گذارند، زمینه آنرا با نقشه پرمینماهند. مناظر طبیعی اینگونه نقاشیها معمولاً سبک چینی است، ولی تصاویر اشخاص سبک مغولی یا اسلامی است و بسیاری از صورتها بطوری بادقت و خوب کشیده شده که توسط آنها میتوان بمطالعه خصائص نژاد مغول پی برد. در بین

موضوعیکه کشیده شده به عملیات بهرام گور و اسکندر کبیر توجه زیادی میشده است. استعداد ولیافت ایرانیان برای ترکیب رنگهای مختلف در این نقاشیها بخوبی نمایش داده میشود. تباين رنگهای روشن و ترکیب انواع الوان بطور کامل در این دیده میشده. این تصاویر به نقاشیهای بزرگ مانند نقاشی دیوار و نیز به مینیاتورها شباهت دارند.

در سبکهای مختلف اوائل دوره مغول عناصری دیده میشود که بتدریج نمود و ترقی نموده و بفاصله یک قرن مینیاتور سازی مشهور ایران را بوجود آورده. اشکال و سبکهای خارجی در نقاشی تدریجاً تبدیل و تغییر یافته و سبکی بوجود آمده که کاملاً ایرانی است.

ب - نقاشی در عصر تیموریان

تیمور لنگ در سال ۷۸۲ هجری (۱۳۸۱ میلادی) شروع تسخیر ایران نمود. مانند فتنه مغول فتح تیمور با خرابی و ویرانی بسیار همراه بود، ولی هنرمندان و صنعتگران شهرهای تسخیر شده به سمرقند برده شدند و معماری و صنعت در آنجا تشویق و ترغیب شد. در این شهر و مخصوصاً در زمان جانشینان تیمور در هرات مینیاتور سازی بمنتهی درجه ترقی خود رساند.

از زمان تیمور چند نسخه کتاب با تصاویر خیلی عالی موجود است، ولی این کتب در شیراز و بغداد نوشته و مصور گردیده. در کتابخانه مصر در قاهره یک نسخه شاهنامه است که در سال ۷۹۶ هجری (۱۳۹۳ میلادی) در شیراز نوشته شده. یک نسخه کتاب در موزه بریتانیا موجود است که شرح داستان عشق همای شاهزاده ایرانی و همایون دختر امپراطور چین است و در سال ۷۹۹ هجری (۱۳۹۶ میلادی) نوشته شده. این کتاب بخط میر علی تبریزی است که مختصر خط نستعلیق بشمار میرود. نسخه دیگری از شاهنامه در سال ۸۰۰ هجری (۱۳۹۷ میلادی) نوشته شده که قسمتی از آن فعلأً در موزه بریتانیا است.

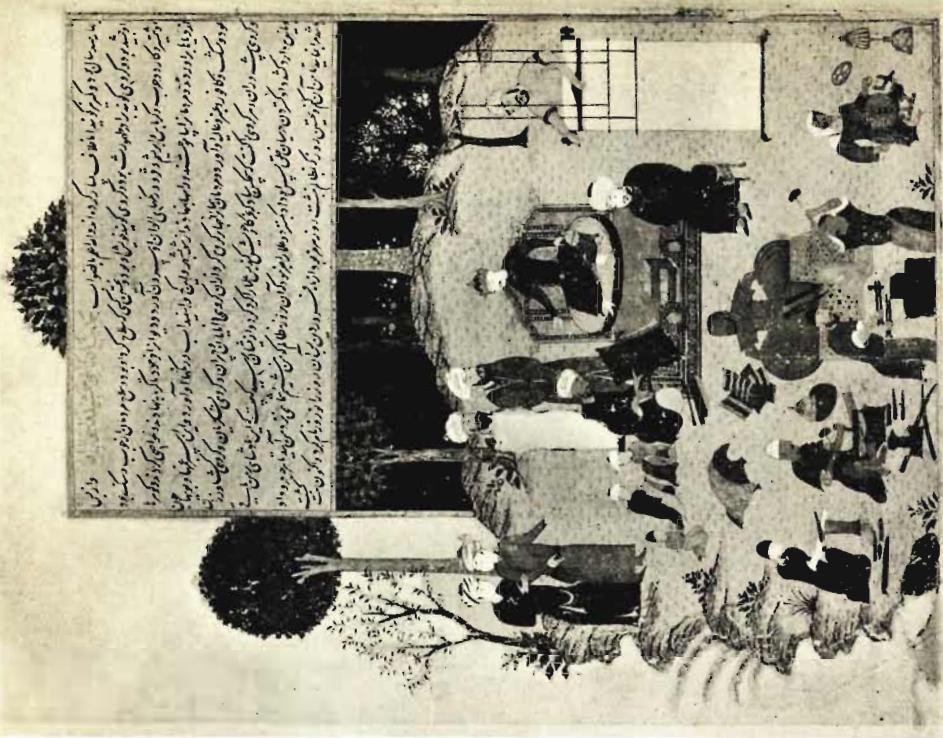
مینیاتورهای این کتب از حيث سبک بیکدیگر شباهت دارند و به شیوه مینیاتور سازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد خیلی شباهت دارد. خصائص این قسم مینیاتور عبارتست از کوههاییکه در فواصل معین با سبزه پوشیده، افق بلند و رنگهای جدید به الوان گونا گون.

از کارهای بهزاد در کتابیکه دو بانو در قسمت رایین گوش سمت راست درست دارد
این عبارت نوشته است: « عکس سلطان حسین میرزا، کار بهزاد »
(متفاق بر دولت شاهنشاه ایران)



از عصر تیموری

تھویر از تاریخ طبری . جمیل نعلیم صنایع و حرف میکند .



کرچه شاهرخ چهارمین پسر تیمور بود، اما چون در موقع مرگ پدر در خراسان حکومت میکرد، در نتیجه بعضی پیش آمدها وارث امپراطوی وسیع تیمور و جانشین او گردید. شاهرخ پایتحت خود را به هرات انتقال داد. خود او شاعر و صنعتگر بود، پس از او پرسش بای سنقیر بیش از پدر مشوق و حامی صنعت و علم و ادب گردید. او کتابخانه بزرگی در هرات تأسیس نمود و در آنجا چهل نفر از بزرگترین نقاشان، خوشنویسان و صحی فان را جمع کرد و در تحت نظر این «فرهنگستان صنعت» و بدست آنان عصر طلائی مینیاتور سازی ایران ظاهر گردید.

نقاشیها و تصاویری که این صنعتگران کشیده‌اند مقیاس کوچک است و در ساختن آنها دقت زیاد کرده و مخصوصاً به ریزه‌کاری خیلی اهمیت داده اند. این مینیاتورها تأثیر آرایشی فوق العاده دارند و رنگهای جدیدی که در آنها استعمال شده لطیف و خوش منظر است. در این مینیاتورها فاصله‌های بین تصاویر بطرز تازه نشان داده میشود، چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند. طبقات نازک صخره و کوههایی که باقی منتهی میشود با انواع رنگهای قشنگ ساخته شده. درختان، گل و گیاه و جزئیات آنها با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگ است و برای نشان دادن ابر پیچ نازکی بسبک چین کشیده شده. آسمان شب را با رنگ سورمه‌ای و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده اند.

شاهرخ و بای سنقیر بشعر سعدی و نظامی علاقه مخصوصی داشتند و شاعر معروف جامی بعداً در دربار هرات زندگی میکرد. اگرچه نقاشان بمصور ساختن و مینیاتور کاری شاهنامه فردوسی ادامه میدادند، ولی در این زمان آثار شعرای بزمی و سیله و صحنه جدیدی برای ابراز این صنعت بوده و کتب سعدی و نظامی را استنساخ کرده و با مینیاتورهای عالی آرایش گرده‌اند.

اگرچه صنعت مینیاتور در دوره تیموریان پیشرفت زیاد نموده و با آخرین درجه ترقی رسید، ولی در عین حال این صنعت بدل سلسله قیودی مقید گردید که صنعتگر

را در شیوهٔ سبک محدود نموده. آزادی او را سلب کرد و با اینکه صنعتگر در انتخاب موضوع کاملاً مختار بود، در سبک و طرز عمل مجبور بود که از اصول معینی پیروی نموده از آن منحرف نشود.

یک موضوع چندین بار و بوسیلهٔ صنعتگران مختلف کشیده شده و یا اینکه یک نقاشی عالی را سرمشق قرار داده از روی آن نسخه‌های متعدد برداشته اند. باید بخاراط داشت که مینیاتورهای ایرانی مانند عکاسی نیست بلکه بیشتر جنبهٔ آرایش و زینت دارد و هیچگاه سعی نشده است منظمه‌ای که نشان داده میشود معینه همان باشد که بچشم یا دوربین عکاسی می‌آید. در نقاشیها قالی، کف اطاق، حوض و غیره بطوری نشان داده شده که تمام سطح همهٔ آنها دیده شود. اینگونه نقاشی البته برای نشان دادن تزیین و ریزه‌کاری وسیلهٔ خوبیست. بعلاوه مینیاتورهای ایران با تزیین آن بیشتر صحنه‌نمایش شبیه است تا به منظره‌ای از زندگانی حقیقی یا مناظر طبیعی. کوه و تپه و ابر و غیره بطبق دستورهای معینی است و قوّهٔ مخلیه و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. درخت و گیاه و تصاویر اشخاص با دقت و ریزه‌کاری دقیق انجام یافته و صنعتگر هرگونه اثر تزیینی که بخواهد میتواند بوسیلهٔ ترکیب رنگهای مختلف ایجاد نماید.

شاهرخ در سال ۸۵۰ هجری (۱۴۴۷ میلادی) وفات یافت و پسرش بای سنقر که حامی و مشوق صنعت و ادب بود قبل از پدر زندگانی را بدروود گفته بود. پس از مرگ شاهرخ مملکت دچار اختشاش بزرگی شده و مدعیان تاج و تخت سلطنت زیاد گشتند، ولی با وجود این انقلابات و تحولات نقاشی به ترقی و پیشرفت خود ادامه داد. بالاخره سلطان حسین با یقرا به تخت سلطنت نشست. او سی و هفت سال در هرات سلطنت کرد و در سال ۹۱۱ هجری (۱۵۰۶ میلادی) بدروود حیات گفت. خود سلطان و وزیر معروفش هیرعلی شیر، شاعر نامی، مشوق و حامی صنعت بودند.

بزرگترین نقاشان در تمام تاریخ ایران یعنی کمال الدین بهزاد در دربار سلطان حسین میزیسته است و گویند که او شاگرد بیرون سید احمد تبریزی بوده است. مینیاتورهای زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده و یا اسم او پای آنها

نوشته شده است، ولی تقریباً همه آنها مورد تردید بعضی از خبرگان و اهل بصیرت است و معلوم نیست که کارهای اصلی استاد بهزادگ کدام است. در این خصوص باید بخاطر داشت که نقاشان عصر نیموریان قبل از بهزاد کارهای انجام داده اند که اگر کاملاً بیای کارهای بهزاد نرسند، نزدیک به آن میباشند. یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم علی بود که گرچه شهرت بهزاد را نداشت، اما کارهایش بیایه کارهای وی میرسد. در نفر از شاگردان بهزاد نیز، شیخ زاده خراسانی و آقا میراک تبریزی، تقریباً بهمان درجه استادی بهزاد رسیده اند. هیتوان تصور کرد که بسیاری از نقاشیها را خود استاد طرح ریزی کرده و شاگردانش آنها را تمام و کامل کرده اند. مینیاتور دولائی از آن دوره که اکنون بدولت ایران تعلق دارد دارای منظره باغ و تصاویر متعدد است. در گوشة راست در سمت پائین تصویر دو نفر زن است که کتابی کوچک در دست دارند و روی آن کتاب این جمله بسیار ریز نوشته شده: « تصویر سلطان حسین میرزا - عمل بهزاد »؛ مینیاتور ناتمام دیگری که تقریباً المنشای کامل منظره قسمت چپ آن مینیاتور دولائی میباشد در بیک مجموعه شخصی است.

خصوصیات بهزاد بقرار ذیل است:

- ۱ - درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر؛
- ۲ - نمایاندن وضع چهره و قیافه اشخاص بطور شگفت انگیزی بوسیله ترکیب انواع رنگها؛
- ۳ - حرکت و مفهوم بودن اشارات تصاویر؛
- ۴ - ظرافت در کشیدن درختها، گلها و دورنمایها و نیز در نمایش اشعه خورشید و ابر؛
- ۵ - شماره رنگها کوئا گون و توافق آنها با یکدیگر. در نقاشی بهزاد به رنگهای « سرد » مانند سورمه‌ای، سبز سیر، فیروزه‌ای، سبز روشن، رنگ زیتون، زرد و قهوه‌ای بیشتر توجه شده. طلاق و نقره نیز بکار رفته و اقسام مختلف رنگ قرمز استعمال شده است.

بهزاد را اعجوبه زمان و استاد عصر خود نامیده اند، به برای آنکه سبک جدیدی در مینیاتورسازی ایجاد نمود، بلکه بواسطه اینکه او صنعت را در کلیه جزئیات آن بمنتهی درجه رسانده و کامل کرده است. کارهای او تا عصر بعد ادامه داشته و بسبک او نقاشی میشده است.

بخاطر داشتن تاریخهای نقاشی و معماری عصر مغول و نیموریان مشکل نیست

دورهٔ فعالیت مغولها در این زمینه تقریباً شامل قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) میگردد و تجدد صنعت دورهٔ تیموریان تقریباً با قرن نهم هجری (قرن پانزدهم میلادی) مطابقت میکند.

۳— سفال سازی در عصر مغول و دورهٔ بعد

پس از آنکه شهر ری بدست مغول منهدم گردید، بنظر میرسد که آن شهر از مرکزیت صنعت سفال افتاد. مقداری سفال مانند ظرف و کاشی و غیره در نواحی ورامین پیدا شده و ممکن است که آنجا مرکز ساختن سفال شده باشد. خرابه‌های سفال سازی در سلطانیه و تبریز پیدا شده و معلوم میشود که کاشی و سفال در این نقاط ساخته میشده، ولی در دورهٔ مغول سلطان آباد مرآت مهمن سفال سازی گردید.

در سلطان آباد سه‌گهای مختلف جدیدی در سفال سازی بوجود آمد. اغلب طروفیکه در آنجا پیدا شده دارای تزیین برجسته است و بعضی از آنها دارای خصائص صنعتی بسیار عالی از حیث زیبائی و شکل هستند. سبو، کوزه، گلدان و غیره با اشکال حیوانات و گل بطور برجسته ساخته شده. قالب ریزی تصاویر خیلی قشنگ و طوری است که با شکل ظرف متناسب باشد. بعد تمام کوزه از لعب رنگی پوشیده میشود که رنگ آن اغلب سرمه‌ای و کاهی ارغوانی و یا رنگ دیگر بوده.

شكل دیگر عبارتست از تصاویر سیاه رنگی که روی آرا با لعاب شفاف می‌پوشانیدند که معمولاً برنسگ فیروزه بود. بعضی از نمونه‌های این سبک درجهٔ عالی سفال سازی را نشان میدهد. برخی از باستان شناسان این نوع سفال سازی را از کاشان میدانند نه از سلطان آباد. نقش دیگر سفالهایی که بیشتر بدست هیآید عبارت است از طرحی سیاه روی زمینه سفید یا رنگ روشن. بجای گل و گیاهاییکه در زمان قبل بطرز مخصوص کشیده میشود، برگهای طبیعی از خصائص مهم تزیین میگردد و حروف کوفی نیز برای آرایش استعمال میشود. بشقابهای بزرگ سورمه‌ای که تصاویر برجسته روی آنها نقش گردیده و سطح آنها بچندین قسم تقسیم شده و همچنین کاسه‌های نازکی برنسگ سورمه‌ای یا نخودی پیدا شده است.

بر جسته کاری در کاشی مقام مهمتری احران مینماید. مقدار زیادی از کاشیهای ستاره‌ای شکل زمان مغول دور لبه تاریخ دارند. در وسط این کاشیها عمولاً شکل انسان یا حیوان لعاب داده و براق است و نوشه‌ای دور آن برنگ سفید روی زمینه سورمه‌ای است یا اینکه فقط برنگ سیاه نوشته شده است.

علاوه کاشیهای ستاره‌ای و صلیبی که در اوائل این دوره ساخته شده، بعداً کاشیهای بزرگ قالبی با کتیبه دیده میشود و عمولاً بشکل محراب ساخته شده‌اند و یا اینکه کتیبه قالبی روی یک رشته کاشی برای تزیین در معماری بکار میرفت. کاشیهای مربع شکل خیلی عالی نیز ساخته میشده که ترکیبی بود از طرح لعاب داده با اشکال و نقشهای بر جسته. کاشیهای دیگر کتیبه دارند که روی زمینه براق تزیین شده است یا روی زمینه ساده و رنگ متضاد آن.

در قرن ۱۵ میلادی یک قسم سفال در ایران ساخته شده که گل و غیره برنگ سیاه زیر لعاب سبز براق نقاشی میشد. مقداری از این سفال که تاریخ هم دارد موجود است.

در اینجا باید از کاشیهای ساختمان و موزائیک هائیکه با کاشی ساخته شده ذکر نمود. نمونه‌های زیبای این قسم کاشی را در قسمت معماری این فصل بیان خواهیم نمود.

کاشیهای قشنگ برنگهای مختلف ساخته میشد. در موزائیک کاری بیشتر رنگ سورمه‌ای و فیروزه‌ای بکار میرفت. سفید، زرد، سبز، قهوه‌ای و سیاه نیز برای طرحهای پیچیده استعمال میشد. صنعت کاشی سازی با بهترین رنگها و لعابها و بریدن کاشی به قسمتهای ریز برای تشکیل قطعات بزرگ موزائیک در زمان مغول و مخصوصاً در عصر تیموریان کاملاً تکمیل گردید و باعلی درجه ترقی رسید.

۳ - بافتگی و قالی بافی

تا کنون نمونه‌های کمی از منسوجات بدست آمده که میتوان حتماً از دوره

مغول و عصر تیموریان در ایران داشت، ولی از قرار معلوم بجای نقشه و طرحهای مکرر دوره سلجوقی عموماً طرح گل استعمال میشد. در این زمان کالای چینی زیاد مورد تحسین ایرانیها بوده و بیشک از منسوجات چینی در ایران تقلید میشد. است.

میدانیم که قالی و قالیچه در این عصر مورد استعمال زیاد داشته. بعضی از نقاشهای این دوره معروف به نقشه کش قالی بودند. بهترین دلیل اینکه در این زمان قالی زیاد باقته شده اینست که در مینیاتورها نقشه آنها را کشیده‌اند. عصر مشعشع قالی بافی دوره بعد است و از اینجهت شرح این قسمت صنعت را به فصل آتیه متحول میداریم.

۴ — فلزکاری

تا آنجا که با اطلاعات فعلی میتوان قضاوت نمود پس از غلبه مغول فلزکاری مقام مهمی در ایران نداشت و دلیل آن شاید آن بوده که بسیاری از صنعتگران و کارگران برای فرار از شر مغول ایران را ترک گفته و مهاجرت نمودند. برای اثبات این مدعی از منابع تاریخی و ادبی معلوم میشود که صنعتگران ایرانی در این موقع تا به مصراحت شده شده بودند.

در اواخر دوره مغول و مخصوصاً در عصر امپراتوری تیموریان بصنعت بیشتر توجه میشد و از اینجهت سبک جدیدی در فلزکاری بوجود آمد. اشکال و تصاویری که قیافه و لباس اعضاء دربار ایران را داشتند جای اشکال و تصاویر عربی دوره قبل را گرفتند، مخصوصاً ترسیع فلز در عصر تیموری بمنتهی درجه ترقی رسید.

۵ — معماری

محرابی از کاشی شفاف مسجد میدان کاشان بدست آمده که فعلاً در یکی از موزه‌های برلن است. تاریخ آن ۶۲۳ هجری (۱۲۶۶ میلادی) است که چند سال بعد از خرابی کاشان بدست مغول میباشد. این محراب نشان میدهد که لا اقل در بعضی از نقاط ایران فوراً پس از غلبه مغول دو باره بساختن ابنيه پرداختند. از قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم میلادی) بقایای معماری و ساختمان زیادی هنوز بدست نیامده، ولی از

اواخر این قرن چند آثار کشف گردیده است. میخاب مسجد جامع رضائیه در تاریخ ۶۷۶ هجری (۱۲۷۷ میلادی) ساخته شده و برج مقبره‌ای که در رادکان شرقی نزدیک مشهد واقع است در سال ۶۸۰ هجری (۱۲۸۱ میلادی) ساخته شده. برج مقبره‌ای ورامین در سال ۶۸۸ هجری (۱۲۸۹ میلادی) ساخته شده و برج مقبره‌ای عبدالله در دماوند نیز شاید متعلق با اوخر همین دوره باشد.

هلاکو خان که از سال ۶۵۴ تا ۶۶۳ هجری (۱۲۵۶-۱۲۶۵ میلادی) در ایران سلطنت نمود، رصد خانه‌ای در مراغه پایتخت خود بنا کرد. از این رصد خانه چیزی باقی نمانده جز اینکه در بالای تپه مجاور چند غار میباشد که ممکن است با رصد خانه هزببور مربوط بوده است.

غازان شاه که از ۶۹۴ تا ۷۰۳ هجری (۱۲۹۵ - ۱۳۰۴ میلادی) سلطنت کرد، عصر جدید ساختمانی در بعضی مناطق ایران شروع کرد و مخصوصاً در تبریز که پایتخت او بود چندین ابینه بنا نمود. مهمتر از همه آنها مقبره اوست که در شام غازان است که در مغرب تبریز واقع گردیده. این مقبره مشهور ترین ابینه زمان خود بوده که اکنون بکای منتهی و خراب شده و یک آجر درست بسته‌ی میتوان در آن مکان یافت. و نیز محل زیبائی بنام رشیدیه که رشید الدین وزیر معروف در شمال شرقی تبریز بنا نمود کامل‌آزاد بین رفته و از آن بنای عالی که شامل رصد خانه، کتابخانه، بیمارستان، مسجد و قلعه بود فقط تکه‌های کاشی رنگی آجر، سفال شکسته و سنگ باقی مانده است. در اوائل قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) رشیدیه شاید مهمترین مراکز تعلیم و تربیت و دارالعلم مشهور دنیا بوده است.

میگویند که مسجد علیشاه در تبریز که گویا توسط رقیب رشید الدین ساخته شد، طاقی هلالی داشته که از طاق کسری یا تیسفون بزرگتر بوده و از منابع ادبی و تاریخی معلوم میشود که با کاشیهای الوان و مرمر تزیین شده بوده. بقایای این بنای بزرگ که امروزه بنام ارک تبریز نامیده میشود اثری از تزیینات رنگی ندارد، ولی با وجود خرابی مانند کوهی از آجر در وسط شهر قرار دارد و موج شکفت و حیرت بیننده است. تمام

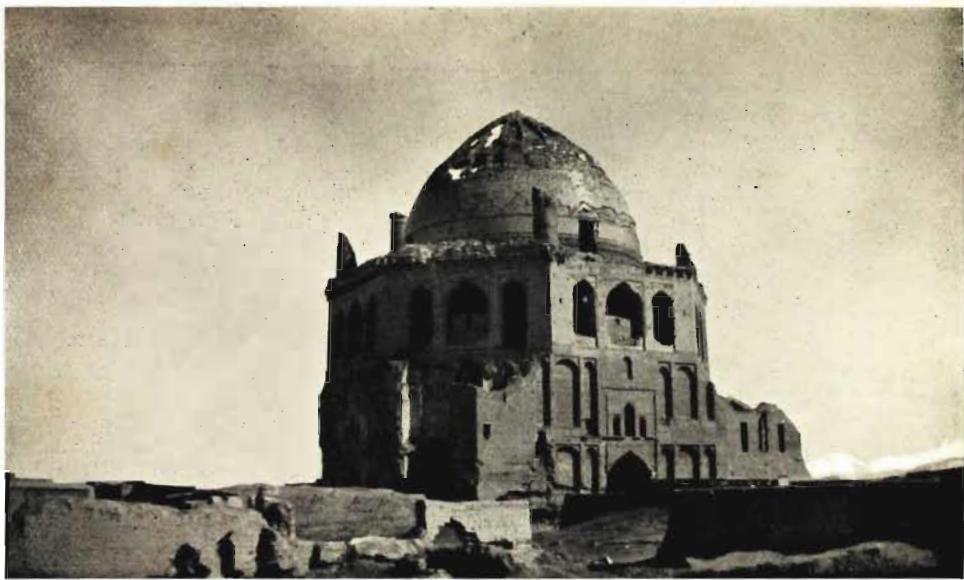
بنا در اصل از هر حیث خیلی عظیم بوده. مناره بسیار بزرگی داشته و در زمان خود شاید یکی از بزرگترین و با هیبت ترین ابنیه دنیا بوده است.

الجاییو خدا بندۀ که از ۷۰۳ - ۷۱۷ هجری (۱۳۰۴ - ۱۳۱۷ میلادی)

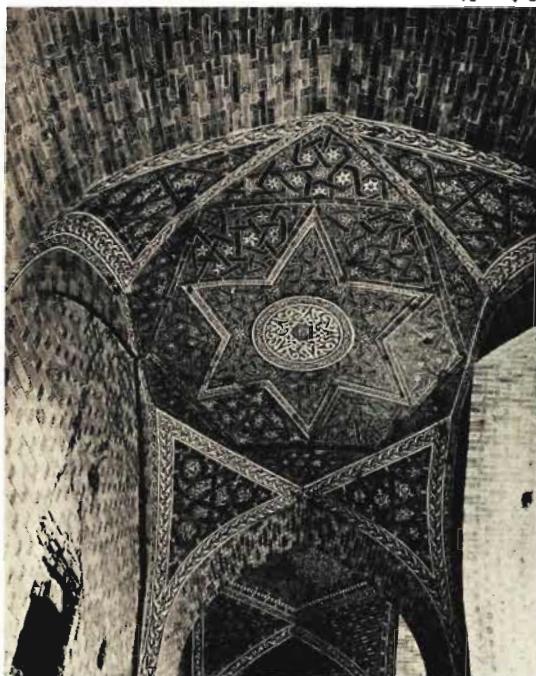
سلطنت میکرد، پایتخت خود را به سلطانیه در مشرق زنجان انتقال داد. مقبره او در این نقطه بزرگترین بنای‌های عصر مغول است که تاکنون مانده و از عالیترین آثار ساختمانی ایران بشمار می‌رود. این بنا از حیث معماری، تزیین و عظمت مشهور می‌باشد و بنائی است هشت ضلعی که در قسمت بالای دیوار دور تا دور اطاق دارد و از هر ضلع آن سه طاق از اطاقها بطرف خارج باز می‌شود. در بالای هر گوش مناره‌ای بوده و بین اینها گنبد نوک تیزی قرار دارد. این گنبدیک پوشش بوده اما تزیین روی آن تشکیل قشری داده که بوسیله دندۀ هائی نگاهداشته شده. در سمت جنوب مسجد کوچکی با محراب و حاشیه‌گچ بری به بنای اصلی اضافه شده است و در جهات دیگر پلکان به اطاقهای بالا و ساختمانهای دیگر داشته است.

گنبد از کاشیهای فیروزه‌ای رنگ پوشیده شده. گیلوئی بالای دیوار از کاشی است و اغلب قسمتهای دیگر بنا نیز با کاشی زینت داده شده. سقف داخل اطاقهای بالا با گچ بریهای رنگی و آجر کاری تزیین یافته و هنوز نمونه‌های بسیاری از طرحهای زیبا و ظریف معماری ایران در این مکان دیده می‌شود. قسمت پائین دیوارهای داخلی سابقاً با کاشی و آجر تزیین شده بوده. چهار دیوار اصلی بنا با طرحی از کثیر الاصلاعهای متقطع و ستاره‌های پنج پر بکاشی و گچ بری تزیین شده. چهار دیوار دیگر با تکه‌های کاشی آبی و آجر قهوه‌ای روشن رنگ مزین شده. بالای تزیین قسمت پائین دیوارهای فضای زیر گنبدیک حاشیه گچ بری آرا احاطه نموده و حروفی با رنگ قرمز روی آن نقش شده. قسمت بالای دیوارها با کتیبه رنگی گچی زینت یافته.

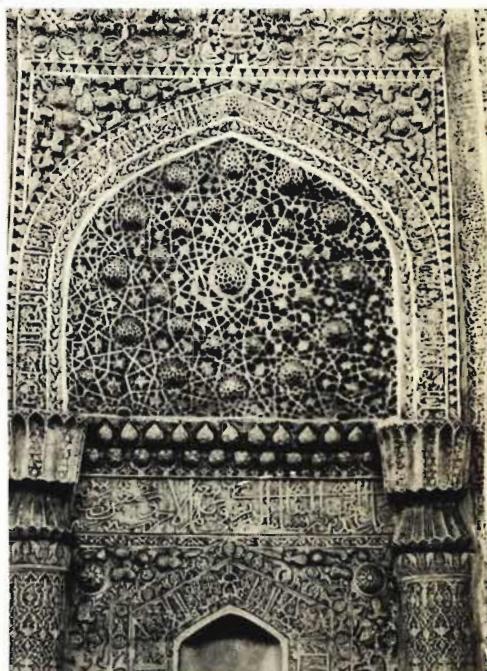
این گنبد بزرگترین گنبد های ایران است. ارتفاع فضای زیر آن تقریباً ۱۵ متر و عرض آن ۲۴ متر و ۰۴ سانتیمتر می‌باشد. اگر کسی در داخل اطاق ایستاده باین گنبد عظیم نگاه کند، عظمت و بزرگی آن در او حس حیرتی ایجاد مینماید.



مقبره الجاتیو خدا بندۀ در سلطانیه . بزرگترین گنبدهای ایران است
که تا کنون بر پا میباشد .



تزیین سقف اطاقهای اطراف گنبد مقبره الجاتیو
در سلطانیه



محراب مسجد جامع رضائیه
(مورخ ۶۷۶ هجری ۱۲۷۷ میلادی)

کوزه مسی رنگ جلدار



کاشی با کتیبه بر جسته سورمه‌ای و نقش مسی رنگ جلدار
(اوائل قرن هشتم هجری)



طرز ساختمان اطاقهای دور گنبد نظیر مقبره سلطان سنجر که قبل از شرح آن برداختیم و مقبره خرابه طوس که بعداً شرح خواهیم داد میباشد. این دو بنای اخیر بشکل مرغی هستند، در صورتیکه مقبره الجاتیو هشت ضلعی است. از نظر معماری این مقبره تقليد از هیچ بنای نیست بلکه اختراعی است برای ساختن بنایی به اين بزرگی مركب از برج هشت گوش و گنبد مکعب. تزیینات آن قشنگ و باشکوه است و نشان میدهد که صنعت کاشی کاری در اين زمان بدرجۀ خيلي عالي رسیده بوده.

در ابرقو آثار متعددی از عهد مغول هانده. از جمله مسجد جامع است که بسبک چهار ايوان ساخته شده و نيز مقبره حسن کیخسرو و ابنيه دیتگر. مجرابی در مسجد جامع پيدا شده که تاریخ آن ۷۳۸ هجری (۱۳۳۸ میلادی) است.

بعضی از قسمتهای مسجد جامع نطنز و بناهای مجاور آن متعلق به زمان مغول است. اين ابنيه و نيز آثار ابرقو را مسيو گدار در شماره اول آثار ايران كاملاً تشریح نموده است.

يک بنای کوچک قابل توجه زمان مغول مقبره پیر بکران است که در درۀ کوچك قشنگی در ۲ کيلومتری اصفهان واقع شده. اين بنا از حيث مصالح و طرح ساختمان شبيه معماری زمان ساساني است و عبارت است از يك ايوان بزرگی که از سنگ ساخته شده. طاق ايوان بجای اينکه مانند طاقهای ساساني هلالی باشد، نوک دار است. اين بنا در سال ۷۰۳ هجری (۱۳۰۳ میلادی) ساخته شده و به سال بعد تعمیر یا ساختمان آن تجدید گردیده است. مسجد جامع کاج که تقریباً صد کيلومتری جنوب غربی اصفهان واقع است، از اين دوره میباشد و بواسطه شكل عالي و تناسب بين گنبد و طاق و غيره مورد تحسین و تمجيد اهل فن واقع گردیده.

مسجد وقت الساعه يزد از جمله ابنيه‌ای است که در اصل بعلاوه مسجد شامل مدرسه، کتابخانه، و رصدخانه نيز بوده و در سال ۷۲۶ هجری (۱۳۲۶ میلادی) ساخته شده است. مسجد آن بنای بزرگ گنبد داری بوده که مدخل آن مانند اغلب بناهای اين قرن ايوان بلند طاقدار داشته، ولی اين مدخل از بين رفته. گنبد بزرگ آن روی

پایه هائی قرار گرفته که سوراخ دارد تا داخل گنبد را روشن نماید. نقشه‌ای دور گنبد باستثناء چند قسمت که کج بری برجسته است رنگ شده. این ساختمان اصلاً کج بریهای مفصلی داشته. خود گنبد و بعضی از قسمتهای فضای زیر آن کتیبه‌های بزرگ رنگی به خط کوفی و نسخ دارد و بین آنها طرحهای گل و برگ عربی نقش شده است. دیوارها و محراب با طرحهای قشنگی کنده شده و دارای تذهیب و رنگهای مختلف میباشد. پرسود پوپ میگوید که ظرافت و نازک کاری این تزیین شخص را بیاد زر دوزی و قلاب دوزی ایران میداند و این در شهر یزد که برای صنایع بافندگی خود مشهور میباشد موجب تعجب نیست.

مقبره شمس الدین نزدیک یزد نمونه ایست از ساختمانهاییکه دارای تزیینات مفصل کاشی و گچ بری است. این بنای قشنگ و رنگارنگ در حوضی که جلوی آن ساخته شده بود منعکس میگردید. بدون شک بسیاری از اینهای آن زمان چنین حوض یا استخری در جلو داشته‌اند، ولی چون اطراف آنها تغییر داده شده اثری از آنها نمانده است.

مسجد جامع یزد تاریخ مفصلی دارد، زیرا در ادوار مختلف ساخته شده است. روی یکی از محرابهای آن تاریخ ۷۷۷ هجری (۱۳۷۵ میلادی) نقش شده. قسمت بزرگی از ساختمان ممکن است متعلق به قرن بعد باشد، ولی این مسلم نیست زیرا اخیراً کشف شده که بسیاری از ساختمانهای منسوبه به قرن هشتم هجری جزو آن قسمت است که سابقاً از قرن بعد میدانستند. چون آثار زیادی از این قرون باقی نمانده با اطلاعات فعلی راجع به تاریخ و دوره ساختمان آن نمیتوان اظهار عقیده نمود، ولی نظر باینکه اطلاعات ما در این زمینه روز بروز زیادتر شده و مطالب تازه کشف میگردد، تعیین تاریخ اینه دوره قرون وسطی خود علمی صحیح و دقیق خواهد گردید. مسئله قابل توجه اینست که معماران و سازندگان مسجد جامع یزد مسئله روشنایی غیر مستقیم را بوسیله انعکاس نور از کچ سفید گنبد و دیوارها حل کرده بودند. کاشیهای خیلی اعلا در این بنا موجود است و شرح مفصل بنا و تزیینات آن اگر نوشته شود شیرین و جالب توجه خواهد بود. از یزد تا شاهرود مسافت زیادی است، ولی اگر توجه خود را بدان نقطه

معطوف داریم خواهیم دید که در بسطام نه کیلومتری شاهرود یکعده ساختمان است که بعضی از آنها بدورة مغول تعلق دارد. از سردری که با کاشیهای سبز رنگ و فیروزه ای و نقشهای برجسته و کتیبه دار. تزیین شده و از طاقیکه مقرنسهای گچی دارد، شخص وارد صحنه میشود. در اینجا دو برج مقبره‌ای کوچک وجود دارد که سقف مخروطی شکل دارند و با کاشیهای آبی پوشیده شده‌اند. در عقب صحنه سردر بزرگی است که با آجر کاشی زینت یافته. در سمت چپ مسجد قدیمی است که برای محراب قشنگ و کتیبه دور دیوار آن و نیز برای هنبت کاری درهایش مشهور میباشد. یکی دیگر از خصائص این بنا اینست که گنبد ندارد و سقف آن با ستونهای چوبی نگاهداشته شده. این طرز ساختمان در نقاط مختلفه در هر عصر دیده میشود.

در طوس که نزدیک مشهد و محل تولد فردوسی شاعر بزرگ ایران است و اخیراً بافتخار جشن هزار ساله تولد او در آنجا بنای بیادگار ساخته شده است، تقریباً تنها آناری که باقی مانده مقبرهٔ صریح شکل گنبد داری است که شاید در قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) بنا شده باشد. در بالای دیوار اصلی یک رشتہ اطاوه‌ائی است که شبیه مقبره سلطان سنجر و الجاتیو میباشد. گنبد آن دو پوشه بوده و تا آنچا که اطلاع داریم آرایشی از کاشی نداشته و فقط با آجر و گچ بری تزیین شده بوده. در سرخس بنایی است شبیه به بنای نامبرده که شیخ محمد بن محمد لقمان برای آرامگاه پدر خود ساخته و تاریخ آن ۷۵۷ هجری (۱۳۵۶ میلادی) است.

یکی از بنایهای مشهور ایندوره مسجدورامین است که در زمان سلطنت ابوسعید پسر الجاتیو بنا شده. دو تاریخ روی آنست، یکی ۷۲۲ هجری (۱۳۲۲ میلادی) که از قرار معلوم تاریخ شروع ساخته است و دیگری ۷۲۶ هجری (۱۳۲۶ میلادی) که در انتهاء کتیبهٔ فضای زیر گنبد، در گوش سمت راست بالای محراب دیده میشود. این مسجد بطرح چهار ایوانی ساخته شده وزینت سردر جلو آن کاشی و آجر قهقهه‌ای کم رنگ است. دور صحنه را طاقمه‌هایی احاطه نموده و پشت اینها راهروهایی است که سقفهای هلالی دارند. این سبک ساختمان بر عکس ساختمانهای عصر گذشته میباشد. نقشهای گوناگونی که روی طاقها گچ بری شده چشم انداز قشنگی دارند.

در طرف قبله این مسجد سر در بزرگی است که سه طاق دارد و به فضای زیر گنبد منتهی میشود. در اینجا نیز کاشی آبی خیلی قشنگی بکار رفته و چون روی زمینه آجر طبیعی ساخته شده رنگ آن خوب نمایانده شده است. گنبد آن کوتاه و پایه های آن ضخیم و قسمتی از آن را مقرنس کاری آجری گرفته است. خصائص سه گانه فضای زیر گنبد، یعنی دیوارهای کوتاه، تبدیل قسمت بالای دیوارهای محبوطه مربع برای ساختن گنبد مدور و خود گنبد واضح میباشند واز این حیث بنظر میرسد که سبک آن از ساختمانهای عصر پیش میباشد. در فضای زیر گنبد محرابی است که گچ بری مفصلی دارد. این محراب در زمان شاه رخ موقع تعمیر مسجد ساخته شده، ولی کاملاً تمام نشده است.

الف — کاروانسرایها

در نقطه‌ای موسوم به هلاکو که در ۳۹ کیلومتری شمال تبریز و ۳۹ کیلومتری جنوب جلفا واقع است خرابه کاروانسرایی از زمان مغول دیده میشود. این بنا صحن مربع بزرگی داشته که با دیوارهای ضخیمی احاطه شده و پایه دیوار را از سنگ رملی قرمز ساخته‌اند. سر در اصلی طاق نوک تیزی دارد که ۲۵ راه متر بلندی آن است. در این طاق کتیبه‌ایست بخط کوفی از آجر که زمینه آن کاشی فیروزه ای رنگ است و قسمتی از آن افتاده است. در قسمت عقب سر در نیم گنبدی است که با کاشیهای سفید و آبی سیر و روشن تزیین شده و با رنگ طبیعی آجر تباينی تولید مینماید. روی سطح دیوارهای طرفین فضای داخلی سر در اشکالی است بشکل ستاره شش پر و کشیر الاضلاع شش گوش و در بالای اینها کتیبه‌ای بکاشی وجود دارد که آنقدر خراب شده که خوانده نمیشود.

در سرچم که قریه‌ایست بین میانه و زنجان کاروانسرای خرابه‌ای امت که کتیبه بالای سر در آن با سنگ حجاری شده هنوز باقی است. تاریخ آن ۷۳۳ هجری (۱۳۳۳ میلادی) است. این بنا را مسیو گدار در قسمت دوم جلد اول آثار ایران در صفحه ۱۵۰-۱۵۲ شرح داده است.

ب — برج‌های مقبره‌ای

برج مقبره‌ای که به میل رادگان یارادگان شرقی مشهور است در هشتاد کیلومتری

شمال مشهد واقع است . شکل اصلی آن عبارتست از برج مقبره‌ای مدور که سقفی مخروطی شکل دارد . داخل برج هشت طرفه است و بعلاوه گنبد خارجی یا سقف مخروطی این برج دارای گنبد مدور داخلی هم میباشد و پائین آنها شمعکه‌ای است که هردو گنبدرا حفظ میکند . از خصائص مخصوص این برج آنست که دیوار آن از خارج دارای سی و شش ستون نیمگرد آجری است . این ستونها طرح آجری قشنگی دارند و در قسمت بالا بوسیله طاقهای سه برگه آجری بهم متصل شده‌اند . دور برج در قسمت بالای طاقها کتیبه‌ای عالی از کاشی فیروزه‌ای بوده . تاریخ برج ۶۸۰ هجری (۱۲۸۱ میلادی) است . نیم ستونهایکه دیوار را پوشانده دارای سبک نوینی است و این ساختمان از حیث طرح و تزیین خیلی عالی است .

برج مقبره‌ای علاءالدین در ورامین سقف مخروطی شکل دارد و اطراف آن مانند برج ری که در فصل قبل شرح دادیم لبه تیز یا منشوری شکل دارد . استعمال کاشی نیلی و فیروزه‌ای در خارج بنا که باهم تباینی دارند از نمونه‌های اوی چنین کاشی کاری در خارج بنا است . تاریخ برج ورامین ۶۸۸ هجری (۱۲۸۹ میلادی) است . برج مقبره‌ای عبداللہ در دماوند تقریباً بهمین شکل و شاید تاریخ آن نیز در همین حدود باشد .

در بسطام نزدیک مسجد جامع جدید برج مقبره‌ای نسبتاً بزرگی است که دور دیوار آن مانند برج نامبرده در بالا لبه‌های تیز دارد . تا کنون روی این برج تاریخ پیدا نشده ، ولی در گچ کاری صومعه نزدیک آن تاریخ ۷۴۰ هجری (۱۳۴۴ میلادی) دیده میشود . تاریخ برج نیز ممکن است در همین موقع باشد ، ولی بعضی معتقدند که قدری زودتر ساخته شده است .

در نواحی سلماس در شمال غربی دریاچه رضائیه برج مقبره‌ای مدوری از آجر قرمز وجود داشته که با کاشی تزیین شده بوده . این برج مقبره زن علیشاه وزیر الجانیو بوده که تقریباً در سال ۷۰۰ هجری (۱۳۰۰ میلادی) ساخته شده ، ولی متأسفانه چند سال قبل در اثر زلزله منهدم شده از بین رفت .

در مراغه برج مقبره‌ای مریع شکلی است موسوم به گنبد غفاریه و طرح این برج از ساختمان گنبد سرخ مشهور اقتباس شده که در فصل قبل بشرح آن پرداختیم .

برج نامبرده در زمان سلطنت ابوسعید در تاریخ ۷۱۶-۷۳۶ هجری (۱۳۱۶-۱۳۳۵ میلادی) ساخته شده و اگرچه کاشی کاری آن از کنیدسرخ کاملتر است، ولی آجرکاری آن بآن خوبی و قشنگی نیست. این برج شاید آرامگاه یکی از معماران مشهور عصر اسلام باشد. این مطلب را مسیو گدار در مجله آثار ایران صفحه ۱۴۳-۱۴۹ مطرح و کاملاً تشریح نموده است.

در مازندران یکعده برج مقبره‌ای است که بعد از برجهای نامبرده در بالا ساخته شده. از حیث سبک و طرح بنا با برجهای مذکور با اینکه قبل از ساخته شده چندان کامل نیست. قسمت جالب توجه درها و صندوق منبت کاری مقبره است و بسیاری از آنها متعلق به عهد تموری است.

ج - مهرابها

از دوره مغول مهرابهای زیادی با گچ بری عالی دیده میشود و بعضی از آنها خیلی خوب مانده و معدودی از آن قابل ملاحظه و دقت است.

مهراب مسجد جامع رضائیه قدیمترین و بهترین آنها میباشد که خیلی بزرگ و در زمان سلطنت ابااق ساخته شده. بلندی آن ۷ متر و ۸۲ سانتیمتر و عرض آن ۵ متر و ۴۸ سانتیمتر است. گچ بری آن خیلی عالی و شبیه به پارچه‌های توری میباشد. چند کتیبه خیلی قشنگ در بین طرحهای گچی کنده شده. بین ستونهای طرفین مهراب این جمله نوشته شده است: «عمل عبدالمؤمن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربيع الآخر سنہ ست و سبعین و سرتاہ». که ترجمه آن اینست: کار عبدالمؤمن پسر شرفشاه نقاش تبریزی مورخ ربيع الآخر سنہ ۶۷۶ هجری (۱۲۷۷ میلادی).

در بسطام دو مهراب است که گچ بری قشنگی دارند. پروفسور پوپ معتقد است که تاریخ آنها ۷۰۲ هجری (۱۳۰۲ میلادی) و ۷۰۶ هجری (۱۳۰۶ میلادی) است. در مسجد جامع معروف اصفهان مهرابی است که در زمان سلطنت الجاتیو ساخته شده و تاریخ آن ۷۱۰ هجری (۱۳۱۰ میلادی) است. این مهراب را مسیو گدار در مجله آثار ایران صفحه ۲۳۰ و ۲۳۴ شرح داده و در صفحه ۲۳۷ شکل آن دیده میشود. در مسجد جامع مرند مهرابی گچ بری شده است که از حیث ساختمان کمی پست تر

از محرابهای فوق الذکر است. کتیبه‌ای روی آنست که آنرا بزمان سلطنت ابوسعید نسبت میدهد بدین مضمون: «جَدْدُ مَنْ فَوَاضَلَ اَعْنَامَ السُّلْطَانِ الْاعْظَمِ مَالِكُ الرِّقَابِ الْاَمِمِ اَبُو سَعِيدٍ بِهَادِرِ خَانِ خَلِدِ اللَّهِ لِمَكَهُ فِي سَنَهِ اَحَدِي وَ ثَلَاثِينَ وَ سَبْعِمَائِهِ». چنان‌که ملاحظه میشود تاریخ آن ۷۳۱ هجری (۱۳۳۰ میلادی) است. بین دو ستونیکه طاق آنرا نگاه میدارند نوشته شده است: «عَمَلَ الْعَبْدِ الْفَقِيرِ نَظَامَ بَنْدَگِيرِ التَّبَرِيزِیِّ».

۵ - مناره‌ها

اگرچه مناره‌های سلجوقی از حیث بلندی دارای اهمیت هستند، ولی پایه آنها زیاد موردن توجه نبوده و با خود مناره چندان فرقی ندارند. مناره‌های دوره مغول معمولاً دارای پایه‌های قابل توجه بوده‌اند که اغلب مربع شکل یا بشکل کشیر الاصلانند و با کاشیهای عالی تزیین شده بطوریکه با خود مناره کا لاً فرق دارند. مناره‌های عهد مغول معمولاً ضخیم‌تر و خیلی کوتاه‌تر از مناره‌های اواخر عصر سلجوقی هستند، مانند مناره‌های اصفهان. تزیین بدنه مناره اغلب کاشیهای فیروزه‌ای و نیلی رنگ است.

علاوه‌ینها در زمان مغول مناره‌های خشتمی نیز می‌ساختند و تقریباً اثری از آنها باقی نمانده است. ساختن مناره در طرفین ایوان یا سردر در زمان مغول مرسوم شد. از این نوع مناره یکی دونمونه قبلاً ملاحظه کردیم، ولی ساختن مناره در طرفین سردر بزرگی که با کاشیهای الوان که بعد‌هادر معماری ایران مقام مهمی احراز نمود، در دوره مغول متداول گردید.

۶ - معماری عصر تیموری

امیر تیمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورده به پایتخت خود سمرقند بردا. این عده در ساختمان و طرح بنا سبکی ایجاد نمودند که با وجود اینکه صنعتگران آن از نواحی مختلف آمده بودند، آن سبک کاملاً ایرانی بود. ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزیین و آرایش عالی بودند.

از بنایهای مهم قرن نهم هجری (قرن پانزدهم میلادی) که فعلاً در خالک

ایران میباشد دو بنا از همه مهمتر است و آنها عبارتند از مسجد گوهر شاد در مشهد و مسجد کبود در تبریز . بعلاوه آینهای مدرسه خارج را که نمونه نوعی دیگر ساخته اند این عصر است قابل توجه هستند و نیز باید اینهای این دوره را در هرات مطالعه نمود ، زیرا آن شهر پایتخت شاهرخ و عصر او یک دوره ساخته ای معروف بوده .

بنظر بعضی از باستان شناسان ، مسجد گوهر شاد مشهد در زمرة دوازده عالیترین بنای تاریخی دنیا بشمار می رود . این مسجد تقریباً در سال ۸۲۱ هجری (۱۴۱۸ میلادی) تمام شد . بنای آن دوازده سال بطول انجامید و تحت نظر قوام الدین معمار معروف شیرازی انجام یافت .

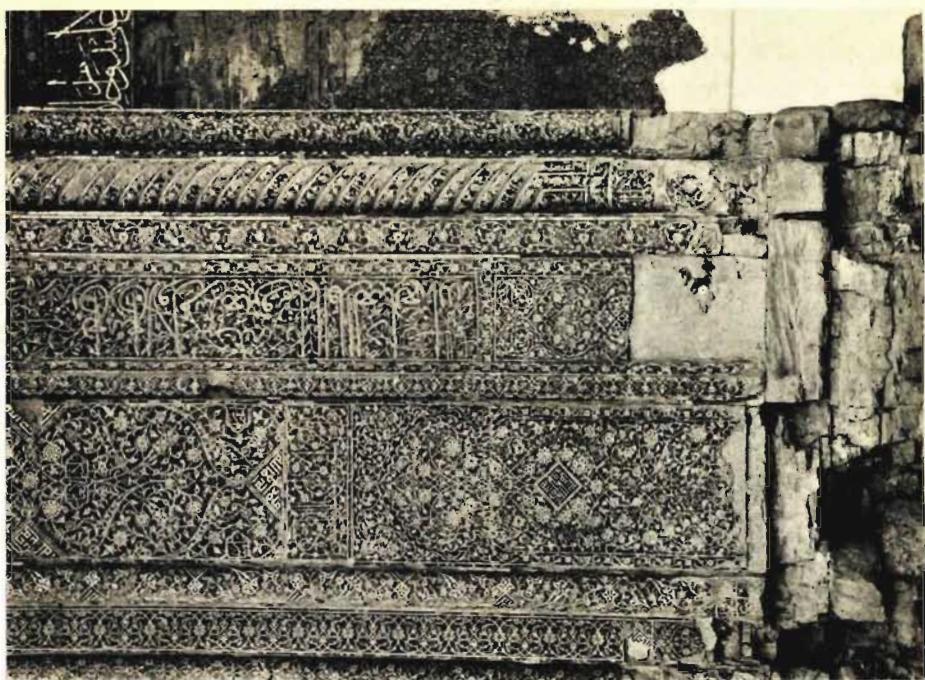
چون مسجد گوهر شاد یکی از اینهای آستانه امام رضا میباشد ، سردر و مدخل مستقلی ندارد و جای آرا سردر ایوان طرف قبله گرفته است . این سردر عبارت از یک طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است که بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا باشند تا سطح زمین امتداد یافته اند . زیبائی کاشی کاری آن حیرت آور است و سردر عظیم را کمیته مفصلی از کاشی احاطه نموده که در آن بایسنقر محسان و تقوای مادر خود گوهر شاد را تمجید میکند .

داخل این ایوان کاملاً سفید و ساده است جز کتیبه های زیر گنبد عظیم که سورمهای رنگ هستند و مقرنس کاری گچی زیاد قسمت جنوب .

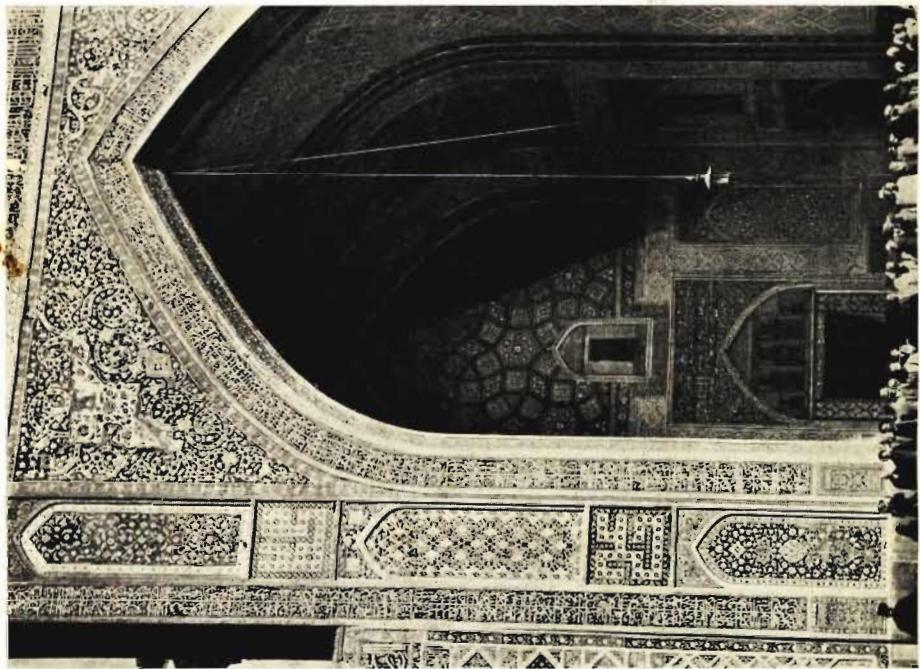
این مسجد بسبک چهار ایوانی ساخته شده . در کاشی کاری ایوان رو بقبله بر رنگ قره زیبیتر اهمیت داده شده و در ایوانهای طرفین رنگ فیروزه ای آبی و سبز بیشتر دیده میشود . همه دارای موزائیک های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است و با اینکه در تزیین تنوع زیاد بکار رفته و در رنگ تباین دارد ، توافق آن حفظ شده است .

گنبد تا اندازه ای پیازی شکل ، ولی مانند بعض از گنبد های این عصر در این قسمت زیاد افراط نشده . رنگ آن سبز تیره است و نقش تاک زرد رنگ و کتیبه پزرگ کوفی سیاه رنگ دارد . گنبد مسجد چندان کامل نیست ، ولی صرف نظر از گنبد ، بنای مسجد گوهر شاد از هر جهت تقریباً کامل و یکی از شاهکارهای معماری دنیا است .

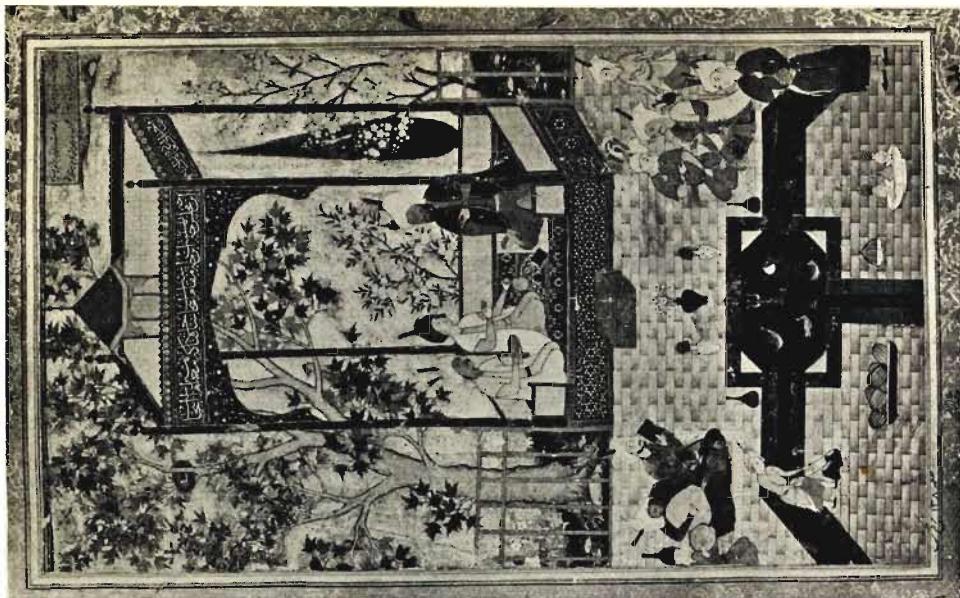
بکی از عالیترین نمونه های موزائیک کاری کاشی .
کتبیه سمت جنوب در مسجد کوهد تبریز



کاشی کاری مسجد کوهر شاد در مشهد که بکی از زیباترین آثارهای دنیا محسنه.



مجلس رسمی . هینتاوار عصر نیموریان



منظره‌ای از زندگی تیمور . اوائل قرن دهم هجری
(قرن شانزدهم میلادی)

مسجد شاه مشهد بنای کوچکتری است که بیک گنبد و دومnarه دارد و در تاریخ ۸۵۵ هجری (۱۴۵۱ میلادی) توسط شمس الدین مسحور تبریزی ساخته شده . مسجد کبود تبریز در زمان جهانشاه قره قوینلو ساخته شده . دختر او صالحه بانی آن بنا بوده و چون از داخل و خارج با کاشیهای عالی مزین شده آنرا بنام فیروزه اسلام مینامیدند . کاشی کاری آن دارای موزائیک مفصل بوده و با رنگ قهوه‌ای کم رنگ آجر تباينی ایجاد مینموده .

در وسط جلوی بنا ، طاق عظیم کاشی دار و مدخل نیم گنبدی باقی مانده . در کتیبه سردر نام جهنشاه برده شده و در قسمت چپ طاق یعنی در آخر کتیبه عظیم اسم نعمت الله بن محمد البواب که نویسنده کتیبه بوده نقش شده است . تاریخ ختم بنا ماه ربجب ۸۷۰ هجری (۱۴۶۵ میلادی) میباشد . در هر گرده جلوخان منارة مدوری ساخته شده . پشت سردر دالان گنبد داری بوده و در عقب آن محوطه زیر گنبد است . این فضا بشکل کثیرالا ضلاح هشت ضلعی است و هشت طاق گنبد را نگاه میداشته . در طرفین دالان اطاوهای گنبدداری بوده و در هر طرف آنها هم اطاوهای گنبددار دیگر که بگوشة جلوی بنا منتهی میشده . در طرفین فضای زیر گنبد اطاوهای وجود داشته و در عقب آن محوطه گنبد داری که از فضای زیر گنبد اصلی کوچکتر بوده . در روی دیوارهای این محوطه تکه‌های قشنگ مرمر به ده . داخل گنبد با کاشی سورمه‌ای برنگ آسمان نیمه شب تزیین و با طلا مزین شده بوده است .

رویه مرفته نه اطاوه این بنا دارای گنبد بوده . و این سبک مخصوصی است که به مسجد کلیسا مانند نامیده میشود . متأسفانه این بنای مشهور در اثر زلزله بیک توده خرابه مبدل شده ، ولی با اینحال حتی در وضع فعلی یادگار بزرگی از آن عهد است و کتیبه‌های قشنگ کوفی و نسخ و کاشی کاری و موزائیک آن گواه عظمت و بزرگی آن است . در ادبیات آن عصر این مسجد بنام مسجد مظفریه موسوم بوده است .

در قریه طبیبات که نزدیک مرز فعلی ایران و افغان واقع است ، ساختمان کوچکی است که بمزار مولانا شیخ زین الدین موسوم است . روی سردر آن چند کتیبه است که

دارای خصائص مخصوص کتیبه های عصر تیموری است. در داخل سردر در سمت راست کتیبه بزرگی است که با کاشی سفید روی زمینه آبی نوشته شده و اسم شاهrix بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود.

در تربت شیخ جام که بین مشهد و مرز افغان واقع شده و شصت کیلومتر تا مرز نامبرده است بعضی از اینه مقبره متعلق به مان تیمور است، ولی اغلب تزیین سردر در دوره های بعد اضافه شده است.

مقبره گوهر شاد هنوز در هرات باقی نیست و آن بناییست مرتع شکل که گنبد سه مرتبه دارد. گنبد اولی برای تزیین فضای زیر گنبد بکار رفته، گنبد وسطی برای نگاهداری و گنبد خارجی که به دندوهای مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است. این مقبره سابقًا به بنای دیگری وصل بوده است و هفت مناره بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد. دو تای آن به مصالی معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته بوده، یکی به بنایی که وسل مقبره بوده و چهار مناره دیگر به مدرسه سلطان حسین باقیرا که بعداً ساخته شده تعلق دارد. این منارهای بزرگ که با تکه های بزرگ سنگ مرمر که کتیبه روی آنها نقش شده و کاشی کاری که طرحهای مکرر دارد زینت یافته، نشان میدهد که معماری و تزیین عصر تیموری تا چه درجه زیبائی و عظمت رسیده بوده.

بنای دیگری که باید در اینجا ذکر شود مدرسه خارجerd است که قوام الدین معمار مشهور باختن آن شروع کرد، ولی قبل از اختتام آن بدرود حیات گفت و غیاث الدین شیرازی که از معماران مشهور عصر خود بود آنرا تمام نمود. این مدرسه بسبک چهار ایوان است، در گوشه های صحن مرکزی اطاوهای گنبددار است و دور صحن را طاق نماهای در طبقه احاطه نموده. سردر آن به محوطه گنبدداری باز میشود و در طرفین آن اطاوهای گنبددار دیگری است. از اختلاف بین طاق زدن این اطاوهای چنین تصور میشود که یک سمت را قوام الدین و سمت دیگر را غیاث الدین ساخته. این بنا تقریباً در سال ۸۴۸ هجری (۱۴۴۱ میلادی) تمام شده است.

نتیجه

در زمان تیمور، سبک گنبد بزرگ پیازی شکل تکمیل گردید و در ادور بعد از آن زیاد تقلید شده است. برای نگاهداری این نوع گنبد، گنبدی دیگر از داخل می‌ساختند که معمولاً بوسیلهٔ تیر و شمعکهای آجری به گنبد خارجی متصل می‌شود. در عصر تیمور در زیر گنبدها یک گلو ساخته می‌شد که گنبد روی آن قرار می‌گرفت.

طاق رومی که در معماری ایران تاریخ طویلی دارد در این زمان به طاق ضربی تبدیل گردید. طاق رومی طاقی است که از یک گوش به گوشه دیگر زده می‌شود ولی طاق ضربی مثلث مقرری است که در یک گوش ساخته شده و رأس آن بطرف پائین است. با اینکه از حیث ساختمان بایکدیگر فرق ندارند، ولی هردو یک مقصودرا انجام میدهند که عبارتست از نگاهداری گنبد دور روی افق مریع.

در دورهٔ سلجوقی به ساختمان و آجرکاری بیشتر اهمیت داده می‌شد، ولی در عصر مغول و تیموری در تزیین بیشتر دقت شده و علاقه ایرانیان به رنگهای گوناگون در بناءای عظیمی که با کاشیهای الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظری ندارد پوشیده شده، ظاهر عیگر دد.

فصل دهم

عصر صفوی

مؤسس سلسله صفوی شاه اسماعیل از اولاد شیخ صفی الدین اردبیلی مباشد که در سال ۹۰۸ هجری (۱۵۰۲ میلادی) به تخت نشست. فامیل شیخ صفی مدتها ساکن اردبیل بوده و در آنجا اهمیت زیادی داشتند. آنها نسب خود را به امام هوسی کاظم و به خانواده سلطنتی ساسانیان هیرسانیدند. مردم ایران ظهور سلسله صفوی را که ایرانی نژاد بودند با مسرت و خوشبختی استقبال کردند. صفویه دویست سال در ایران سلطنت نمودند و در دوره آنان ایران از هر حیث پیشرفت و ترقی نمود، مخصوصاً در صنعت که پادشاهان این سلسله خود مشوق و حامی آن بودند. امنیت و کامرانی کشور سبب شد که در این عصر بناهای بزرگ و عالی ساخته شود، مخصوصاً در زمان شاه عباس کبیر، ۱۰۳۷-۹۹۵ هجری (۱۵۸۷-۱۶۲۸ میلادی)، که او موفق به ساختن یک سلسه ابنیه عظیم گردید. برای تزیین عمارت و بناهای بزرگ طرز جدیدی در کاشی کاری بوجود آمد. مینیاتور سازی و قالی بافی در اوائل این عصر بدرجۀ کمال رسید.

۱ - قالی بافی

مهمترین میحصول صنعتی ایران در عصر حاضر قالی و قالیچه دست بافت است. قالی بافی از صنایع خیلی قدیم ایران است. میگویند که اسکندر کبیر وقتی برای اولین بار مقبره سپرس بزرگ را بازدید نمود، مشاهده کرد که آن با قالی خیلی خوب پوشیده شده و نیز میگویند که در قصر تیسفون یا طاق کسری در زمان ساسانیان یک قطعه قالی وجود داشته که با جواهرات و فلزات قیمتی پوشیده شده بوده، ولی شرح این قالی آنقدر با افسانه آمیخته شده که نمیتوان آنرا کاملاً باور کرد. در آسیا و سلطی تکه های قالی قدیمی پیدا شده

که شاید متعلق بزمان قبل از اسلام است.

در نقاشیهای بعضی از نقاشان قرون وسطی در اروپا قالیهای نشان داده شده که مبایست ساخت ایران باشد. نمونه های اولیه قالی و قالیچه که در موزه ها و گنجینه های شخصی است و محققاً میتوان آنها را با ایران نسبت داد، متعلق به زمان قبل از دوره صفویه است. علت اینکه از زمان قدیمتر از آن نمونه قالی بدست نیامده آنست که اغلب اشیاء صنعتی برای نگاه داشتن ساخته میشدند و قالی برای استعمال، و اگرچه قالی نسبت بادوام است، اما در نتیجه استعمال زیاد پس از مدتی کهنه شده از بین میرود.

در قالیهای قدیمی نوشته کم دیده میشود که تاریخ و محل ساخت آنرا بطور تحقیق بتوان معین کرد. گمان میرود که بعضی از این قالیها در تبریز در زمان حکمرانی سلاطین ترکمان و مغول که قبل از صفویه سلطنت میکردند ساخته شده باشد. بعضی از قالیهای قدیمی را با اخر قرن نهم هجری (واخر قرن پانزدهم میلادی) نسبت میدهند، زیرا نقشه های آنها خیالی تر و رنگ آمیزی آنها با قالیهای اوائل دوره صفویه فرق دارد.

احتمال میرود که قالی بافی در زمان سلطنت طویل شاه طهماسب باعیل درجه ترقی رسیده باشد. درجه تکامل صنعت در این زمان میرساند که قالی بافی تاریخ و یعنی داشته و با اینکه نمونه هایی از ترقی آن در دست نیست، معهداً ثابت میکند که دوره مدیدی طول کشیده تا به این درجه رسیده.

چون محل ساخت اغلب قالیهای اوائل این عصر معلوم نیست، معمولاً قالیهای دوره صفوی را از روی نقشه آنها طبقه بندی مینمایند. در میان نقشه های مختلف و مهمتر از همه طرحی است که در وسط ترنجی دارد. نمونه خیلی مشهور این قسم نقشه، قالی مسجد اردبیل است که فعلاً در موزه ویکتوریا و البرت در لندن میباشد. آن فرش قالی بزرگی است که طول آن ده مترو نیم و عرض آن قدری کمتر از ۵ متر و نیم است ($\frac{1}{4} \times 12$ فیت). از روی تخمین معین کرده اند که این قالی تقریباً ۳۲ میلیون گره دارد! دور ترنج مرکزی را نقشه های کوچکی که به گل شاه عباسی موسوم است احاطه نموده و آن عبارت از نقش مدور یا بیضی شکلی است که وسط آن گل و دور آنرا حلقه ای از گل یا برگ گرفته. در هر گوشه

متن قالی یک چهارم ترنج کشیده شده . یکی از خصائص این قالی بزرگ نمایش قندیل مسجد میباشد که در دو سر ترنج کشیده مثل اینکه از آن آویزان است . متن قالی از نقش گل و برگ پوشیده شده و آنها نقش تاک هشیک و پرکاری را با نظم کامل تشکیل میدهند . گلها با رنگهای گوتا گون خود روی زمینه سورمه‌ای رنگ برجسته بنظر میآید . رنگ قرمز که با زمینه سورمه ای تباين دارد زیاد شفاف نیست و مایل بر نگ فندیل است . رنگ سبز نیز در این نقشه از رنگهای برجسته است . در حاشیه قالی نقشهای کتیبه ایست که بین آنها گل شاه عباسی میباشد . مسئله قابل توجه آنکه نقش حاشیه این قالی روی کاشی های دیوار صحنه مسجد اردبیل دیده میشود .

در حاشیه این قالی اسم مقصود کاشانی برده شده است ، ولی معلوم نیست که این شخص سازنده و بافتده قالی بوده یا تقدیم کننده آن . تاریخ این قالی بطبق این نوشته ۹۴۲ هجری (۱۵۳۶ میلادی) است . این قالی از شاهکارهای صنعت زمان شاه طهماسب میباشد و تصور میشود که در تبریز بافته شده باشد ، زیرا جنس پشم آن این مطلب را تأیید مینماید . قالیهای معروف دیگر این عصر که دارای طرح ترنج هستند ، در موزه ها و مجموعه های شخصی در تمام دنیا دیده میشود .

از طرحهای مهم دیگر این دوره چندین ترنج متصل بهم است و متن قالی را به چندین قسم منقسم مینماید . در موزه ویکتوریا و البرت در لندن قالی باین طرح موجود است که از بهترین نمونه های این صنعت محسوب میگردد . نمونه عالی دیگری در مرزا متروپولیتان نیویورک است که حتی از قالی مسجد اردبیل نیز ریزتر بافته شده است .

بسیاری از قالیهای خوب این دوه مظہر استادی و مهارت نقاشان آن عصر است . در مجموعه شخصی بارون هتوانی ^(۱) یک پارچه قالی وجود دارد و طرح آن بقدری عالی است که اگر عکسی از آن برداشته شود کمپیئه مینیاتور مینماید و با آن مشتبه میشود . نظیر آن قالی بزرگ دیگری است که نصف آن در موزه صنایع تزیینی پاریس ^(۲) و نصف دیگر

در کلیسای بزرگ کراکو^(۱) در لهستان میباشد. روی زمینه قهوه‌ای روشن که حاشیه سیاه و ترنج آرا بر جسته‌تر مینماید، حیوان، درخت و گل با لوان روشن دیده میشود. علاوه بر اینها نقش یک عدد پرندۀ روی آنست که نظری آن در هیچ قالی دیگری دیده نشده است. بعضی از قالی و قالیچه‌های اوائل عصر صفوی با نخهای طلا و نقره بافته شده رنگ اصلی حاشیه معمولاً با رنگ زمینه آن تباين دارد.

در بسیاری از قالیها یک طرح ترنجی دارند، تصویر حیوانات نیز نقش شده است و این طرح حیوانات در بعضی قالیها آنقدر اهمیت پیدا کرده که آنها مشهور به نقش حیوان شده‌اند. نقشه این قالیها عموماً گل و گیاه است و در بین آنها حیوانات مختلف تنها یا جفت جفت و بعضی اوقات در حال جنگ دیده میشوند. این حیوانات عبارتند از شیر، بیر، پلنگ، یوز پلنگ، روباء، شغال، آهو، بز کوهی، الاغ، کاو، شتر، گراز خرگوش و انواع مختلف پرندگان. حیوانات خیالی که از منابع چینی اخذ شده مانند سیمرغ و اژدها نیز دیده میشود. یکی از قالیهای مشهور نقش حیوان که اکنون در موزه متروپولیتان نیویورک است، در مقبره شیخ صفی الدین در اردنیل بوده است.

یکی از اقسام دیگر قالی آنهاست که به شکاری معروفند، زیرا مناظر شکارگاه و صید روی آنها نقش شده. یکی از مشهورترین این قالیها در موزه پولدی پزوی^(۲) در میلان ایتالیا میباشد. با عنده آن غیاث الدین جامی است که روی آن نوشته شده و تاریخ آن ۴۹ هجری (۱۵۴۳ میلادی) است. شاید مشهورترین قالیهای بافت ایران قالی شکاری متعلق به دولت اطریش باشد که از ابریشم بافته شده و با نخهای طلا و نقره زینت یافته است. نقش آن عبارتست از ترنج مرکزی، مناظر مختلف شکار روی زمینه آن و صیادان سواره و پیاده. زمینه قالی قرمز نزدیک به پرتفالی است و ترنج و لچکهای آن سبز رنگ است. رنگ اصلی حاشیه قرمز است و تصویر فرشتگان و تصاویر دیگر بهشتی کشیده شده. رویهم این قالی نماینده استادی نقش آنست نه با عنده. بعضی از تصاویر آن بقدرتی بنقاشیهای سلطان محمد که بعداً ذکر خواهد شد شباهت دارد که جمعی از اهل فن معتقدند که او نقشه این قالی را تهیه کرده است.

قالیهای ابریشمی دیگر نیز از این زمان موجود است که معمولاً آنرا از کاشان میدانند. این شهر مرکز مهم صنعت پارچه‌های ابریشمی و محمل بوده. در موزهٔ ملی تهران قالی ابریشمی سفید بسیار عالی است که ترجیح آن سیاه رنگ میباشد. روی این زمینه روشن درختان انار برنگ سیاه و سفید است. آهونی برنگ قهوه‌ای روشن که بسیار دقیق کشیده شده هیختصر تبایینی بازمینه کرم رنگ یا برنگ عاج دارد. پرندگان مختلف قشنگی در میان شاخهای درختان نقش شده است. این قالی قشنگ بعقیده پرسور پوپ در ربع سوم قرن دهم هجری (ربع آخر قرن ۱۶ میلادی) بافته شده و سابقاً در مقبره اردبیل بوده است. قالی نامبرده به بزرگی قالیهای که شرح دادیم نیست و قالیهای این دوره را به قالیچه‌های عصر بعد مربوط میسازد.

یک عدد سیجاده به دورهٔ صفوی نسبت داده میشود. نقشهٔ اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی بخط کوفی نوشته شده است. نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه بقالیهای بافت تبریز است، ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند. بعضی را بافت آمل مازندران و عده‌ای را ساخت هرات افغانستان میدانند.

از قالیهایی که به هرات نسبت داده شده عده‌ایست که نقشهٔ آنها گل و مو بیچ پیچ میباشد که در اطراف گل شاه عباسی بزرگ کشیده شده و آن عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه‌ای مدور یا بیضی شکل از برگ دارد. نقشهای اسلامی که شبیه به نواری است که عرض آن مختلف میباشد در این نوع قالی و قالیهای بسیار دیگر این عصر دیده میشود. در قالیهای هرات نقش ماہی نیز دیده میشود که به برگ بلند تا شده‌ای شباht دارد. یک قالی که باین سبک بافته شده و احتمال میرود که از زمان شاه عباس باشد در خزینه امام رضا در مشهد محفوظ است.

از اوائل دورهٔ صفوی تا آخر سلطنت شاه عباس بیافتن این قبیل قالیها مبادرت میشد. هر چه زمان میگذرد نقشهٔ گل شاه عباسی بزرگتر میشود. قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفرذ مهمی داشته. اولیاریوس^(۱) آلمانی که در زمان شاد عباس بایران

مسافرت نمود مینویسد که بهترین قالیهای ایران در هرات باقته میشد. در دوره صفویه قالیهای ابریشمی که نقش گل و برگ تیره رنگ داشت و در باقتن آنها نخهای طلا و نقره بکار میرفت تهیه و به عنوان تحف و هدا یا جهت بعضی از سلاطین اروپا فرستاده میشد. عده‌ای از این قالیها در لهستان پیدا شده و تاچندی قبل بنام قالیهای لهستانی معروف بود تا اینکه در مقایسه با قالیهای نظیر آن ثابت شد که آن قالیها بافت ایران است. عده زیادی از این قالیها که اشیاء قیمتی و صنعتی محسوب میشود محفوظ مانده و هنوز موجود است. یک قطعه قالی نظیر قالیهای فوق الذکر که نقش درخت سرو و بوته گل دارد در مقبره شاه عباس ثانی در قم بوده. زیر آن اسم نعمت الله جوشقانی باقی نمانده آن نوشته شده است با تاریخ ۱۰۸۲ هجری (۱۶۷۱ میلادی).

چند قالی که بطرز گلیم باقته شده و نخهای طلا و نقره در آن بکار رفته از این عصر موجود میباشد. نقشه این نوع قالی اغاب گل و تصاویر است و طرح آن بهتر از قالی که با گره زدن پشم تهیید میگردد مجسم میشود، زیرا ممکن است بواسطه تراکم تصاویر بخوبی نمایانده نشود.

قسم دیگری که به لیهای باغی معروف است نیز باید ذکر شود. عموماً طرح این قالیها عبارتست از نقشه‌ای که حوضی در وسط دارد. اطراف آن بوسیله جویها بقسمت‌های مربع مستطیل تقسیم شده و این قسمت‌ها با نقش گل و گیاه تزیین یافته. یک قسم دیگر قالیهاییست که با اسم شاه عباسی یا طرح اصفهان معروف است. در اروپا و امریکا آنها را بنام قالی گلدانی میخوانند، زیرا نقشه بعضی از آنها گلدانیست که از آن شاخ و برگ بیرون میاید. از خصائص مخصوص این قسم قالی آنست که از خطوط متوازی که سراسر قالی را گرفته اشکال گل و برگ منشعب میشود. گلمهای شاه عباسی و اشکال گل و برگ که در این نوع قالی دیده میشود، شبیه به نقشه بعضی از قالیهای هرات است. بعضی از این قالیها به کرمان نسبت داده میشوند، ولی احتمال میرود که همان نقشه در جوشقان که اغلب از قالیهای طرح اصفهان در آنجا باقته شده بکار رفته باشد.

پرسنور پوپ میگوید: «شاید مطالعه دقیق قالیهای اولیه بهترین مقدمه برای

آگاهی از صنایع ایران باشد، زیرا این صنعت بیش از تمام صنایع خصائص مخصوص ورسوم تنوع قدیمی را در بر داشته و مراحل مختلف زندگی و فرهنگ ایران را نشان میدهد. قالیهای عالی ایران را شعراء مدح گفته و سیاحان آنها را تمجید و تعریف کرده‌اند. سلاطین کشورها بر آن حسد برده و کشورهای دیگر از آن نقلید کرده‌اند. قالیهای ایران روح حقیقی صنعت این کشور را مجسم می‌سازد».

هر وقت نقاش و بافنده هر یک در کار خود استادی و مهارت بخراج داده‌اند، قالیهای بوجود آمده که در زمرة بهترین شاهکارهای صنعتی دنیا بشمار می‌رود.

۲ - نقاشی

وقتی که شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ هجری (۱۵۱۰ میلادی) هرات را تسخیر نمود، بهزاد هنوز نقاش دربار هرات بود. شاه اسماعیل بهزاد و عده‌دیگر از نقاشان را با خود به تبریز برداشت. گفته‌اند که شاه اسماعیل آنقدر بهزاد را گرامی میداشت که او را با نصف مملکت خود معاوضه نمینمود. این نقاش مشهور تاریخی پیری و تا سال ۹۲۸ هجری (۱۵۲۲ میلادی) بکار ادامه داده و برای است کتابخانه سلطنتی که در حتیقت فرنگستان هنر یعنی نقاشی، خوشنویسی و صحافی بود گماشته شده بود. مینیاتور بسیار زیبا و جالب توجهی که منظرة جنگ شتران را نشان میدهد در تصرف دولت ایران ممی‌باشد که می‌گویند بهزاد در سن ۷۰ سالگی آرا ساخته است.

اگر چه عده زیادی از صنعتگران بدربار صفوی در تبریز منتقل شدند، ولی بعضی از آنها در هرات مانده آن سبک مخصوص را ادامه دادند. بسیاری از مینیاتورهای عالی هرات پس از رفتن بهزاد ساخته شده است. این صنعتگران به ریزه‌کاری که از خصائص سبک تیموری است اهمیت زیاد میدادند. این توجه به جزئیات اشیاء مانند قالی، کیف اطاق، لباس و تزیینات معهاری نقاشیهای هرات را در میان بزرگترین مینیاتور هنری ایران قرار میدهد و ثابت می‌کنند که بهزاد تنها نقاش بزرگ هرات نبوده و رقبائی نیز داشته است.

وقتیکه شاه طهماسب در سال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۴ میلادی) به تخت سلطنت

جلوس کرد فقط ده سال داشت و بیش از ۵۰ سال سلطنت کرد . سبک جدیدی که در زمان سلطنت او توسعه یافته بعقیده بسیاری مینیاتورسازی ایران را بمنتهی درجه ترقی رسانید . در اوائل سلطنت شاه طهماسب بهزاد در قید حیات بود . آقا میرک از شاگردان بهزاد و از دوستان نزدیک سلطان بود . یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت بمقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عده‌ای از نقاشان معروف بود . سلطان محمد بشاه جوان درس نقاشی میداد . سه سال بعد از جلوس به تخت سلطنت یک نسخه شاهنامه به جهت شاه طهماسب تهیه گردید که دویست و پنجاه و شش تصویر داشت . این کتاب در تصرف بارون ادوارد روتشیلد^(۱) در پاریس است و نقاشیهای آن به سلطان محمد نسبت داده شده است . کارهای این استاد از حیث تنوع ، رنگ آمیزی ، نقشه ، ترکیب و نیز برای توجه مخصوص به ریزه کاری مشهور است . نقاشیهای زمان صفوی رو به مرقته از کارهای بسیار ریز عصر تیموری درشت تر میباشد . با وجود این در بعضی از مینیاتورهای زمان صفوی بقدرتی دقت د . نمودن لباس بعمل آمده که حتی نقشه پارچه بخوبی نمایانده شده . عماهه سلاطین اولیه صفوی دور کلاهی پیچیده هیشد باور یکه نوک کلاه از وسط عمame بیرون میآمد . این قسم کلاه و عمam مخصوص فامیل صفوی بود . نوک آن در اوائل همیشه قرمز رنگ بود ، ولی بعد رنگهای دیگر نیز در مینیاتورها دیده شده و سرگذاردن آنها متداول گردیده . تاریخ یک مینیاتور را میتوان اغلب از شکل عمame و لباس تعیین نمود . یکی از معروفترین مجموعه های نقاشی ایران نسخه صور خمسه نظامی میباشد که آکنون در هوزه بریتانیا است . تصاویر این کتاب بوسیله نقاشان مشهور دربار برای شاه طهماسب وقتی در سالهای بیست عمر خود بود تهیه گردیده . نام اشخاص ذیل زیر مینیاتورهای آن دیده میشود : آقا میرک ، سلطان محمد ، میرزا علی ، مولانا مظفر علی و میر سید علی . این اشخاص مشهورترین نقاشان عصر خود بوده و در این یک جلد کتاب شاهکارهای هر پنج نفر صنعتگر جمع آوری شده است ! چهارده نقاشی اصلی آن کتاب بوسیله لارنس بینیون^(۲) چاپ رنگی شده و انتشار یافته است . علاوه بر اینها سیصد

و نود و شش ورق این کتاب دارای حاشیه تزیین شده بسیار عالی از طلا میباشد که نقش آن اشکال حیوانات و گل وغیره است.

در میان این گروه اساتید فن میر سید علی مقامی بلند دارد که در تجسم مناظر زندگی طبیعت و زندگی دهقانی ید طولانی داشته. حیوانات خیلی شبیه کشیده، چادر را بطرز زیبائی تزیین کرده و دست هنرمند صنعتگر حقیقی در اشکال گل و پرنده و اشیاء دقیق دیگر مشهود است. همایون اپراتور هند پس از شکست از دست افغانها بدربار شاه طهماسب گریخت و شاهنشاه ایران ازاو پذیرائی مجمل نمود. او چندین سال در دربار شاه طهماسب اقامت نمود و پس از آنکه به محل حکمرانی خود برگشت، میر سید علی را که در تبریز با او آشنا شده بود و نیز عبدالصمد شیرازی را با خود برد. این دو صنعتگر که در خدمت همایون بهند رفتند مؤسی سبات مخصوص صنعت غول در شمال هندوستان گردیدند. بوسیله نقاشیهای آنها، سبک جی دی از ترکیب عناصر نقاشی ایرانی و مناظر و تصاویر هندوستان ایجاد گردید.

تصاویر زمان شاه طهماسب معمولاً مناظری از شاهکارهای ادبی قدیم ایران است مانند شاهنامه فردوسی، اشعار نظامی، سعدی، حافظ و داستان یوسف و زلیخای جامی. علاوه بر مصور ساختن کتب، تصاویر و نقاشیهای جداگانه نیز کشیده هیشد. بسیاری از اینها تصویر جوانهای خوش اندام است که لباس قشنگ در بردارند و بعضی از آنها ممکن است تصویر خود شاه طهماسب باشد. از کارهای دیگری که در این زمان بدرجۀ عالی رسید، تزیین حاشیه صفحات کتب بود. در این حاشیه‌ها درخت، گل و حیوانات بر زنگ طلا و نقره در زمینه رنگی کشیده شده و معمولاً جداگانه ساخته و تهیه هیشد و بعداً به صفحه‌های کتاب متصل میگردد.

در اواخر سلطنت شاه طهماسب نقاشی با اسم استاد محمدی شهرت یافت و میگویند که او پسر و شاگرد سلطان محمد بوده. علاوه بر نقاشیهایی که کشیده، سبک جدید و قشنگی در نقاشی رنگی بوجود آورد و نیز برای ظرافتی که در تصویر سازی انسان و حیوانات بکار برده مشهور است.

در زمان شاه طهماسب سبک مهم نقاشی در بخارا ایجاد و بدرجۀ عالی رسید. از صنعتگران مشهوری که در این شهر مشغول بودند، شیخ زاده و محمود مذهب هستند. میگویند شیخ زاده شاگرد بهزاد بوده و مینیاتورهای بخارا سبک کارهای آن استاد بزرگ است و آن درای رنگهای روش مخصوصاً رنگ قرمز روش که دسیاری مشهود است معروف میباشد. عمامه هائیکه در نقاشیهای بخارا دیده میشود وضع مخصوصی دارند و دور کلاه مخروطی شکل پیچیده شده که نزد آن از وسط عمامه بیرون است.

شاه عباس کمیر از بزرگترین حامیان و مشوقین صنعت بود و خود نیز نقاشی میکرد. در تاریخهای زمان شاه عباس اسم عده زیادی از نقاشان و خوشنویسان ذکر شده، ولی اغلب آنها مشهور نیستند. صنعت مینیاتور سازی که در زمان شاه طهماسب بهمنتهی درجه ترقی خود رسیده بود، در اینموقع رو با تحاطاط رفت و صنعتگران عصر شاه عباس وقت خود را به نسخه برداشتن از آنها صرف مینمودند. از کتبی که زیاد مصور شده و مینیاتور کاری میشد شاهنامه فردوسی بود.

تصویر اشخاص و نقاشیهای از زندگانی روزانه و معمولی این زمان مرسوم گردید. تأثیر صنعت اروپا در این زمان نیز مشهود میگردد و سعی شده که بجای سبک تزیینی مینیاتورهای اولیه مناظر طبیعی و تصویر اشخاص و دورنما کشیده شود. رویه مرقته رنگ آمیزی این زمان با اینکه نوع تازهای از رنگهای پرتفاصلی و بنفش بکار برده شده، بخوبی دوره قبیل نیست.

وضع لباس در زمان شاه عباس تغییر میکند. در اوائل سلطنت او عمامه بزرگ شده و بجای اینکه منظم و مرتب بسته شده باشد، شل و دور سر پیچیده میشد. انواع دیگر کلاه در این زمان نیز مرسوم گردید. تصاویری که از بانوان این عصر کشیده شده آنها را معمولاً در شالی نشان میدهد که روی شانه انداخته و مانند روسربی روی سر کشیده اند. لباسهاییکه در مینیاتورهای هر زمان دیده میشود قبای بلند است که تاروی زمین میرسد، ولی در زمان شاه عباس کمر چینی که تا بالای زانو میرسید و روی آن کمر بند می بستند بعضی اوقات در مینیاتورها جای قبارا گرفته. لباس مردم معمولی و بازاری این زمان در بعضی مینیاتورها دیده میشود.

در بین صنعتگران این دوره نام یکی از همه مشهور تراست و او رضای عباسی است. اگرچه او مینیاتور سازی نیز میکرد، ولی برای نقاشی رنگی معروف است. در این فن او مؤسس سبک مخصوصی است و دست او در ترسیم خطوط منحنی خلی قوی است. این خطوط با خطوط دیگر توازن شده و مخصوصاً موی سر و ریش خوب نمایش داده شده است. موضوعهای کشیده اغلب تصاویر زوار، دراویش و جوانان را نشان میدهد. سبک او بعد از خودش مورد تقلید سایرین واقع گردید و بسیاری از صنعتگران بهشیوه او نقاشی میکردند. یکی از پیروان معروف او شفیع عباسی پسر او است که در زمان شاه عباس ثانی همیزیسته و مشغول بوده است، ولی در این ایام انحطاط شروع شده و صنعت نقاشی ایران رو به پستی رفته. صحافی و جلد کردن کتاب با خوشنویسی و مصور ساختن کتب که در زمان تیموریان پیشرفت کرده بود، در زمان صفوی بآن ادامه و توسعه داده شد. بعضی از صحافه ها از چرم است که روی آنرا نقوشی کنده و طلا و رنگهای دیگر از زیرش نمایان گردیده. جلد های چرمی دیگری دیده میشود که نقشه آنرا بوسیله قالب روی آن نقش کرداند. بعضی از جلد ها با طرح های قشنگ تذهیب شده و در تصاویر آن پرندگان، حیوات و نقشه های گل و برگ بکار رفته است. در زمان شاه طهماسب صحافی با قوا مرسوم بود. این جلد ها با نقوش دینما و گل و مناظر شکار با رنگهای بسیار عالی نقاشی و روی آن لاک شفاف زده میشد. این قسم صحافی و جلد سازی در زمانهای بعد ادامه یافته است. صنعتگران ایران در تهیه کتاب از ساختن کاغذ، نوشتن، تذهیب صفحات، مصور کردن، نقاشی و صحافی سیار عالی آن برای تمام دنیا بهترین سرمشق بودند.

۳ — بافتگی

یکی دیگر از شعبه های صنعتی که ایران عصر صفوی در آن سرمشق و مورد تحسین دنیا واقع گردیده، باقتن پارچه های ابریشمی است. همانطور که در قالیها و مینیاتور مشاهده شد، پارچه های این عصر نیز برای رنگ آمیزی و طرح مشهور میباشند و بسیاری از طرح های پارچه های ابریشمی شباهت زیادی به صنعت مینیاتور سازی خصوصاً تصاویر دارد.

مشهورترین پارچه‌های این زمان زری و مخملهای است که با ابریشم بطور برجسته روی آنها تزیین شده. پارچه بافی این زمان مانند قالی و قالیچه نمونه ایست از صبر و حوصله و مهارت و استادی بافندها آن، زیرا که بافت این طرحهای بیچیده برگهای گوناگون محتاج به تغییر و تبدیل بی انتهای دوک و شانه است. طرح و نقش پارچه‌های ابریشمی از روی زندگی آن عصر و ادبیات اقتباس میشود. از نقشه‌های مشهور و متداول تصویر لیلی و مجنون بود و نقشه‌های گل و برگ و پرندگان و حیوانات نیز دیده میشود. از کارهای معروف پارچه‌های ابریشمی عالی است که با نخهای طلا و نقره بافته شده. تهه و بافت این قسم پارچه در زمان شاه عباس که به پارچه بافی علاقه مخصوصی داشت بسط و توسعه یافتد. بعلاوه دستگاههای نساجی یزد و کرمان که مدت‌ها برای پارچه ابریشمی معروف بودند، شاه عباس از این دستگاهها در اصفهان نیز تأسیس کرد که پارچه‌های دربار را تهیه مینمودند. بزرگترین نساجان عصر صفوی خواجه غیاث الدین علی میباشد که مورد توجه دربار شاه عباس بوده. دکتر فیلیس اکرمان که در قسمت صنایع نساجی این دوره واعصار دیگر ایران اطلاعات زیادی دارد، معتقد است که غیاث الدین در زمان سلطنت شاه عباس پیر مرد بوده. روی بعضی از بهترین پارچه‌های ابریشمی غیاث الدین امضا شده است. این شخص استعداد و هوش فوق العاده‌ای برای اختراع و ایجاد طرحهای مختلف داشته و در نقل آنها به روی پارچه مهارتی بسزا نشان داده است. در این قسمت صنعت غیاث الدین در ایران نظیر نداشته و کسی بپای او نرسیده است.

۴ - ظروف سفالین

شاه عباس علاقه زیادی بجمع آوری ظروف سفالین داشت و در عالی قاپو اصفهان و مقبره اردبیل اطاوهای مخصوصی برای اینکار ساخته و جاهائی در دیوار برای نگاهداشتن ظروف تعییه گرده، ولی صنعت سفال سازی در زمان صفویه آن مقام درجه‌ای را که چند قرن قبل بدست آورده بود حاصل نکرد. ظروف سفالین بمقدار زیاد از چین با ایران میامد و سفال سازان ایران از آنها تقلید میکردند. گرچه ظروف ایران سختی و ظرافت ظروف

چین را ندارد، ولی بعضی از آنها با بهترین ظروف چینی رقابت میکند. طرحهای ظروف ایران نیز اغلب از ظروف چین اقتباس میشود. ظروف لعابی شفاف نیز ساخته شده، ولی ظرافت صنعتی خودرا در این دوره از دست داده است.

دکتر م. س. دیمند (۱) عضو وزیر متروپولیتان نیویورک ظروف سفالی عصر صفوی را به طبقات ذیل تقسیم نموده است:

۱ - ظروف فیکه تزیین لعابی و شفاف دارند.

۲ - ظروف فیکه تزیین آنها بر نگ آبی و سفید است.

۳ - ظروف فیکه تزیین آبی و سفید و رنگهای مختلف دیگر دارند و بظروف کرمانی معروفند.

۴ - ظروف فیکه روی زمینه سوره‌ای یا سیاه رنگ آنها نقوشی کنده شده.

۵ - ظروف فیکه نقشهای رنگارنگ داشته و بظروف شیر از معروفند.

ظروف طبقه سوم یعنی کرمانی اغلب بسبک چینی ساخته شده. یک قسم طرف دیگری که رنگ زرد، قهوه‌ای و یا سیاه دارد در آمل هزاران ساخته میشود.

۵ - کارهای فلزی

در زمان صفویه مصنوعات طلاکاری، نقره‌کاری و برنج سازی رونق زیادی داشت. آهن و فولاد نیز گاهی طلا و نقره کوب میشود. شاه عباس عده زیادی از ارامنه جلفای آذربایجان را باصفهان آورده شهری در آنجا با اسم جلفا بنا نمود و مقصود او این بود که از استعداد تجارتی آنان استفاده نموده و صنعتگران ارمنی در آبادی اصفهان که پایتخت بوده کمک بزرگی باشند.

صنایع برنجی هائند قدیم که چیزهای تازه‌ای ایجاد میکردند نبود؛ بلکه چند نقشه دیگر بکار رفته. نقشه ظروف برنجی را با رنگ سیاه پر مینمودند تا در مقابل سطح شفاف برنج خوب نمایش داده شود. این قسم کار در عصر حاضر نیز در اصفهان مرسوم است. از کارهای دیگر فلزی ساختن اسلحه و زره بود و در این قسمت مهارت و



پارچه زری ابریشمی از مقبره شیخ صفی در اردبیل
یکی از عالیترین نمونه های زربفت ابریشمی



قالی بشمی نقش حیوان (قرن دهم هجری)



قالی ابریشمی از اوائل عصر صفوی که صنعت قالی بمنتهای ترقی خود رسیده بوده
قرن دهم هجری (قرن شانزدهم میلادی)

استعداد صنعتی عجیبی نشان بیدادند. آهن و فولاد که در اسلحه آتشی، کلاه خود و سینه بند بکار رفته اند، نقره و طلا کوب شده اند. در زمان شاه عباس توب برنجی نیز در ایران ریخته شده.

۶ - معماری

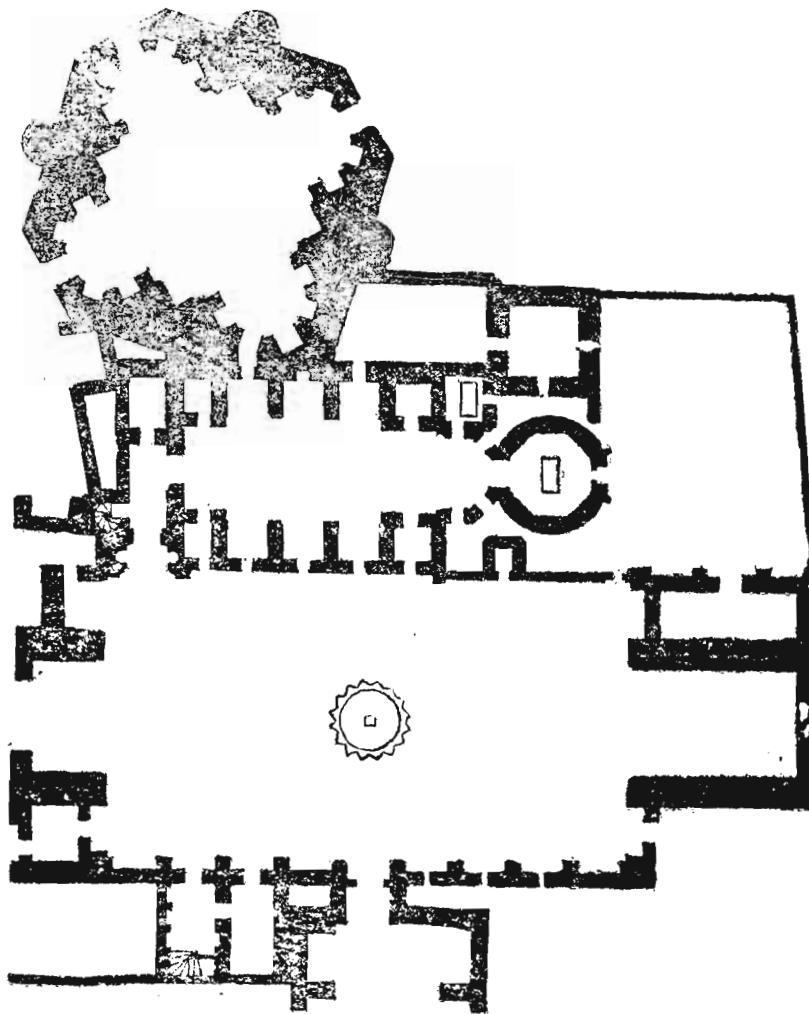
گویند شاه اسماعیل صفوی، اولین سلطان آن ساسله، بنایهای منصل و معظمی ساخته بوده، ولی از آنچه که ممکن است در تبریز و خوی ساخته باشد، چیز قابل توجهی باقی نمانده است. از اینهای مهم زمان او که تا بحال مانده، مسجد جامع ساوه است و حتی آن نیز از صورت اصلی خارج و مقدار زیادی از بنایهای آن از بین رفته، ولی گنبد بزرگ و قشنگی از آن زمان بر پا است. از خدمات صفویه بمعماری ایران، متناسب بودن گنبد با سایر قسمتهای بناء مسجد میباشد. بهترین نمونه آن مسجد شاه اصفهان است که تقریباً صد سال بعد از مسجد ساوه ساخته شده. گنبد مسجد ساوه از کاشی فیروزهای رنگ پوشیده شده و نقشی برنگ سورمه ای و سفید دارد. در قسمت داخلی گنبد طرحهای هندسی با کاشی ساخته شده و دیوار فضای زیر گنبد با کاشی های شش گوش فیروزهای رنگ زینت یافته. اغلب تزیینات خارج بنا از بین رفته است.

در محوطه زیر گنبد محراب گچ بری قشنگی است که با رنگهای مختلف نقاشی شده. این گچ بری را با اده ای سفید رنگ پوشانیده اند تا زمینه برای نقاشی مناسب باشد. و آن بهترین نمونه کاری است که در مینیاتورها نیز دیده میشود.

محراب گچ بری دیگری که روی آن نقاشی شده در مسجد میدان ساوه است، این محراب بظرافت و بزرگی محراب مسجد جامع نیست، ولی چهار قسم کتیبه بکوفی و نسخ روی آن نوشته شده و برای این کتیبه ها معروف شده است.

کاشی کاری مسجد جامع و مسجد علی در اصفهان و نیز کاشی کاری مقبره هارون ولایت در آن شهر توسعه شاه اسماعیل ساخته شده. آنچه که در این ساختمانها مانده ثابت میکند که در اوائل دوره صفوی کاشی های عالی ساخته میشد.

از زمان شاه طهماسب بنای مهمی باقی نمانده، زیرا اوضاع تهیه کتاب و قالی بافی بیشتر توجه داشت تا ساختن اینیه، او مسجد و قصری در قزوین بنانمود، ولی تقریباً چیزی از آنها باقی نمانده است. از اینها مهم زمان این سلطان که تا کنون برپا نمیباشد، مقبره جدش شیخ صفی در اردبیل است. اگر چه سابقاً بناهایی در آنجا بود، ولی شاه طهماسب آنها را تکمیل و بهم مربوط نمود و تالاری برای عبادت ساخت که به برج مقبره شیخ صفی مربوط



نقشه مقبره شیخ صفی در اردبیل

میباشد و نیز حیاط جلو آنرا .

راهروی کوچکی در سمت چپ بنا ساخته شده که از آن به تالار عبادت وارد میشوند . این تالار در نقره مشبکی دارد و قابی معروف اردبیل آنرا مفروش میکرد . در طرفین این تالار طاقنمایه‌ای است مانند لر نمایشگاه . در طرف دیگر این تالار شبکه طلائیست که با طاق کوچکی مربوط میباشد و از آن به برج مقبره‌ای شیخ صفوی وارد میشوند . در طرف چپ برج دیگری است که مقبره شاه اسماعیل میباشد و آن از چوب تیره رنگی تراشیده شده و با عاج و مر وارید زینت یافته است .

در پشت تالار عبادت اطاق گنببدار هشت گوشی است که در دیوارهای آن برای نگاهداری مجموعه ظروف چینی و بلور جاهائی مناسب و فرآخور ظروف تعییه شده که اشیاء نفیس صنعتی مقبره را در این اطاق نگاهداری میکردن . دور برج مقبره‌ای شیخ صفوی از خارج کتبیه بزرگ آجری است که نام الله با کاشی روی آن مکرر شده است . کاشی کاری حیاط و سردر که در انتهای خیابان شیخ در مسافت کمی واقع شده فوق العاده زیبا است . موزائیک کاری آن طرح قشنگی دارد و با دقت بریده شده و رنگهای گوناگون در آن بکار رفته . دور سردر حاشیه‌ای مانند طناب ضخیمی از کاشی فیروزه رنگ ساخته شده است . مقبره شیخ صفوی نه تنها از لحاظ معماری جالب توجه است ، بلکه بعضی از بزرگترین شاهکارهای صنعتی ایران که اکنون در نقاط مختلفه است سابقاً در این مقبره بوده .

اصفهان از حیث معماری از همه شهرهای دیگر ایران مهمتر است ، زیرا بنای زیادی از اعصار قدیم و عمارت بزرگی از دوره صفویه دارد که اغلب با کاشی کاریهای زیبا تزیین شده . وقتی شاه عباس اصفهان را پایتخت خود نمود ، نقشه جدیدی برای شهر طرح کرد . خیابان بزرگ و معروف چهارباغ را او ساخت و طرفین آن را درختان چنار غرس نمود . این خیابان به پل بزرگی که روی زاینده رود است منتهی میشود . در وسط شهر میدان بزرگیست که مسجد شاه در سمت جنوب و قصر عالی قاپو در مغرب و مسجد شیخ لطف الله در مشرق و مدخل بازار در سمت شمال آن قرار دارد . این میدان محل چوگان بازی بوده و دروازه‌های سنگی که برای این بازی ساخته شده هنوز در طرفین میدان موجود است . قصر عالی قاپو ایوان بلندی در جلو دارد که اعضاء دوبار در آنجا نشسته و بازی ، مسابقه و سان

قشون را از بالا تماشا میکردند. سقف این ایوان از کاشی ساخته شده و طرحهای مستطیلی شکل دارد و شبیه طرح مشمع هائیست که امروز برای پوشش کف اطاق در کشورهای مغرب زمین ساخته میشود. این عمارت هفت طبقه و دیوارهای آن نقاشی شده و بعضی از اطاقهای آن دارای طاقچه‌های شبیه شان عسل میباشد. در باغ پشت عالی قایو قصر چهل ستون قرار دارد که بیست ستون چوبی بلند در ایوان آن است. وجه تسمیه آن بچهل ستون آنست که عکس این بیست ستون در استخر جلوی آن منعکس شده و بدینظر بقاعده ستونها بنظر چهل میآید. روی دیوارهای چهل ستون نقاشیهای بزرگی کشیده شده که مناظر جنگ و مهمنیهای سلاطین صفوی را نشان میدهد. نقاشیهای کوچک دیگری نیز روی دیوار کشیده شده که تصاویر آن بسبک نقاشیهای مینیاتور است.

مسجد شیخ لطف الله در سمت مشرق میدان بزرگ واقع است و گنبد قشنگی دارد که از گاشی پوشیده شده و طرح آن نقش تاک یا اسلیمی بزرگ است که تناسب کامل با شکل و اندازه گنبد دارد. محوطه زیر گنبد هشت قطعه بزرگ کاشی موزائیک دارد که دور آنرا کاشی فیروزه‌ای رنگ احاطه نموده است. در این قطعه‌ها کمیته هائیست که با بهترین خط نوشته شده و حروف بلند سفید در مقابل کاشیهای زمینه سورمه‌ای نمایی قشنگی دارند.

در قسمت داخلی گنبد در وسط ستاره بزرگ چند پر مای برنگ طلا است که با نقش تاک مانند ترنج قالی معروف مسجد اردبیل پوشیده شده. رنگهای فیروزه‌ای، سفید و خاکستری کاشی داخل گنبد نمونه خوبیست از استعمال رنگهای مختلف و از حيث تناسب کاشی کاری مشهور میباشد. شیخ لطف الله پدر زن شاه عباس و این مسجد محل عبادت خصوصی سلطان بوده.

در سمت جنوب میدان سر در بزرگ مسجد شاه اصفهان دیده میشود که در هر طرف مناره بزرگی دارد. از فضای زیر طاق بلند نوک تیز کاشی کاری شخص بطرف راست برگشته و داخل صحن مسجد میشود. این صحن کاملاً در قسمت جنوب میدان قرار نگرفته بلکه در گوههای از آن تا اینکه محراب مسجد بطرف قبله قرار گیرد. در هر چهار طرف

صحن مسجد ایوانی است و ایوانیکه به فضای زیر گنبد منتهی میشود در هر طرف مذاره‌ای دارد که از کاشی پوشیده شده. این بنای عظیم در داخل و خارج از هرسمتی که بنظر آید با کاشی رنگی پوشیده شده. کاشی موزائیک زیاد دارد و طرز عمل جدیدی که بنام کاشی هفت رنگ موسوم است دیده میشود و آن عبارتست از کاشیهای یک پارچه بزرگ که روی آن طرحی نقاشی شده. این طرز کار در زمان صفویه بوجود آمد و البته زودتر از کار کند پر زحمت موزائیک کاری پیشرفت مینمود.

سه قسم کاشی کاری مهم در این نوع تزیین معماری ایران مشاهده میشود:

- ۱- کاشی یکرنگ: با اینکه کاشیهای رنگ مختلف برای ایجاد نقشه روی آجر استعمال میشد، ولی هر کاشی منفرداً یک رنگ معین داشت.
- ۲- کاشی موزائیک: کاشیهای رنگ را به قطعات کوچک برباده و آنها را طبق نقشه پهلوی یکدیگر میگذارند. این قطعات کوچک را وارونه قرار داده و پشت آنها را گچ میریزند و وقتی که گچ سفت میشود آن را روی دیوار نصب میکنند.
- ۳- کاشی هفت رنگ: روی کاشی ساده نقشه‌ای بر رنگهای مختلف نقاشی نموده روی آنرا لعب میدهند.

ساختن سردرهای بزرگ که دارای کاشیهای شفاف است در عصر صفویه پیشرفت بسیار نمود. زیر نیم گنبد سردر را معمولاً با گچ مقرنس کاری نموده روی آنرا اغلب با کاشی تزیین میکردند. این مقرنس کاری بوسیله تیرهای چوبی که به سقف گنبد وصل بود ساخته و آویزان میشد. ترکیب سردر بزرگ و مناره‌های طرفین آن با صحنه چهار ایوان و ساختمانهای اطراف آن و قرار دادن گنبد به نحویکه با کلیه ساختمان متناسب باشد در معماری زمان صفوی بدرجۀ کمال رسید. اگرچه جنس و انتخاب رنگ کاشی بخوبی ساخته‌مانهای عظیم زمان تیموری نیست، ولی رویه مرقه اینه کاشی کاری زمان صفوی در هیچ جای دنیا نظر ندارد.

پل الله وردی خان و پل خواجه که روی رودخانه عریض زاینده رود ساخته شده، بنای مهم دو طبقه‌ای است که با آجر روی پی سنگی ساخته شده. پل الله وردی خان

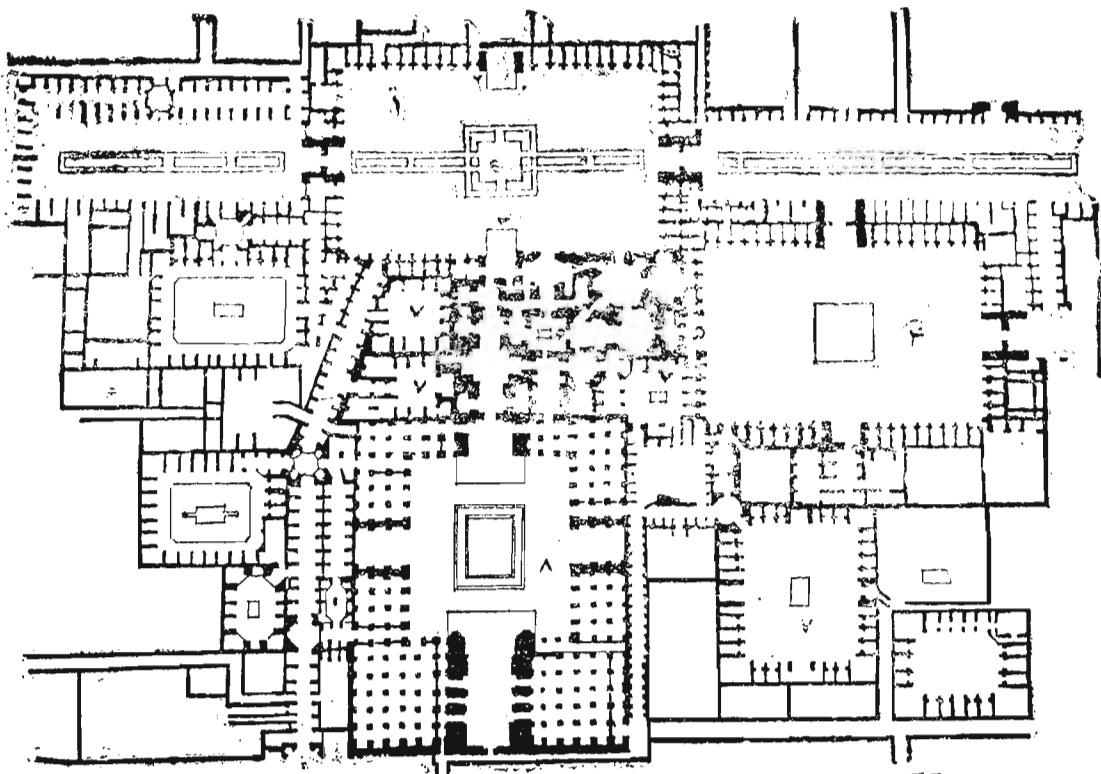
تقريباً ۳۰۰ متر طول دارد و در طرفين جاده اصلی راهرو سريوشيده اي برای پياده رو ساخته شده . طاقهای طبقه پائين و بالا شکل قشنگی دارد . اطاقهایي برای استراحت و پلکانی نيز برودخانه ساخته شده . پل خواجه دوباره در زمان شاه عباس ثانی ساخته شده و طاقهای آن با کاشی هفت رنگ زينت يافته است .

شاه عباس كبير در سراسر كشور ايران كاروانسراهاي بزرگ که اغلب از آجر و گاهی از سنگ است ساخت . اين بنهاها بسيار محکم ساخته شده و محل توقف و استراحت کاروانهای بود که مدام در کشور شاهنشاهی او مسافت میکردن . ساختمان آنها عبارت است از صحن مربع بزرگی که اطاقهای بزرگ و کوچک برای مسافرين و مکانهای مخصوصی برای دواب دور آن ساخته شده . در جلو آن سردر بزرگی است که عموماً کتيبة سنگی دارند و اسم سلطان ، محل کاروانسرا و تاریخ بنای آن ذکر شده است . در پای گردنی شبلی که در سی و سه کيلومتری تبریز رو به تهران واقع شده ، شاه عباس ثانی کاروانسراي ساخته که سقف آن از گنبدهای کوچکی که روی طاقه قرار گرفته تشکيل يافته و خود کاروانسرا صحن ندارد . ساختمان کاروانسراهای عصر صفوی بسيار محکم و بادوام است و اگرچه در اين عصر موتوری زياد مورد استعمال ندارد ، ولی بنهاهاي تاریخي جالب توجهی است که در تمام ايران دیده ميشود .

بنای جالب توجه دیگر در اصفهان مدرسه شاه سلطان حسين در خیابان چهار باع است . ساختمان آن بسبك معمولي است ، يعني صحن مربع چهار ايوانی میباشد . دور صحن طاقهای دوطبقه ساخته شده و در طرف قبله سردر بزرگیست که گنبدهای طرفين آن با کاشی پوشیده شده است . اين بنانشان میدهد که در اراخر دوره صفوی هنوز میتوانستند کاشيهای عالي بسازند .

مقبره مير بزرگ در آمل مازندران نمونههای چندين طرح کاشی کاري دارد . دیوار محوطه زر گنبدهای هفت رنگ دارد و رنگ اصلی آن زرد و دارای نقش تاک درشت است . رنگهای دیگر آن عبارتند از آبي ، سورمه اي ، سبز ، قهوه اي و سفید . يکی از قصرهای يکه مورد توجه شاه عباس بود قصری است که در نزدیکی به شهر (اشرف مازندران)

ساخته بوده. این قصر روی تپهٔ بسیار قشنگی واقع شده بود. پشت آن کوههای پوشیده از جنگل و در جلوی آن دشت پهناوری است که به دریای خزر منتهی میگردد. در نزدیکی آن شهر خرابه‌های چند بنای صفوی دیده میشود، زیرا باع و قصرها مسافت زیادی را اشغال کرده بوده. از زمان صفویه این بنای تاریخی زیاد دیگر در ایران وجود دارد، ولی فقط بذرگ ساخته‌مانده‌ای که در مقبرهٔ امام رضا در مشهد بعمل آمده میپردازیم. میگویند که گنبد طلای معروف که فوق اطاق مقبره است بواسیله شاه طهماسب ساخته شده، ولی مسلم است که شاه عباس کبیر آنرا تعمیر کرده و اسم او در کتیبهٔ طلائی دور گلای گنبد برده شده است.



نقشهٔ آستانهٔ امام رضا در مشهد

- ۱ - صحن کهنه ۲ - ایوان عباسی ۳ - ایوان طلای نادری ۴ - صحن نو
- ۵ - ایوان طلای نادری ۶ - حرم و مرقد حضرت رضا ۷ - مدارس ۸ - مسجد گوهر شاد
- از کتاب « فخر عالم شیعه »

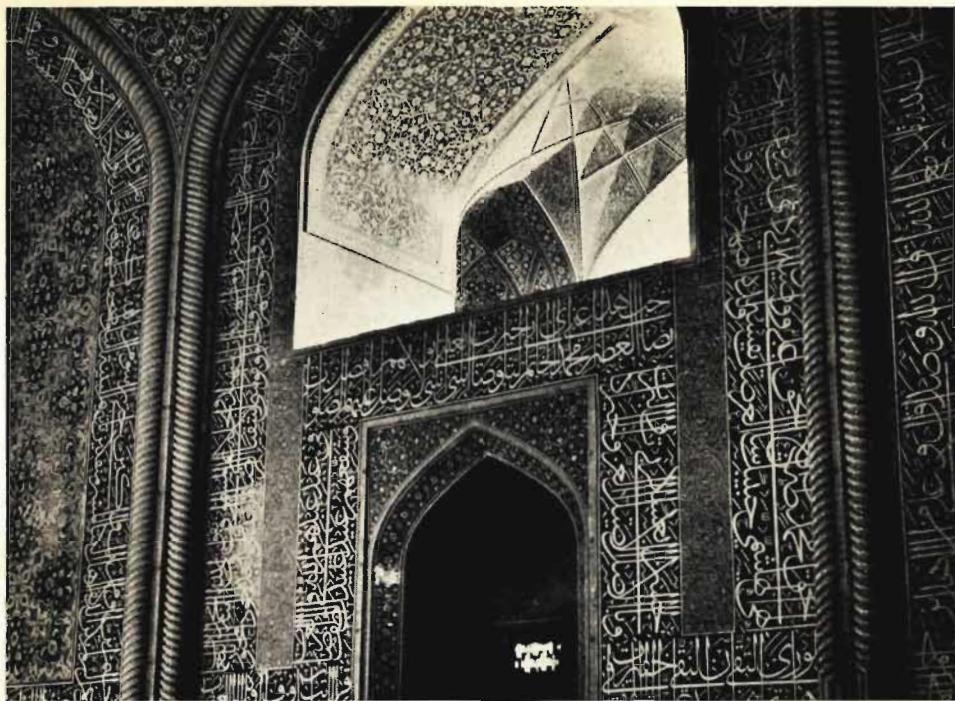
سردر اصلی مقبره بصحن کهنه باز میشود. میگویند که ساختمان آن در عصر تیموریان شروع شد، ولی بطورکلی قسمت مهم آن که فعلاً وجود دارد بوسیله شاه عباس کبیر ساخته شده. کاشی کاری آن متجاوز از ۴۰ سال طول کشید و بالاخره در زمان سلطنت شاه عباس ثانی تمام شد. در کتیبه بزرگ و دور مدخل غربی اسم علیرضا خوش‌ویس برداشده است. دو مناره طلا در اینجا وجود دارد که میگویند یکی را شاه سلیمان صفوی و دیگری را نادرشاه ساخته است.

ایوان طلای عظیم صحن کهنه را میگویند اول شاه طهماسب ساخت، ولی بنام ایوان نادرشاه معروف است و احتمال میرود که بصورت فعلی نادرشاه آنرا ساخته باشد. بعضی از بهترین نمونه کاشی کاری سه دوره تاریخی متواالی در مقبره امام رضا دیده میشود، زیرا مسجد گوهر شاد در زمان تیموریان، صحن کهنه در زمان صفویه و صحن نو در دوره قاجاریه ساخته شده است.

ظهور نادرشاه بسلطنت سلسله صفویه خاتمه داد. او یکی از نوابغ ارتشی دنیا است و اورانایلئون آسیا لقب داده‌اند. اما نادر حامی صنعت شمرده نمیشود، گرچه او پس از فتح هندوستان خزانه بسیاری با خود بایران آورد که تخت طاؤس مشهور از جمله آن خزانه است. زرگری زمان نادر مشهور است و روی طلا نیز میناکاری میشد. بعضی از قرآنیای نفیس هذّب بزمان اونسبت داده میشود که ترجمه فارسی آن بخط قرم ذیر خط عربی نوشته شده.

کمی بعد از مرگ نادر، کریم خان زند در شیراز مستقر شد و در آن شهر عمارت بزرگی بنا نمود که باسم او مشهور است. از جمله آنها قصر، مسجد، حمام و بازاری است که بشکل علامت بعلوه ساخته شده. از خصائص کاشی کاری این دوره استعمال نوعی رنگ گل سرخی است که در زمان قبل دیده نمیشود.

در زمان صفویه پس از مدتی در ایران وحدت ملی تخت نظر یک سلسله ایرانی بوجود آمد و چون صلح و امنیت محرز گردید، صنعت و تمدن در تمام مراحل زندگی از نو بوجود آمد و در راه ترقی و تعالی افتخار. ذوق و استعداد صنعتی ایران هیچوقت مغلوب



کاشی کاری شگفت انگیز فضای زیر گنبد مسجد شیخ لطف الله در اصفهان
 (عصر صفویه)



کاشی کاری طاقها و سقف مسجد شاه اصفهان با رنگها و نقشهای بسیار عالی
 (از زمان شاه عباس کبیر)



قالی نقش اصفهان یا نقش شاه عباس از اوآخر عصر صفویه

نمیشود و هر وقت که فرصت پیدا میکند زنده میگردد، همچون غنچه‌ای که به گل زیبائی کمال یابد. چنانکه مشاهده شد مینیاتور سازی و بافت قالی و قالیچه در زمان سلطنت طولانی شاه طهماسب باعی درجه ترقی رسید. در زمان شاه عباس کبیر صنعت در تمام قسمتهای مختلف ترقی و بیشرف نمود. طرح و بافت ابریشم که با ناخهای طلا و نقره بافته میشد با بهترین پارچه‌های دنیا رقابت و برابری میکرد. در زمان شاه عباس نیز معماری ایران به آن درجه ترقی رسید که میتوان آنرا دوره تجدد معماری نامید، ولی قبل از آنکه سلسله صفویه منقرض گردد انحطاطی در تمام قسمتهای صنعت مشاهده میشود. با اینحال این دوره را باید یکی از بهترین و بزرگترین ادوار صنعتی ایران دانست.

فصل یازدهم

از احاطه صنعت در دوره قاجاریه

قبل از انقراض سلسله صفویه احاطه صنعت بود؛ ابتکار و اختراع از بین رفت و صنعت رو به پستی نهاد. این احاطه در دوره قاجاریه ادامه داشت. زیرا سلاطین قاجار عموماً بر عکس شاهنشاهان اداره گذشته اغلب فاقد ذوق صنعتی بودند و علاقه زیادی نشان نمیدادند. البته قالی ایران مقام خود را در دنیا محفوظ داشت، ولی قالیهای این دوره هرگز قابل مقایسه با شاهکارهای عصر صفویه نبوده و از آنها پست تراست. نقاشیهای بزرگ روی دیوار که در زمان قاجاریه کشیده شده گرچه اغلب نفوذ نقاشی اروپائی در آنها دیده میشود، قابل توجه میباشد. مینیاتور سازی این دوره بظرافت سابق نیست. در بعضی نقاط ایران ظروف فلزی ساخته میشدند و گاهی بدربجه حقیقی صنعت میرسید، ولی این ظروف بیشتر نماینده مهارت و هرش کارگر است نه ذوق صنعتی.

بغیر از بعضی اینهای مذهبی دوره قاجاریه معماری و عمارت‌ها قابل توجهی ندارد. در اینهای مذهبی به تزیین و کاشی کاری توجه زیادی شده و چندین گنبد طلا نیز در نقاط مختلف ساخته شده است. اگرچه این اینهای تاحدی قشنگی و فریبندگی دارد، ولی بیشتر آنها تقلید از بنایهای دوره های گذشته است و این تقلید هم اغلب پست ترا از اصل است. با وجود احاطه سریع و قدران ذوق صنعتی در این دوره، همیشه آن استعداد و ذوق صنعتی طبیعی درین ایرانیان باقی مانده. آری صنعت در ایران هنوز زنده ولی در خواب بوده و فقط منتظر و مترصد فرصت و وضعیت مناسب بود تا اینکه بار دیگر با تمام قوا و جدیتی که چندین سرتیخ در تاریخ طویل صنعت ایران مشاهده شد، شکوفه کرده آثار صنعتی گرانبهائی بوجود آورد.

فتحعلیشاه در راه صنعت آرزوهای داشت و مایل بود از حجاریهای بزرگ سلاطین ساسانی تقلید نموده نام خود را در صفحه سنگ ثبت نماید. بدین منظور یکی از حجاریهای بزرگ و گرانبهای ساسانی که در چشمۀ علی نزدیک طهران ساخته شده بود محو کرده تصویر خود و پسرانش را روی آن نقش نمود. قدری بالاتر در همان دره در طرف دیگر قلعه قدیم ری فتحعلیشاه تصویر دیگری از خود حجاری کرده است. در این حجاری وی بر اسب سوار و با نیزه بلندی مشغول کشتن شیری است در حالیکه کاملاً خونسرد و بی توجه بنظر می‌آید. در غار بزرگ طاق بستان نزدیک کرمانشاه تصویر فتحعلیشاه روی سنگی دیده می‌شود و نیز روی تخته سنگی نزدیک دروازه قرآن در شیراز. بعضی از این حجاریها برنگهای مختلف رنگ شده است.

تصاویر نقاشی شده فتحعلیشاه نیز زیاد است که هم روی کرباس برای تزیین دیوار و هم در روی هینینیاتور کشیده شده است. فتحعلیشاه تصویر خود را روی کاشی نیز ترسیم کرده. این تصاویر شاه را با جواهرات زیاد نشان میدهد و با سلاحهای مختلف مانند کمان، شمشیر و خنجر مسلح و عصای سلطنتی در دست دارد. تصویر فتحعلیشاه را همه‌جا از ریش بلند و کمر بازیک میتوان تشخیص داد.

۱ - فلز کاری

زرگران دورۀ فاجاریه ظروفیکه جنبه صنعتی داشت ساخته و روی آن را با مینا نقاشی کرده‌اند. قلیانهای از طلا و نقره ساخته در روی آرا طرح‌های برجسته انداخته و با مینا و سنگهای قیمتی تزیین نموده‌اند.

در اصفهان انواع و اقسام ظروف برنجی مانند سینی‌های بزرگ و کوچک، قندیل یا چراغهای مشبك و اذرع کاسه، بشقاب، شمعدان و غیره می‌ساختند. ظروف نقره نیز در اصفهان ساخته می‌شد و روی آن طرح گل و تصاویر وغیره نقش می‌کردند. تکه‌های کوچک فلز، استخوان و غیره پهلوی یکدیگر قرار داده خاتم سازی می‌کردند. یک قسم ظرف نقره در شیراز ساخته می‌شد که طرح گل و تاک بطور برجسته

روی آنها نقش میشد. طرز ساختن این ظروف معمولاً این بود که نقره نازک را روی قالب طرح دار چکشی کرده و میکوییدند و موضوعهای آنرا اغلب از حجاریهای تخت جمشید اقتباس میکردند.

زنجان برای ساختن ظروف نقره مشبك و مفتول کاری معروف شد. این ظروف طرحهای مفصل و مشکل را با مفتول خیلی نازک نقره میساختند. طلا و نقره کاری در تبریز نیز رائج بود. بطورکلی در ساختن این اشیاء ابتکار نشان داده نشده، بلکه بیشتر از طرحهای قدیمه تقليید گردیده و با اینکه سازنده مهارت خود را نشان داده ولی چیزی که بتوان در درجه کارهای صنعتی قرار داد بوجود نیامده است.

۲ — قالی بافی

از صنایع ایران که در زمان قاجاریه در خارجه اهمیت داشت و مورد توجه بود قالی و قالیچه است. ایران در این صنعت همیشه پیشرازی دنیا بوده و هیچیک از کشورهای دیگر نتوانسته اند با آن رقابت کنند. در اینجا بطور اختصار انواع قالیهای مهم را که در این دوره باقته شده با ذکر محل آنها شرح خواهیم داد.

بزرگترین مرکز قالی بافی ایران در زمان قاجاریه اراک و نواحی اطراف آن بوده است. قالی بافی در خود شهر سلطان آباد و بلوک اطراف زواج داشت. قالیهای این منطقه را تجار قالی به چهار طبقه تقسیم کردند. بهترین قالیها ائیکه در آن شهر یا در دهستان آن باقته میشد ساروق نام داشت. قالی درجه دوم را محال مینامیدند و قالیهای درجه سوم را هشیرآباد می گفتند که چندان ظرافتی نداشت و خشن بود. آخرین قسم قالی باسم لیلاهان معروف بود که کرک بلند داشته و اغلب در دهستان ارممنی نشین باقته میشد. چون این قالیها برای مصرف تجارت و فروش ساخته میشد، طرح ورنگ آنها را دلالها و تجار معین میکردند و قالیهای این ناحیه بهم بن جهت خصائص اصلی و طرحهای قدیمه را از دست داده و قالی بافی از لحاظ صنعت به پست ترین درجه رسیده و بطور کلی جنبه تجاری بخود گرفت.

ساروق - قالیهای قدیم این نقطه از محکمترین قالیهای ایران بشمار می‌رود.

نقشه آن عبارتست از ترنجی در وسط و زمینه باز که فقط از چند تصویر پوشیده هیشد. رنگهای آن خوب است و به رنگ سورمه‌ای و قرمز بیشتر اهمیت داده شده است.

محلات - قالیهای که معمولاً قالی محل نامیده می‌شود خیلی ریز بافته نشده،

ولی منظم و مرتب است. نقشه اینها عموماً گل و برگ است و رنگهای آن بیشتر به رنگهای تیره هتمایل است. رنگ قرمز متن بر جسته و متباین با رنگ سورمه‌ای حاشیه بوده.

سرمه - قالیهای قدیمتر و خوش جنس نر این محل بقالیهای میر معروف

است. نقشه آن بوته‌های ترمه‌ای است. این بوته‌ها متن قالی را گرفته و از جهت شباهت به اسم گلابی و بادامی معروف است. حاشیه آن نقشه‌ای از خطوط راه راه و نقش مو دارد.

فراهان - قالیهای فراهان کرک کوتاه داشته و اغلب زمینه سورمه‌ای دارند.

دو قسم نقشه در آنها دیده هیشود: یکی نقشه ماهی که از ماهیهای کوچک که گاهی بشکل برگ پیچیده بنظر می‌آید تشکیل یافته و دیگری نقش گلخانه است که از دسته های گل مرتب تر کیب شده است.

اکنون بشرح مرکز دیگر قالی بافی جوب و مرکز ایران میپردازیم:

کاشان - در دوره صفویه کاشان برای قالیهای ابریشمی معروف بود، ولی پس

از صفویه تا مدتی صنعت قالی بافی در این شهر متوقف شده بود تا اینکه در عصر حاضر قالی بافی در آنجا دوباره برقرار شده رواج یافت. قالیهای کاشان از حیث بافت از بهترین

قالیهای ایران است. نقشه آن در هر دور بخوبی نمایان است، کرک آن کوتاه و معمولاً دارای نقش ترنجی در وسط و لپکهای در گوشه همیباشد واژ پشم و ابریشم بافته شده است، ابریشم آنرا از سواحل دریای خزر می‌آورند. بعضی از قالیهای پشمی عالی را از پشم و لخ وارد از انگلیس بافته اند.

جوشقان - جوشقان در دوره قاجاریه برای یک نوع نقشه مخصوص ترنج

وسط و اشکال مستطیل معروف هیباشد.

اصفهان - اصفهان مرکز قالی بافی مهمی نبوده، ولی دستگاههای قالی بافی آنجا

چند قالی جنس عالی باقته است و قالیهای آن معمولاً نقش شاه عباس دارند که همان ترنجها و گلمهای شاه عباسی باشد.

گرهان -- قالیهای قدیمی معمولاً زمینه روشن داشته و رنگهای آن طوری است که منظره روشنی بقالی میدهد. طرح و نقشه آن اغلب عبارتست از درخت زندگی که گاهی در گلدان قرار داده شده و درختان سرو و نقشه گل و برگ و ناک پیچ پیچ، بعضی از قالیهای اعلا در نقشه خود اشکال حیوانات دارند. در فسنجان و سایر نواحی کرمان نیز قالی باقته میشد.

شیراز -- قالیهای معروف به شیراز اغلب بوسیله قبائل قشقائی و چادرنشینهای دیگر باقته میشود. این قالیها خیلی نرم و شل باقته شده است و معمولاً ترنجها لوزی شکلی در وسط مکرر شده. رنگهای آن اغلب جالب است و رنگ سورمهای وقهوایی بعلاوه رنگهای روشنتر که متباین آن است بکار رفته.

همدان -- در همدان و دهستان اطراف آن قالیهای زیادی باقته میشود. قالیهای قدیم این ناحیه خصائص مخصوص بخود داشته و زمینه آن با پشم شتر باقته شده. از این قالیها فعلاً در ایران کمتر پیدا میشود و آنها معمولاً بشکل کناره میساختند. قالیهای کوچکی که بنام قالیهای موصل معروف است نیز باقته شده. این اسم فقط از لحاظ اندازه بانها الحق میشد که از قالیهای دو ذرعی قدری کوچکتر است.

ملایر -- در نواحی ملایر قالیهای باقته میشد که شبیه قالیهای همدان و مخصوصاً اراک است. ملایر بن این دو شهرستان واقع است. قریه در جزین برای رنگ قالی خود معروف است. علت آنکه رنگ قالی آن خوب بعمل میآید خوبی آب آنجا است، زیرا در شستن پشم تأثیر دارد و رنگ آنرا خوب نمایش میدهد. بطور کلی میتوان گفت که خوبی و بدی آب در قالیهای ایران تأثیر زیاد دارد، زیرا پشم را باید خوب بشویند تا برای گرفتن رنگ حاضر شود و برای این منظور آب باید صاف و بدون مواد معدنی باشد.

سننه که آکنون به سنندج موسوم است، مرکز بهترین کلمیمهای ایران

است. این گلیمها را با رنگهای قشنگ میبافتند و پشت و رو ندارد. نقشہ ماهی زیاد بکار میرود. در سنتنج نیز قالی و قالیچه بافته میشود. بعضی از آنها بسیار نازک و ظریف هستند و از خصائص آن گرّه مخصوصی است.

کردستان -- در گروس و مخصوصاً در بیجار قالیهای بافته میشود که تار و پود آن هردو از پشم است. این قالیها خیلی سخت و گاهی در موقع تاکردن می‌شکند نقشه آن عبارتست از ترنج وسط و لچکهای بشکل همان نقش. زمینه نقشہ ماهی دارد و طرحهای که رنگ آن متباین رنگ ترنج است. قالیهای خشن دیگری که کرک بلند دارند در کوهستان کردستان و مخصوصاً آن ناحیه طرف کرمانشاه بافته میشد.

قالیهای خراسان یا هشید از حیث جنس خیلی عالی است و سطح آنها از گلهای مناسب پوشیده شده و طرح ترنجی در وسط دارند. در نقشہ بعضی قالیها تصویر حیوانات نیز دیده میشود و دیگر ترنج و لچکی و زمینه ساده. در بیرجند و سیستان نیز قالی بافته میشود، ولی قالیهای سیستان نسبة خشن و کرک آن بلند است.

قبائل چادر نشین نواحی خراسان قالیهای میبافتند که بنام قالی **ترکمن** یا **بخارا** معروف است. زمینه این قالیها قرهز تیره و نقشہ آنها از یک سلسه کشیر الاضلاع تشکیل یافته و باسم نقشہ پای فیل موسوم است. بعضی از این قالیهای رنگ نیز بوسیله قبائل چادر نشین کرده اند و آنها را قالی چهار فصل مینامند. قالیهای **بلوچ** نیز بوسیله قبائل چادر نشین بافته میشود. زمینه آنها هانند قالیهای ترکمن قرمز تیره است، ولی شلت و نرمتر از آنها میباشد. این قالیها طرحهای مختلف داشته و رنگ سورمهای و قرهز تیره و رنگهای روشن در نقشہ آنها بکار رفته است. این قالی‌ها معمولی و قیمت آنها ارزان است.

آذربایجان از قرنها پیش برای صنعت قالی بافی مشهور بود. در تبریز همه جور قالی به انواع و اقسام نقشه‌ها بافته میشود. از حیث جنس نیز قالیهای مختلف در تبریز دیده میشود. تار همه آنها پنبه است. قالیهای کهنه تبریز اغلب دارای رنگ قرمز و نقشہ ترنجی هستند، ولی نقشہ مخصوصی نیست که بتوان آنرا نقشہ تبریز گفت. قالیهای ابریشمی از زمان پیش در تبریز بافته میشد، ولی از حیث جنس بخوبی قالیهای ابریشمی

کاشان نیست. روی اغلب آنها تصاویری نقش شده است.

هُریس -- قالیهای هُریس از بهترین قالیهای نواحی تبریز است. این قالیها سنگین و کلفت و برای دوام خود مشهور میباشد. زمینه آنها عموماً برنگ قرمز روناسی است که از ریشه گیاهی که در آن نواحی میروید گرفته میشود. رنگ این قالیها نیانی و اصل است و طرح و نقش آنها اغلب اشکال هندسی است که با خطوط مستقیم کشیده شده و عموماً دارای ترنجی نیز میباشد. قالی بافان هُریس و نواحی آن نقش کشیده ندارند، بلکه نقشه را از حفظ داشته و از روی فکر طرح آنرا میسازند. هُریس مانند سایر نقاط مشهور قالی بافی، برای شستن پشم آب خوب دارد.

گوراوان -- قالیهای گوراوان در قریهای بین اسم و نقاط دیگر اطراف هُریس بافته میشود. نقش آنها همان نقش قالیهای هُریس یعنی اشکال هندسی است، ولی بخوبی قالیهای خود هُریس نیستند.

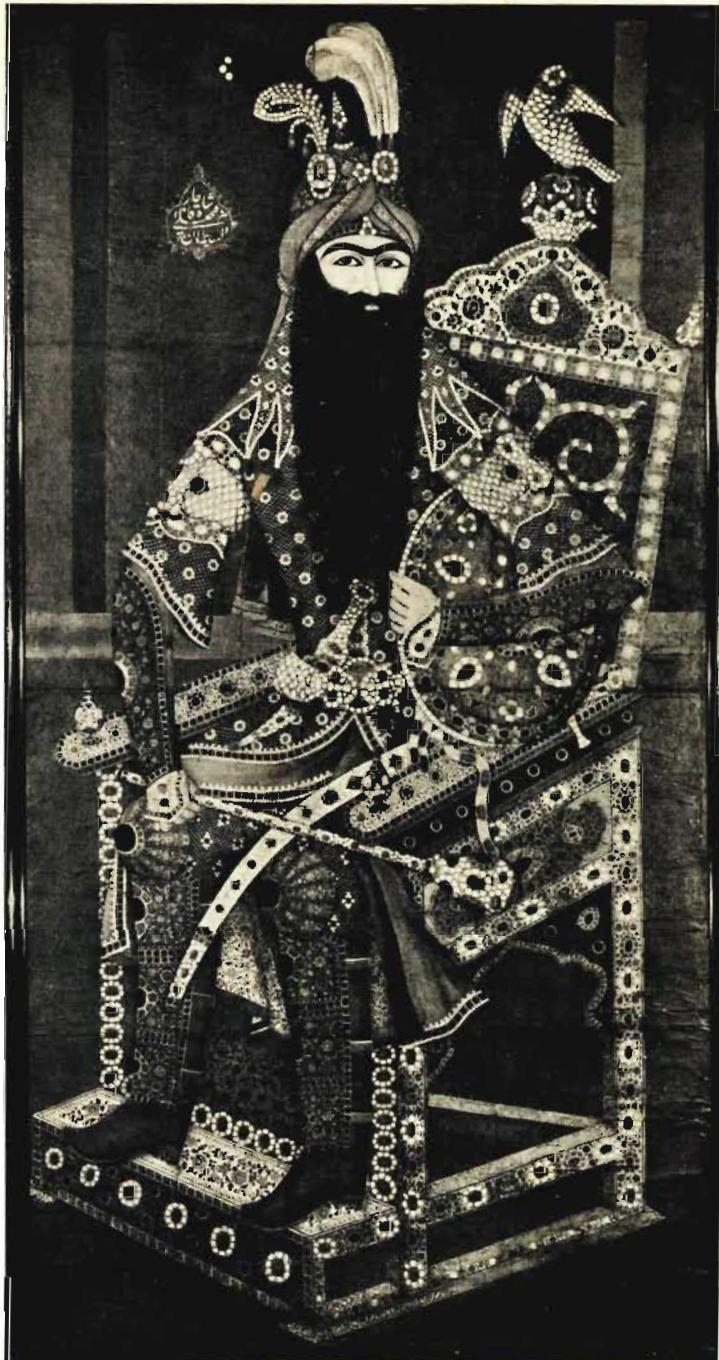
بخشايش -- قالیهای قدیم بخشایش بهتر از قالیهای جدید آنست و اکنون این اسم به نوعی قالی اطلاق میگردد که شبیه قالی گوراوان است.

قره‌چه -- قالیهای قره‌چه در ناحیه قردادغ شمال تبریز بافته میشود. این قالیها عموماً کوچک و بشکل کناره هستند و در وسط ترنج لوزی یا ستاره‌ای شکل مکرر دارند. رنگ زمینه آنها عموماً سورمه‌ای یا قرمز است.

سراب -- قالیهای این ناحیه را عموماً سرابی مینامند. اینها کناره‌های ضخیمی هستند که تار آنها پشم و زمینه آن با پشم شتر بافته شده و در وسط نقش ترنج لوزی شکل مکرر شده است.

کناره هائی که در اردبیل بافته میشد نقشه های مختلف داشته و برای رنگ آمیزی مشهور بودند. اغلب زمینه آنها قهوه‌ای کم رنگ یا تیره رنگ است. اخیراً باقتن این جنس قالی از بین رفته است.

در زنججان در دوره قاجاریه قالیهای کوچک بافته میشد. در این قالیها رنگهای جوهری بکار میرفت و خوب بافته نمیشد. این رنگهای شیمیائی که از خارجه با ایران وارد



تصویر نقاشی فتحعلی شاه از عصر قاجار

آفتابه لگن طلای مینا کاری از عصر قاجار
(متعلق به دولت شاهنشاهی ایران)



میشود از رنگهای نباتی اصل که در ایران میسازند ارزانتر است. استعمال رنگهای مصنوعی و شیمیائی که در دوره قاجاریه مرسوم گردید، ضرر و لطمہ بزرگی به شهرت قالیهای ایران در دنیا وارد آورد. خوشبختانه استعمال رنگهای جوهری قدغن شده است. در سالهای اخیر در زنجان قالی کم باقته میشود.

از حیث تنوع در نقشه، رنگ آمیزی و مهارت در باقتن قالی و قالیچه ایران حتی در دوره قاجاریه که صنعت رو به پستی رفته بود در دنیا نظری نداشت. قالی خوب ایران مانند قطعه شعر زیبائی است که با فنده آن مانند شاعر جمال طبیعت را ترجمه و بصورت شیوه زیبائی در آورده که هم قشنگ و هم قابل استفاده است.

۳ — معماری

در این دوره بعضی ساخته‌انهای بزرگ شده که تقلید از اینهی و ابتکارهای ادوار گذشته است. معماران این عصر هر موقع سعی کردند که ابتکار بخرج داده و از خود بنای بسازند، ولی هوفق نشده و نتیجه مطلوب نگرفته‌اند. بعلاوه اغلب کارهای آنان از روی دقت انجام نشده و فاقد مهارت فنی هم بوده است. در کاشی کاری طرحهای تازه و ترکیب رنگهای جدیدی بوجود آمد، ولی از کارهای دوره‌های قبل خیلی پست تراست و علت آن بیشتر عدم ذوق صنعتی میباشد. طرحهای مانند خوش بزرگ انگور، عمارتی سبک فرنگ و تصاویری ملبس بلباس آن زمان روی کاشی ساخته شده است، ولی همه اینها فاقد ظرافت و قشنگی نقشهای تاک و برگ و گل و کتیبه‌های عالی از منته میباشد.

در تهران و اطراف آن دو نمونه مهم از معماری قاجاریه دیده میشود. یکی مقبره حضرت عبدالعظیم است که بنای مقبره و گنبد طلای آن قابل توجه است، ولی نقصهای این زمان در تنزل سبک کاشی کاری و کثیر استعمال رنگهای روش مشاهده میشود. بناء دیگر قابل توجه عصر قاجاریه مسجد سپهسالار جدید تهران است. با اینکه الحلب کاشی کاری آن از کاشی معروف به هفت رنگ است، ولی بعضی نمونه‌های کاشی کاری معرق (موزائیک) دیده میشود که خوب ساخته شده است. در مقابل این کاشی کاری خوب

مقدار زیادی کاشی کاری بد شده است. صنعت رنگ آمیزی از بین رفته. رنگ کاشی بیشتر قرمز و صورتی و سفید است در حالیکه در آفتاب در خشان ایران رنگهای قدیم مانند فیروزه ای و سورمه ای مطلوبتر است. ساختمان مسجد زیاد محکم نیست و برای محکم کردن تزیین بنا در جاهاییکه شروع بخراب شدن نموده، تیرهای آهن بکار برده شده.

طرحهای داخل گنبد مناسب با گنبد نیست و در قسمتهای دیگر همین نقص دیده میشود، ولی رو به مرفته نقشه مسجد سپهسالار برای یک بنای عظیم و مجللی مانند این مسجد خوب است و گنبد و منارهای آن از دور منظره جالب توجهی دارند.

سلطین قاجاریه چند گنبد طلا در بعضی از اماکن مقدسه عراق عرب و گنبد طلائی در مقبره حضرت معصومه در قم ساخته اند. شاه عباس ثانی و بعضی از سلطین قاجاریه چند گنبد طلا منارهای بلند و کاشی کاری زیاد دارد.

در سراسر کشور ایران بنایهای مذهبی زیادی از عهد قاجاریه دیده میشود. یکی از بهترین این دوره مسجد شاه سمنان است که در زمان فتحعلیشاه ساخته شده. معمار و سازنده آن صفر علی اصفهانی بوده که نامش در قسمتی از بنا حاکم شده است. کتیبه بزرگ ایوان آنرا محمد اصفهانی امضا نموده و تاریخ آن ۱۲۴۳ هجری (۱۸۲۷ میلادی) است. سازنده کاشی های رنگی محمد علی کاشی بز نام داشته. در سینه مسجد کوچکی است که در زمان قاجاریه ساخته شده که نماینده ظرافت و نیز نواقص معماری این دوره است. بهترین نمونه معماري عصر قاجاریه شاید صحنه نو مقبره امام رضا در مشهد

باشد که بنا و کاشی کاری آن در زمان فتحعلیشاه و ایوان طلای سمت غرب در زمان ناصر الدین شاه ساخته شده. در کاشی کاریهای صحنه نو رنگهای مختلف آبی بیش از رنگ صورتی که در کاشی کاریهای تهران دیده میشود و متعلق به اوآخر دوره قاجاریه است استعمال شده. علت آنکه در کاشی کاری صحنه نو سلیقه نشان داده شده و نسبة خوب است، شاید این باشد که صحنه که در زمان صفویه ساخته شده در تزیینی آن واقع و لمونه خوبی بوده است. ولی نباید انکار کرد که صحنه نو دارای ظرافت و زیبائی است و در ساختن

و تزیین آن مهارت زیادی بکار رفته است.

مقبره امام رضا در مشهد شامل نمونه های معماری پنج قرن است. صحنه های وسیع آن، کاشی کاری اعلا، دو ایوان بزرگ، مناره های بلند و گنبد طلا، مساجد بزرگ آن، مدرسه و بناهای دیگر که در اینجا گنجایش وصف آنها نیست، از بهترین مجموعه معماری دنیا و مورد توجه دانشجویان صنعت و معماری است. (به شکل صفحه ۲۰۷ مراجعه شود.)

اگرچه اینحطاط صنعت در زمان قاجاریه ادامه یافته به درجه پست رسید، ولی تاریکترین ساعتها همیشه قبل از طلوع فجر است و شب تیره و تار صنعت و فرهنگ قاجاریه زمینه مناسبی بود برای طلوع عصر مشعشع اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی، تا دوره همایونش باجلالتر و با شکوه تر جلوه نماید.

فصل دوازدهم

خاتمه

این کتاب که تاریخچه مختصری از صنایع ایران است با این فصل خاتمه می‌باید، زیرا تاریخ شامل زمان حال نمی‌گردد. شرح مفصل صنعت و معماری دوره حاضر موضوعی غالب توجه است، ولی آن خود بحث مفصل و جدا گانه‌ایست که از حدود کتاب ما خارج، ولی لازم است در خاتمه چند کلمه در باب وضع عمومی صنعت در دوره معاصر سخن گفته و اظهار امیدواری کنیم که روح و علاقه جدیدی که بوجود آمده مسبب احیاء صنعتی شود که با شکوه و جلال ادور گذشته رقابت و برابری نماید.

اداره‌ای بنام باستان‌شناسی تحت نظر وزارت عارف تشکیل شده و بسیاری از بقایای معماری قرون قبل را بنام آثار ملی ثبت نموده و از خرابی آنها جلوگیری و ممانعت بعمل می‌آید. آثار قدیم که مرمت لازم داشته تعمیر شده و این تعمیر‌ها که در چند سال اخیر صورت گرفته ثابت می‌کنند که صنعت کاشی‌کاری و طرز قراردادن آنها هنوز در ایران و جرد دارد و کاشی‌کاری معرف (موزائیک) این عصر با کاشی‌کاری‌های زیبایی گذشته رقابت و برابری می‌کند. مجله‌ای از طرف اداره باستان‌شناسی بنام «آثار ایران» منتشر می‌شود و توجه علماء و دانشجویان جهان را به صنعت ایران جلب نموده و در آن مقاله‌هایی درخصوص صنعت و آثار معماری ایران نگاشته می‌شود. این اداره مشغول جمع‌آوری نمونه‌های صنعتی ایران از تمام ادور گذشته می‌باشد و آنها را در موزه ملی بمعرض نمایش خواهد گذاشت. این موزه بموقع خود مرکز علاقه علمی دانشجویان ایران و دانشجویان این رشته در تمام دنیا خواهد شد.

فلزکاری در اغلب شهرهای ایران رواج دارد و مهارت و ذوق صنعتی که برای

ایجاد اشیاء صنعتی عالی لازم است نیز وجود میباشد. در صورتیکه هشترينانی یافت شوند که خریدار چنان شاهکارهای صنعتی باشند، اشیاء صنعتی که با بهترین اشیاء فلزی قدیم برابری کنند بست خواهند آورد. فعلاً بیشتر اشیاء وظروف برنجی ونقره که در ایران ساخته میشود برای منظور تجاری ورفع احتیاجات روزانه است و بدین جهت با سرعت واژ روی طرحهای معینی ساخته میشود.

آموزشگاه صنایع دولتی در تهران بسیاری از طرحها و نقشه‌های کاشی‌کاری گذشته را تقلید نموده و نقاشیهای دیوار و مینیاتورهای خیلی خوب ساخته است. پارچه‌بافی با دست از روی اسلوب قدیم ادامه داشته و ثابت میکند که استعداد فنی دوباره بعرصه ظهور آمده و فقط محتاج نقشه و طرح صنعتگران بزرگ است تا پارچه‌هایی بافته شود که در ردیف پارچه‌های ادور گذشته باشد.

سفال‌سازی در اصفهان و سایر نقاط مجددًا احیا شده و ظروف زیبائی ساخته شده است. رویه مرتفه چون ظروف سفال هنوز فقط برای استفاده مادی و رفع احتیاج ساخته میشود بخوبی سفال گذشته که در تمام دنیا بی‌نظیر بوده نمیباشد.

نقاشی عصر حاضر دو جنبه دارد: یکی آنست که عقائد و اصول تصویرسازی و نقاشی فرنگی را تعقیب کرده، ولی موضوعهای ایرانی کشیده میشود؛ دوم آنکه سبک و روش مینیاتورسازی قدیم ایران را احیاء نموده و تعقیب میشود. در قسمت مینیاتورسازی بعضی کارهای خوب کشیده شده است. کتاب رباعیات عمر خیام که در نیویورک بهچاپ رسیده مینیاتورهای رنگی خوب دارد. بعضی از نقاشان معاصر سبک مینیاتورسازی قدیم ایران را با طرز نقاشی طبیعی اروپا توأم کرده اند.

گرچه آینهای چیزهای قابل توجهی بوجود آورده اند، اما هنوز منتظر تجدد صنعتی عالی در نقاشی باید بود. در اصفهان صنعتگرانی هستند که مینیاتورهای ظریف روی عاج، استخوان و صدف میکشند. جلد کتاب، جعبه مقوایی و درهای چوبی ساخته شده که روی آنها بسبک مینیاتورسازی نقاشی شده است. دست بندهایی که از عاج یا صدف ساخته و روی آنها را مینیاتورسازی میکنند اخیراً در ایران زیاد معمول شده و بعضی از آنها

را خیلی خوب ساخته‌اند.

در قسمت قالی بافی ترقی محسوسی مشاهده می‌شود و دو عامل مهم موجب آنست: اولاً، اینکه بر صادرات قالیهای که رنگ جوهری دارند مالیات سنگینی بسته شده و ثانیاً طرحهای مخصوص ایران و رنگ آمیزی قدیم تشویق شده است. با وجود این صنعت قالی بافی هنوز از حیث جنس و رنگ و نقشه، زیاد تحت تأثیر تجارتی می‌باشد. بعضی قالیهای که اخیراً در ایران و مخصوصاً در تبریز بافته شده در نهایت خوبی است و از حیث طرافت بافت با قالیهای قدیم برابری می‌کند. برای بافت آنها نخ پشمی نارک از نقاط دو مانند یزد و نجف ابریشمی از نقاط مختلف ایران می‌آورند. این قالیها ثابت می‌کند که صنعت قالی بافی خصائص قدیمی خود را از دست نداده و هنوز قالیهای میتوان یافت که از حیث مهارت فنی با بهترین قالیهای دوره‌های گذشته رقابت و برابری کنند.

اگرچه دوره ساختمانی عصر حاضر با ساختن جاده‌ها، کارخانه‌ها و راه‌آهن که از مهترین و اولین لوازم و احتياجات احیاء زندگانی اقتصادی کشور است شروع شده، ولی در قسمت معماری نیز کارهای زیادی شده است. مقدار زیادی از عمارت‌ها و ابنیه امروز بسبک معماری فرنگ ساخته شده و با عناصر معماري ایراني توأم و ترکيب گشته است. بنهايانی نیز ساخته شده که کاملاً با اسلوب و اصول معماري ايراني مطابقت دارد و در عین حال دارای همه گونه لوازم راحتی اجتياجات زندگانی جدید می‌باشد. از جمله آنها چهار بنا در تهران برجسته است. در میان اولین بنایی که بسبک معماري قدیم ایران ساخته شده بنای مرکزی كالج البرز است. عمارت بانگ شاهنشاهی ایران از ابینه زیبائیست که با اصول معماري قدیم ایران ساخته شده و آجر و کاشی در ساختن آن ترکيب يافته. عمارت بانگ ملی ایران طرحهای قدیم را با اصوله جدید و عناصری از معماري شوش و تخت جمشید توأم نموده. در ساختن هوزه ملی از طاق هلالی ابینه ساسانی تقلید شده و در ضمن برای اینکه اشیاء نفیسه خوب نمایانده شود روش جدیدی برای روشنائی پکار برده شده است. از ترکيب اصول این ابینه و ساخته‌مانهای دیگر شاید سبک جدید^{۶۷}

در معماری ایران بوجود آید که دارای خصائص مخصوص ایرانی بوده و زیبا و قابل استفاده و محکم باشد.

بنظر میآید که در عصر حاضر عناصر لازم برای یک تجدد بزرگ صنعتی هر جو وجود است. در طی فصول این کتاب مشاهده کردیم که چگونه استعداد صنعتی این کشور با وجود تهاجم و لشگر کشی ها و حوادث و اتفاقات دیگر از بین نرقه و ذاتی و جبلى ملت ایران است. مهارت فنی و روح صنعتی وجود دارد و این مطلب بوسیله کارهای متعدد صنعتی که در عصر حاضر انجام داده شده ثابت میگردد. بعلاوه تاریخ این کشور نشان میدهد که صلح و امنیت و رفاه اقتصادی همیشه با ایجاد کارهای بزرگ صنعت و معماری توأم بوده است. سلطنت اعایحضرت همایون رضاشاہ پهلوی چنان امنیت و رفاهی بهالی این کشور بخشیده که انتظار همه گونه پیشرفت و احیاء بزرگ صنعتی در این کشور میرود.

از اساس و لوازم این پیشرفت معرفت بکارهای گذشته صنعتی در زمان قبل است. این کتاب کوچک سعی میکند که در این راه خدمتی نموده باشد. اخيراً در بین ملل اروپا و امریکا علاقه زیادی به صنعت و معماری ایران پیدا شده و نمایشگاههای بزرگی مانند نمایشگاه صنایع ایران در لندن و انجمنهای مانند کنگره لینین گراد تشکیل یافت. در پاریس کنگرهای از علماء و ایران شناسان با پنج نمایشگاه از صنایع ایران در تمام ادوار تشکیل گردید. کتاب صنایع ایران تألیف پرسور پوپ منتشر و در چاپخانه دانشگاه اکسفورد تحت چاپ است. این کتاب مقاله های متعدد دارد که بقلم متجاوز از یکصد نفر از علماء و اهل فن است و دارای هزاران تصاویر مختلف میباشد. تا به حال کتابی باین تفصیل و اهمیت در باره صنعت هیچ ملتی نوشته نشده. البته کشور ایران نباید در قدردانی و معرفت راجع به صنعت خود از ملل دیگر عقب بماند. جلال و شکوه گذشته باید قلب هر ایرانی میهن درست را شاد کرده و یکی از شرایط مهم میهن پرستی باید معرفت در باره شاهکارهای صنعتی گذشته باشد.

در تعلیم و تربیت و برنامه تحصیلات ایران باید تدریس صنایع و فنون اضافه

شود و تمام دانش آموزان لازم است از این قسمت تاریخ کشور خود آگاهی یافته و تعلیم داده شوند. استعداد و پیشوائی ایران در دنیای صنعت مورد تصدیق همه علماء و اهل فن است. پروفسور پوپ میگوید: «صنعت اساسی ترین و مهمترین فعالیت قوم ایرانی بوده و گرانبهاترین خدمت آنان به تمدن دنیا است و تاریخ صنعت ایران بسیاری از مسائل تاریخ فرهنگ بشری را روشن میسازد».

بنا بر این بر هر دانشجوی ایرانی واجب است که از تاریخ صنعت خود آگاه باشد. نه تنها تمام مردم تربیت شده ایران باید از صنعت ایران و تاریخ آن اطلاع داشته باشند، بلکه ایران باید اهل فن و علمائی در این رشته تربیت و تهییه نماید. بقایای زیادی از ما قبل تاریخ در ایران نهفته است و شاهکارهای بزرگ ادوار گذشته در این کشور فراوان و همه جور وسیله مطالعه و تحقیق فراهم است. بعلاوه موze دولتی در تهران مجموعه‌ای خواهد داشت که نظیر آن در هیچ نقطه دنیا دیده نخواهد شد. در اینجا جوانان ایران بقایای ادوار گذشته را دیده و مطالعه خواهند نمود و از این اطلاع و علم بر احوال گذشته نوری خواهد درخشید که راه انجام کارهای بزرگ را در آنیه روشن خواهد نمود. وقتی که صبر و حوصله و مهارتیکه در ساختن قالیهای ایران و بناهای پر از کاشی بکار رفته در قسمت تفحص و تحقیق بکار افتد، این کشور از پیشوایان بزرگ علم و تربیت دنیا خواهد شد.

عشق بزیبائی و جمال در تمام ادوار مونوع اصلی صنایع ایران بوده است. زیبائی و جمال طبیعت ملاحظه و به طرحها و نقشه‌هایی که بتوان آنرا بوسیله اشیاء صنعتی نمایاند تبدیل شده است. قدردانی و علاقه به چیزهای عالی زندگی علامت ترقی و فرهنگ است. فرهنگ و تمدن، حقیقی سنته به منش و سیرت نیکو است و ایمان بخدا و محبت و خدمت بنوع تنها اساس هنر و سیرت پسندیده است. عقلا و علماء ازمنه گذشته کمال مطلوب زندگانی عالی را در سه چیز دانسته اند: نیکی، راستی و زیبائی. صنعت یکی از عوامل بیان زیبائی است و بنابر این از عناصر اصلی زندگانی عالی و تمدن است. ولی در صنعت مانند همه چیز دیگر، فقط راستی قابل دوام و بقا است و چیز نادرست نمیتواند

مارا به کمال مطلوب و سرمنزل حقیقی زندگی برساند. همانطور نیکی یکی از عوامل اصلی در رسانیدن شخص بزندگانی عالی میباشد در صورتیکه بدی بلندی روح را از بین برده و بشر را در ردیف حیوانات میکشاند. حس زیبائی، قدردانی جمال و ذوق و سلیقه در تبدیل آن به شاهکارهای صنعت باید با راستی و نیکی توأم باشد. این عناصر تنها پایه اصلی زیبائی میباشند تا تشکیل تمدنی دهنده که قابل دوام و بقاء باشد.

پایان

صهرت کتاب ها (Bibliography)

از میان کتبهای زیادی که بزبانهای اروپائی در بازه صنایع، معماری و باستانشناسی ایران نوشته شده چند کتاب زیرین که نسبة هم است مورد استفاده مؤلف بوده.

صنایع ایران

صنایع ایران در شش جلد، تأثیف آرپوسور پوپ. چاپ لندن
(The Survey of Iranian Art. Six Volumes and Index. Oxford University Press, London, 1938. Edited by Arthur Upham Pope.)

دانشنامه المعارف اسلامی در چهار جلد. چاپ لیندن و لندن
(The Encyclopaedia of Islam. Leyden and London, 1908 to 1936. Four Volumes and Supplement.)

تاریخ ایران، تأثیف سایکس. چاپ لندن
(A History of Persia. Sir P. M. Sykes. McMillan Co. London, 1915.)

عتیقه ایران، تأثیف دکتر ارنست هرتسفلد. چاپ لندن
(Archaeological History of Iran. Dr. Ernst E. Herzfeld. The Early Periods up to the Sassanian. Oxford University Press, London, 1935.)

مقدمهٔ صنایع ایران، تأثیف آرپ پوپ. چاپ لندن
(An Introduction to Persian Art. Arthur Upham Pope. Peter Davies, London, 1930.)

صنایع تزیینی عصر اسلام، تأثیف دکتر م. س. دیمند. چاپ نیویورک
(A Handbook of Mohammedan Decorative Arts. Dr. M. S. Dimand. Published by the Metropolitan Museum of Art. New York, 1930.)

صنایع ایران، تأثیف دنیسن راس. چاپ لندن
(Persian Art. Various Writers. Edited by Dennison Ross. Very brief. Luzac and Co. London, 1930.)

آثار ایران، تألیف اندره گدار. چاپ پاریس

(Athar-e Iran. Annales du Service Archéologique de l'Iran. Paris. Librairie Orientaliste Paul Geuthner. M. André Godard (Ed.).)

باستان شناسی و اعصار قدیمه

یادداشت‌های هیئت باستان شناسی در ایران تألیف ج. دومرگان. چاپ پاریس

(Memoires de la délégation en Perse. J. de Morgan. Volumes I - XIII. From 1899. Paris.)

آثار عتیقه ایران و حفريات نوش، تأليف م. دیولوفوی. چاپ پاریس

(L'Art Antique de la Perse. M. Dieulofoy. Paris 1884-5. L'Acropole de Suse. M. Dieulofoy. Paris. 1890.)

حفریات ترکستان، تأليف ر. پمپلی. چاپ وانگلتون

(Explorations in Turkistan, Expedition of 1904. Prehistoric Civilizations of Anau. Raphael Pumpelly. Two volumes. Washington, D. C., 1908.)

حفریات تپه حصار دامغان، تأليف دکتر اسمیت. چاپ فیلادلفیا

(Tepe Hissar Excavations at Damghan. Preliminary report in the Museum Journal No. 4, 1933. Complete Report. Dr. E. F. Schmidt. University of Pennsylvania, Philadelphia.)

آثار ما قبل تاریخ ایران، تأليف دکتر هرزلد. چاپ برلن

(Vorgeschichtliche Denkmäler. Ein steinzeitlicher Hügel bei Persepolis. Dr. Ernst Herzfeld, Berlin.)

حفریات تپه گیان تزدیک نهارند، تأليف ج. کنتنوار و ر. گرشمان. چاپ پاریس

(Fouilles du Tepe Giyan près de Nehavand, 1931-1932. G. Contenau et R. Ghershman. Paul Geuthner. Paris, 1935.)

گزارش حفریات تپه سیالک تزدیک کاشان، تأليف ر. گرشمان. چاپ پاریس

(Rapport Préliminaire Sur Les Fouilles de Tepé Sialak près de Kashan. R. Ghershman. Paul Geuthner. Paris, 1935.)

حفریات تورنگ تپه نزدیک استرآباد، تألیف ف. ر. وولسین. چاپ نیویورک
(Excavations at Tureng Tepe near Astarabad. F. R. Wulsin.
Supplement to the Bulletin of the American Institute of Iranian
Art and Archaeology. Vol. II, No. I. March, 1932.)

هنر غهای لرستان، تألیف اندره گدار. چاپ پاریس
(The Bronzes of Luristan. André Godard. Paris.)

هنر غهای لرستان در موزه دانشگاه فیلادلفیا، تألیف ل. لگرین. چاپ فیلادلفیا
(Luristan Bronzes in the University Museum. Leon Legrain. Phila-
delphia.)

ادوار اشکانیان و ساسانیان

امیرانوری ساسانیان، تألیف آ. کرستنسن. چاپ کوبن هاوف
(L'Empire des Sassanides. Par Arthur Christensen. Kbenhavn, 1907.)

حفریات تیسفون. چاپ برلن
(Die Ausgrabungen der zweiten Ktesiphon. Islamische Kunstab-
teilung der Staatlichen Museen. Berlin, 1933.)

سفال عصر اشکانی از سلوکیه، تألیف ن. دبواز. چاپ آمریکا
(Parthian Pottery from Seleucia on the Tigris. Neilson C. Debe-
voise. University of Michigan Press. Ann Arbor, 1934.)

هفتادمین سلطنت بزرگ شرقی، تألیف جورج رالینسون. چاپ نیویورک
(The Seventh Great Oriental Monarchy. George Rawlinson. Two
volumes. Dodd Mead and Co. New York, 1882.)

نقاشی و مینیاتور سازی ایران

مینیاتور سازی و نقاشی ایران و هندوستان و ترکیه، تألیف ف. ر. مارتین.
چاپ لندن
(The Miniature Painting and Painters of Persia, India and Turkey.
From the eighth to the eighteenth century. F. R. Martin. London,
1912.)

مینیاتور سازی ایران، تألیف آرمناگ ب سارکسیان. چاپ پاریس
 (La Miniature Persane du XII^e au XVIII^e siècle. Armenag Bey Sakisian. Paris, 1929.)

مینیاتور سازی اسلامی ایران، تألیف و شرافت. چاپ لیپزیک
 (Die persische - islamische Miniaturmalerei Ph. Walter Schulz. Leipzig, 1914.)

نقاشی ایران، تألیف بازیل گری. چاپ لندن
 (Persian Painting. Basil Gray. Ernest Benn Ltd. London, 1930.)

مجموعه نقاشی ایران، تألیف لارنس بینیون و ج. ولکنسان. چاپ لندن
 (A Book of Persian Paintings. Laurence Binyon and J. V. S. Wilkinson. Oxford University Press, London, 1930.)

بهزاد و نقاشیهای او در ظفر نامه، تألیف سر توماس آرنولد. چاپ لندن
 (Bihzad and His Paintings in the Zafar Namah Ms. Sir Thomas W. Arnold. London, 1930.)

شاهنامه فردوسی، تألیف ج. ولکنسان
 (The Shah Nameh of Firdawsi. J. V. S. Wilkinson. London, 1931.)

مینیاتور سازی اسلامی، تألیف م. س. دیمند. چاپ نیویورک
 (Islamic Miniature Painting. M. S. Dimand. Metropolitan Museum of Art. New York. 1933-1934.)

سفال سازی

سفال سازی اسلامی، تألیف ا. ج. والتر. چاپ لندن
 (Islamic Pottery. A. J. Butler. London, 1926.)

سفال سازی قدیم اسلام و مبدأ آن، تألیف. پوزارد. چاپ پاریس
 (La céramique archaïque de l'Islam at ses origines. Two Volumes. Maurice Pezard. Paris, 1929.)

سفال سازی در صنایع اسلام، تألیف هانری ریویر. چاپ پاریس
 (La céramique dans l'art musulman. Two Volumes. Henri Riviere. Paris, 1914.)

قالی بافی

قالی های قدیم مشرق، تألیف ف. سار و ه. ترنک و الد. چاپ وین و لندن
 (Old Oriental Carpets. Friedrich Sarre and Hermann Trenkwald.
 Two Volumes. Vienna and London, 1926.)

قالی های قدیم از مشرق زمین، تألیف و. فان بود و ارنسٹ کوهنل. چاپ نیویورک
 (Antique Rugs from the Near East. Wilhelm Von Bode and Ernst
 Kuehnle. New York, 1922.)

شرح قالی های مشرق، تألیف دکتر. لویس. چاپ فیلاندیا
 (A Practical Book of Oriental Rugs. Dr. G. Griffin Lewis. Lippin-
 cott Philadelphia and London, 1920)

معماری

معماری در صنایع اسلام، تألیف هانری سلاڈین. چاپ پاریس
 (Manuel d'Art musulman : l'Architecture. Henri Saladin. Paris, 1907.

آذربایجانی معماری خراسان، تألیف ارنسٹ دیز. چاپ وین
 (Churasanische Baudenkmäler I. Ernst Diez. Vienne, 1912-1914.)

آذربایجانی آثار. چاپ برلن
 (Denkmäler Persische Baukunst. Two Volumes Berlin, 1910.)

بهترین و مفیدترین مطالب راجع به معماری در مجله آثار ایران و در کتاب
 صنایع ایران یافت دیشود

مجلات

صنایع اسلامی. چاپخانه دانشگاه میشیگان آمریکا
 (Ars Islamica. Dr. Mehmet AgaOglu (Ed) University of Michigan
 Press, Ann Arbor. Semi-Annual)

گزارش بیکار آمریکانی برای صنعت و باستان شناسی ایران. چاپ نیویورک
 (Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeol-
 ogy. 724 Fifth Avenue, New York City. Prof. Arthur Upham
 Pope, Director.)

فهرست آثار تاریخی ایران

الف	
ابرقو - گنبد علی	اسک (بین ارjan و رامهرمز)
» - مقبره طاووس الحمرین	خرابهای عهد ساسانیان
» - مسجد جمعه	شرف (بهشهر) - باغها و عمارتات
» - مسجد جمعه	عهد صفويه
» - مسجد امام حسن	شرف (بهشهر) - عمارت صفوی آباد
اردستان - خرابهای شهر ساسانی در	اشتر جان (اصفهان) - مسجد قرن
طرف شمال شرق	هشتمن هجری
اردستان - مسجد جمعه	اصفهان - مسجد جمعه
» - منارة مسجد امام حسن	» - مسجد علی
اردستان - خرابهای عهد ساسانیان در	» - دروازه درب کوشک
پای کوه بهبهان	» - منارة خواجه علم
اردبیل - مقبره شیخ صفی و بناهای	» - مقبره سلطان سنجر، ملکشاه
متعلق با آن	و خواجه نظام الملک
اردبیل - مقبره شیخ جبرايل	» - مقبره بابا قاسم
» - مسجد جمعه	» - مقبره پیر بکران در پنج
استخر - غاره شیخ علی	فرسخی اصفهان
» - محل شهر قدیم	» - میدان شاه
استرآباد - تورنگ تپه	نقاره خانه و بازار شاهی (قیصریه)
» - مسجد جمعه	» - عالی قاپو
اسدآباد - خرابهای عهد ساسانیان در	» - مسجد شیخ لطف الله
سه فرسخی مغرب آن محل	» - تالار اشرف

اصفهان - مدرسهٔ ملا عبدالله	اصفهان - مسجد شاه
» - مسجد علیقلی آغا	» - عمارت چهل ستون
» - حمام علیقلی آغا	» - چهار باغ
» - عمارت هشت بهشت و اراضی که فعلاً از غ قدیمی باقی نده	» - پل الله وردی خان (سی و سه پل)
متعلق به عهد صفویه	» - پل خواجو (بابا رکن الدین)
» - مناره چهل دختران مورخ بسال ۱۵۰۱ هجری	» - مسجد سعیا
» - مناره ساربان متعلق به عهد سلجوقیان	» - مسجد ساروققی
» - مناره واقعه در رهروان پنج کیلومتری شمال اصفهان متعلق به عهد سلجوقی	» - مدرسهٔ امامی
» - امامزاده احمد متعلق به عهد صفوی	» - مناره دارو دشت
» - خانقهٔ و مقبرهٔ شیخ ابوالقاسم در نصرآباد مورخ بسال ۸۵۴	» - مدرسهٔ زادر شاه
هجری	» - امامزاده جعفر
» - مسجد ایلچی قرن یازدهم	» - مقبرهٔ بابا رکن الدین
» - دو مناره دارالضیافه نیمه‌اول قرن ششم	» - درب امام
» - مسجد مصری قرن یازدهم	» - شردر مسجد قطبیه
» - مسجد ذرب جوباره قرن دهم	» - سردر بقعهٔ آشیخ امیر مسعود
» - مسجد سرخی قرن یازدهم	» - مقبرهٔ هارون ولایت
	» - مسجد ظلمات
	» - مقبرهٔ موسوم به سنتی فاطمه و چهار مقبره که در آنجا است
	» - تاریخشان بر ترتیب ۱۰۴۱ و ۱۰۷۲ است
	» - مسجد حکیم

بسطام - مسجد شیخ بسطامی که در ۱۵ هجری ساخته شده است	اصفهان - مسجد چارچی مورخ بسال ۱۰۱۹ هجری عهد صفوی
بروجرد - برج مقبره‌ای که هجاوره مسجد جمعه است	» - مسجد لبان از زمان شاه عباس کبیر عهد صفوی
بیستون .. محل بقستان قدیم	» - امامزاده شاپازند عهد صفوی
» - محل موسوم به تخت شیرین	آمل - مشهد هیر بزرگ
» - حجاریها و کتیبه‌های عهد هخامنشی	» - گنبد ناصر الحق
بوشهر - محل شهر قدیم	» - مقبره سه سید
پ	» - مقبره شمس تبریزی
پازارگاد - محل شهر عهد هخامنشیان	» - امامزاده ابراهیم اهر - مقبره شیخ شهاب الدین
پشت کوه لرستان - سلیمان تپه یا زیر زیر تپه	اهواز - خرابه‌های هر وز اردشیر قدیم
پشت کوه - تل بکسایه	ایچ (شمال شرقی نیریز) - مسجد قرن ششم
» - تل سیاعات خریز	ایوان کرخه - خرابه‌های شهر عهد ساسانیان
پل دختران - روی رودخانه قزل اوزن	ب
ت	بارسیان (اصفهان) - مسجد جمعه و مناره قرن پنجم هجری
تبریز - خرابه‌های مسجد آبی	بارفروش - امامزاده محمد باقر باز در جنوب شرقی سوریان (فارس)
» - وزیر علیشاه	امامزاده همزه قرن دهم
» - مسجد جمعه	بروجرد (لرستان) - مسجد جامع مربوط به عهد سلجوقیان
تخت جمشید - تخت و محل شهر سلطنتی قدیم	
دو تپه متعلق به عهد ما قبل تاریخ	

<p>جلفای اصفهان - کلیسای سن سور</p> <p>خ</p> <p>خارگرد (خراسان) - مدرسه‌ای که در قرن نهم بنا شده است</p> <p>خارگرد (خراسان) - مسجد جامع خرم‌آباد (تپه‌های مجاور کلدان) شاهین آباد وغیره</p> <p>خسرو گرد - مقبره‌ای که می‌گویند متعلق بدختر انبیاک است</p> <p>خیار - مقبره شیخ حیدر</p> <p>د</p> <p>داراب کرد - قلعه در پنج کیلومتری جنوب شهر</p> <p>» - مسجد سنگ مورخ ۶۵۲ هجری</p> <p>» - نقش رجب موسوم به نقش رستم ساسانیان</p> <p>دامغان - خرابه‌ها و تپه‌های واقع در جنوب غربی شهر</p> <p>» - مقبره پیر علم دار</p> <p>» - مسجد و منارة چهل ستون</p> <p>» - منارة مسجد عمده آنجا</p> <p>» - مقبره چهل دختران</p> <p>» - امامزاده جعفر</p>	<p>تخت سلیمان (آذربایجان شرقی) - خرابه‌ای شهر و آشکده عهد اشکانی و مغول</p> <p>تربت شیخ جام - مزار شیخ جام و بناهای متعلق با آن</p> <p>تربت حیدریه - مقبره‌ای که توسط خواجه نظام‌الملک در کدکان نزدیک شهر ساخته شده است</p> <p>تنگ کران در شمال شرقی فسما - آشکده ساسانیان</p> <p>تنگ آب در ساحل راست فیروزآباد - دو نقش بر جسته از زمان ساسانیان</p> <p>تنگ سوالک (در کوه‌های بختیار) - نهوش بر جسته از عهد اشکانیان تهران - امامزاده زید تاریخ ضریح ۵۹۰۲ هجری است</p> <p>» - تپه متعلق بعهد ما قبل تاریخ در مجاور هر تپه کرد</p> <p>» - مسجد سپهسالار</p> <p>» - عمارت نظامیه و نقاشی های آن (فعلاً معروف به لقانطه)</p> <p>ج</p> <p>جنند شاپور - خرابه‌ای عهد ساسانیان</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

ری - سطح زمینی که بشعاع سیصد متر
که مرکز آن تپه بزرگ خانی
چال تلخان است و تقریباً در ۲۴
کیلومتری جنوب غربی تهران است
ری - مقبره بی بی شهر بازو

دزفول (خوزستان) - پل عهدسازیان
دزفول (خوزستان) - مسجد جامع قرن
اول هجری
دماوند - شهر و نقاط هجاور آن
» - مسجد جامع متعلق به عهدسازیو قیان

ز

زدیج - خرابه های پایتخت قدیم سیستان
زواره (اصفهان) - مسجد جامع قرن
ششم هجری
» (اصفهان) - مسجد پامنار قرن
پنجم هجری
زيار - منار اواسط قرن ششم

دورک - خرابه های عهدسازیان
رادکان (زدیک بندر گز) - برج مقبره ای
رادکان (زدیک قوچان) - برج مقبره ای
رامهرمز - (طاق نصرت) - خرابه های
عهدسازیان

رباط کریم (تهران) - معبد موسوم به
تخت رستم عهد اشکانی

رضائیه (آذربایجان) - برج مقبره ای
موسوم به سه گنبد و مورخ بسال
۵۸۰ هجری

» (آذربایجان) - مسجد جامع که
هزار بش مورخ بسال
۶۷۶ هجری است

ری - برج مقبره ای منسوب بطنعل

» - تپه چشم علی و بازوی شهر
» - کوه نقاره خانه

» - مرکز شهر سلجوقیان (حسین
آباد - منصور آباد - حاجی آباد)

س

ساوجبلاغ (مهاباد) - خرابه های شهر
قدیم نزدیک گرده گاروشینکا
» (مهاباد) - خرابه های شهری
نزدیک اندرکش
» (مهاباد) - گامگاه تپه

ساری - مقبره محمد سلطان ریدا

» - « ملا مجدد الدین

» - امامزاده یحیی

سازوق (عراق) - امامزاده هفتاد و دو

تن قرن ششم هجری

سرپل ذهاب - نقش بر جسته سنگی واقع در هورن شمال غربی سرپل در قرن ۲۰ تا ۳۰ قبل از میلاد	ساوه - مناره مجاور مسجد میدان که تاریخش ۴۵۳ هجری است
سرجان - خرابهای پایتخت قدیم کرمان سرخس - مقبره‌ای که در قرن هشتم ساخته شده است	» - مسجد جمعه
سلطانیه - مقبره سلطان الجاتیو خدابنده	» - مقبره سید اسحق
» - مقبره چلی اغلی	سبزوار (خراسان) - مناره‌ای که در حدود شصدهزاری ساخته
» - مقبره ملا حسن شیرازی	شده است
سلماں - حجاری‌های اردشیر با بکان	سرستان - قصر و نقاط مجاور آن
سمنان - مناره عهد سلجوقی	سرپل ذهاب - محل خلمان قدیم آشوریها
» - مسجد جمعه	» - دو حجاری در سنگ کوه
» - مسجد سلطانی	متعلق به ۲۸۰۰ قبل از میلاد
سیمراه (لرستان) - تل شیروان	» - دو حجاری در سنگ کوه
» - لالار	متعلق به ۲۸۰۰ قبل از میلاد
» - دره شهر	» - حجاری در سنگ کوه
» - تلهای تارهان	متعلق به عهد اشکانیان
» - تلهای لورت	» - دکان داود - مقبره
سنگ بست - مقبره و مناره عهد غزنوی سوریان (فارس) - مسجد قرن ششم	متعلق به عهد هد
سین (اصفهان) - مسجد قرن ششم	» - دخمه سنگی معروف به اطاق فرهاد دوره مد
ش	
شاپور - محل پایتخت قدیم	

ط

طاق بستان - نقاط مجاور طاق بستان
 » - محل کانبادنه قدیم
 » - غارهای حجاریهای عهد ساسانیان
 طاق کسری - بنای عهد اشکانیان
 طبس (خراسان) - منار کبیر متعلق
 به عهد سلجوقی
 » - مناره مدرسه دو مناره
 عهد سلجوقی
 طوس - بنای گنبد داری که
 معروف به گنبد هارونیه است

ف

فخر یکیه (در جنوب دریاچه رضائیه) -
 دخمهه سنگی عهد مد
 فراش بند - بنای کوچک گنبد دار متعلق
 به عهد اشکانیان
 » - نقاط اطراف بنای کوچک
 گنبد دار
 فسا - تپهای که در محل به قلمه ضحاکی
 موسوم است.

فیروزآباد - خرابهای آتشکده عهد ساسانی
 » - عمارت عهد ساسانیان که اردشیر
 ساخته است

» - قلعه دختر
 » - محل گور قدیم

شاپور - حجاریهای عهد ساسانیان

» - مجسمه شاپور در یک غار کوهستان
 شیراز - تخت ادر سلیمان و نقاط
 مجاور آن

» - حجاریهای عهد ساسانیان در

مجاورت تخت مادر سلیمان

» - خرابهای مسجد عقیق که
 عمر و بن لیث ساخته است

» - مسجد نو که اتابک سعد بن

زنگی آزاد ساخته است

» - باغ و عمارت هفت تن

» - مدرسه خان

» - مقبرهای که میکویند متعاق به
 دختر اتابک است

» - مقبره سید علاء الدین مورخ

بسال ۴۹ هجری عهد صفوی

» - مقبره کریم خان زند موسوم

به کلاه فرنگی کریم خان در ۲۳

صفر ۱۱۹۳ هجری وفات یافت

شیراز - مسجد وکیل

شووش - محل شهر و تپهای مجاور آن

شوشتار (خوزستان) - پل عهد ساسانیان

» - مسجد جمیعه قرن سوم هجری

ص

صحنه - مقبرهای که در کوه کنده شده
 متعلق به عهد مد

<p>قم - مسجد جمیعه</p> <p>» - امامزاده علی بن جعفر مورخ سال ۷۴ هجری</p> <p>قمشه - مقبره شاد رضا</p> <p>ك</p> <p>کاشان - محل و نقاط اطراف معبد عهد ساوکید</p> <p>» - مسجد میدان</p> <p>» - مزارهایکه در قرن پنجم بنا شده است</p> <p>کاشان - امامزاده حبیب بن موسی متعلق به عهد صفویه</p> <p>» - باغ شاه فین متعلق به عهد صفویه</p> <p>» - مدرسه سلطانی</p> <p>» - هناره مسجد جمیعه عهد سلجوقی</p> <p>کاظم آباد - (سیستان) مزارهایکه در عهد سلجوکیان بنا شده است</p> <p>کتاکون (فارس) - حجاری عهد عیلام کرکوت - (سیستان) - خرابهای عهدی که در عهد ساسانیان ساخته شده است</p> <p>کرات - بر جیکه متعلق به قرن پنجم باقی است</p> <p>کرمان - گنبد سر</p> <p>» - مدرسه گنجعلی خان عهد صفوی</p> <p>» - مسجد پامار</p> <p>» - مقبره خواجه اتابک</p>	<p>فیروزآباد - پل عهد ساسانیان</p> <p>فیروزآباد (خراسان) مناره عهد ساسانیان</p> <p>فهلیان (فارس) - دخمه سنگی موسوم به داود دختر</p> <p>» - خرابهاییک شهر هخامنشی</p> <p>ق</p> <p>قائان (مکران) - مسجد جامع مورخ بسال ۷۷ هجری قرن هشتم هجری</p> <p>قدمگاه (خراسان) مورخ سال ۱۰۹۱ هجری</p> <p>قصیریان - دونهایی عنده ساسانیان موسوم به قصر شیرین و خوش کوری</p> <p>قرزین - سر در عمارت سنگی قایرو</p> <p>» - مدرسه حیدریه</p> <p>» - مسجد جمیعه</p> <p>» - مسجد شاه</p> <p>» - امامزاده حسین بنای عهد سفرزی</p> <p>که در سلطنت شاه اسماعیل ساخته شده است</p> <p>قم - امامزاده شاهزاده ابراهیم قرن هشتم هجری</p> <p>» - مرقد حضرت، عصوه (ع) و مقبره شاه صفی اول و شاه عباس ثانی</p> <p>» - مقبره هائیکه در ۱۹۵ هجری ساخته شده است نزدیک دروازه کاشان</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

مرد دشت - نقش رستم	قم - مسجد جامع قرن هفتم هجری
» " - نقش رجب	» - گنبد حلبیه عهد ساجوی
" - محراب مسجدی که ابوسعید ساخته است	کر (اصفهان) - مناره قرن ششم هجری
محلات - در شمال خمین - خرابه های	کمادین - خرابه های شهر قدیم موسوم
سعید عهد اشکانیان	به اسپوس
" - محراب امامزاده ابوالفضل و	کیگاوند - محل کتکبار قدیم -
یحیی متعلق به عهد غول	خرابه های اشکانیان
راغه - قبره قفرمز	کوه خواجه - خرابه های عهد اشکانیان
" - مقبره نسوب بمنادره لکو	و ساسانیان
" - مقبره مدور بجاور نمره ۱۳۵	کشیمار - مقبره متعلق بقرن هفتم هجری
" - گنبد عناریه	گ
" - کوی برج	گرگان - محل شهر قدیم و محلات خارج آن
مسجد سلیمان (خوزستان) آتشکده زمان	» - گنبد قابوس
اشکانیان و ساسانیان عهد اشکانی و ساسانی	گرمادیز (کرمان) میل نادری
مشهد - چگونه بنناهائی که متعلق به بقعة	گلپایگان - مسجد جامع
حضرت نامن الائمه است	گلپایگان - مناره سلجوقی
" - مصلی	" - امامزاده هفده تن هورخ بسال
" - قبره خواجه ربیع	۱۰۳۲ الی ۱۰۳۲ عصر صفوی
" - مسجد شاه	ل
مشهد - مدرسه دودر مورخ بسال ۸۴	لاجین - مقبره ای که بصورت برج است
هجری قرن نهم هجری	م
مهمازدost (دامغان) - برج عصو زاده	مال امیر - حیجار یکه در سنگ کوه احداث
سلجوقیان	شده و کتیبه ها
ن	" - محل پایتخت قدیم
نائین - مسجد متعلق بقرن چهارم موسوم	ماهون - بقعة و مرقد شاه نعمت الله ولی
به مسجد علویان	

۵

هليلان - خرابه های شهری که ممکن است بیت یوناکی آشوریها باشد.

همدان - محل اکباتان قدیم و نقاط مجاور آن

» - گنجنامه کتبیه عهد هخامنشی

» - شیر سنگی متعلق به عهد اشکانیان

» - مسجد متعلق به قرن هشتم

» - مقبره استرو مرد خای

هندیجان (بین سنك وارجان)

خرابه های عهد ساسانیان

۶

يارهور - خرابه های عهد ساسانیان

يزد - مسجد جمعه

» - مقبره ۱۲ امام

» - مقبره شمس الدین

» - مقبره سید رکن الدین مورخ بسال

۷۲۵ هجری

» - مسجد میر چخماق که سر در آن

مورخ بسال ۸۴۱ هجری است

» - مصلی تاریخ ۹۵۸ هجری

نائین - مسجد بابا عبدالله

نهاوند - تپه کیان و نقاط مجاور آن

طنز - بنای عهد ساسانی

» - مسجد جمعه

نیریز - سجد جمعه

نيشابور - امامزاده محمد معروف

عهد صفوی

نيشابور - الف - تپه البارسان و نقاط

مجاور آن بشعاع يك كيلومتر

ب - تپه آهنگران

ج - تپه شادیز

د - تپه بی اسمی که از سایر تپه ها

بیجاده فعلی مشهد نزدیکتر است

نسور آباد (فارس) - نقش بر جسته ساسای

نياباد (خوزستان) - مسجد مولانا مورخ

بسال ۸۴ هجری قرن نهم هجری

و

ورامین - مسجد کهنه متعلق به قرن هشتم

» - برج مقبره علاء الدین (متعلق

بحدود ۶۸۰ هجری)

» - امامزاده یحیی

وسکت - برج مقبره ای

فهرست اسامی جزئیاتی

۷

۱۰۵	اروپا	۶۸، ۶۹، ۷۰	آذربایجان (تالار)
۵	اسپانیول	۳۶، ۳۷، ۴۹، ۵۴،	آذربایجان
۸۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲	استخر	۵۵، ۹۰، ۲۱۵	آستانه امام رضا (مشهد)
۲۸	استرآباد	۱۸۴، ۱۹۲، ۲۰۷، ۲۰۸	
۲۰۶	اشرف	۲۱۸	
۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۱	اصفهان	۱۴۴ ۲۲۳ ۱۹۲، ۲۰۶ ۵۷	آنکه آکسفورد (دانشگاه) آمل آنسان
۱۹۱	اطریش		
۹۳	اطلال		الف
۵۶، ۷۵، ۷۸، ۱۰۰	اکباتان	۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۷۷	ابرقو
۱۵۱	امام زاده کرّار	۱۶۶	ادینبرو (دانشگاه)
۱۱۱	اورال (رشته کوه)	۲۱۲، ۲۱۴	اراک
۱۱۱	اوکراین	۳۶، ۴۳، ۴۹، ۱۳۱،	اردبیل
۱۹۱	ایتالیا	۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۲،	
در اغلب صفحات	ایران	۲۰۳، ۲۱۶	
		۱۵۱، ۱۵۴	اردستان
		۴۰	ارمنستان

ت		ب	
١٣١، ١٤٤، ١٤٥، ١٦٥،	تبریز	٥٥، ٨٥، ٨٨	بابل
١٦٦، ١٧٢، ١٧٥، ١٨٠،		١٣٢	بحالیت
١٨٩، ١٩٠، ١٩٤، ٢٠١،		١٣٨، ٢١٥	بخارا
٢١٢، ٢١٥، ٢١٦، ٢٢٢		٢١٦	بخشایش
١١٨،	تخت تقدیس	١٥١، ١٥٤	برسیان
٨، ١٢، ١٥، ٢٢،	تخت جمشید	١١١	برلن
٦٠، ٦٢، ٦٥، ٦٦،		١٥٨، ١٦٠، ١٧٩، ١٨١	بسطام
٧٨، ٨٢، ٨٣، ٩١،		١٨٢	
١٠٨، ٢١٢		١٣٢	بصره
٩٥،	تخت سلیمان	١٦٨	بغداد
١٨٦،	تربت شیخ جام	٢١٥	بیجار
٢٨،	تسالی	٢١٥	بیرجند
٢٨،	تورنگ (تپه)	١٢، ٦٣، ٦٤، ٦٦،	بیستون
٢١٧، ٢٢١	تهران	٩٦	
٨٥، ٩٥، ١١٨، ١٢٤،	تیسفون	٢١، ٢٢، ٢٤، ٣٥،	بن التهرين
١٢٣		٥١، ٨٥، ٩٢، ٩٣،	
		١٠٠، ١١٨، ١١٢، ١٢٤،	
ج		ب	
١٥٥	جبال سنگ	١٢٨	
٢٠	جعفرآباد		
١٨٠، ٢٠٠	جلفا	٥،	پارتون (بنا)
١٥١	جوذون	٦٩،	پارسا (صفه)
١٩٣، ٢١٣	جوشقان	٥٧، ٥٨، ٦٢، ٨١،	پاسارگارد
		٨٢	
		١٩٥، ٢٢٣	پاریس
ج			
٢١، ٣٥، ٩٣،	چشمہ علی	٩١،	پالمیر
٢٠٦،	چهارباغ	٦٦،	پرسپولیس
١٥٨،	چهل دختران	٢٠٥،	پل الله وردی خان
٢٠٤	چهل ستون	٢٠٥، ٢٠٦	پل خواجو
٤، ٨٧، ٩٧، ٩٩،		١١١،	پولتاوا

			چیز
۱۳۱، ۱۴۰، ۱۷۵، ۱۸۰	رادکان	۱۲۸، ۱۶۵، ۱۹۹	
۱۴۰،	رسگت		ح
۱۷۵،	رشیدیه	۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱،	حصار (تپه)
۱۷۵،	رصدخانه مراغه	۳۲، ۳۳، ۳۴	
۸، ۳۶، ۴۹، ۵۴،	رضائیه (دریاچه)		
۱۰۲، ۱۰۶			خ
۳۶، ۱۶۱	رضائیه (شهر)	۳۷	خاکستر (تپه)
۲۱۴،	رفسنجان	۲۱۳،	خرز (دریا)
۳۵، ۸۵، ۸۹، ۹۰،	ری	۱۵۸،	خسر و گرد
۹۱، ۱۰۰، ۱۷۷، ۱۱۸،		۸۵، ۹۲، ۹۳، ۹۴،	خوابجه (کوه)
۱۳۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷،		۹۷، ۹۸، ۱۲۲	
۱۶۰، ۱۷۲، ۲۱۱، ۲۱۷،		۵۴،	خورس آباد
		۸۴	خوره (دره)
		۹۷،	خوزستان
۲۰۳، ۲۰۵	زاینده رود	۱۰۱	خوی
۱۷۶، ۱۸۰، ۲۱۲، ۲۱۶،	زنجان		
۱۵۱، ۱۵۴	زواره		د
		۸، ۲۹، ۳۵، ۴۹،	دامغان
		۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۳۱،	
۱۱۱	ژاپون	۱۴۰، ۱۵۹	
		۲۸،	دانوب
		۵۵،	داودختر
۵۴،	سارگاگون (قصر)	۸۶،	دجله
۲۱۳،	ساروق	۲۱۴،	درجزین
۸۵، ۱۲۸	سامره	۲۱۱،	دروازه قرآن
۱۴۴،	ساوه	۵۸،	دشت مرغاب
۲۱۶	سراب	۱۵۵، ۱۷۵، ۱۸۱،	دماؤند
۲۱۳،	سربند	۸۵، ۸۶، ۹۷، ۹۹	دورا اروپا

			سرخس
			سرمشهد
			سرستان
۶۹، ۷۰،	ص	صد سعون (قصر)	سلدوز
			سلطان آباد
	ط		سلطانیه
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۵،	طاق بستان	۱۷۲، ۱۷۶،	سلماس
۲۱۱		۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۱	سلوکیه
۱۲۲، ۱۲۵، ۱۷۵، ۱۸۸،	طاق کسری	۸۵، ۸۹، ۹۰، ۹۱	سمرقند
۱۲۴،	طاق گیرا	۱۶۸،	سنگ بست
۱۵۹،	طبس	۱۳۷،	سنندج
۱۷۷، ۱۷۹،	طوس	۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸	سوریه
۱۸۵،	طیبات	۹۷،	سیالک (تبه)
		۲۶، ۲۷، ۲۸،	سیستان
	ع		۸۵، ۹۲، ۹۳، ۲۱۵
۱۹۹، ۲۰۳	عالی قاپو		
۴، ۳۷، ۸۵، ۸۹،	عراق		
۱۲۸، ۱۴۲		ش	شاپور (شهر)
		۱۲۱،	شاپور (کوه)
	غ		شاہرود
۱۴۱،	غزنین	۱۷۸،	شنغار
		۴،	شوروی
		۱۱۱،	شووش
	ف	۸، ۱۶، ۱۷، ۱۹،	
۸۵، ۹۷،	فرات	۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴،	
۸۳،	فراتا دارا	۲۵، ۷۵، ۷۶، ۸۰،	
۱۲۱	فراش بند	۸۲، ۸۵، ۸۷، ۹۱،	
۱۱۱،	فرانسه	۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۸، ۲۰۸،	
۲۱۳،	فراهان	۲۱۱، ۲۱۴	
۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۲۰،	فیروزآباد	۱۵۰، ۱۶۸، ۲۰۸، ۲۱۱،	شیراز
۱۲۱، ۱۲۲		۲۱۴	

ق

۲۱۵،	گروس	۲۸،	قدویه
۱۵۴،	گلپایگان	۲۱۶،	قره جه
۱۷۶،	گنبد سلطانیه	۲۱۶،	قره داغ
۱۵۱،	گنبد علویان	۱۵۱، ۲۰۲	قزوین
۱۵۴، ۱۵۹،	گنبد علی	۵۱، ۱۲۳،	قصرشیرین
۱۸۱،	گنبد غفاریه	۱۹۳، ۲۱۸	قم
۱۳۹، ۱۵۴،	گنبد قابوس		

ک

۶۴،	گنج نامه		
۲۱۶	گوراوان	۱۸۰	کاروانسرای سرچم
۲۴، ۲۵، ۲۶،	گیان (تپه)	۱۸۰	کاروانسرای هلاکو
۱۲۱،	گیرا (دره)	۱۲۱،	کازرون

ل

۱۳۲، ۱۴۰	لام	۲۶، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۷۲،	کاشان
۱۲، ۳۵، ۴۲، ۴۳،	لرستان	۱۷۴، ۱۹۲، ۲۱۳،	
۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷،		۱۶۸،	کتابخانه مصر
۴۸، ۴۹		۱۶۷،	کتابخانه ملی پاریس
۲۲۳،	لندن	۱۶۶	کتابخانه پیر پانت مورگان
۲۲۳،	لینینگراد	۱۹۱	کراکو
۱۱۱، ۱۹۱، ۱۹۳،	لهستان	۲۱۵	کرستان

م

۱۴۰، ۲۰۶	مازندران	۱۰۲، ۱۰۷، ۱۲۴	کرمانشاه
۴۹	ماکو	۹۱،	کنگاور
۸۴، ۲۱۳،	محلات	۵۲، ۵۴، ۵۵	کورانگون
۱۵۱	مدرسه حیدریه	۷۹،	کورینت (کانال)
۱۵۱، ۱۶۳، ۱۸۶	مدرسه خارجرد	۸۵، ۱۱۸، ۱۲۳	کیش
۱۸۶،	مدرسه سلطان حسین باقرها		
۲۰۶	مدرسه شاه سلطان حسین	۲۰۶،	گرده شبی
۴۶،	مدیترانه (جزائر)	۱۳۹،	گرگان

گ

١٣١، ١٨٤، ١٨٥،	مسجد کبود	١٦٠، ١٦١، ١٨١،	مراغه
١٣٢،	مسجد کوفه	١٦٢، ١٦٣، ١٧٧	مرو
١٨٤،	مسجد گوهرشاد	١٨٥،	مزار مولانا شیخ زین الدین
١٥٨،	مسجد مالک کرمان	١٨٩، ١٩٠،	مسجد اردبیل
١٥٨، ٢٠١	مسجد میدان ساوه	١٥٩،	مسجد امام حسن اردستان
١٣٧،	مسجد نیریز	١٥٨،	مسجد پامنار زواره
١٧٩،	مسجد ورامین	١٣٤، ١٣٧، ١٥٨،	مسجد تاری خانه دامغان
١٧٧،	مسجد وقت الساعه یزد	١٧٧،	مسجد جامع ابرقو
١٣٢،	مشاطه	١٥٢، ١٨٢، ٢٠١،	مسجد جامع اصفهان
١٤٥، ٢١٥،	مشهد	١٥٨،	مسجد جامع برسیان
٤،	مصر	١٥٨،	مسجد جامع دامغان
٩١	معبد خورشید	١٧٥، ١٨٢،	مسجد جامع رضائیه
١٣٨، ١٤١،	مقبره اسماعیل سامانی	١٥٨، ٢٠١	مسجد جامع ساوه
١٧٧،	مقبره پیر بکران	١٥٨،	مسجد جامع سمنان
١٣١، ١٤٠، ١٥٩،	مقبره پیر علمدار	١٣٥،	مسجد جامع شیراز
١٥٩،	مقبره چهل دختران	١٥٦، ١٦٣،	مسجد جامع قزوین
١٧٧،	مقبره حسن کیخسرو	١٧٧،	مسجد جامع کاج
٢١٧،	مقبره حضرت عبدالعظیم	١٥٨،	مسجد جامع کاشان
٢١٨	مقبره حضرت معصومه	١٨٢،	مسجد جامع مرند
١٦١،	مقبره خواجہ اتابک	١٣٦، ١٤١،	مسجد جامع نائزین
١٥٥،	مقبره دروازه امام	١٧٧،	مسجد جامع نظرز
١٦٢، ١٦٣، ١٧٧،	مقبره سلطان سنجر	١٦٢،	مسجد جامع هرات
٢٠٣	مقبره شاه اسماعیل	٢١٧،	مسجد سپهسالار
١٩٣،	مقبره شاه عباس ثانی	٢٠١، ٢٠٣، ٢٠٤،	مسجد شاه اصفهان
١٧٨،	مقبره شمس الدین	٢١٨،	مسجد شاه سمنان
١٣١، ١٩١، ١٩٩، ٢٠٢	مقبره شیخ صفی الدین	١٨٥،	مسجد شاه مشهد
١٧٥، ١٨١،	مقبره عبدالله	٢٠٣، ٢٠٤،	مسجد شیخ لطف الله
١٧٥،	مقبره غازان خان	٢٠١،	مسجد علی اصفهان
١٨٦،	مقبره گوهرشاد	١٧٥،	مسجد علیشاہ تبریز
١٦١،	مقبره مومنه خاتون	١٣١،	مسجد قدیم نائزین

۱۶۱،	نخجوان	۲۰۶	مقبره میر بزرگ
۱۲۲،	نظرن	۲۰۱	مقبره هارون ولایت
۱۰۲، ۱۰۳،	نقش رجب	۱۶۱،	مقبره یوسف بن کوثر
۵۴، ۵۸، ۷۴، ۱۰۲،	نقش رستم	۲۱۴،	ملایر
۱۰۳،		۱۵۸،	منار ساربان
۲۷، ۲۸،	نکرو پولیس (تپه)	۱۵۸،	منار علی
۲۴،	نهاوند	۱۵۸،	مناره سین
۸۵	نیپور	۷۹، ۱۲۹،	موزه برلن
۱۲۹، ۱۴۲، ۱۴۴	نیشابور	۷۸، ۷۹، ۱۶۸، ۱۹۵،	موزه بریتانیا
۸۹،	نینوا	۱۱۸،	موزه پنسیلوانیا
۲۲۱،	نيويورك	۱۹۱،	موزه پولدی پزولی
		۱۴۷،	موزه تاریخی استکھلم
		۴۶، ۴۷، ۹۷، ۱۲۹،	موزه تهران
۱۱۸، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۱	ورامين	۱۵۰، ۱۵۱، ۱۹۲، ۲۲۲، ۲۲۴	
		۱۱۴	
		۱۹۰،	موزه صنایع ترینی پاریس
۸۵، ۹۳، ۹۴، ۹۵،	هاترا	۱۲۹،	موزه عربی قاهره
۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۴،	هرات	۹۱،	موزه قیصر فریدریک
۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴،		۴۶، ۵۴، ۷۹، ۱۴۹،	موزه لور
۴۴،	هرسین	۱۲۹، ۱۵۰، ۱۹۰، ۱۹۱،	موزه مترو پولیتن
۲۱۶،	هریس	۲۰۰،	
۲۹،	هکاتوم پیلوس (شهر)	۹۷،	موزه ملي بغداد
۶۴، ۷۵، ۷۸، ۱۵۱،	همدان	۱۴، ۱۸۹، ۱۹۰،	موزه ویکتوریا و آلبرت
۲۱۴		۷۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۴۶،	موزه هرمیتاژ
۱۱۱، ۱۱۵	هندوستان	۵۵	مرساپیر
۵۲،	هورن	۲۰	موسیان
		۱۵۹،	مهماننوسن
		۱۸۰	میانه
۱۵۵، ۱۷۸، ۱۹۹، ۲۲۲	یزد	۱۹۱	میلان
۴، ۵۵، ۹۲، ۹۷،	یونان		
۹۸،			

فهرست اسامی اشخاص

		ت	
۱۳۷،	ارسلان جاخصب	۱۸۲	آباقا
۱۹۶	استاد محمدی (نقاش)	۶۴،	آترین شوشی
۵	استرالجیس، راسل	۷۸	آریا رامس
۵، ۷۰، ۷۵، ۸۳،	اسکندر کبیر	۵۷	آسیتاک (پادشاه)
۹۲، ۱۶۸، ۱۸۸،		۴، ۳۷، ۵۵، ۸۵،	آشور (قوم)
۶۶	اسکیلوس	۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۴،	
۱۵۱، ۱۵۸	اسمیت، بایرون	۹۵، ۹۸،	
۸۴	اشک اول	۱۱۶، ۱۴۹، ۱۹۹	آگرمان، فلیس
۲۹، ۳۴، ۳۵، ۱۲۷،	اشمید، اریک	۱۴۳، ۱۴۸	آلب ارسلان
۱۳۴، ۱۴۴، ۱۵۰		۱۷۱، ۱۹۵	آقامیرگ تبریزی (نقاش)
۱۷۶، ۱۸۲،	الجاتیو خدابنده	۵۱،	آنوبانی نی (سلطان)
۱۳۴،	المهدی (خلیفه)		
۱۸۸،	امام موسی کاظم	الف	
۱۶۴، ۱۶۸، ۱۸۳	امیر تیمور	۶۴	آرخ بابلی
۱۱۳، ۱۲۳	انوشروان	۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۲،	اردشیر
۴،	اورکلده (کتاب)	۱۱۹	
۶۱، ۶۲،	اولمستد، ا. ت.	۶۹، ۷۰،	اردشیر سوم
۱۹۲	اولیاریوس	۱۰۲، ۱۰۳	اردوان پنجم

			ب
۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۴	خسرو پرویز	۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۴	بايسنقر
۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۳،	خشایارشاه	۱۰۶	بهرام اول
۱۴۳، ۱۵۲	خواجه نظام الملک	۱۰۶	بهرام دوم
۱۹۹،	خواجه غیاث الدین علی	۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۶۸	بهرام گور
		۱۷۰، ۱۷۱، ۱۹۴، ۱۹۷	بهزاد، کمال الدین
		۱۹۵	بینیون، لارنس
			پ
۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶،	داریوش کبیر		
۷۳، ۷۶، ۷۸			
۲۸،	دولسین، ف. ر.	۴۸، ۱۲۶، ۱۵۱، ۱۷۸،	پوپ، آرتو
۱۷	دومرگان، ج.	۱۸۲، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۳	
۲۰۰	دیمیذ، م. س.	۱۷۰	پیر سید احمد تبریزی
			ت
۶۳، ۶۴،	رالینسن	۵۰،	تاریخ عتیقه ایران (کتاب)
۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۵،	رشید الدین فضل الله	۴، ۸۰،	توراه (کتاب)
۱۹۸،	رضاعباسی (نقاش)		
۱۹۵	روتشیلد، بارون ادوارد	۱۶۶، ۱۶۷	جامع التواریخ (کتاب)
		۱۶۹، ۱۹۶	جامی
۱۳۲	زیادبن ابیه	۱۸۵	جهانشاه قره قونیلو
			ج
۵۲	ساربانی پیرینی (سلطان)	۶،	چارلز دوقم
۱۶۹، ۱۹۶،	سعدی	۱۶۴،	چنگیزخان
۶۴	سکون خای سکیتی		
۱۷۹، ۱۸۲	سلطان ابوسعید		ح
۱۷۰،	سلطان حسین باقررا	۱۹۶	حافظ
۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵	سلطان سنجر	۱۴۸	حسن الکاشانی
۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۶	سلطان محمد (نقاش)		

	ط		سلطان محمود غزنوی
۱۳۲،	طبری	۱۳۷، ۱۴۱، ۱۵۲	سومر
۱۴۲، ۱۴۳،	طغرل بیک	۴، ۲۴، ۳۷،	
			ش
	ع	۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۲،	شاپور اول
۱۹۶،	عبدالصمد شیرازی (نقاش)	۱۲۳	
۱۸۲،	عبدالمؤمن بن شرفشاه	۱۰۷، ۱۱۲،	شاپور دوم
۲۰۸،	علیرضا خوشنویس	۱۸۸، ۱۹۴، ۲۰۱	شاه اسماعیل صفوی
۲۲۱	عمرخیام (رباعیات)	۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۸۴	شاه رخ
۱۳۹،	عمرو بن لیث	۱۸۶،	شاه رخ بهادر
		۲۰۸،	شاه سلیمان صفوی
	غ	۱۸۹، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،	شاه طهماسب
۱۶۶، ۱۷۵،	غازان شاه	۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹،	
۱۹۱،	غیاث الدین جامی	۱۹۸، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۸	شاه عباس ثانی
۱۸۶،	غیاث الدین شیرازی	۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۹،	شاه عباس کبیر
		۲۰۱، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴	
	ف	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹،	
۲۱۱، ۲۱۸	فتحعلیشاه قاجار	۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹،	شاہنامه
۶۴،	فرادا مروی	۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷،	
۱۷۹،	فردوسی	۱۵۳، ۱۶۰،	شروعدر، اریک
۶۴،	فرورتیش مدی	۱۹۸،	شفیع عباسی (نقاش)
۱۳۰	فلوری ماس	۱۸۵،	شمس الدین (معمار)
۸۳	فیلیپ	۱۷۱، ۱۹۷	شیخ زاده حراسانی (نقاش)
		۱۸۸،	شیخ صفی الدین اردبیلی
	ق	۲۰۴،	شیخ لطف الله
۱۷۱،	قاسم علی (نقاش)		
۱۸۶،	قوم الدین (معمار)		ص
			صغر علی اصفهان (معمار)
			صنایع ایران (کتاب)
۶۶،	کامبیز دوم	۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۰، ۲۲۳،	

۱۴۳، ۱۵۲،	ملکشاه	۲۰۸،	کریم خان زند
۱۶۶،	منافع الحیوان (کتاب)	۸۲،	کسون، استانلى
۹۶،	مهرداد دوم	۱۹، ۲۴،	کنتو، گ
۱۹۵،	مولانا مظفرعلی (نقاش)	۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۳،	کورش کبیر
۱۹۵،	میرزا علی (نقاش)	۴۰،	کیث، سر آرتور
۱۹۵، ۱۹۶،	میرسیدعلی (نقاش)	۴۵،	کیومرث
۱۶۸،	میرعلی تبریزی		
۱۵۱	مینورسکی، و.		
			گ
		۱۲۲، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۵۱،	گدار، آندره
		۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۷۷،	
		۱۸۰، ۱۸۲،	
۲۰۸،	نادرشاه		
۵۱،	نارامسین	۹۶،	گریلو
۲۱۸،	ناصرالدین شاه	۹۶،	گوتارز دوم
۱۸۳،	نظام بندگیر تبریزی	۶۴، ۶۶،	گوناما (معن)
۱۶۹، ۱۹۵، ۱۹۶،	نظامی	۲۴، ۲۶،	گریشمان. ر
۱۸۵،	نعمت الله بن محمد الباب	۴۵،	گیل گامش انکیدو
۱۹۳	نعمت الله جوشقانی		
۱۷۰،	نوائی، امیر علیشیر		
۶۴،	نى دین توبول بابلی	۸۵	ل
		۲۲	لافتوس، و. گ.
			لنگرودوف، الکساندر
	و		
۱۰۴، ۱۰۵	والرین (امپراطور روم)		م
۴،	ولی، لئاردو	۱۶۵	مانی
۶۴،	وهیزادات، اسمیریس دوم	۲۱۸،	محمد اصفهانی
۱۵۶، ۱۶۲،	ویلبر، دونالد. ن.	۲۱۸،	محمدعلی کاشی پز
		۱۵۴،	محمد شاه
		۱۹۷،	محمد مذهب (نقاش)
	ه		
۸۷،	هان (امپراطور چین)	۶۴،	مرتبه شوشی
۱۹۰،	هتوانی، بارون	۱۹۰،	مقصود کاشانی

هرتسفلد، ارنست

۱۵، ۲۲، ۲۳، ۲۴،

۴۰، ۵۰، ۵۳، ۵۴

۵۵، ۷۴، ۹۱، ۹۲،

۹۳، ۹۵، ۹۸، ۱۱۰،

۱۲۱، ۱۶۰،

۱۷۵،

هلاکوخارن

۱۹۶، همایون (سلطان هندوستان)

۳۶، همز (موسسه)

۵

یوسف وزلیخا (مشنوی)

۲۰۴۲

عدهن : انتخیح صنایع ایران
توقدن : دکتر ج. کریستن ویلسن
ترجمه : عبدالله فربار
تیراز : ۳۰۰۰ نسخه
چاپ اول : ۱۲۱۲
چاپ دوم (چاپ اول فرهنگرا) : ۱۲۶۶
چاپ : چاپخانه پدیده



اتصالات. خاکس.

فریده بیان انتوپ مبتذلین بازار پر کتابه سمن ۱۱۱۰۲

